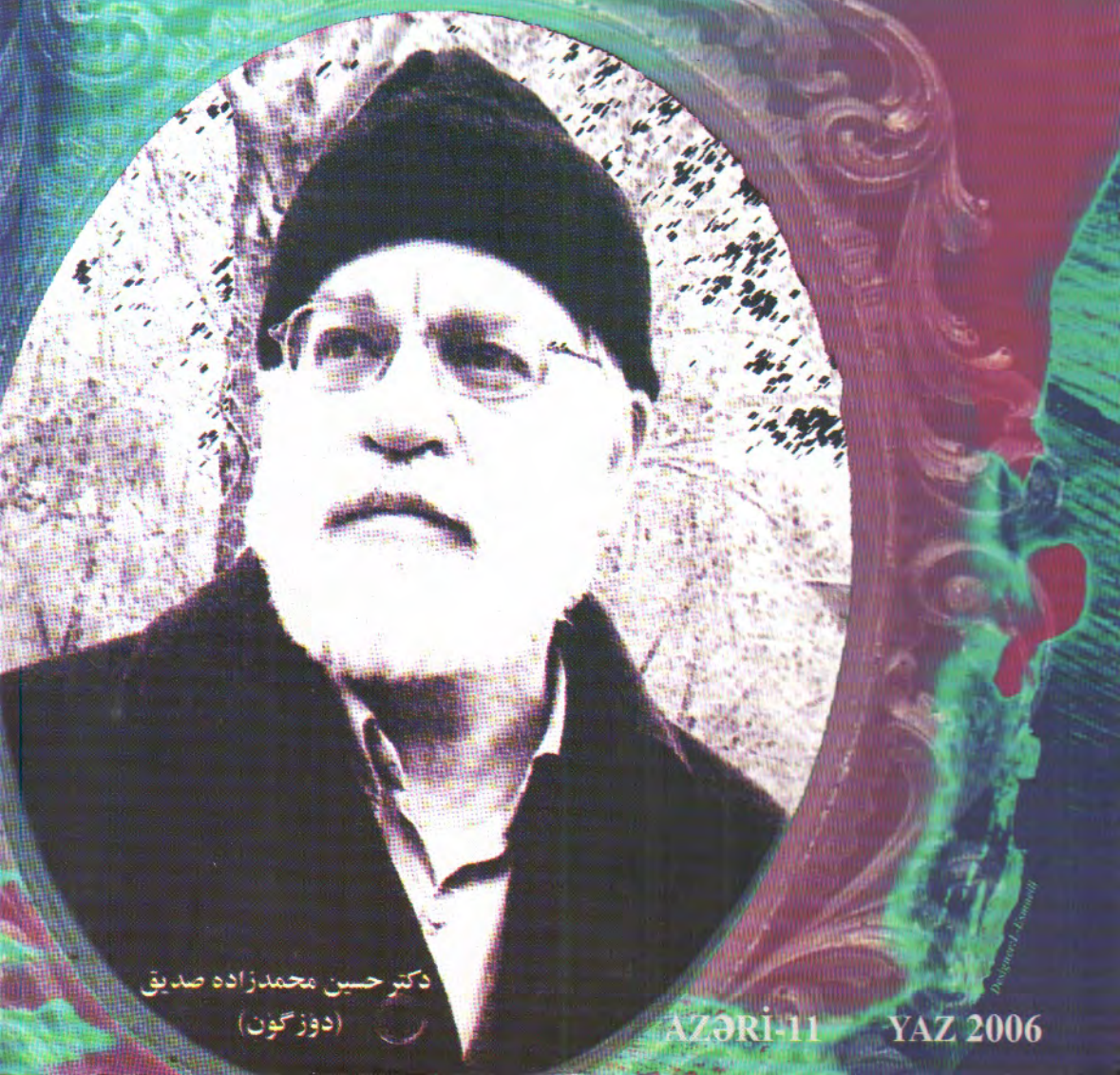
آذری

ائل دیلی و ادبیاتی

فصلنامهٔ (بین المللی) ترکی- فارسی، فرهنگی، اجتماعی، ادبی و هنری شماره: ۱۱ سال سوم بهار ۱۳۸۵



دکتر حسین محمدزاده صدیق
(دوزگون)

AZƏRİ-11 YAZ 2006

آذری

شماره ۱۱ بهار ۱۳۸۵

فصلنامه‌ی (بین‌المللی) به زبان ترکی و فارسی
مجله‌ی فرهنگی- اجتماعی- ادبی- هنری
شماره‌ی ثبت: ۱۲٤/۳۸۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: بهزاد بهزادی
مدیر داخلی: حشمت حافظی
مدیر اجرایی: حسن ریاضی (ایلدیریم)

ویراستار: اکبر صالحی (قاداش)
حروف‌نگار: کاوس نصیری
با همکاری هنری: لاچین اسماعیلی- وقار فرشباف

ناظر چاپ: نشر نخستین، تهران- میدان انقلاب- خیابان ۱۲فروردین- نبش روانمهر- پلاک ۹۲ کدپستی: ۱۳۱٤۷۱۳۱۱۵تلفن:٦٦٤۱۸۹۷۹
چاپخانه: چاپ تصویر، تهران- خیابان آذربایجان،تقاطع اسکندری، اول اسکندری جنوبی، کوچه‌ی اصلانی، پلاک ٤۷۹/۱ تلفن: ٦٦۸۳۲۷۲۰
بهای تک‌فروشی:۱۵۰۰۰ریال
نشانی : تهران، سعادت آباد، میدان کاج، چهارراه شهرداری، ساختمان اداری- تجاری سرو، طبقه ۷، واحد ۲، دفتر وکالت بهزاد بهزادی. کدپستی: ۱۹۹۷۸۵۵۳٤
تلفن: ۲۲۰۹٤۹۰۰ فاکس: ۲۲۳۵۲۲٦۷
پست الکترونیکی : Azari_Eldili@yahoo.com

مجله در حک و اصلاح مقالات وارده آزاد است.

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست

بسیج همگانی در راه گسترش خدمات فرهنگی		۳
چاپیشقان عالیم، مؤختلیف ادبی ساحه‌لرین آراشدیریجی‌سی، یؤرولماز قلم صاحیبی...	مرتضی مجدفر	۸
آمان ـ آمان آنالار الیندن !! . . .	کند اوشاغی	۲۰
«خودو»	حبیب‌فرشباف	۲۲
شئعر	حسن ایلدیریم	۲۴
شرق‌عالمی‌نین دؤنیاشؤهرتلی‌طنزروزنامه‌سی«مؤللانصرالدین»ین ۱۰۰ایل‌لیینی‌مؤناسیبتی‌ایله:	حسن ایلدیریم	۲۶
کاروان سالار نثر واقعگرا	دکترح.م.صدیق	۲۷
ملا نصرالدین، دخو و باقی قضایا...	عمران صلاحی	۳۴
مؤللانصرالدین ژورنالی و آذربایجان روزنامه‌سی حاقئیندا	میرهدایت حصاری	۳۸
«مؤللانصرالدین» و ایران	توران حسن‌زاده	۴۷
مشروطه اینقیلابی و مؤللانصرالدین مجلله‌سی	م. کریمی	۵۱
شئعر- صابیردن ترجومه	احمد شفائی- نسیم شمال	۵۸
دؤننکی دردیمیز، بو گؤنکو قایغیمیز	فیروز رفاهی	۵۹
«مؤللانصرالدین» ادبی مکتبی و کاریکاتور صنتی	ایسلام آغایئو	۶۶
«مؤللانصرالدین چیلر»	ولی‌رحیم زاده	۷۶
«مؤللانصرالدین» مجلله‌سی «آسیاتین اویانما» دؤورونون پارلاق آیناسی	حسن‌ایلدیریم	۷۹
شعر	آقازاده علیایی(علیا)- عباس بارز- کریم ناجی- مسعود آذر- داود خراط اهری	۸۵
بولاق و دنیز	م.ا. به‌آذین	۸۹
مؤتسارت قازاماتدا	ژورژ کولون	۹۴
تاختالی کؤیدن مکتوبلار	عزیز نسین	۱۰۱
«باریشماز»مؤعللمین محکمه اوتاغیندا	همت شهبازی	۱۰۸
شئعر	اکبر صالحی(قاداش)- اسماعیل اوزلکر- بهروز صدیق	۱۱۶
گؤلگو	رضا نوه‌سی	۱۱۹
ائششک داعواسی	میاندوابلی	۱۲۲
بیلقامیس	ای. ولی‌یئو	۱۲۴
یئنی کیتاب‌لارین سیناهیسی	یوسف‌قوسی (فرزانه)	۱۲۸

بسیج همگانی در راه گسترش خدمات فرهنگی

خدمات فرهنگی وسیع‌تر از آنست که به تألیف یک کتاب، سرودن شعر، انتشار مقاله و نظایر آن محدود گردد.

در شرایط موجود که هنوز تدریس به زبان مادری در مقاطع تحصیلی رسیمت نیافته و دانشگاهها آغاز تحصیل رشته زبان و ادبیات آذربایجانی را با وعده و وعید به آینده موکول می‌کنند و عواقب ناگزیر آن، با اشتیاق ترک زبانان به فراگیری زبان و ادبیات آذری، حفظ و اعتلای فرهنگ مردمی، ضرورت یافتن راه‌های مناسب و عملی را پیش می‌آورد.

همزمان با تلاش برای جلب توجه مقامات دولتی در جهت اجرای مفاد قانون اساسی ناظر به حقوق ملت‌ها، باید راهکارهایی را جست و با همت همه‌ی فرهیختگان آذری آنرا به ثمر رسانید، سطح آگاهی ملی را ارتقا داد. یکی از مهمترین راهکارها بسیج هر چه بیشتر نیروها به مشارکت در امور فرهنگی است.

ما ضمن یادآوری چند نمونه از خدمات فرهنگی عمومی، از همه‌ی علاقمندان دعوت می‌کنیم که با توجه به امکانات و مقدورات و با همت والا راهکارهای دیگری را مورد بررسی قرار داده و اجرای آنرا سازمان دهند.

اهدای کتاب به قرائتخانه‌های عمومی

وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی در اکثر شهرها و بخش‌ها قرائتخانه‌های عمومی دایر کرده است. علاقمندان به زبان و ادبیات آذری در مناطق دورافتاده اطلاع و دسترسی به فهرست انتشارات به زبان آذربایجانی ندارند و بهر حال امکان تهیه‌ی آنها برای همه دشوار است.

همکاران ثابت «ائل دیلی و ادبیاتی» در سال ۱۳۸٤ تصمیم گرفتند که «کمیسیون اهدای کتاب» را با هدف جلب نظر مؤلفان، ناشران و فرهنگ دوستان به اهدای کتاب به این مراکز سازمان دهند. در دو نوبت ۱۷۰۰ جلد کتاب به یکصد کتابخانه‌ی عمومی به ویژه در شهرهای کوچک و بخش‌ها اهدا گردید و امیدوار است که با همکاری همه‌ی علاقمندان اهدای کتاب به کتابخانه‌های عمومی ادامه یابد. البته، کتابخانه‌های شهرهای کوچک و مناطق دورافتاده در اولویت قرار خواهد گرفت.

اهدا کنندکان کتاب هزینه‌ی پستی آنرا نیز شخصاً تقبل نموده‌اند. بنظر می‌رسد که کمک نقدی دوستان برای مشارکت در این امر مهم حایز اهمیت خواهد بود.

ما از همه‌ی فرهیختگان آذربایجانی دعوت می‌کنیم که با اهدای کتاب به همه‌ی کتابخانه‌های عمومی، حتی در مقیاس کوچک به کتابخانه‌های عمومی زادگاه و شهر مسکونی خود، در این نهضت فرهنگی فعالانه مشارکت نمایند و صورت کتب اهدایی و نام کتابخانه را برای انتشار و آگاهی همگانی به نشانی فصلنامه‌ی آذری ارسال دارند.

فصلنامه‌ی آذری از لحاظ در اختیار گذاشتن نشانی این کتابخانه‌های عمومی در مناطق ترک‌نشین و ارسال کتب اهدایی برای همکاری آماده است.

آموزش قرائت متون آذری

علیرغم عدم تدریس زبان آذربایجانی در مدارس، تحصیل کردگان و باسوادان آذربایجانی تسلط کافی به قرائت نوشتار با الفبای عربی/ فارسی دارند. آنها به سهولت و با تمرین می‌توانند متون آذری را که با الفبای عربی/ آذربایجانی نگارش یافته یاد بگیرند.

البته، یکسان نبودن قواعد املایی بکار رفته در متون آذری ممکن است یکی از مشکلات تلقی گردد، ولی می‌توان بسرعت بر آن غلبه کرد.

پیشنهادی که قبلاً در این مجله مطرح گردیده باردیگر یادآوری می‌شود. هر آذربایجانی که می‌تواند متون آذربایجانی را بخواند، یک و یا چند نفر از دوستان و آشنایان خود را در خواندن یک و یا چند کتاب به زبان آذربایجانی همراهی کند و آنان را با قرائت متون آذری آشنا نماید.

نوآموختگان نیز به نوبه‌ی خود می‌توانند پس از مدتی تمرین، به دیگران خواند متون آذری را تعلیم دهند.

همه‌ی تحصیل کرده‌های آذربایجانی می‌توانند و باید در این نهضت فراگیر فرهنگی مشارکت نمایند.

باین ترتیب افراد بیشتری به یادگیری زبان ادبی آذربایجانی همت خواهند گماشت و دسترسی به گنجینه‌ی گرانبهای ادبیات آذری خواهند یافت.

به علاوه، افزایش تعداد آشنایان به قرائت متون آذری، موجب بالا رفتن تیراژ کتب و مطبوعات منتشره خواهد شد که به نوبه‌ی خود به گسترش انتشارات به زبان آذری می‌تواند کمک مؤثری نماید.

مشارکت در انجمن‌های ادبی، هنری و فرهنگی

انجمن‌های ادبی، هنری و فرهنگی پاسداران ادب و فرهنگ آذربایجانی بوده و می‌توانند مصدر خدمات ارزنده‌ای در شکوفایی زبان و ادبیات و هنر آذربایجانی باشند. و نقش آموزنده و مشوقی در جهت تربیت استعدادهای جوانان ایفا نمایند.

تشکیل هر چه بیشتر این انجمن‌ها و مشارکت جدی و فعالانه در آنها، همراه با برنامه‌ریزی دقیق و جالب و متنوع یکی از زمینه‌های سودمند فعالیت فرهنگی است.

شرکت در همایش و سمینارها

برگزاری همایش‌ها به مناسبت‌های مختلف از قبیل بزرگداشت پیش‌کسوتان فرهنگی، موضوعات ملی، روزهای بین‌المللی و... فرصت گرانبهایی است که اگر در برنامه‌ریزی و اجرای آن دقت شود بسیار آموزنده خواهد بود و در راستای ارتقای اطلاعات و معلومات افراد مؤثر خواهد بود. حتی‌المقدور دوستان را نیز برای شرکت در این مجامع باید تشویق کرد.

فعالیت در زمینه پخش کتاب و مطبوعات

در اکثر موارد کتاب در تیراژ کم و به هزینه‌ی مؤلف چاپ می‌شود. برخی از فروشندگان کتاب بدون توجه به اهمیت این خدمت فرهنگی بهای کتب و نشریه‌های فروش رفته را بموقع تسویه نمی‌کنند و یا از پرداخت دیون خود امتناع می‌ورزند... ضرر و زیان این رفتار ناپسند را مؤلفان و مدیران نشریان باید تحمل کنند.

پخش کتاب و مطبوعات یک خدمت فرهنگی است. خرید کتاب و مطبوعات و تشویق دوستان به پخش وسیعتر آنها و پرداخت بموقع وجوه حاصله از فروش، ضامن ادامه‌ی انتشارات پربار آثار ادبی به زبان مادری است.

در پایان سخن از همه‌ی خوانندگان محترم دعوت می‌نماید که همانگونه که در امور مربوط به مسائل ملی با همت والای خود کوشا و پیشگام بوده‌اند در بسیج عمومی نهضت فرهنگی نیز مجدانه اقدام نمایید.

بهزاد بهزادی

باش ساغلیغئ

۱۳۸٤- جی ایل بهمن آیئ‌ئین ۳۰-وندا خانیم دوکتور ایراندخت ابراهیمی ابدیئته قوشولدو.

بیز بو آغیر ایتگی‌نی اونون اوغلو بابک آغایا، گلینی اکا خانیما، نوه‌لری خانیم‌لار وصال و مرجان و آغا گیایا، ها بئله ابراهیمی و بهزادی خانواده‌لرینه، بوتون دوست و تانیش‌لاریمیزا باش ساغلیغئ دیله‌ییریک.



خانیم دوکتور ایراندخت ابراهیمی، چاغداش میللی- دئموکراتیک حرکاتین آدلیم قهرمانی اولان فریدون ابراهیمی‌نین باجیسی، ۱۳۰٦- جی ایلده آستارادا دونیایا گوز آچیب، ۱۳۱۵-جی ایلده باکیدا کوچوب، ۱۳۳۳- ده آذربایجان عئلم‌لر آکادئمییاسی، تاریخ عئلم‌لری اونیورسیته شوراسی طرفیندن اونون مودافیعه ائتدیئی دوکتورلوق تئزی یوکسک دیرلندیریلیب وقبول اولور.

خانیم دوکتور ایراندخت ابراهیمی او زاماندان عئلمی ایشلرده چالیشیب وتدقیقات آپاریر.

یاراتدیغئ اثرلر: آذربایجان بیبلیوگرافییاسی، - زینب پاشا – فریدون ابراهیمی- اورمیه، ماراغا،اردبیل و آستارا تاریخی حاققیندا...

او، بوتون عومرو بویو قادین‌لار حوقوقو اوغروندا آپاریلان موباریزه‌نین چالیشقان ایشتیراکچیلاریندان ایدی.

مزاریئ نورلو اولسون، و خاطیره‌سی ابدی یاشاسین.

آذری

اوستاد فرزانه‌نین آنما مراسیمی

ائلی‌نین یوردونون درد-ی قمینه
اوْرکدن یانانئن قاداسئن آلئم

جوْمعه گوْنوْ، ۱۳۸٤- جو ایلین ایسفند آیئ‌نئن ۱۸- ینده تهران‌نین **اندیشه** آدلئ مدنیئت سارایئندا آذربایجانئن تانئنمئش عالیمی **اوستاد محمدعلی فرزانه‌نین** آنما مراسیمی کئچیریلدی.

بو مراسیم، **ساهیر، صابر، نباتی، قاراداغ، ایشیق‌گنجلری،** انجوْمنلزی وْ **آذری و خداآفرین، بهارزنجان،** نشریئه‌لری وْ اوستادئن **عاییله‌سی** طرفیندن قورولموشدور.

مراسیم‌ده آیریْ- آیریْ ادبی انجوْمن‌لرین، اوْ جوْمله‌دن: گوْنئیْ مدنیئت اوْجاغئ وْ ستارخان مدنیئت اوْجاغئ‌نئن حؤرمتلی عوْضولری، ها بئله وارلئیق، یارپاق درگی‌لری‌نین تحریریئه اعضالارئ وْ اوْنلارجا آذربایجان یازئچیْ، شاعیر، صنتکاری وْ یوْزلرجه آذربایجان مدنیئتینین وْورغونلارئ قاتئلمئشدئر.



اوستاد محمدعلی فرزانه

ایلک نوْوبه‌ده مراسیمین آپاریْجیْسئ **کریم قربانزاده،** اوستاد **بهزاد بهزادی**دن مجلیسی آچماق اوْچوْن دعوت ائتدی. اوستاد بهزادی‌نئن چئخئشئندان سوْنرا، اوستاد **فرزانه‌نین** CDسی قوْیولدو، سوْنرا **دوْکتور هئیت** جنابلارئ چئخئش ائتدیلر وْ آردینجا عالیم، شاعیر و یازئچیْلاردان: دوْکتور **حسین محمدزاده صدیق،** اوستاد **امین مؤید،** اوستاد **درفشی،** اوستاد **هاشم ترلان، دوْکتور میرهدایت حصاری، موْهندیس مجدفر، موْهندیس کریمی، دوْکتور ائل اوْغلو، دوْکتور فیروز رفاهی** اوستاد **کاویان، موْهندیس راشدی، دوْکتور سلطانی،** خانئم **فرزانه** وْ **یوسف فرزانه** جنابلارئ اوستادئن حیاتی وْ یارادیْجیْلیغئ حاقدا، چئخئش ائدیب وْ اوْنونلا باغلئ خاطیره‌لر سوْیله‌دیلر.

آذربایجان ساز صنتی‌نین گوْرکملی نوْمایئنده‌سی اوستاد **عمران حیدری** وْ آشیق صنتی‌نین دیْرلی نوْمایئنده‌سی سئوْیملی ائل آشیغئ اوستاد **محبوب خلیلی**‌نین اونودولماز سسی مجلیسه گوْزل بیر طراوت باغئشلادئ.

مجلیس **حسن ایلدیْریم**ئن تشککوْرلری ایله سوْنا یئتدی.



چالیشقان عالیم، موختلیف ادبی ساحه‌لرین آراشدیریجی‌سی، یوزولماز قلم صاحیبی اوستاد دوکتور حسین محمدزاده صدیق (دوزگون)

مرتضی مجدفر

۱۳۵۷- جی ایلین ایسفند آیی، نئچه گون ایدی باشلامیشدیر. اینقیلابین قیزغین گونلرین آرخامیزدا قویموشدوق ومدرسه‌لر، دوردـ بئش آی ایجبار حالیندا تعطیله اوغرادیقلاریندان سونرا، یئنی‌دن آچیلماقدا ایدیلر. مدرسه‌نین بیرینجی گونونو قورتارمیشدیق و دوستلاریملا بیرلیکده اثره دونمکده ایدیم. روزنامه‌چیلرین قاباغی بیر داها شولوق اولموشدور و یئنی- یئنی نشریه‌لر، هفته‌لیکلر و گونده‌لیک‌لر اونلارین بساطلاریندا گوزه دییردیلر.

اثرمیزه ایکی- اوچ یوز قدم قالمیش بیر روزنامه ساتان دککه‌سی واریدی. اورانین قاباغیندا دایانمیشدیم و گوزلریم یئنی نشریه‌لری آراییردی. آتامدان آلدیغیم تأثیر اوزره، نشریه‌لرین آراسیندا، تورکجه نشریه‌لری‌ده آراییردیم... بودور؛ گوزومه ساتاشدی: «یولداش هفته‌لیی». بیر نوسخه آلدیم و اثره گتیردیم. ۱۶صحیفه‌لیک بو کیچیک، آغ جیلدلی مجلله‌نی، اثره آتاملا اوخوماغیمیز، ایکی ساعات آرتیق چکمه‌دی...

آخشام باشی، آتام منی سسله‌یه‌رک دئدی: «گئییین بیرلیکده بورادا یازیلان آدرسه گئدک.» و مجلله‌نین سون صحیفه‌سینده یازیلان آدرسی گوسترردی.

رحمتلیک آتام، منیم سینئیمین آز اؤلدوغونا باخماياراق، منله بیر دؤست کیمی رفتار ائدردی و من اؤنو، اؤزؤم اؤچؤن هم آتا، هم‌ده ان صمیمی و صفالیق بیر دؤست بیلیردیم.

گئتیندیک و یؤلا دؤشدوک. مقصد مجلله‌نین دفتری و حسین دؤزگؤن، مجلله‌نین باش کاتیبی ایله گؤروشمک ایدی. بیر صمیمی، هیجانلی، صلابتلی، جاوان، گؤزلری گؤی، حرارتلی دانیشان و صمد بهرنگی کیمی باشینا ایپ بؤرک قؤیان بیر اؤتوز- اؤتوز ایکی یاشلی بیلگین آدام ایله گؤروشدوک. آتام، «حسین دؤزگؤنؤ گؤرمک ایسته‌ییرم»- دئدی اؤحرارتلی جاوان کیشی، «من صدیقم، حسین محمدزاده صدیق»، دئیه؛ آتاما دئدی: «حسین دؤزگؤن، هله‌لیک گلمه‌ییب‌دیر و ییقین کی سیزین هر نه سؤزؤنؤز اؤلسا، من اؤنا دئیه‌جه‌یم».

آتام، ایلکجه یؤلداشیئن آدی حاققیندا، سؤنرا دا بیر سیرا باشقا مسله‌لر باره‌سینده حسین صدیق ایله دانیشدی.

سؤنرا، آتام، اؤز یازدیغی «شاختالی قیش» و «دؤندو دؤورانیمیز» آدلی ایکی قزلین، هم‌ده ایکی هیجالی شئعرینی، آغا صدیقه وئردی و اؤندان ایسته‌دی بو شئعرلری حسین دؤزگؤنه وئرسین، لاییق گؤرسه، چاپ ائله‌سین. هم‌ده منه ایشاره ائدرکن، دئدی: «بو، بیزیم مورتوز دا، مؤحصیل‌دیر. هله‌لیک ایکی- اؤچ ایل اؤخومالیدیر... اوشاق‌دیر... دیپلؤمو یؤخدور. سیز، هم‌ده آغا دؤزگؤن، بونون الیندن توتون وتؤرکؤ یازماقدا اونا یاردیم ائدین... اؤنو سیزه تاپشیریرام.»

یؤلداشیئن یئددینجی نؤمره‌سینه قده‌ر و سهندین ۱۳۵۸- جی ایلین فروردین آییندا سکته ائدیب، اؤلدؤیؤنه‌دک، گئجه‌لر ساعات سککیزه کیمی، «حسین دؤزگؤن»- و گؤرمک قصدی ایله مجلله‌نین دفترینده قالاردیم و دؤزگؤنؤ بو گؤن ده گؤرمه‌دیم دئیه، اونه ساری دؤنردیم... اؤ گؤن، آغا صدیق، تئلفون آرخاسیندا بیر کیمسه‌یه دؤزگؤن و صدیق کلمه‌لری‌نین بیر معنادا اؤلدوقلاری باره‌سینده دئدیی سؤزلرینی ائشیتدیم و دئهنیمین قیغیلجیم داشلاری، دؤزگؤنله صدیقی، بیر- بیرلری ایله توققوشدوردو و اؤ ایکی

بؤیؤک اوستادئین محضرینده، ایلشمه‌یه باشلادیم؛ بؤتؤن آذربایجان وتؤرکلرین عئشقینده اؤرکلری چئرپئنان اینسانلار کیمی:

من ده سئغار ایکی جهان، من بو جهانه سئغمازام...

بو ایئیرمی سککیز ایلده بیر بالا شاگیرد کیمی، دؤزگؤنؤن کیلاسئندا اؤتورموشام؛ بو کیلاس سؤن سوز وقورتولمازدئر. بو ایللرده نئچه- نئچه بالا بؤیؤک یازئ ایشلرینده، تدقیقی فعالیئت‌لرده، بیر نئچه ال یازما کیتابئین آرخاسئندا گزمکده ونئچه- نئچه نشریه چئخارتماقدا، نئچه ادبی- مدنی اؤجاق قورماقدا، بیر چؤخ کیتاب حاضیرلاماقدا و بئله — بئله سایئسئز- حئسابسئز مدنی وایجتیماعی ایشلرده صدیقین محضریندن فایدالانمیشام و دؤزگؤنؤن بارلئ باغئندان، عطیرلی مئیؤه‌لر درمیشم. آنجاق بو باغ هله‌ده عطیرلی، هله‌ده جاوان‌دئر و اؤتوز اؤچ یاشئندا کی قدیمکی جاوان، ایندی آلتمیش یاشلی قؤجامان اینسان اؤلورسادا، هله ده بیر گنج کیمی حرارتلی و آذربایجان دیل و ادبیاتئ اوغروندا کؤوره‌لن بیر اؤیرنجی تک، هارایلئ‌دئر.

****

بو گؤن، دؤکتور صدیق، عؤمرؤنؤن یئددینجی اؤن ایل‌لیئینه باشلایئیبدئر. دئمک صدیق آلتمیش یاشئین دؤلدورموش و بیزیم آغ ساققالئمیز اؤلموشدور.آذری فصلنامه‌سی‌نین مؤدیری، بهزادی، مندن ایسته‌میشدیر دؤکتور صدیقین ایئیرمی سککیز ایللیک شاگیردی کیمی، اؤنون، آلتمیش یاشا دؤلما دؤیؤنلرینه باشلاتئیش اؤلسون دئیه، اوستادئین حاققئندا بیر مطلب یازئیم. دئمک، منیم کیمی بیر دامجئ، فئیرتئنالئ بیر دنیز باره‌سینده مطلب یازمالئیدئر.

اؤز- اؤزؤمله بئله دؤشؤندؤم کی، من اوستادئین حاققئندا بو قئیسا باشلانئیش‌دان سؤنرا، بیر سئیرا معلومات وئریم و اؤز نؤوبه‌مده، بؤتؤن آذربایجان و تؤرک ادبیاتئ، فؤلکلؤرو، مدنیئتی و دیلینی سئون دوستلارئین ایسته‌ئیم: ۱۳۸۵- جی ایلده، تؤرکلرین وورغونو، یؤرولمادان چالیشان، حسین دؤزگؤنؤن ٦٠-ایللیئی گؤنلرینی عزیزلمک اؤچؤن، هر بیر یئرده اؤنا آغیرلاما مراسیمی توتاق. حسین دؤزگؤن، اؤزؤ تکجه‌سینه، بیر تؤرک

میللتی‌دیر. اؤنو عزیزلمک‌له، تؤرک ائللرینه یاردیم ائده‌رک، هر بیر زامان «دؤزگؤن» یؤلوندا ایرلی‌له‌سینلر. من، حسین دؤزگؤن تانیئتیمینیئ فارسجا تنظیم ائتمیشم وَ بوندان منظوروم بودور کی، اؤنو حؤرمتلی فارس وَطنداشلاریمیزدا تانیسینلار. بو تانیئتیمیئ حاضیرلاماقدا، دؤکتورون ایکینجی اؤغلو «ائللدار، الیندن گلدیئی قده‌ر منه یاردیم ائتدی، آنجاق آذری‌نین صحیفه‌لری محدود اؤلماسینا گؤره، اؤنو خؤلاصه اؤلونموش صورتده تقدیم ائدیریک. دوستلار، دؤکتور صدیقین حاققیندا آرتیق معلومات الده ائتمک اؤچؤن آشاغیدا آدلاریئ چکیلن منبع‌لره مؤراجیعت ائشیتسینلر:

■ - ائلیمیزین آجیئان یاراسیئ، یازان: مؤهندیس محمدرضا کریمی، ۸۰ صحیفه، ۱۳۷۷، ناشر هفته‌نامه‌ی امید زنجان.

■ - دکتر صدیق وَ هویت آذربایجان؛ یازان، مؤهندیس امید نیایش، ۹۶ صحیفه، ۱۳۷۸، ناشیر: پیام تهران.

■ - دکتر صدیق وَ اؤنون یارادیجیلیغیئ؛ یازان امیر چهره‌گشا، ۹۶صحیفه، ۱۳۸۰، ویژه‌نامه‌ی نشریئه اختر.

■ - سؤز سؤزاغیندا؛ یازان: بهروز ایمانی، ۱۳۷۷ (دؤکتور صدیقین شئعرلری باره‌سینده).

■ - فرجام طرح بنیاد آذربایجان شناسی؛ یازان: مؤهندیس لئیلا حیدری، ۱۳۷۹.

■ - رسالات قارا مجموعه؛ یازان: محمدصادق نائبی، ۱۳۸۰.

■ - و...

سال شمار زندگی؛ گزیده‌ی ایام

۱۳۱٤/۱۵/٤- تولّد در محله‌ی سرخاب تبریز. ۱۳۳٦- آغاز به سرودن شعر. ۱۳۳۸- آشنایی با مرحوم محمدحسین برهانی و شاگردی در محضر ایشان. ۱۳۳۹- ورود به دانشسرای مقدماتی تبریز. ۱۳٤۰- تلمذ در محضر مرحوم علی‌اکبر وقایعی «مشکوة تبریزی». ۱۳٤۱- اعزام به روستای هریس جهت معلمی. ۱۳٤۳- آشنایی با مرحوم عبدالصمد امیر شقاقی و تلمذ در محضر ایشان. ۱۳٤٤- شروع به تألیف و ترجمه. ۱۳٤۵- ارسال مقاله و شعر به مطبوعات تهران. ۱۳٤٦ – آشنایی و دوستی با صمد بهرنگی، بهروز دهقانی و علیرضا نابدل، شروع به تألیف فرهنگ ترکی به فارسی. ۱۳٤٦- همکاری در انتشار نشریه‌ی «آدینه» در تبریز، آشنایی با غلامحسین ساعدی. ۱۳٤٦- گردآوری فولکلور آذربایجان، آشنایی با مرحوم استاد حبیب ساهر، تألیف کتاب سایالار،

سرودهای کهن مردم آذربایجان. ۱۳٤۷- انتشار هفته نامه‌ی «هنر و اجتماع» در تبریز، سرودن منظومه‌ی صمد بهرنگی، همکاری با مجله‌ی وحید در تهران و انتشار مقاله‌ی «داستانهای دده قورقود». ۱۳٤۸- ارسال مطالب در موضوع فولکلور آذربایجان به احمد شاملو و همکاری در انتشار هفته نامه‌ی خوشه. ۱۳٤۸- اداره‌ی صفحه شعر و ادب در مجله‌ی امید ایران، تألیف و نشر کتاب «روباه‌نامه». ۱۳٤۹- اعزام به اردبیل، دستگیری از سوی ساواک و حبس و محکومیت و تعلیق از خدمت دولتی. ۱۳۵۰- اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی. ۱۳۵۱- مهاجرت به تهران- انتشار کتاب «واقف شاعر زیبایی و حقیقت». ۱۳۵۲- استخدام در رادیو و تلویزیون به عنوان تهیه کننده. ۱۳۵۲- اخراج از رادیو و تلویزیون، انتشار کتابهای آشیقلار، تاریخ آذربایجان، مسائل ادبیات نوین ایران، آثاری از شعرای آذربایجان و... ۱۳۵۳- ورود به مقطع فوق‌لیسانس رشته‌ی کتابداری، انتشار کتابهای: مقالات تربیت- مسائل زبان شناسی ایران، نظامی شاعر بزرگ آذربایجان و.... ۱۳۵٤- اخراج از دانشگاه تهران، کشف نمایشنامه‌های میرزه آقا تبریزی، ترجمه‌ی منظومه‌ی آرزی و قمبر از حبیب ساهر، تدریس در هنرستان، اشتغال در انتشارات امیرکبیر، انتشار کتاب زندگی و اندیشه‌ی نظامی.

۱۳۵۵ - انتشار کتابهای، مقالات فلسفی آخوندزاده، فلسفه‌ی تکاملی، انقلاب بورژوازی در انگلستان، ازدواج. ۱۳۵٦- تولد اولین فرزند: یاشار، تأسیس انتشارات دنیای دانش و انتشارات شبتاب. ۱۳۵۷- انتشار کتاب کیچیک شعرلر، تأسیس مجله‌ی یولداش، تأسیس جمعیت فرهنگ آذربایجان. ۱۳۵۸- اخذ برگ آزادی خروج از کشور و سفر به ترکیه، ثبت نام در دانشگاه استانبول و تحصیل در مقطع دکتری: زبانشانسی ترکی، و تولد دومین فرزند ائلدار. ۱۳۵۹- تأسیس و انتشار ماهنامه‌ی «انقلاب یولوندا»، مصاحبه با مطبوعات ترکیه، سفر به جمهوری آذربایجان. ۱۳٦۰- موفقیت در دوره‌ی دکتری زبانشناسی ترکی و انتقال موضوع رساله به گروه ادبیات خاورمیانه، انتشار سفرنامه‌ی باکو و کتاب باکی «لؤلؤحه‌لری». ۱۳٦۱- اخذ سفر به بلغارستان به دعوت دانشگاه صوفیه، تولد سومین پسر: سهند. ۱۳٦۱- درجه‌ی PH.D از گروه ادبیات خاورمیانه دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه استانبول و بازگشت به کشور و تأسیس فصلنامه‌ی «یئنی یؤل». ۱۳٦۳- تأسیس انجمن زبان و ادب ترکی، انتشار بولتن ترکی، عضویت در هیئت علمی مراکز تربیت معلم شهر ری، تولد چهارمین پسر: ستارخان. ۱۳٦٤- اشتغال با عنوان مترجم رسمی زبان ترکی استانبولی در دادگستری، تأسیس دارالترجمه‌ی استانبول. ۱۳٦۵- مراجعه به سازمان لغت‌نامه‌ی دهخدا و پیشنهاد

چاپ فرهنگ ترکی به فارسی و مواجهه با رد پیشنهاد. ۱۳٦٦- اخطار وزارت کشور و امر به تعطیل انجمن زبان ترکی، تولد دختر: آی نور. ۱۳٦۷- رد صلاحیت برای تقاضای مجوز انتشار نشریه به زبان ترکی. ۱۳٦۸- شروع به ترجمه‌ی آثار امام خمینی: ترجمه‌ی دیوان شعر، وصیت نامه، نامه‌های عرفانی و ... ۱۳٦۹- تأسیس هفته‌نامه‌ی سهند، تأسیس شعبه‌ی ترکی آذری در بنیاد بعثت، کمک به تأسیس هفته‌نامه‌ی اسلامی بیرلیک در سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت در تأسیس مجلات ترکی این دوره و شروع به تشکیل کلاسهای ترکی در دانشگاههای تهران. ۱۳۷۰- تأسیس کلاس تدریس ترکی در دانشگاه تهران، حضور در کلاسها و همایشهای ترکی در دانشگاهها، تشکیل انجمن ادبی « آنا»، تشکیل همایش بزرگداشت شهریار در دانشگاههای شهید بهشتی و تربیت معلم. ۱۳۷۱- رد صلاحیت در تربیت معلم، رد صلاحیت در دانشگاه آزاد اسلامی تهران، رد صلاحیت در هفته‌نامه‌ی سهند جهت سر دبیری و موافقت ایشان با تفویض صلاحیت سر دبیری به شخص دیگر، حذف کلیه‌ی دروس دانشگاهی و خانه نشینی، رد صلاحیت تدریس در مرکز آموزش عالی فرهنگیان. ۱۳۷۱- شرکت در کنگره‌ی کتیبه و متون و معرفی کتیبه‌های ترکی باستان، شرکت در کنگره‌ی ابن سکیت و معرفی خطیب تبریزی، شرکت در کنگره‌ی سید ابوالقاسم نباتی و انتشار دیوان نباتی در دو جلد ترکی و فارسی، انتشار «یوسف و زلیخا»ی فارسی. ۱۳۷۳- بازنشستگی اجباری از تربیت معلم، جلوگیری وزارت ارشاد از انتشار کتابهای ترکی وی، عضویت هیئت علمی در دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، تشکیل همایش شعر و ادب ترکی در رودهن. ۱۳۷٤- رد صلاحیت در دانشگاه آزاد رودهن، شرکت در کنگره‌ی خواجو در کرمان، انتشار کتاب متون نظم و نثر ترکی. ۱۳۷۵- عضویت در هیئت علمی در دانشگاه آزاد زنجان، رد صلاحیت در دانشگاه زنجان. ۱۳۷٦- عضویت در هیئت علمی در دانشگاه سوره، انتشار کتاب درسی «رسالات موسیقی» و «متون ادبی هنر». ۱۳۷۷- دعوت از سوی دانشجویان آذربایجانی دانشگاههای مختلف کشور برای تدریس درس ترکی، قبول ریاست کتابخانه‌ی علامه طباطبائی. ۱۳۷۸- انتشار کتاب شعر «زنگان لؤلؤحه‌لری»، انتشار مقاله‌ی «احسان کهتری و ترکی ستیزی»، دعوت از سوی دانشکده ریاضی دانشگاه تبریز برای تدریس درس ترکی، ادامه‌ی تدریس ترکی در دانشگاههای تهران و قبول دعوت از سوی دانشگاه صنعتی اصفهان برای تدریس ترکی. ۱۳۷۹- قبول مسئولیت اداره‌ی کتابخانه‌ی بنیاد حکمت و فلسفه، قبول مسئولیت کمیته‌ی علمی پژوهشی کنگره‌ی جهانگیر خان قشقایی، انتشار کتاب «یادمانهای ترکی باستان»، ادامه‌ی تدریس ترکی در دانشگاههای تهران، قبول

دعوت از سوی دانشگاههای تهران و همدان و اصفهان و کردستان برای سخنرانی. ۱۳۸۰- پیشنهاد تأسیس بنیاد آذربایجان‌شناسی، انتشار کتاب «قارا مجموعه»، سفر علمی به باکو به دعوت آکادمی جمهوری آذربایجان، اخذ درجه‌ی پروفئسوری، عضویت در اتحادیه‌ی نویسندگان جمهوری آذربایجان، عضویت در سازمان انسیکلوپدی آذربایجان با عنوان مشاور علمی عالی و ادامه‌ی تدریس در دانشگاه‌ها. ۱۳۸۱- تدریس ترکی در دانشگاه‌های همدان، تبریز و اصفهان، نشر متن علمی «گلشن راز» ترکی، نشر دیوان غریبی.

کتابنامه‌ی آثار

آثار برگزیده و جهانی

۱- قارا مجموعه (کشف، تصحیح، تنفیح و انتشار مجموعه‌ی اشعار ترکی شیخ صفی برای نخستین بار در جهان. ۱- دیوان لغات التـرک (تدوین متن انتقادی و علمی، اثر محمود کاشغری). ۳- آشنایی با رسالات موسیقی. ٤- تصحیح دیوان اشعار ترکی ملامحمد فضولی، همرا با کشف الابیات.

سایر آثار

الف) تدوین و تصحیح انتقادی متون

۱- سایالار، کهن‌ترین سروده‌های مقدس آذربایجان، تبریز، ساوالان، ۱۳٤۹.

۱- نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی، انتشارات طهوری، تهران ۱۳۵۵.

۳- مقالات فارسی آخوندزاده، انتشارات نگاه، تهران ۱۳٥٤.

٤- مقالات فلسفی آخوندزاده، انتشارات ساوالان، تبریز، ۱۳۵۵.

٥- مقالات تربیت، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۵۵.

٦- رند و زاهد اثر فضولی، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۵۵.

۷- از انزلی تا تهران اثر نروس، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۵.

۸- کلاملار، اثر قوشچو اوغلو، تهران، ۱۳٦۷.

۹- یوسف و زلیخای فردوسی، انتشارات آفرینش، تهران، ۱۳٦۹.

۱۰- سیری در اشعار ترکی مولوی به انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳٦۹.

۱۱- تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد (ص)، اثر بهلول بهجت، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۱.

ب) تحقیق و پژوهش

۱- واقف شاعر زیبایی و حقیقت، انتشارات پویا، تهران، ۱۳۵۱.

۱- آشیقلار، انتشارات آذر کتاب، تهران، ۱۳۵۳.

۳- گفتاری پیرامون زبانهای ایرانی رایج در آذربایجان، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۱.

٤- دیدی از نوآوریهای حبیب ساهر،انتشارات ساوالان، تبریز، ۱۳۵۷.

٥- هفت مقاله پیرامون فولکلور و ادبیات مردم آذربایجان، انتشارات دنیای دانش، تهران، ۱۳٥٤.

٦- آذربایجانین شهید عالیم‌لری، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۰.

۷- شرح غزلهای صائب تبریزی، انتشارات الست، تهران، ۱۳۷۱.

۸- یادمانهای ترکی باستان، انتشارات نخلهای سرخ، ۱۳۷۹.

۹- مقالات ایرانشناسی، انتشارات فاخر، تهران، ۱۳۷۹.

۱۰- حکیم ملاعبدالله زنوزیه مکتبی، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۸۰.

۱۱- فرزند ایل سرافراز، کنگره‌ی جهانگیرخان قشقائی، تهران، ۱۳۷۸.

۱۱- گاسی، گویش کهن از ترکی باستان، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۸۱.

۱۳- احساس کهتری، انتشارات پیام، تهران ۱۳۸۱.

۱٤- نوچه‌های احمد کسروی، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۸۱.

ج) ترجمه:

۱- قران کریم (جز عمّ)، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۰.

۱- نسیمی (درام تاریخی) اثر فریدون آشوروف، انتشارات باغبان، تهران، ۱۳۵۳.

۳- نمونه‌هایی از شعرای معاصر آذربایجان، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۱.

٤- نظامی شاعر بزرگ آذربایجان، اثری .ا. برتلس، انتشارات پیوند، تهران، ۱۳۵٥.

٥- زندگی و اندیشه نظامی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۹.

٦- افضل‌الدین خاقانی شیروانی، آذر کتاب، تهران،۱۳٥٤.

۷- قوسی تبریزی و میرزاشفیع واضح، انتشارات سهند، تهران، ۱۳۵٦.

۸- مسائل ادبیات دیرین ایران، انتشارات نوپا، تهران، ۱۳۵۳.

۹- مسائل ادبیات نوین ایران، انتشارات دنیا، تهران، ۱۳۵۳.

۱۰- مسائل زبانشناسی ایران، انتشارات بامداد، تهران، ۱۳۵٤.

۱۱- آرزی و قمبر (منظومه)، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۵۳.

۱۱- انقلاب بورژوازی در انگلستان اثر یفیموف، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۵۸.

۱۳- مقدمه‌ای بر فلسفه‌ی تکاملی جامعه،انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۵٦.

۱٤- ارمنستان در زمان تیمور لنگ، انتشارات ساوالان، تهران، ۱۳۵٦.

۱۵- آیت‌الله خامنه‌ای‌نین نوّطق‌لری، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۱.

۱٦- قیرخ حدیث (۱٤ جلد)، بنیادبعثت، تهران، ۱۳۷۱.

۱۷- قیرخ حدیث فضولی، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۱.

۱۸- اصول عقاید (۵جلد)، بیناد بعثت، تهران، ۱۳۷۱.

۱۹- قیسا سؤزلر از امام خمینی، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷٤.

۱۰- وصیت‌نامه از امام خمینی، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷٤.

د) شعر:

۱- صمد بهرنگی منظومه‌سی، تبریز، ۱۳٤۷ (تکثیر)، ۱۳۵۷، (چاپ).

۱- کیچیک شعرلر، انتشارات شبتاب، تهران، ۱۳۵۷.

۳- مجموعه (همراه با ٤ شاعر)، شبتاب، تهران، ۱۳۵۸.

٤- اوچغون داخما، جمعیت فرهنگ آذربایجان، تهران،۱۳۵۸.

۵- باکی لؤزحه‌لری، جمعیت فرهنگ آذربایجان، تهران،۱۳۵۸.

٦- امام خمینی منظومه‌سی، انتشارات روزنامه‌ی اصلاعات، تهران، ۱۳٦۹.

۷- آناما هدیه، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.

۸- یورد غزللری، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.

۹- تبریز یوللاریندا، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.

۱۰- زنگان لؤزحه‌لری، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.

۱۱- قشقائی لؤحه‌لری، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.

۱۱- اردبیل لوحه‌لری، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.

۱۳- شیخ محمد خیابانی حماسه‌سی، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.

هـ) ادبیات کودکان

۱- دوقلوهای ترک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۵۱.

۱- قصه‌های روباه، انتشارات دنیای دانش، تهران، ۱۳۵۱.

۳- قصه‌های کچل، انتشارات نبی، تهران، ۱۳۵۳.

٤- دنیای قصه‌ی بچه‌ها، انتشارات رز، تهران، ۱۳۵٤.

٥- چیل مایدان، انتشارات رز، تهران، ۱۳۵٤.

٦- یهودانین خیانتی، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۱.

و) متون دانشگاهی (چاپ و تکثیر)

۱- تورکجه دیل بیلگیسی، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ۱۳٦۸.

۱- تورکجه دیل بیلگیسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۷۱.

۳- تورکجه دیل بیلگیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ۱۳۷٤.

٤- برگزیده‌ی متون نظم و نثر ترکی، انتشارات الست، تهران، ۱۳۷۱.

٥- آشنایی با متون ادبی، دانشگاه سوره، تهران، ۱۳۷۸.

٦- متون ادبی هنر، نشر تازه‌ها، تهران، ۱۳۷۸.

۷- آشنایی با رسالات موسیقی، نشر تازه‌ها، تهران، ۱۳۷۸.

۸- زبان و ادبیات ترکی، دانشگاه ارومیه، ۱۳۷۱.

۹- فضولی‌نین غزللری، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۸.

۱۰- تورکجه گرامر، دانشگاه تبریز، تبریز، ۱۳۷۸.

ز) نشریه

۱- ادبیات در عصر نوین (با استفاده از امتیاز روزنامه‌ی عصر نوین)، تبریز، ۱۳٤٦.

۱- هنر و اجتماع (با استفاده از امتیاز روزنامه‌ی مهد آزادی)، تبریز، ۱۳٤۷.

۳- شعر و ادب آذری (با استفاده از امتیاز مجله‌ی امید ایران)، تهران، ۱۳٤۹.

٤- یولداش، هفتگی، تهران، ۱۳۵۸.

٥- آزادلیق، هفتگی، تهران، ۱۳۵۸.

٦- اینقیلاب یۆلوندا، ماهانه، تهران، ۱۳۵۹ و ۱۳٦۰.

۷- یـئنی یۆل، فصلنامه، تهران، ۱۳٦۱.

۸- بولتن انجمن زبان ترکی، گاهنامه، تهران، ۱۳٦٤.

۹- سهند، هفتگی، تهران، ۱۳٦۹ (با استفاده از امتیاز روزنامه‌ی اطلاعات، انتشار آن ادامه دارد).

ح) گزارش‌های علمی

۱- شعر معاصر آذربایجان در ایران (چهارمین کنگره‌ی تورکولوژی- استانبول ۱۳٦۰)

۱- حافظ و شهریار (کنگره‌ی حافظ- شیراز ۱۳٦٦)

۳- یوسف و زلیخای فردوسی (کنگره‌ی فردوسی- تهران ۱۳٦۹)

٤- نظامی گنجوی و دده قورقود ()کنگره‌ی نظامی گنجوی- تبریز ۱۳۷۱

٥- کتیبه‌های ترکی باستان (کنگره‌ی کتیبه و متون- کرمان ۱۳۷۱)

٦- خطیب تبریزی شارح ابن‌سکیت (کنگره‌ی ابن‌سکیت- اهواز ۱۳۷۳)

۷- حکیم نباتی و عرفان (کنگره‌ی نباتی- کلیبر ۱۳۷۳)

۸- اوحدی و صائب (کنگره‌ی اوحدی- مراغه ۱۳۷٤)

۹- خواجو و ادب ترکی (کنگره‌ی خواجو- کرمان ۱۳۷٤)

۱۰- علیشیر نوایی و فضولی (کنگره‌ی بازشناخت سبک آذربایجانی- ارومیه ۱۳۷٤)

۱۱- مکتب فلسفی فضولی (کنگره‌ی حکیم جهانگیرخان قشقایی- بروجن ۱۳۷۸)

برخی از امضاهای او

ح.صدیق، ح.م.صدیق، حسین دوزگون، حسین صدیق، ح.دوزگون، حسین سرخابلی، ح.سرخابی، حسین شمایلی و...

مؤقددس آزرولو تبریزیم منیم

حسین دؤزگؤن

سن منیم شئعریمین روحونا دؤندؤن
مؤقددس آرزولو تبریزیم مینم
سیلینمیر کؤنلؤمدن قهرمان آدئین
مؤقددس آرزولو تبریزیم منیم

ائی منیم حیاتیم بؤیؤک آمالیم
عشقیم، ایفتیخاریم، جاه و جلالیم
سندن آیریلمازدیر، فیکریم، خیالیم
مؤقددس آرزولو تبریزیم منیم

عشقینی آلمیشام اؤره‌یمه، بیل
من کی یانیندایام گؤزلرینی سیل
دائیش بیر،هاردا بس دادلی- دوزلو دیل؟
مؤقددس آرزولو تبریزیم منیم

سیخیلمیشام ایچره‌سن، منی آتمادین
«تزه فاشیست‌لره[1]» اؤزؤن قاتمادین
قلبینی اؤزگه‌یه گئدیب ساتمادین
مؤقددس آرزولو تبریزیم منیم

من سنده تاپمیشام «بابک» عینادین
باهار گؤللرینین قؤخوسون دادین
چیخماز خاطیریمدن هئچ زامان آدین
مؤقددس آرزولو تبریزیم منیم

سنه باغلانیب‌دیر بؤتؤن آمالیم
سن‌سیز ایندی آخی پیس‌دیر احوالیم
گل دؤیؤش عزمی ایله قؤیما تک قالیم
مؤقددس آرزولو تبریزیم منیم؟

۱۳٤٦

[1]- پهلوی شؤونیست‌لرینه ایشاره اؤلونور.

آمان ــ آمان آنالار الیندن !!...

کند اوشاغی

دیل اتدن‌دیر، سؤموکدن ؟ ! هئچ بیرینـدن! منیم عاغلـئیمجا (اینانـئیرسئز اینانـئین، اینانمایئیرسئز اینانمایئین، بنده ده بیر بالاجا عاغئیل وار!) دیل «اون»ـ دان‌دئیر ! بعضن اونا شکر قاتئیب شیرنی دؤزلدرلر، بعضن‌ده زنجفیل قاتئیب آجئ ترک چالارلار! بللی کی شکرلی دیـل چؤخ گؤزل اولور. دؤزدؤر بعضن دانئیشاندا میلچک ـ چیبین ئیغئیشئیر، اذییئت وئریـر. آممـا عوضینده اؤ دیلده دانئیشدئین، آغزئین بـال دادئ وئریـر. آممـا زنجفیللیـسینی آللاه کسـسین ! سانجئ کسمز کی هئچ، وارلئیغئ بیله چؤخونو سانجئیلادار، زنجفیل لازئم اولور !

بونو دا بیلمک گرک کی، دیلین شیرین آجئیلئیغئینئ سئچمک، دادمـاق ایلـه اولماز. ائله اولسایدئ هرکس اؤز دیلینه شیرین دئیه‌ردی. کیم اؤز آیرانئینا تورش دئیه‌رکی؟ !. بـودا بؤتؤن دیل‌لرین شیرین سانئیلماسئ معناسئنا گلیب، چئیخاراردئ! حـالبو کـی ئـقین بیلیریـک کی دؤنیادا تکجه بیر شیرین دیل وار، باشقالارئ یا آجئیدئر، یا آجئ کیمی بیر زاد !. بو ئـوزدن دیلین آجئ شیرین‌لیئینی قانون دئیه‌ر. هر هانکئسئ شیرینسه قانون اونو تانئیار، تصدیق ائدر، آجئینئ ئؤخ ! دؤغرودان ساغ اولسون قانون. قـانون اولماسـایدئ بیـز آجـئ ــ شـیرینی بیلـه قارئشدئیرئردئق. بلکه‌ده بیر آزئمیز، آللاه ائله‌مه‌سین، زنجفیللی دیـل دئـئیب، بوراخمایایدئق. میللت خـئیر- شررین نه بیلیر! آخئ سیز آللاه اؤزوز دئییئن، زنجفیللی دیـل ده اولـدو دیـل؟ ! گل آغزئینئ یاندئر کی بودا منیم دده ـ بابا دیلیم‌دیر ! بو بؤش عیناد دئیئیلمی‌دیر؟!. . .

هر حالدا گـئنه له‌لشین تحقیقاتی گؤستریرکی آتالارئن هئچ دیل‌لـری ئـوخ ایمـیش، یاخشئ بؤل ـ بؤل بیغ ـ ساققاللارئ وار، اونو دا چؤخو بیئنمز، قـئیرخار گـئدئر!. دئمـک آتـالار دیلسیز- آغـئیزسئز مخلوق‌دورلار، دیل تکجه آنالارئن‌کی‌دئیر ! اونـا گـؤره ده دیلـه «آنـا دیلـی» دئیه‌رلر. دیل آنالارئن کی‌دئیر، چؤن‌کی دیلی آنالار اؤیره‌درلر. په آتانان آنالار!. مؤعللیم‌لر ایـسه آنالارئن قنیمی اولور، اونلارئن اؤیرتدیک‌لری دیلی اونوتدورماغا جان آتـارلار. البتـه آتـالارئن اینتقامئینئ آتالاردان آلماق اوچؤن، هایانا دؤنسه آتالارئن دا آللاهئ وار!. ایندی دؤشؤنؤن کی نه قدر گرک بودجه قؤیولا، آنالارئن خاراب‌لادئیـق‌لارئ دیـل دؤزه‌لـه؟ اوراسـئنئ آللاه بیلیـر !

صؤحبت بئش ـ اؤن میندن گئتمیر، میلیؤنلار صؤحبتی‌دیر! دؤغرودان باخمایین گؤرؤن بو آنالار میللته ـ مملکته نه صدمه‌لر وورورلار؟! بو آرواد خایلاغی نییه بو قدر گئچی کیمی عینادچی اؤلور، من کی باشا دؤشمه‌دیم. آنالارین نه واخت اؤلکه‌نین خئیرینه بیر آددیم آتاجاقلاری، نه زامان یؤلا گله‌جک‌لرینی ده آللاه بیلیر. اؤزؤ بونلاری یؤلا گتیرسین! یؤخسا دؤنیا دورورکن اؤنلار خارابلایاجاق، یازیق مؤعلیم‌لر دؤزتمه‌یه مجبور قالاجاق‌دیرلار ! ! بیر یاندان خاریجی توطیئه، بؤتؤن دؤنیا ایشینی ـ گؤجؤنؤ بوراخمایین گئجه ـ گؤندؤز بیزیم آیاغیمیزین آلتیندا اؤیور. بیر یاندان دا آنالارین دیله زنجفیل قاتماسی. بؤتؤن زحمت‌لر ده بیر یانا، بو دیل زحمتی بیر یانا ! دؤشؤنؤن کی، آللاه ائلمه‌میشدن، دؤنیادا سسی چیخا کی بیزده زنجفیللی دیل‌لر ده وار، میللت تمامیله «شکر شکن» دئییل... بو روسوای‌چیلیغی نه تهر یئیغیشدیرماق اؤلار؟! میلیؤن ـ میلیؤن اینسانی هارایا سؤخوب، گیزله‌دیب دانماق اؤلار ؟ ! آخی قارداش، اینصافیندان دانیشاق، بیر میللتده نئچه دیل اؤلار؟ اؤندا دا بئله‌سی زنجفیللی دیل‌لر؟! وآللاه سیزی بیلمیرم، من کی اؤتاندیغیمدان اریییرم، اؤلؤرم. گئنه ساغ اؤلسون مؤعلیم‌لری کی بئله بیر عاییبی اؤرتمک اؤچؤن گئجه ـ گؤندؤز چالیشیرلار. آمما هارای، داد، آمان. بو آنالارین الیندن ! یاتیر- دورور دیله زنجفیل قاتیرلار. میللت بونلاردان نه‌لر چکه‌جک، نه زامان عاغیللاری باشلارینا گله‌جک‌لر، آللاه بیلیر!!

«خودو»

حبیب فرشباف

آبا بوخاریئنئ چؤخالت- دئیه‌جه‌یم- قؤیئ اؤتاق تندیر کیمی قیزیشسین!

آنام منی بو حالدا گؤرنده تئز ییون کؤینه‌یئیمی گتیریب، منی دانلاماغا باشلایاجاق:

- «بالا سنه دئمه‌دیم کی هاوا پایئیزی‌ئیئیب قیش پالتارلاریئنی گؤتؤر؟ ! هئئ دئدین **زنگ‌آوانئین** ماشین ییولو وار، تئز قاییداجاغام!- ایندی جزاندئ چک!»

آنام حاقلئ ایدی؛ سازاق ایینه- ایینه بدنیمه سانجیلیردئ. آرخالیغیمین یاخاسینئ قؤوزایئیب، باشیمئ سؤیوقدان گیزلتسم‌ده، قولاقلاریم شاختادان دؤغرانیردئ. اللریمی قولاقلاریمین اؤستؤنه باسیب قاچماغا باشلادیم. آرتیق **ورزغان** جاداسینا یاخینلاش‌میشدیم. «باخ ائله بو تپه‌نی ده آسسام ورزغان اؤتوبوسو گؤرؤنه‌جک»!- دئییردیم.

قارشئدان اسن ییئل، لؤت قلمه‌لری اؤینادیردی. ییئلیئن قؤرخوسوندان بئلیمی ایکی قات ایییب، تپه‌نی دیرمانماغا باشلادیم.

تپه‌نین باشینا چاتان کیمی ورزغان جاداسینا باخدیم. گؤز ایشلدیکجه اوزانیب گئدن جادادا بیر قارالتئدا گؤزه تؤخونمایئیردئ. قیچلاریم سؤرؤنه- سؤرؤنه تپه‌نی ائنیب، تؤرپاق جادانیئن کنارئندا قؤل‌لاریمی قؤلتوقلاریما باسیب داپاندیم. هرگؤن ورزغاندان تبریزه تکجه بیر اؤتوبوس ییؤلا دؤشؤر، اؤنوندا کی، واختئ وده‌سی معلوم اؤلموردو.

اینتیظار سؤیوغون شیددتینی داهادا آرتیریردئ. یان- ییؤره‌یه گؤز گزدیردیم. هئچ بیر دالداناجاق تاپا بیلمه‌دیم.

گؤیه باخاندا قارا بولودلارئن آرخاسیندا تکجه گؤنشین سؤلغون بیر ایزی گؤرؤنؤردو. تؤز- تؤرپاق‌لا سؤرؤنن قورو یارپاقلارئن سسی، ییئلین سسینه قاریشمیشدئ. بیر اؤد یاندیرماق حسرتی ایله، کیربیتیم اؤلمادیغینی بیله- بیله، هئئ جیب‌لریمی آختاریردیم. بیردن جادانیئن اؤتاییئندا، بیر تپه‌نیئن دالداسیئندا، بیر قؤیون سؤرؤسؤنه گؤزؤم ساتاشدئ! سئویئنجک سؤرؤیه طرف قاچماغا باشلادیم. هله سؤرؤیه بیرآز قالمیش- کیربیت، کیربیت- باغیرسام دا، چؤپان باشینی بولادی. بلکه ائشیتمیر- دئیه، بیرآزدا ایرلی گئدیب، اللریمی گؤزؤنؤن قاباغیندا اؤیوشدوراندا، - «وآلیم‌دئ»- دئدی، - سن اؤدون «نیئغ گتیلیم» اؤلا- تئز- تئز بیر آز چؤر- چؤپ ییغیب، قورو یارپاقلارئدا آلتینا دؤلدوروب، چاغیردیم.

گلیب چاتدئ! خئیرداجا بیر اؤغلاندئیر. ئون بؤرکؤنؤن ایچینده شوٚه کیمی گؤزلری پار- پار پارئلدایئیر. ـ آدئیم **خودو** دو ـ دئدی. کیربیت قوتوسونو الیندن آلئیب آچارکن، ئئریمده دؤنوب قالدئیم! قوتودا تکجه بیردانا چؤپ قالمئیشئیدئ!

بو ئئل‌لی هاوادا بوتکجه کیربیت‌له اؤد یاندئیرا بیله‌جه‌ئیمه مؤطلق اینانماسام‌دا، اؤجاغئین دیبینده دیزه چؤکؤب، آرخالئیغئیمئ چئیخارئیب باشئما چکدیم. سؤنرا ایکی قات اؤجاغئین اؤستؤنه اتیلدیم. نفسیمی سینه‌مده حبس ائدیب، تیترک اللریم‌له کیربیتی یاندئردئیم. تؤسدؤ آرخالئیغئیمئین آلتئنئ دؤلدوروب، گؤزلریمی یاشاتمایئینجا آیاغا قالخمادئیم. **خودو** ایسه باشئمئین اؤستؤنده دیک دایانئیب، دینمز- سؤیله‌مز منه باخئیردئ. سئوئینجک آرخالئیغئیمئ گئئیب، دؤیمه‌لرینی برکیتدیم. الیمده‌کی بؤش قوتونو، اؤجاغا آتماق ایسته‌ئین‌ده **خودو** چالاغان قوش کیمی بیردن قوتونو الیمدن قاپدئ! او منیم تعجؤب‌لی باخئیشئیمئ گؤرن‌ده باشئنداکئ ایپ بؤرکؤنؤ گؤتؤرؤب، اؤنون قاتئیندان بیردسته کیربیت چؤپؤ چئیخارئیب، قوتویا دؤلدورؤردو. من‌سه تعجؤب‌له اؤنا باخارکن، ئئریمده قوروئوب قالمئشدئیم.



منی بئله گؤرن‌ده، خودونون آغ- آپباغ دیشلری‌نین آراسئیندان چئیخان شیرین سؤزلری، اؤنون شیرین گؤلؤشؤنه قارئشدئ:

ـ ناندئلانماسایدئن بیلین‌ده وئله‌جه‌ایدیم.ـ

سالخئیم سؤیوّد

آخئیردئ سو
گؤستریب آیناسئندا سؤیود آغاجلارئنئ.
سالخئیم سؤیوّدلر یوّیوردو سودا ساچلارئنئ!
یانان یالئین قئیلئینج‌لارئ چئیرپاراق سؤیودلره
چاپئیردئ قئیزئیل آتلئ‌لار گؤنشین باتدئغئ یئره!
بیردن
بیر قوش کیمی
وورولموش کیمی
قانادئندان،
یارالئ بیر آتلئ یووارلاندئ آتئیندان!
باغئیرمادئ،
گئدن‌لری گئری چاغئیرمادئ،
باخدئ یالنئیز دولو گؤزلرله
اوزاقلاشان آتلئ‌لارئن پارئلدایان نال‌لارئنا!
آه نه یازئق
نه یازئق کی اوْ
دؤردنالا چاپان آتلارئن ترلمیش بوّینونا بیر داها
یاتمایاجاق!
آغ اوردولارئن آردئنجا قئیلئینج
اوّینایاجاق
نال سس‌لری سؤنوّر پرده‌ـ پرده
آتلئ‌لار ایتیر گؤنشین باتدئغئ یئرده.

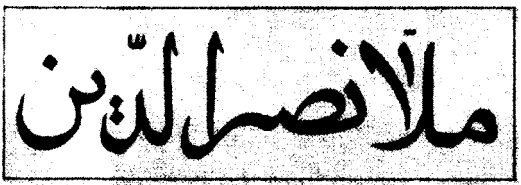


آتلی‌لار آتلی‌لار قیزیل آتلی‌لار!
آتلاری روزگار قاناتلی‌لار!
آتلاری روزگار قانات...
آتلاری روزگار.
آتلاری
آت...
روزگار قاناتلی آتلی‌لار کیمی کئچدی حیات
کسیلدی آخار سویون سسی.
کؤلگه‌لر کؤلگه‌لندی
رنگلر سیلیندی.
قارا اؤرتوّلر ائندی
ماوی گؤزلرینه
ساریلدی سالخیم سؤیوّدلر
ساری ساچلاری‌نئین اوزه‌رینه!

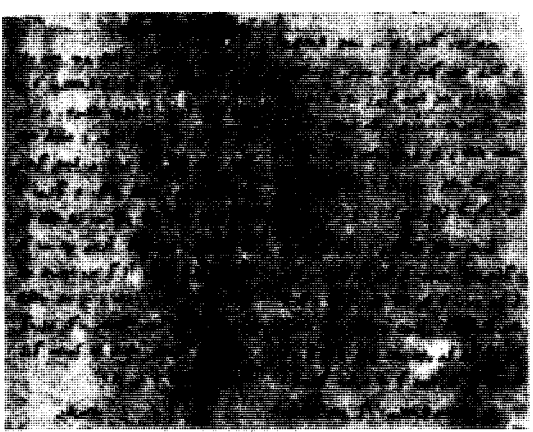
ناظیم حکمت
چئویرن: ح. ایلدیریم

آغلاما سالخیم سؤیوّد
آغلاما
قارا سویون آیناسیئنا باخا- باخا
الی قوینوندا دایانیب
آغلاما
آغلاما!

شرق عالمی‌نین دۆنیا شۆهرتلی طنز روزنامه‌سی «مۆللانصرالدین»ین ۱۰۰ ایلیئی مۆناسیبتی ایله:







۱۹۰۶- نجی ایلین آپریل آی‌نین ۷- سینیده تیفلیس شهرین کۆچه‌لرینده ۸- صحیفه‌لیک شکیل‌لی، زنگلی بیر گۆلگۆ روزنامه‌سی یاییلماغا باشلادی. روزنامه‌نین آدی- «مۆللانصرالدین» دیلی آذربایجان دیلی، مۆضولاری-آذربایجان خالقی‌نین، قافقازلی‌لارین، عمومیتله یاخین شرق، و اۆرتا آسیانا خالق‌لاری‌نین حیاتی‌ندان آلینمیش مۆضولار و کاریکاتۆرلاری- جانلی حیات تصویرلری ایدیلر!

روزنامه مۆختلیف مۆضولار، رنگارنگ ادبی نۆولر، گۆلگۆ نۆوعۆنۆن چیشید- چیشید بیچیم‌لری، اۆسلوبلاری، ایفاده واسیطه‌لری ایله زنگین‌لشدیکجه دۆنیا خالق‌لاری‌نین تجرۆبه‌سیندن، بۆیۆک طنز اوستادلاری‌نین یارادیجی‌لیغی‌ندان بهره‌لندیکجه، اۆنون تأثیر دایره‌سی آرتیردی. آز بیر زامانda روزنامه قافقازین حۆدۆدلارینی آشیب، قۆنشو اۆلکه‌لر. یۆل تاپدی و شرق عالمی‌نین قارانلیق حیاتینا ایشیق ساچاراق، بۆیۆک بیر ایجتیماعی- ادبی مکتب (مۆللانصرالدین مکتبی) یاراتدی:

بو گۆن «مۆللانصرالدین» روزنامه‌سی‌نین یارانماسیندان ۱۰۰- ایل کئچیر. یۆز ایل بو مکتب شرق عالمینه ایشیق ساچمیش و یئنی- یئنی روزنامه‌لرین، یازیچی و شاعیرلرین سیماسیندا اۆزۆنۆ یاشاتمیشدیر! و یاشادیر...

«مۆللانصرالدین»ین ایلک نۆمره‌سی. بۆیۆک مۆتفکیر، یازیچی و ایجتیماعی خادیم، شرق عالمی‌نین پارلاق اولدوزو: **میرزه جلیل محمدقولوزاده‌نین** «سیزی دئیب گلمیشم ائی مۆسلمان قارداشلاریم...» مشهور کلامی ایله بئله باشلانیردی!.

←



جلیل محمدقولوزاده

کاروان سالار نثر واقعگرا

دکتر ح.م. صدیق

نام **جلیل محمدقولوزاده** در تاریخ ادبیات معاصر آذربایجان، بعنوان ستاره‌ای درخشان در آسمان ادبیات پیشرو و انقلابی مبارزی پی‌گیر آفرینشگر در ایجاد نمونه‌های برجسته‌ی نثر نوین و مترقی می‌درخشد. وی ادیبی توانا، روزنامه‌نگاری مبارز، نویسنده‌ای واقع‌گرا و اندیشه‌ورزی خردمند بود. او در دوران زندگی خویش، توانست بسیاری از قلم به دستان، شاعران، نویسندگان و نقاشان چیره‌دست جوان و اندیشمند را گرد خود فراهم آورد و در نثر معاصر آذربایجان بانی مکتبی گردد که بعدها به «مکتب ملانصرالدین» معروف شد.

میرزا جلیل فرزند محمدقلی، درباره‌ی تولد خود، درزندگینامه‌ی خود نوشته‌اش گوید:

«منیم دۆنیایا گلمه‌ییمی هئچ بیر کس، یازیئ ایله بیر یاندا قئید ائتمه‌ییب... ایندی، یعنی هیجرتین مین اۆچ‌یۆز قیرخ دۆردۆنجۆ و عیسا(ع)تین توئۆدۆنۆن مین دۆققوزیۆز ایئیرمی آلتیشنجیئ ایلینده، منیم یاشیم گرک، یا اللی آلتیئ اولا، یا اللی یئددی اولا، یا بلکه اللی سککیز اولا.»[1]

۱- جلیل محمد قولوزاده. اثرلری، ج۳، باکی، ۱۹۶۷، ص۷۰۸.

ولی طبق اسنادی که استاد مرحوم «پرفسور عزیز شریف» از اداره‌ی سجل احوال دوره‌ی تزاری در تفلیس استخراج کرده، میرزاجلیل در تاریخ ۱۸٦٦/۱/۱۰م. چشم به جهان گشوده است[۱].

پدربزرگ میرزاجلیل، به «مشهدی حسین‌قلی» معروف بود، اهل شهر «خوی» بود و شغل سنگتراشی داشت . پسر وی «مشهدی محمدقلی» از خوی به نخجوان کوچ کرده به شغل سنگتراشی و کارگری روزگار سپری می‌کرده است[۳].

تحصیلات ابتدایی میرزاجلیل در مکتب خانه‌های سنتی سپری شده است. در ده سالگی به مدرسه‌ی دولتی شهر نخجوان و در ١٦سالگی یعنی در سال ١٢٦١ شمسی به دانشسرای تربیت معلم دولت تزاری روس در همان شهر وارد و سال بعد بعنوان معلم مدارس ابتدایی به روستاهای اطراف اعزام گردیده است. از سال ١١٧٧ شمسی، در شهر ایروان سکونت اختیار کرده به مترجمی و وکالت پرداخته است[٤].

جلیل محمد قولوزاده، علاوه به زبان ترکی آذربایجانی، به زبانهای فارسی، عربی و روسی نیز مسلط بود. متون فارسی و عربی را در دوران نوجوانی پیش «ملاعلی حسین‌زاده» و «حاج ملا باقر» خوانده بود. بعدها در خاطرات خود، از این دو تن به نیکی یاد کرده است. ادبیات ترکی آذربایجانی، زبان روسی و علوم جدیده‌ی آن روزگار را نیز در سالهای تحصیل در «دانشسرا[٥]» فراگرفته بود. در سالهای تدریس در روستاها نیز با فراز و نشیب‌های زندگی فلاکت بار توده‌های مردم آشنا شده بود. اینک در اندیشه‌ی وقف استعداد توانایی‌های علمی و عملی خود به مردم، در شهر ایروان و سپس در شهر تفلیس دست به قلم برد.

نخست نمایشنامه‌ی منظوم «چایۆ دستگاهۆ» (١١٦٨ش.)، سپس کمدی «کیشمش اۆیونو» (١٢٧١ش.) و داستان «دانا باش کندی‌نین احوالاتلاری» (١٢٧٣ش.) را چاپ کرد. این آثار را در کنار نوشته‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، از نخستین نمونه‌های نثر پیشتاز مدرن و نوین ادبیات معاصر و نوین ادبیات معاصر آذربایجان می‌شماریم. نخستین داستان کوتاه که از وی انتشار یافت «پۆست قوتوسو» نام دارد که در سال ١٩٠٤ش. با کمک «محمد آقا شاه تختلی» سردبیر نشریه‌ی «شرق روس» انتشار یافت[٦].

۲- افلاطون محمداۆغ. جلیل محمد قولوزاده‌نین حیاتی و ایجتیماعی فعالیتی، باکی، ١٩٧٤، ص ٦.

۳. همان جا.

٤. اثرلری، ج۳، ص۷۰۹.

٥ . منظور ما از«دانشسرا» در اینجا، «زاقافقازیا گوری موّعللیم لرسئمیناریاسی» است.

٦. نشریه‌ی شرق روس، ش۱۰، سال١٩٠٤ (به نقل از: افلاطون محمدوف، ص۱۰).

این داستان کوتاه، بارزترین نمونه‌ی این ادبی در تاریخ نثر نوین آذربایجان به حساب می‌آید. مضمون آنها بسیار عادی است که از واقعیت های زندگی اطراف خود اخذ کرده است. «نوْرُوزعلی» نوکر «ولیخان» نامه‌ای را به صندوق پست می‌اندازد، و در انتظار آن در کنار صندوق می‌نشیند و هنگام تخلیه‌ی صندوق از سوی مأمور پست با او درگیر می‌شود و کار به دادگاه می‌کشد.

نویسنده این حادثه‌ی بسیار عادی را با زبانی شیرین و جذاب بیان می‌کند و با مهارت خاصی حقایق بسیار اجتماعی ـ سیاسی آن عصر را در قالب همین زبان می‌ریزد و بعد مهم آفرینش ادبی نویسنده، در کنار گزینش ساده نگاری، آن است، نظر خود را درباره‌ی حوادث مختلف داستان به خواننده معلوم نمی‌کند و همانگونه که صادق هدایت در «سگ ولگرد» عمل کرده‌اند، استنباط و استنتاج را به خواننده وا می‌نهد و حتی یک کلمه به تعبیری در رد یا قبول تیپ و یا رفتاری نمی‌آورد و اشاره‌ای حتی ابهام‌آمیز به نتیجه و یا ارزش‌گذاری حوادث و افراد نمی‌کند. بخلاف جمالزاده که در داستان کوتاه «فارسی شکر است»، ضمن بیان حوادث و شرح بستر اصلی داستان، خود نویسنده است که به خواننده خط می‌دهد و نظر خود را بطور مستقیم القاء می‌کند.

یکی از منتقدان بنام آثار جلیل محمد قولوزاده در باب این داستان کوتاه گوید «پوْست قوتوسو» هم بلحاظ عمق هنرنمایی و هم به جهت واقعگرایی و تاثیر عمیق اجتماعی، در ردیف معروفترین نوول‌های جهان قابل ارزیابی است[۷].

میرزا جلیل در سال (۱۲۷٤ش) به فکر انتشار نشریه افتاد، نخست بانام «نوْرُوز» و یکسال بعد (۱۹۰٦) توانست با عنوان «ملا نصر الدین» مجوّز نشر دریافت دارد و سالی نگذشت که توانست آن را به پیشتازترین نشریه‌ی طنزی عصر خود تبدیل کند. نقش عظیم سیاسی و اجتماعی این نشریه در حوادث مشروطیت و پس از آن در ایران قابل انکار نیست. حکومت قاجار بارها ورود آن را به ایران ممنوع ساخت و به دفعات محموله‌های پستی آن را به آتش کشید.اما این یکه‌تاز میدان مبارزات سیاسی در انتشار و تغییر محتوای بسیاری از نشریات طنزی کشورمان تأثیر عمیق بر جا ی نهاد. نشریاتی نظیر «حشرات الارض»، «ناله‌ی ملت»، «استقلال»، «انجمن»، «آذربایجان»، «بوقلمون»، «صراط المستقیم»، «فریاد»، «محاکمات»، «نجات»، «سعادت» وجز آن، همگی تحت تأثیر «ملانصرالدین» شکل گرفتند و انتشار یافتند. درقفقاز نیز نشریات «بهلول»، «زنبور»، «مرآت»، «بابای امیر»، «مزه‌لی»، «طوطی»، «لک‌لک»، «کل نیت»، «آری» و جز آن، بعد از «ملا نصر الدین» و به پیروی از آن منتشر شدند.

برخی از نشریات کشورمان نظیر «آذربایجان» که از سال ۱۲۷۵ درتبریز شروع به انتشار کرد، هم به جهت شکل و ترکیب ظاهری نشریه و هم بلحاظ مطالب و مضمون طابق نعل

---

۷. م. شاگین. آذربایجان ادبیاتی داکاداسی، باکی، ۱۹٤۰، ص۱۳٦.

بالنعل ملانصرالدین به شمار می‌رفت. مخاطب طنز در ملانصرالدین «آیْ مؤللا عمی!» و در آذربایجان «آیْ حاجیْ بابا!» بود. شیوه‌ی نثر هر دو یکسان و اشعار چاپ شده در آذربایجان اغلب در پاسخ اشعار ملانصرالدین سروده می‌شد[۸].

گذشته از نشریات شاعران طنزپرداز ایران نیز تحت تأثیر اشعار منتشره در ملانصرالدین به تدوین و سرودن اشعاری پرداختند که در تاریخ ادبیات بیداری ایران ماندگار شده.یکی از این شاعران، «سید اشرف الدین حسینی گیلانی» است که در شهر رشت نشریه‌ای با نام «نسیم شمال» و به پیروی از ملانصرالدین انتشار می‌داد. وی بعدها دیوانی نیز با همین نام ترتیب داد که بسیاری از اشعار آن اغلب ترجمه و یا اقتباس و برداشتی از طنز سروده‌های «میرزا علی اکبر صابر» شاعر هم قلم و همکار «میرزا جلیل محمد قولوزاده» و عضو اصلی نشریه‌ی «ملانصرالدین» بود. اشعار و مقالات و آثار طنزی منتشر شده در دو نشریه‌ی ملا نصر الدین و نسیم شمال بارها بطور تطبیقی بررسی شده است و بویژه اشعار این دو شاعر رودروی هم نهاده شده است. برای نمونه به یک مورد زیر اشاره می‌کنیم[۹]:

میرزا علی اکبر صابر (نشریه‌ی ملا نصر الدین) :

آخ نئجه کئف چکمه‌لی ایام ایدی،
اوندا کیْ اوْوْلاد-ی وطن خام ایدی!

سید اشرف الدین حسینی (نشریه‌ی نسیم شمال) :

آخ عجب ایام خوشی داشتیم،
حجت و احکام خوشی داشتیم!

همچنین «علی اکبر دهخدا» تحت تأثیر مکتب ملانصرالدین و به پیروی از آن و با امضای «دخو» و با عنوان‌های «چرند و پرند[۱۰]» به فیلیه‌تون نگاری روی آورد. دیوان ترکی بر جای مانده از او نیز تحت تأثیر مستقیم اشعار طنزی میرزا علی اکبر صابر شاعر یکه تاز نشریه‌ی ملا نصر الدین سروده شده است[۱۱].

تأثیر جریان ساز نشریه‌ی ملانصرالدین در تکوین نشریات و ادبیات انقلابی ترکی و فارسی در ایران، بیش از آن است که در این مجال کوتاه بتوان پیرامون آن بحث کرد و حق مطلب را ادا نمود. شایان ذکر است که جلیل محمد قلی زاده در سال ۱۳۱۰ش. به یاری روشنفکران و رجال فرهنگی تبریز مانند محمد علی تربیت، ابوالفتح علوی و آذری‌وند، هشت

---

۸. ناظیم آخوندوف.آذربایجان طنز روزنامه‌لری، کؤچؤرن: غ.ر. سپهری، انتشاات فرزانه، تهران،۱۳۵۸، ص ۳۳۱ ببعد.

۹. اشرف الدین حسینی. منتخبات نسیم شمال، تهران، انتشارات علمی.

۱۰- علی اکبر دهخدا. چرند و پرند، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۷.

۱۱- علی اکبر دهخدا، دیوان اشعار، بکوشش عمران صلاحی،تهران ۱۳٦٤.

شماره از ملانصرالدین را در شهر تبریز با کاریکاتورهایی به قلم سید علی بهزاد تبریزی انتشار داد. اوج آوازه و قبول خاطر ملانصرالدین در ایران را در «خطابیه»ای که سید اشرف الدین حسینی به دو زبان ترکی و فارسی و خطاب به ملانصر الدین سروده است، می‌توان دریافت :

شعر تو بود لؤلؤ شهوار آملا !
نام تو بود شهره‌ی اقطار آملا!
با این همه شیرینی گفتار، آملا،
وبیهوده مزن چانه‌ی بسیار آملا!
بیر لات باباسان، خئیمه وَ خرگاهه ساتا شما،
ائیْ مؤللا عمی! چؤخدا بیزیم شاها ساتاشما!
ایراندا اؤلان خسرؤ-ی جمجاها ساتاشما
ژورنالدا بوخلقی ائله‌مه خار، آمؤللا!
در نقطه‌ی قفقاز تو چون شمع چراغی،
در خطّه‌ی تفلیس تو چون بلبل باغی.
اما به بر کهنه‌پرستان چو کلاغی،
از بس که زدی بر همه منقار، آملا!

جلیل محمد قلی زاده با انتشار ملانصرالدین به کشف بسیاری از استعدادهای جوان عصر خود نیز موفق شد. قلم زنانی که با امضاهای مستعار «لاغلاغی»، «جیرجیراما»، «موْزالان»، «هر دم خیال»، «سیژیم قولو»، «کئفسیز»، «دلی»، «جوْوه للاغیْ»، «حمّال»، «خوْرتدان»، «دابانیْ چاداق» و «هوْپ هوْپ» و جز آن به خلق آثار بدیعی می‌پرداختند که اینک ما، همه‌ی آنها را در فصل «مکتب ملانصرالدین» یا «مکتب ادبی جلیل محمد قولوزاده» قرار می‌دهیم.

در سالهایی که وی به انتشار نشریه‌ی «ملانصرالدین» اشتغال داشت، چند اثر ارزنده نیز به قلم آورد که سرآمد آنها نمایشنامه‌ی «اؤلوْلر»[۱۲] است. در این نمایشنامه «شیخ نصرالله» تیپ منفی خرافه‌پرست است که با سوء استفاده از موقعیت خود به کلاهبرداری و عوامفریبی می‌پردازد. این اثر ادبی برای اولین بار در سال ۱۳۱۰ش. در تبریز به نمایش گذاشته شد. برگردان فارسی آن نیز در۱۳۵۶در تهران چاپ شده است.

جلیل محمد قلی زاده پس از اقامت یکساله در تبریز، به باکو رفت وتا آخر عمر در آن شهر زندگی کرد. در سالهای زندگی در باکو به سردبیری نشریه‌های «شرق قادئینیْ»، «یئنی یوْل» و «معارف و مدنیت» انتخاب شد و «جمعیت تحقیق و تتبع آذربایجان» را تشکیل داد و

---

۱۲. جلیل محمدقلی زاده. مرده‌ها، ترجمه‌ی محمدپیفون و هما ناطق، تهران، ۱۳۵۶.

برخی از داستانهای کوتاه خود نظیر: «بلکه ده قایئتدیلار»، «تاخیل حکیمی»، «ساققاللی اوشاق»، «شرق فاکولته‌سی» را در این دوران نوشت و لحظه‌ای ازمبارزه در راه سعادت مردم و انتشار نشریه‌های ترقی خواهی و حریت طلبی آرام نگرفت و قلم بر زمین ننهاد. تا آنکه در سال۱۹۳۲م. روی در نقاب خاک کشید.

از آثار مهم دیگر وی «آنامئن کیتابئ»، «کامانچا»، «دلی‌لر ئیئغیئناجاغئ»، «داش باش کندلی‌نین مکتبی» نیز قابل ذکر است که هر یک از آنها منبع اخذ قوت و الهام برای نویسندگان پس از نسل او شده است.

در میان این آثار، چند اثر منثور و داستان کوتاه مربوط به ایران وجود دارد که دغدغه و توجه عمیق این نویسنده‌ی اندیشمند و مترقی را به سرنوشت هم وطنان خود نشان می‌دهد. مانند آثار منثور: «بی نصیبلر»، «خئیر دعا»، «اوستا زئینال» و «ایراندا حوّریّت». به صورت کتابچه‌ی مستقلی چاپ شده و در فردای امضای مشروطیت میان مردم توزیع شده است. قهرمانان اصلی این داستان کوتاه بسیار جذاب «اوستا جعفر» و «کربلایی محمد علی» دو تن روستائیان ایرانی هستند که در چاههای نفت باکو به کارگری روزگار می‌گذرانند، آنان وقتی خبر اعطای حرّیت و مشروطیت را می‌شنوند پیش پیرمردی نامه‌نگار می‌روند و از او می‌خواهند که به مادرشان بنویسد:

«ائی آنا! دئییرلر ایراندا حوّریّت وئریرلر. دؤنن قؤنسول بیزه خبر وئردی کی بیزیم پاییئمیزئ وطنده پایلایاجاقلار. ایندی، ای آنا، منیم پاییئما هر نه دؤشسه گؤندر...»

این داستان کوتاه کمدی، ماهیت تاریخی دارد و نویسنده در آن، به زبان طنز به استهزاء و انتقاد شدید از دولتمردان قاجار و «حریّتی» که شاه قاجار به رعایای خود عطا کرده است، می‌پردازد. در بخشی از داستان، با استفاده از یک گفتگوی کوتاه، نویسنده بسیاری از مسائل سیاسی ـ اجتماعی آن روزگار را بازگو می‌کند و مانند آینه‌ای زلال زندگی مردم را به تصویر می‌کشد:

پری نیسا دئییر یوخودا قارپوز چوؤاللاریئ گؤرؤر و حوّریّت‌دن خبر اولاجاغئنئ و یوخوسونون تعبیر اولاجاغئنئ سایئب قارداشئنا دئییر:

ـ داداش! سن آللاه بو کاغئذئ آپار، وئر بیر آداما اوخوسون گؤرگ بورادا نه یازئلئیب؟

ـ کربلایی رضا اوّل کاغئذئن احوالاتئنئ باجئسئندان سوّروشدو، و بیر قده‌ر فیکیر لشیب دئدی:

ـ آی قئیز، پری نیسا، سنین هئچ عاغلئن یوخ ایمیش؟

- نیئه داداش؟

قارداشیٔ جاواب وئردی:

ـ آیٔ آخماق، بیر فیکر ائله گؤر ایراندان‌دا بورا حؤرّییّت گلر؟

پری نیسا دئدی:

ـ آیٔ داداش سن نیئه ائله سؤز دانیشیرسان؟ ایران نه اوزاق ییردی کی گلمه‌سین؟ عربلر کندی اؤدور آ؟ آرازین قیراغیندادیٔ. نه بیر اوزاق یؤلدوکی؟

ـ یاخشیٔ دئییرسن، پری نیسا، عربلر کندی چوخ اوزاق ییر دئییل.

آمما... اوتایدان بو اوزه حنا گلر، سبزه، بادام ایچی گلر، توّتوّن، چایٔ، تیریه‌ک... بئله زادلار گلر. یوخسا وآللاه من عؤمرومده بیر دفه ده ائشیتمه‌میشم کی، حؤرّییّت گلهٔر....»

نویسنده در اینجا یکی از ویژگی‌های شخصیتی یکی از تیپهای داستان را از زبان تیپ دیگری بیان می‌کند بگونه‌ای که خود تیپ دوم نیز شناخته می‌شود. در ضمن در حین گفتگو طنز سیاسی نیز وجود دارد. آرمانهای توده‌های ستمدیده و خوش خیالی آنان در همین قطعه قابل لمس است.

گفتار خود را با سخن مرحوم پروفسور یاشار فارایف به پایان می‌رسانم که گفت: «جلیل محمد قولوزاده برجسته‌ترین نماینده و سردار کاروان روش نوین واقع‌گرایی در نثر معاصر آذربایجان به شمار می‌رود»[۱۳] نثر ما را هم به قلّه‌ی رمانتیسم نوین و هم به عمق رئالیسم تنقیدی حرکت داد.

---

۱۳. یاشار قارایئف. یارادیجیلیق متنلری، باکی ۱۹۷٤، ص۱۵۹.

ملا نصرالدین، دخو و باقی قضایا...

عمران صلاحی

همانطور که بعضی از دوربین‌های عکاسی بر روی سه پایه استوار است، نشریات طنز و فکاهی هم سه رکن اصلی دارد: نظم و نثر و کاریکاتور. روزنامه‌های طنز مشروطه هم روی این سه پایه بهترین تصاویر آن دوره را برای ما به یادگار گذاشته‌اند. به ویژه روزنامه‌ی معروف «ملانصر الدین». این روزنامه که به زبان ترکی آذربایجانی در قفقاز منتشر می‌شد، در هر سه زمینه استادانی داشت. میرزا علی اکبر صابر استاد طنز منظوم بود، جلیل محمد قلی زاده استاد طنز منثور و عظیم عظیم‌زاده استاد کاریکاتور. علاوه بر عظیم زاده، دو کاریکاتوریست آلمانی الاصل که به «روتر» و «شلینگ» معروف بودند با ملانصرالدین همکاری داشتند. این دو کاریکاتوریست کاملاً با روحیات و آداب و رسوم مردم مشرق زمین آشنا بودند. طنز مشروطه تحت تأثیر ملانصرالدین بود. صابر روی سیداشرف تأثیر گذاشته بود، میرزا جلیل روی دهخدا و عظیم‌زاده روی بهزاد کاریکاتوریست که بیشتر با روزنامه‌ی «آذربایجان» همکاری داشت. آن سالها به هفته‌نامه‌هایی هم که وسطش سنجاق نمی‌خورد، می‌گفتند روزنامه! مثل روزنامه‌ی توفیق. اگر ما هم هی می‌گوییم روزنامه، تعجب نکنید.



روزنامه‌ی «ملانصرالدین» از سال ۱۹۰۶ در قفقاز منتشر شد، یعنی سال پیروزی مشروطیت در ایران، نشریات «صور اصرافیل» و «نسیم شمال» هم از سال ۱۹۰۷. همین‌طور نشریات طنز دیگر. صور اسرافیل و نسیم شمال برخلاف ملانصرالدین، دو پایه داشتند و فاقد کاریکاتور بودند. اما روزنامه‌ی «آذربایجان» که به همت **علیقلی صفروف** در تبریز منتشر می‌شد، سه پایه را داشت. روزنامه‌ی ملانصرالدین هم از نظر قالب، هم از نظر مضمون و هم از نظر شیوه روی طنزآوران مشروطه در ایران تأثیر گذاشته بود. کار سیّد اشرف از تأثیر گذشته بود و به ترجمه‌ی اشعار صابر رسیده بود. منتها این کار چنان با مهارت و صمیمیت صورت گرفته که اصلاً رنگ ترجمه ندارد و نشان خود سیداشرف را بر خود گرفته است.

میرزا جلیل (صاحب و سر دبیر ملانصرالدین) نام مستعارش هم «ملانصرالدین» بود. دهخدا هم به تبعیت از او نام مستعار خودش را «دخو» گذاشت. اگر صور اسرافیل کاریکاتور داشت حتماً شکل دخو را می‌کشید.

از تأثیرات دیگر ملانصرالدین بر دخو بگوییم. ملانصرالدین تیپ‌سازی و شخصیت‌پردازی می‌کرد. مثلاً می‌آمد و انجمنی می‌ساخت و در آن انجمن تیپ هایی را شرکت می‌داد و از زبان آنان مسائل روز را مطرح می‌کرد. دخو هم در «چرند و پرند» همین کار را انجام می‌داد. اگر در جلسه‌ی هیئت محررین ملانصرالدین، هوپ هوپ و دمدمکی حضور داشتند، در انجمن موقتی لات و لوت‌های چرند و پرند هم خرمگس، دمدمی، اویار قلی، آزاد خان کرندی، اینک علی و سگ حسن دله (منشی جلسه) حاضر می‌شدند و به بیان مسائل روز می‌پرداختند.

این تیپ سازی‌ها و شخصیّت‌پردازی‌ها بعداً در نشریات ایران ادامه یافت و تیپ‌های جور نویسندگان را کشیدند و به بیان مسائل سیاسی اجتماعی و ادبی و هنری پرداختند. رضا گنجه‌ای تیپ «باباشمل» را ساخت، توفیق، کاکا توفیق و گیشنیز خانوم و دکترممولی و حتی خر کاکا توفیق را وارد میدان کرد. کیومرث صابری «گل آقا» هم شاغلام را رئیس آبدارخانه کرد. ایرج پزشک زاد در «آسمان ریسمون» با دانشجو و عزیزالله‌خان و دیگران تشکیل جلسه می‌داد و به طرح مسائل ادبی و بی ادبی می‌پرداخت. اخیراً هم منوچهر احترامی در روزنامه‌ی شرق با عده‌ای ازشخصیت‌ها تشکیل کنفراس می‌دهد.

ملانصرالدین از نظر موضوع نیز روی دخو تأثیر داشته است. جلیل محمد قلی زاده داستانی دارد به نام «آزادی در ایران» این داستان را قبلا: محمد علی فرزانه به فارسی ترجمه کرده است. من هم آن را ترجمه کرده‌ام که ابتدا در سالنامه‌ی گل آقا و بعداً در کتاب «شوکران شیرین» اسدالله امرایی چاپ شد، که در هر دو جا در «درایران» حذف شده است! ماجرا از این قرار است که یک ایرانی برای کار به قفقاز می‌رود و از یار و دیار باز می‌ماند. ناگهان انقلاب مشروطیت اتفاق می‌افتد و خبر می‌رسد که سهمیه‌ی آزادی هر کسی را به خانه‌اش بفرستند. هم‌ولایتی ما نامه‌ای به خانواده‌اش در ایران می‌فرستد و از آنها می‌خواهد که سهمیه‌ی آزادیش را برایش نگه دارند. طرف اصلاً نمی‌داند که آزادی اصلاً چیست و گمان می‌کند که یک محموله یا کالاست که توزیع می‌کنند.

در چرند و پرند هم دهخدا با کلمه‌ی «...» چنین برخوردی دارد. «آزاد خان کرندی یکی از شخصیت‌های چرند و پرند» هر جا می‌رود، می‌شنود که «... رفت...» او تصوری از... ندارد و می‌پرسد این چه جور چیزی است که هی می‌رود و می‌آید. تصور او از... مثل یک شیء است، مثل تصور همان هم‌ولایتی از آزادی.

این تأثیر گذاری‌ها و تأثیرپذیری‌ها را «یحیی آرین پور» در کتاب ارجمند «از صبا تا نیما» به خوبی نشان داده است.

این تأثیرات از نظر شگرد و شیوه هم وجود دارد. ملانصرالدین مستقیماً وارد مطلب نمی‌شود. از جایی شروع می‌کند و نم نم جلو می‌رود. خواننده نمی‌داند نویسنده چه می‌خواهد بگوید. ناگهان در جایی مطلب وصل می‌شود به مسائل سیاسی و اجتماعی روز. به قول امروزی‌ها که نویسنده درست می‌زند وسط خال. دخو هم از این شیوه استفاده می‌کرد. او هم اول به کوچه‌ی علی چپ می‌زد و بعداً وارد کوچه‌ی اصلی می‌شد. مثلاً ملانصرالدین خطاب به دمدمکی می‌نویسد: «مگر من می‌توانم بنویسم که در قرائت

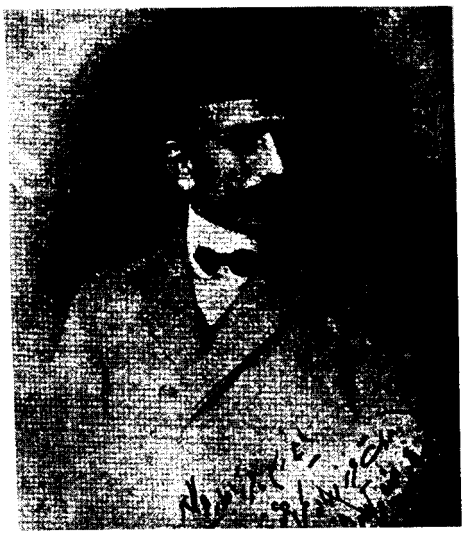
خانه‌های باکو جغدها آشیانه کرده‌اند...» دخو هم خطاب به دمدمکی می‌گوید: «من اگر می‌خواستم هر چه می‌دانم بنویسم، تا حالا خیلی چیزها می‌نوشتم، مثلاً می‌نوشتم الان دو ماه است...»

هم ملانصرالدین و هم دخو از شیوه‌های دیگری چون نقضیه‌سازی و وارونه‌سازی استفاده کرده‌اند. همین‌طور از تمثیل. آن دو گاهی نعل وارونه زده‌اند، گاهی به نعل زده‌اند و گاهی به میخ و گاهی به در گفته‌اند که دیوار بشنود.

هیچ هنرمندی نیست که تحت تأثیر هنرمند پیش از خود نباشد، این تأثیرگذاری‌ها باعث پیشرفت و تکامل هنر است. اگر حافظ از سعدی و خواجو تأثیر نمی‌گرفت، حافظ نمی‌شد.

دخو هم مثل ملا نصر الدین از قالبهای مختلف استفاده می‌کرد. گاهی خوانندگان فرضی به روزنامه‌ی مکتوب شهری می‌نوشتند و دخو به آنها پاسخ می‌داد. دخو حتی قالب تلگراف و آگهی را هم به کار می‌گرفت.

هم دخو هم ملانصرالدین هر دو از گنجینه‌ی پایان ناپذیر فرهنگ عامه بهره می‌گرفتند. در چرند و پرند هر تیپی در غیاب نویسنده به لحن و زبان خودش حرف می‌زند. بعد از چرند و پرند دهخدا طنزهایی داشته‌ایم که درجه یک بوده‌اند، «وغ وغ ساهاب» صادق هدایت و «التفاصیل» فریدون توللی. در این دو اثر تنوع مضمون وجود دارد، اما قالب یکنواخت است. در حالی که «چرند و پرند» هم از نظر قالب و هم از نظر مضمون متنوع است. بهتر است دیگر ملانصرالدین را ول کنیم و به چسبیم به دخو.



بیشتر مقاله‌های چرند و پرند حالت روایی دارد و می‌توان آنها را شکل اولیه‌ی داستان کوتاه در ایران دانست. این نکته را پژوهشگر فرانسوی «کریستوف بالایی» به خوبی دریافته است. او در کتاب «سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی» به این نتیجه می‌رسد که دهخدا آغازگر داستان کوتاه فارسی است. داستانی مقاله‌وار که در بطن آن روایتی جریان دارد. نویسندگان بزرگ دنیا هم گاهی داستان و مقاله را با هم قاطی کرده‌اند و داستان مقاله نوشته‌اند، مثل توماس مان و میلان کوندرا و بورخس و غیره... همین کار خودش نوعی شیوه‌ی روایت است.

حالا برویم سر نکته‌ای دیگر. دهخدا اولین کسی بود که پیروزی نثر را بر نظم اعلام کرد . او کاری کرد که شعر به شعریت خود برسد و کارهای دیگری را بر دوش نگیرد. به نوعی راه نیما را هم هموار کرده است. او می‌گفت وقتی حرفی را می‌شود به نثر نوشت، چرا آن را منظوم کنیم.

اگر در «چرند و پرند» قطعات منظومی دیده می‌شود، آن قطعات دقیقاً کارکرد نثر را دارند. هم استاد سعید نفیسی و هم دکتر محمد دبیر سیاقی در چاپ چرند و پرند، بخش‌های منظوم آن را کنار

گذاشته‌اند. در حالی که دهخدا این قطعات را در خود چرند و پرند آورده است. و نه در جای دیگر. این قطعات کارکرد مقاله و قصه را دارند. در دیوان دهخدا اشعاری است که واقعاً شعر است، اما قطعات منظوم چرند و پرند، در واقع مقالات منظوم است.

دهخدا در جایی، از قالب کنسرت استفاده کرده است. اتفاقی در قوچان افتاده بود. دختران قوچانی را قاچاق می‌کردند و به روسیه و قفقاز می‌بردند تا در کافه‌های آنجا آواز بخوانند که بعدها معلوم شد بعضی از مقامات محلی آن دوره در این کار دست داشته‌اند. دهخدا هوشمندانه از قالب کنسرت سود برده است. او می‌توانست در این باره مقاله بنویسد، اما همین که می‌بیند قضیه مربوط به کافه و کنسرت می‌شود، قالب کنسرت را انتخاب می‌کند. در این کنسرت دخترها آواز می‌خوانند و تمام شخصیت‌ها از روی حرفهایی که می‌زنند، شناخته می‌شوند. دهخدا نمی‌گوید چه کسانی در این کنسرت حضور دارند و یا تماشاچی‌ها کی هستند، یا آوازه خوان‌ها چه کسانی‌اند. به ماهیت افراد از روی حرفهایشان پی می‌بریم. در پایان کنسرت، عده‌ای به روسی و عده‌ای به ترکی شعار می‌دهند. از روی این شعارها می‌شود فهمید که چه کسانی در این کنسرت حضور دارند. جای این کار نمایشی دهخدا در چرند و پرند است، نه در دیوان اشعار او.

کمی هم از نقش مطبوعات در مشروطیت بگوییم. مبداء تاریخ ادبیات امروز ما همان سال مشروطیت است. ۱۳۱٤ هجری قمری مطابق با ۱۹۰٦ میلادی. ادبیات امروز ایران از این تاریخ به بعد است که شکل می‌گیرد. این ادبیات، بر آمده از مطبوعات است. اگر مطبوعات مشروطه نبود، نه دهخدا پیدا می‌شد و نه سید اشرف. مطبوعات برای نوشتن و سرودن و کشیدن (البته کشیدن کاریکاتور!) انگیزه ایجاد می‌کردند. در جایی خواندم که میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و میرزا قاسم‌خان تبریزی، مدیر صور اسرافیل و صاحب امتیاز آن، دهخدا را توی اتاق حبس می‌کردند و مقادیر زیادی سیگار و کبریت دم دستش می‌گذاشتند و می‌گفتند «تا مقاله ننوشتی، از اتاق بیرون نیا!». دهخدا هم در آن اتاق می‌نشست و این «چرند و پرند»ها را می‌نوشت. اگر روزنامه‌ی صور اسرافیل نبود و عملیات سوخت رسانی! این دوستان هم نبود، این شاهکار تأثیرگذار ادبی هم بوجود نمی‌آمد. این دودها سرانجام به نتیجه رسید. امیدوارم دودهای دیگر هم-(از هر نوعش!) به نتیجه برسند. البته نتیجه‌ی مطلوب.

مۆللانصرالدین ژورنالئ
و
آذربایجان روزنامه‌سی
حاققیندا



میر هدایت حصاری

بو ایکی نشریئه باره‌ده مۆباحیثه‌یه گیرمه‌دن اول، اۆ نشریئه‌لر و اۆنلارئن مۆدیرلری باره‌ده آز- چۆخ معلومات اله ائتمک گره‌کلی گۆرۆنۆر.

اۆنجه مۆللانصرالدین و میرزا جلیل محمدقولوزاده حاققیندا

آذربایجان ادبیاتی و ائله‌جه‌ده شرق خالقلارئنئن ایجتیماعی مفکوره‌سی‌نین اینکیشافئ تاریخینده اۆنملی رۆل اۆینایان و ئتنی بیر مرحله یاراداn میرزا جلیل محمدقولوزاده ۱۸۶۶ – یجی (۱۱۸۳ هیجری قمری) ایلین فئورال آیئنئن ۱ سینده، نخجوۆانئن یاخئینلیغئندا «نهرم» کندینده، کاسیب بیر ایرانلئ عائیله‌ده دۆنیایا گۆز آچدی. تحصیلاتئنی نخجوۆاندا قدیم سایاغئ مکتب‌لرده قورتاریب و فارس و عرب دیللرینی اۆیرندیکدن سۆنرا، آتاسئ اۆنو گۆرجۆستانئن قوری شهرینده زاقافقازیایا مۆعللیم‌لر دانیشسراسیئنا گۆندردی.

بئش ایل اۆرادا اۆخوماق اۆنون فیکرینی و ذئهنینی آچیب و آیدئن‌لاشدیرماقدا و اۆنو خورافاتدان آیئریب، رئال فیکیرلر تاپماقدا اۆنملی بیر رۆل اۆینادئ و اۆرادا روس دیلینی‌ده اۆیرندی.

۱۸۸۷- جی ایلده دانیشسرانیڭ بیتیردیکده، ایروان یاخینلیغیندا اولان «اولوخان» کندینه موعللیم تعیین اولدو. آز سونرا «شرور» قضاسیندا «باش نوراشین» کندینه کوچورولدو. اورادا ایلک بدیعی اثری اولان «چای دسگاهی» آدلی منظوم بیر پیسی یازدی.

او موعللیملیک پشمه‌سینی اورکدن سئویردی. عئین حالدا کیچیک داستانلار یازماقلا مشغول‌ایدی و کندلیلرین آغیر یاشاییشی شرایطی‌ایله یاخیندان تانیش اولوردو. ۱۸۹۰- جی ایلده اونو نهرم کندینین مکتبینه نظارتچی کیمی گوندردیلر. اونون ۱۰ ایل داوام ائدن تعلیم و تربیه فعالیتی‌نین ۸ ایلی اورادا کئچدی و بیر نئچه اثرینی اورادا یازیب، یاراتدی.

۱۸۹۷ - جی ایلده میرزا جلیل محمدقولوزاده موعللیملیگی بوراخیب نخجوان و ایروان شهرلرینده دؤولت ایداره‌لرینده ایشلمه‌یه باشلادی و همان ایللرده فورصت تاپاراق مطبوعات صحیفه‌لرینده گوروشمه‌یه باشلادی.

۱۹۰٤- جو ایلده آنجاق بیر حادیثه اونو تیفلیسه گتیریب، چیخارتدی. او حادیثه بوایدی کی، اونون حیات یولداشینا بیر خسته‌لیک اوز وئردی و او خسته‌لیین موعالیجه‌سی او زامان آنجاق تیفلیسده مومکون اولدوغونا گوره اونو اوزو ایله گوتورموب تیفلیسه آپاردی.

اورادا آذربایجان دیلینده نشر اولان «شرق روس» آدلی بیر نشریه‌نین موديری محمدآقا شاه بختی‌لی (۱۹۳۱- ۱۸٤۸) ایله تانیش اولدو. یازدیغی «پوست قوتوسو» آدلی کیچیک داستانی اونا وئردی و او اوخویوب بیه‌ندیکده، اونو روزنامه‌سینده امکداشلیق ائتمه‌یه دعوت ائتدی. بئله‌لیکله محمدقولوزاده ۱۹۰۳- جو ایلدن او نشریه‌ایله امکداشلیق ائده‌رک تیفلیسده قالیب، حقیقی معنادا مطبوعات عالمینه آیاق قویدو. یازدیغی بعضی کیچیک داستانلاری اورادا نشر ائتدی.

مونلانصرالدین مجله‌سی تاپیلیر

«شرق روس» نشریه‌سی بیر موددتدن سونرا باغلاندیقدا، محمدقولوزاده تیفلیسده‌کی روس مطبوعاتیندا ایشتراک ائدیر و دئموکراتیک «وزراژدنیه» (اتتباه= آیئیلماق) روزنامه‌سی‌نین موسلمان شوعبه‌سی‌نین موديریت وظیفه‌سینده چالیشیر. بو زامان موترقی یازیچی و ایجتیماعی خادیم اولان عومور فایئیق نعمان‌زاده ایله بیرلیکده «شرق روس» روزنامه‌سی‌نین مطبعه‌سینی آلاراق «قئیرت مطبعه‌سی» آدی‌ایله موختلیف کیتابلار، وثرقه‌لر نشر ائدیب آهالی آراسیندا یایئیرلار.

اؤ زامان تئزار حؤکؤمتی روزنامه نشر ائتمه‌یه اصلن ایجازه وئرمیردی. لاکین ۱۹۰۴- جو ایلده روس وَ ژاپؤن مؤحاربه‌سی اینانئیلماز حالدا روس دؤولتی‌نین شیکستی ایله باشا چاتئیب ۱۹۰۵- جی ایلده صؤلح مؤقاویله‌سی آمریکادا ایمضالاندیقدان سؤنرا روسیه‌نین هر ئیرینده عؤصیانلار قاوزاندی وَ روسیه‌ده بیرینجی اینقیلاب اوز وئردی، اونون دالیسینجا نیسبی بیر آزادلیق یا اؤزباشینالیق آرایا چیخدیقدا، محمدقولوزاده بو فؤرصتدن ایستیفاده ائده‌رک مؤللانصرالدین مجلله‌سی‌نی یؤلا سالدی. مجلله‌نین بیرینجی سایی ۱۹۰۶- نجی ایل آپریل آیی‌نین ئیددی‌سینده (۱۴ صفر ۱۳۱۴ هیجری قمری) مین نؤسخه‌ده وَ ایکینجی سایی ۱۰۰۰- تیراژ ایله وَ سؤنرا ۵۰۰۰ تیراژ ایله چیخیب چؤخلو مانئع‌لره وَ چتین‌لیک‌لره باخمایاراق هر ئیرده یایئیلاراق، شؤهرت وَ محبوبیئت تاپیب، تام علاقه‌ایله قارشیلاندی.

بو نشریه آذربایجان ادبیاتی عالمینده اؤز وئرن تاریخی بیر حادیثه‌ایدی. خؤصوصی‌ایله همان ایل ایراندا مشروطه اینقیلابی جریاندا ایدی وَ بو نشریه وَ اونون مؤدیرو محمدقولوزاده وَ سایر یازیچیلاری وَ شاعیرلری [عبدالرحیم حق‌وئردی‌ئی، محمدسعید اردوبادی، میرزاعلی اکبر صابیر (طاهرزاده)] ایران اینقیلابینی نظری آلتیندا ساخلایاراق اونا جان یاندیریب، یؤل گؤستریب، خطرلری خاطیرلاداراق اؤنلارا هؤشدار وئریردیلر. اونون تامام سایی‌لاریندا ایرانلا ایلگیلی مطلب‌لری گؤرمگ اولاردی. خؤصوصی‌ایله صابیرین شعرلری او جؤمله‌دن ستارخانین تعریفینده دئدیئی شعری مؤجاهیدلرین سنگرلرینده الدن- اله گزه‌رک دیللرین ازبری‌ایدی. اونلارا روحیه وَ قؤدرت وئریردی. «عباس صحت» بو باره‌ده دئییر: «صابیرین عؤمرونون سؤن بئش ایلینده دئدیئی شعرلر بیر سیلاحی اوردودان آرتیق ایران مشروطه اینقیلابینا خیدمت ائتمیشدی» بو مجلله‌نین گؤزل وَ رنگلی کاریکاتورلاریدا یازیلاری کیمی ماراقلی وَ معنالی ایدی. بو کاریکاتورلاری اونون مهارتلی نقاشلاری: عظیم‌زاده، روتئر، آلمانلی شلینگ.(اصلینده: اوسکار ایوانویچ شمرلینگ) وَ نئچه نفر آیری‌لاری چکردیلر.

بیلریک کی، محمدقولوزاده‌نین اصلی خوی‌لو ایدی. ۱۹۱۰- نجی ایلده بیر یؤللوق قالماق قصدی‌ایله آتا- بابا یوردونا (تبریزه) گلدی وَ مؤللانصرالدین روزنامه‌سی‌نین ۸ نؤمره‌سینی اوزادا چیخارتدی. لاکین اونون دؤغما یوردو اونو اوزؤنده ساخلییا بیلمه‌دی.

بیر ایل سؤنرا (۱۹۱۱- نجی ایلده) ئتنی قورولان شوروی حؤکومتی‌نین دعوتی‌ایله باکی‌یا قاییتدی وَ اؤلنه‌دک (۱۹۳۱- ده وفات ائتدی) اوزادا عیززت‌ایله یاشایب، یازیب، یاراتدی.

مۆللانصرالدین روزنامه‌سی تبریزده نشر اۆلاندا آذربایجانئین مشهور نقاشی میرمصوّرین ۱۶- یاشلئ اۆغلو «سیدعلی بهزاد»، عظیم‌زاده‌نین کاریکاتۆرلارئندان تأثیرلنیب، ایلهام آلاراق چکردی.

مۆللانصرالدین روزنامه‌سی‌نین ایراندان علاوه ساییر شرق اۆلکه‌لری‌نین خالقلارئنئ آیئیلدئیب، فیکیرلرینی آچئیب، دۆشۆنجه‌لرینی یۆکسلتمکده چوخ بۆیۆک تأثیری اۆلموشدور.

ایندی‌ده «آذربایجان» روزنامه‌سی و اونون مۆدیرۆ صفراۆۆ حاققیندا

۱۹۰۶ - جی ایل آوقوست آیئ‌نئین ۵ – ینده (۱۴ مرداد ۱۱۸۵ شمسی) مشروطه فرمانئ قاجار شاهئ مظفرالدین شاه طرفیندن ایمضلانیب، ائعلان اۆلدوقدان سۆنرا چوخلو روزنامه‌لر تبریزده نشر اۆلماغا باشلادئ. بو روزنامه‌لرین ایلکی تبریز انجۆمنی طرفیندن نشر اۆلدو. بو نشریئه تبریز انجۆمنی‌نین خبرلرینی یازئردئ و ایکی گۆندن بیر چئخئیب یاییلئردئ. روزنامه‌نین مۆدیرۆ میرزاعلی اکبرخان‌ایدی. بو یارئم وَرق قطعینده نشر اۆلان روزنامه‌نین ایلک سایئ‌نئین آدینئ «روزنامه‌ی مجلیس میللی تبریز» قۆیدولار لاکین «مجلیس» کلمه‌سینی مۆناسیب گۆرم‌دیکده یازارئ‌نئین تکلیفی اۆزره اۆ نۆمره حاضیر اۆلدوغو حالدا قئیراغا قۆیولدو، همان گۆنده بیر آیرئ نۆمره «روزنامه‌ی ملی» عۆنوانی آلتیندا نشر اۆلدو. داها سۆنرا بیرده دییشیلیب «انجمن» آدئایله یاییلدئ. آممـا بو روزنامه‌لرین ان مشهورو و آبیرئلئ‌سی تبریزده نشر اۆلان «آذربایجان» روزنامه‌سی‌ایدی بیر ایل آز- چوخ داوام ائدن بو روزنامه ۱۰ یا ۱۱ نۆمره چاپ اۆلدو (ائدوارد براۆن ۱۱ – نۆمره الینده اۆلدوغونو ایددیعا ائتمیشدی) بو روزنامه مۆللانصرالدین ساياغئ طنز و اینتیقادی بیر روزنامه‌ایدی و مۆللانصرالدین کیمی طنزیلی کاریکاتۆرلارئ اۆلوردو. بو روزنامه‌نین بیناسئنئ قۆیان تبریزین آزادیخواه تاجیرلریندن بیری اۆلان حاجی میرزا آقابلوری و یازانئ ایسه مشهور ژورنالیست میرزا علیقلی صفراۆۆ ایدی. «روزنامه‌نین ایلک سایئ ۱۳۱۵- هیجری قمری، محرم آیئ‌نئین ۶- سئیندا و سۆن سایئ ۱۳۱۵ – جی ایل شوال آیئ‌نئین ۶- سئیندا نشر اۆلموشدور (صفراۆۆ ۱۳۱۶ هیجری قمری‌ده اۆلدو) آذربایجان روزنامه‌سی مۆللانصرالدین شیوه‌سی‌ایله رفتار ائدیردی و مۆللانصرالدینلن کئچنده آذربایجانئین ان یاخشئ طنز روزنامه‌سی‌ایدی و قورقوشوم حرفلری‌ایله چاپ اۆلوردو.

بوراسیدا ماراقلئ دیرکی، محمدعلی میرزانین ولیعهدلیئی زامان تبریزده اۆزل بیر چاپچاناسئ وارایدی.

تهرانا گئدرکن حاجی میرزا آقا بلوری اؤنو آلدئ وْ آذربایجان روزنامه‌سی وْ بعضی اینقیلابی نشریئه‌لر اؤرادا چاپ اؤلوردو. بونودا دئییه‌ک کی، بو روزنامه ستارخانئین هؤممتی‌ایله وْجوده گلمیشدی. صفراؤْ اؤزؤده تجروْبه‌لی بیر مطبوعاتچئ‌ایدی اؤندان قاباق نئچه روزنامه چئیخارتمیشدئ. اؤ جؤمله‌دن:

۱- «اقبال» هفته‌لیئی، داش باسما شیوه‌سی‌ایله تبریزده نشر اؤلوردو.

۱- «احتیاج» هفته‌لیئی، تبریزده داش باسما شیوه‌سی‌ایله نشر اؤلوردو. ۱۳۱۶- هیجری قمری‌ده ۷- نؤمره نشر اؤلدوقدان سونرا آذربایجانئین اؤ زامان کی حاکیمی امیرنیظام‌گروسی‌نین حؤکمؤ ایله باغلاندئ.

۳- شب‌نامه، هزل بیر روزنامه ایدی، ۱۳۱۰- هیجری قمری حؤدودوندا تبریزده نشر اؤلوردو.

بونلاردان علاوه صفراؤْ بیر زامان تیفلیسده مؤللانصرالدین ژورنالی‌ایله امکداشلئیق ائدیب، تجروْبه تاپمیشدئ. اؤزؤده صابیر شیوه‌سینده شئعر قوْشوب آذربایجان روزنامه‌سینده چاپ ائدیردی. اؤ حتتا صابیرین «میللت نئجه تاراج اؤلور، اؤلسون نه ایشیم وار» مطلع‌لی ایلک شئعری‌نین ترجؤمه‌سینی ده چاپ ائتمیشدی. بو شئعرین مؤترجیمی «حکمت» روزنامه سی‌نین مؤدیروْ میرزا مهدی خان‌ایدی. (از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۵۳)

آذربایجان روزنامه‌سی دئدییمیز کیمی مؤللانصرالدین ژورنالئ‌نئین شیوه‌سینده یازیلئیردئ وْ بعضن ده اؤنونلا باش- باشا قوْیاراق طنزلی حالدا مؤباحیثه ائده‌رک، دئییشیردیلر.

آذربایجان روزنامه‌سی‌نین دؤوره‌سی (۱۰ - نؤمره‌سی) ایرانئین میللی کیتابخاناسئندا وْ شورا مجلیسی کیتابخاناسئندا واردیر. بو روزنامه تبریزده ایلک دفه قورقوشوم حرفلری‌ایله چاپ اؤلان نشریئه‌دیر.

مؤللانصرالدین‌ایله آذربایجان روزنامه‌سی‌نین دئییشمه‌لری

دئدییمیز کیمی مؤللانصرالدین روزنامه‌سی‌نین یازیچئیلارئ وْ خوْصوصی‌ایله اؤنون بؤیوْک شاعیری صابیر ایرانین مشروطه حرکت‌لرینی ایزله‌ییرک اؤ یؤلدا چالئیشان آزادیخاه‌لارا وْ مؤجاهیدلره جان یاندیراراق اؤنلارئ تشوْیق ائدیب، سهوْلرینی وْ خطالرینی خاطئیرلاداراق اؤنلارا یؤل گؤستریر وْ تکلیف‌لر ائدیردیلر. بو باره‌ده خوْصوصی‌ایله صابیرین طنزلی شئعرلری چوْخ ماراقلئ وْ تأثیرلی‌ایدی. صابیر اؤ زامان ایراندا اوْز وْثرن مؤهوْم حادیثه‌لری دوْزگوْنلوْکله

سئچیر وٓ اوٓنو اینجه‌له‌ییر وٓ تام صداقتله نظمه چکیب وٓ حتتا گله‌جک حادیثه‌لری قاباقدان گؤرنمه‌لیک ائدیردی.

اوٓ ۱۹۰۵ – جی ایلدن وٓفاتئینا (۱۹۱۱- جی ایله) ده‌ک ایرانئین اینقیلابئ حادیثه‌لری صابیرین اساس طنز موٓضوسوایدی. صابیر بو موٓددتده ۱۰ - دن آرتئیق اشعارئنئ ایران اینقیلابئینا حصر ائتمیشدی. اینقیلابئین تام مرحله‌لری: محمدعلی‌شاه- ئین ریژاکارلئغئ، فدائی‌لرین وٓ موٓجاهیدلرین دیلاوٓرلیک‌لری، میللی شورا مجلیسی‌نین کیفایت‌سیزلیئی وٓ سوستلوغو، شاه- ئین روسلاردان وٓ آوروٓپا ایمپیریالیسمیندن کؤمک‌لیک ایسته‌مه‌سی وٓ نهایت اینقیلابئین شیکست تاپماسئ بوٓتوٓنلوٓکله صابیرین شئعرینده اینعیکاسئنئ تاپمیشدئ. بعضن‌ده آذربایجان روزنامه‌سی اوٓ شئعرلره صابیرین اوٓز سبکی‌ایله جاواب وٓثریب وٓ بیر- بیرلری‌ایله دئییشیردیلر.

آزادلیق حرکتی ایراندا گوٓن به گوٓن گئنیش‌لندیئی حالدا موٓرتجئع‌لرده ساکیت اوٓتورمایئیب، جوٓر به جوٓر دسیسه‌لرله اوٓزلرینی آزادیخاه‌لارئن جرگه‌سینه قاتئیب اوٓنلارئ آل دیلی ایله آلداتماغا چالئیشردیلار. اوٓ جوٓمله‌دن: ۱۳۱۱- جی هـ.ق ایلین‌ده اوٓلکه‌دن سوٓرگوٓن اوٓلونان میرزاعلی اصغرخان اتابک اوٓچ ایل یارئم‌دان سوٓنرا ۱۳۱۵- جی ایلین باهارئندا دوٓباره ایرانا چاغرئلئیب، شورا مجلیسی‌نین کیفایت‌سیزلیئی نتیجه‌سینده، ئئنی‌دن صدر اعظم‌لیک مقامئنا قوٓیولدو. بو زامان صابیر بیر طنز وٓ اینتیقادی شئعرایله ایران آزادیخاه‌لارئنا موٓراجیعه ائده‌ک دئمیشدیر (موٓلاناصرالدین ۱۱ مای ۱۹۰۷):

هه دیء گؤروٓم نه اوٓلدو بس، آیٓ بالا ایددیعالرین؟
دوتموش‌ایدی ئئری گؤیوٓ ناله‌لرین، نوٓالرین...
یوٓخسا قالئیب‌دا عئیبینی بوٓشلامئیسان ادالرین؟
شیمدی حریف، سوٓز همان من دئییه‌ن اوٓلدو، اوٓلمادئ؟

سن دئمه‌دین‌می ساغلامام، یوٓخ بدنیمده بیر مرض؟
من دئمه‌دیم‌می جوٓوٓهر-ی نفسینه حیرص اوٓلوب عرض؟
سن دئمه‌دین‌می شخصیمه ال تاپا بیلمه‌ییب قرض؟
تاکی، اوٓلوندو ایمتحان، من دئییه‌ن اوٓلدو، اوٓلمادئ؟

انجوٓمن اهلی‌نین قوٓچاق، سن دئمه‌دین‌می، بیر تکی،
وٓثرمه‌یه‌جک ریضا گله، اوٓلکه‌میزه اتابکی؟!
نه اوٓلدوکی، تئز بوٓشالدئ بس ایش گوٓرن انجوٓمن‌ده‌کی؟

کؤهنه قاپیئ، همن داباندان، من دئییه‌ن اؤلدو، اؤلمادیئ؟

سن اؤ دئییلدین‌می، دئدین: دوم- دور اؤمیدگاهیمیز؟
من دئمه‌دیم‌می، وار بونا دوم- دورو ایشتیباهیمیز؟
باکیئ وکیلی گئشتدیم، اؤلدومیئ دادخاهیمیز؟
گئشت هله خاطین، دؤلان، من دئییه‌ن اؤلدو اؤلمادیئ؟
بو شئعر عرب بنددیر قالان ایکی بنده دئییرکی:
سن دئدین وار ایتتحادیمیز من‌ده دئدیم کی بو سؤزه
یؤخ بیزیم اثعتیمادیمیز ... ایندی پرده آچیلدیئ ناگهان، من دئییه‌ن اؤلدو، اؤلمادیئ؟

سؤنرا ۱۳۱۵ – جی ایل رجب آییندا اتابک، عباس آقا تبریزی‌نین الینده اؤلدوکدن سؤنرا تیفلیسده «تازه حیات» روزنامه‌سی بیر شئعرینده صابیره جاواب وئریر و تبریزین آذربایجان روزنامه‌سی‌ده همان سبک‌ده صابیره بئله جاواب وئریر:

هه گؤروسن یئرینده‌دیر بیربه بیر ایدیعامیزیئ
گؤر نئجه مؤستجاب ائدیب تاریئ بیزیم دؤعامیزیئ
وئردی کمال-ی لطف‌ایله مطلب و مؤددعامیزیئ
ایندی نئجه اؤلدو مؤللاعمی، من دئییه‌ن اؤلدو، اؤلمادیئ؟

انجومن اهلی‌نین دئدین قئیرت و هیممتی گرک
سن ساییانیئ کناره قویئ، گؤرکی نه‌لر سایار فلک
من دئمه‌دیم اتابکین واردیئ باشیئندا بیر کلک
ایندی نئجه اؤلدو مؤللا عمی، من دئییه‌ن اؤلدو اؤلمادیئ؟
سالمیشیئدیئ تزلزوله جانیئمیئ وا وطن سسی
گلدی قولاغه ناگهان قاصید خوش‌سوخن سسی
نااللادیئلار اتابکی باتدیئ بونشه‌دن سسی
ایندی نئجه اؤلدو مؤللا عمی، من دئییه‌ن اؤلدو، اؤلمادیئ؟

بو شئعر ۸ – بندایدی لاکین سؤزو چوخ اوزاتماماق اوچون تکجه اوچ بندینی نقل ائتدیک- (آذربایجان نؤمره۱۶)

• صابیر بوشئعره مؤللانصرالدین روزنامه‌سی‌نین (۱- اؤقتیابر ۱۹۰۷) تاریخلی نؤمره‌سینده جاواب وئره‌رک آزادیخاهلارئن ساده‌لیئینه گؤلؤر و ایران میللتینه سیفاریش ائدیرکی آیئیق اؤلسونلار و مؤباریزه دن ال گؤتؤرمه‌یئب، یورولماسئنلار:

لؤغالاشئب آگؤرمه‌میش چؤخدا بئله قئیرئلدِاما
تربیئه‌سیز اوشاق کیمی بؤش- بؤشونا هئیرئلداما
باش قولاغئین دؤزه‌لمه‌یئب چؤخدا باسئب گؤررؤلداما
دینمه، دانئشما، یات بالام، سن دئیه‌ن اؤلمایئیب هله

مؤنتظیم اؤلمامئش عمل رؤوئتق-ی کار اؤلورمو یا؟
صؤبح طلوع ائتمه‌میش وقت-ی ناهار اؤلورمو یا؟
بیر گؤل آچئیلماق ایله‌ده فصل-ی بهار اؤلورمو یا؟
دینمه، دانئشما، یات بالام، سن دئیه‌ن اؤلمایئیب هله

قتل ائله‌دیز اتابکی، من کی بو امری دانمئرام
وار یئنه مین اتابکیز، یؤخسا من بونو قانمئرام
کؤهنه قاپئ بو تئزلیئه، تازه‌لشه اینانمئرام
دینمه، دانئشما، یات بالام، سن دئیه‌ن اؤلمایئیب هله

آرخا سو دؤلمایئیب هله
کؤهنه ایداره نیز دورور
رنگی‌ده سؤلموئوب هله

بو شئعرده ۷ – بندایدی، بیز آنجاق ۳- بندینی بورادا نقل ائله‌دیک- آذربایجان روزنامه‌سی بو شئعری‌ده جاواب‌سیز قؤیمایئیب ۹- بندلی بیر شئعرده اونا جاواب وئره‌رک دئییرکی، بیز بو آزلئیقلارئ و بؤشلوقلارئ اؤزؤموز بیلیریک واقتئیندا اونلارئ رفع ائده‌جه‌ییک:

گر اؤلائیم آخؤشِ دماغ عازیم-ی مؤلک-ی کوی-ی «ری»
مؤمکؤن اؤلورمو بو یؤلو بیردن ائدک تمام طئی؟
تؤرکؤ دئییر یاواش- یاواش، لفظ-ی عرب شوی-ی شوی
سنده‌کی یؤخدو حؤصله، دینمه، دانئشما، صبر ائله
سن دئییسن کی قئیش گؤنؤ مؤسیم-ی فروَدین اؤلا

من دئییرم کی فصل-ی دئی گئتمسه کیم امین اولا
باخما ریئالی سؤزلره، قلب گرک امین اولا
سندهکی یؤخدو حؤصله، دینمه، دانئیشما، صبر ائله
چؤخلاری اؤلکهدن قئیراق باخدی بیزه هئیرئلدادی
اسکی قاپی دابانی تک بیر نفسه جئیرئلدادی
دؤؤر-ؤ زمانی گؤرمهدن فئیرفئیرا تک فئیرئلدادی
سندهکی یؤخدو حؤصله، دینمه، دانئیشما، صبرائله
«بار عتاب دشمنان بس که نشسته بر دلم»
دؤستوموز اؤلکهدن اوزاق، بس کیمه دردیمی دئییم
«کز طرفی تو می‌کشی، از طرفی سلاسلم»
سندهکی یؤخدو حؤصله، دینمه، دانئیشما، صبر ائله

.....

سن بئله فیکر ائیلهمه کیم ایشلریمیز دؤزلمهدی
عاریف اولان بیلیر سؤزؤ نؤکتهسی بیرجه کلمهدی
بیزلره بو شمنده‌فر دؤغروسی ایشه گلمهدی
سنده کی یؤخدو حؤصله، دینمه، دانئیشما، صبر ائله
کؤی-ی وفایه قؤیمارئیق دؤشمنی بیز تپیکلهریک
گر سووا یات بیر اولاق، قؤرخما یؤکؤنؤ یؤکلهریک
هر یئیخیلان ائششهکلری، رمزیله دستی دیکلهریک
سندهکی یؤخدو حؤصله، دینمه، دائیشما، صبر ائله

۱- شومن دوفر: فرانسیزجا دمیر یؤلو معناسئینادیر.

قایناقلار:

۱- یحیی آرین پور، از صبا تانیما
۱- سید احمدکسروی، تاریخ مشروطه‌ی ایران
۳- میرزا علی اکبر طاهرزاده (صابیر)، هوپ هوپ نامه
٤- جلیل محمدقولوزاده، سئچیلمیش اثرلری
٥- رحیم رضازاده ملک، هوپ هوپ
٦- علی قلی صفروف، آذربایجان روزنامه‌سی

«مؤللانصرالدین» ؤ ایران

توران حسن‌زاده
کؤچؤرن: فریدون محمدی(آرچان)



← آمریکا،اینگیلیس، آلمان،فرانسه ؤ.... امپیریالسیت‌لری:
بیز زوٚر ائیله‌میریک
آنجاق خاهیش ائیله‌ییریک کی بیزه
دمیر یوٚلو ایمتیازیٔ وئره‌سن!!!

«مؤللانصرالدین» مجلله‌سی ؤ ایران مؤوٚضوسو ۱۰- جی عصرین اوٚل‌لرینده اینقیلابی حرکات آذربایجاندا دئموٚکراتیک مطبوعاتیٔن‌دا اینکیشافیٔن تکان وئردی. بو عرفه‌ده نشره باشلایان «مؤلانصرالدین» مجلله‌سی اوٚزوٚنوٚن آیدیٔن ایدئیا ایستیقامتینه گؤره باشقا روزنامه ؤ مجلله‌لردن فرق‌لنیر ؤ دیققتی داها چوٚخ جلب ائدیردی.

شرق خالق‌لاریٔ‌نیٔن خوٚصوصتی‌ایله ایران حیاتی ؤ موباریزه‌سی آذربایجان دئموٚکراتیک ادبیاتیٔ‌نیٔن گؤرکملی نوٚماینده‌لری دایئیم دوٚشوٚندوٚرموٚش اوٚنلار بدیعی، علمی ؤ مطبوعاتی فعالییت‌لرینده بو مؤوٚضوعا گئنیش یئر وئرمیشدیلر.

م- ف- «آخوندوٚو، ن. ب وٚزیروٚو- ع- حاق وئردی‌اوٚو «ع.ق. غمگسار». م- س- اوٚردوبادی ؤ باشقالاریٔ‌نیٔن یاراداٚیجیلیغیٔندا ایران مؤوٚضوسو موٚهوٚم یئر توتور. اوٚنلاٚر شرق خالقلاریٔ‌نیٔن حیاتیٔندا هرجوٚر گئنری‌لیئی ؤ اینکیشافا مانئع اوٚلان جهت‌لری کسکین صورتده طنز آتشینه توتاراق، اینقیلابی فیکیرین اوٚیانماسیٔنیٔ، کوٚتله‌له‌رین دئموٚکراتیک حوٚقوق‌لار اوٚغروندا موٚباریزه‌یه قالخمالاریٔنا کوٚمک ائتمیش‌لر.

شرق خالقلاریٔ‌نیٔن خوٚصوصی‌ایله ایران خالق‌لاریٔ‌نیٔن حیاتی ؤ میللی آزادلیٔق حرکاتی مؤوٚضوسو جلیل محمدقولوزاده یاراداٚیجیلیٔغیٔندا داها درین ؤ اطرافلی ایشلنمیشدیر. یاریٔم عصیرلیک بیر یاراداٚیجیلیٔق دوٚورو کیٔچمیش بؤیوٚک ادیبین بدیعی اثرینده بو خالقلاریٔن حیاتیٔنا ؤ موباریزه‌سینه عاییٔد مسله‌لرین قوٚیولوشو ؤ ایشتیٔق‌لاندیریلماسیٔ بوگوٚن اوٚچوٚن‌ده چوٚخ اهمییت‌لی‌دیر.

جلیل محمد قولوزاده هله « مؤللانصرالدین» مجموعه‌سینی نشر ائتمزدن اوّل اینقیلابی مطبوعاتدا چیخدیغیش ائده‌رک بؤیوک وطن پروَرلیک حیسی ایله جنوبی آذربایجان خالقینین آزادلیغی و مدنی اینکیشافی اوغروندا موبارزه آپارمیشدیر. سونرالار « مؤللانصرالدین» مجموعه‌سی‌نین صحیفه‌لرینده درج ائتدیردیگی و فیلیه‌تونلارئندا ایران حاکیم دایره‌لرینی ایفشا ائده‌رک خالقین فلاکتلی و آجیناجاقلی وضعیتی‌نین اساس سبب‌لرینی گؤسترمیشدیر. جلیل محمدقولوزاده‌نین ایقیلاب- دئموکراتیک دونیا گؤروشو اینکیشاف ائتدیکده اونون طنزی‌ده کسکین سیاسی سجیه آلیردی. ادیبین ایران «حوَریه‌تینین» داخیلی بؤشلوغونو کسکین طنز آتشینه توتماسی‌نین بؤیوک تاریخی اهمیتی واردیر. حیات بو فیکیرلرین دوغرولوغونو تصدیق ائتدی.

ایران زحمت‌کئش‌لری‌نین آردیجیل دئموکراتیا اوغروندا موباریزه‌یه چاغیران ادیب ۱۹۰۵- نجی ایل بیرینجی روس اینقیلابی تجروبه‌لریندن اؤیرنیر و اونو تبلیغ ائتدیریر.

«مؤللانصرالدین» اؤز دئموکراتیک، ترقی‌پروَر ایدیالی‌ایله ۱۹۰۵- ۱۹۱۱ نجی ایل‌لرده ایراندا باش وئرن اینقیلابی حرکت اوندا چوخ بؤیوک رول اوینامیشدیر. زحمت‌کئش‌لرین قانینی سوَران شاه موطلقیتینی دئویریب، گئنیش خالق کوتله‌لری‌نین منافعینی موَدافیعه ائتمه‌سینی ج.محمدقولوزاده اؤلکه‌نین موستقیل‌لیینی تأمین ائدن بؤیوک و جیددی ایصلاحاتلارین آپاریلماسی‌نی، ایراندا کی میللت‌لره موختاریت وئریلمه‌سینی طلب ائتدیردی.

«مؤلانصرالدین» مجلله‌سی همچنین اونون اطرافینا توپلاشان شاعیر، یازیچی و ضیالی‌لارین ایران خالق‌لاری‌نین حیاتینا دایر یازی‌لاری بؤیوک تأثیر گوجونه مالیک‌ایدی.

مجلله او ضروری بیر دوَوَرده یاخین شرقده و ایراندا دئموکراتیک حرکاتین باش قالدیرماسی دوَوَرونده نشره باشلامیشدی. «مؤللانصرالدین» ایران و زحمتکئش‌لری‌نین یانیز بو گوَنو ایله دئییل گله‌جک موقدراتی‌له‌ده چوخ یاخیندان ماراقلانیر و بو حاقدا دوشونوردو. بو مقصدله دئمک اولار کی مجلله‌نین اکثر نومره‌لرینده فیلیه‌تونلارا. «سوآل- جاواب‌لارا»، «انعلانلارا»، «تئلئقیراف خبرلرینه» و چوخ تأثیرلی کاریکاتوَرالارا راست گلیریک.

مجلله ایران اینقیلابیندا خالق آزادلیغی اوغروندا موباریزه‌نین قوربانی اولان قلم صاحیب‌لرینه قلبن آجیغیر و اؤز تأثیراتینی ۱۹۰۸- جی ایلین ۱۵- نجی نومره سینده درج ائتیبی «ازاله- نجاست» آدلی مقاله‌سینده بیلدیریردی: «ایرانلی قارداشلار ایله برابر ایرانین موصیبتینه قوصه‌لنیریک. وطن یولوندا نامرد جلالدلارین حؤکمو ایله شهادته یئتن قلم صاحیب‌لری‌نین و قئیری موجاهیدلرین پاک روحونا سجده ائدیریک و ایران مملکتی‌نین بو بلادان قوتاریب خوشبخت اولماغینی صمیمی قلبدن آرزولایریق».

مجله اینقیلاب‌چی‌لارا ایران زحمت‌کئش‌لرینه موَراجیعت ائده‌رک اونلاری باشا سالیردی خالقین قدار دوشمنی اولان محمدعلی شاه-ی دفع ائتمک اینقیلابی حرکاتی‌نی قوَوتلندیرمک و اونون قلبه‌سینه نائیل اولماق لازیمدیر.

ایران مؤلیفلریندن محمدلو عباسی «مشروطه دؤورؤنده ایران مطبوعاتئ تاریخی» کیتابئین مؤقدمه‌سینده ده ۱۹۰۵- جی ایل اینقیلابئین ایلک صداسئنئ ایرانلئلارا چاتدئران مشهور «مؤللانصرالدین» مجموعه‌سی‌نین اهمیتی‌نین قئید ائتمیشدیر. اؤ گؤستریردی، کی مجله بئله یازئلارئ ایله ایران زحمتکئش‌لرینه اینقیلابی درس وئرمیش اؤلدو «مؤللانصرالدین مجله‌سی» ایران دئموکراتیک حرکاتئ‌نئین ایران خالقئ‌نئین قددار دؤشمنی اؤلان مؤستبید محمدعلی شاه-ی هر آددئم‌دا ایفشا ائدیر و اونون ایچ- اؤزؤنؤ آچئیب خالقا گؤستریردی. محمدعلی شاه-ئن ساتقئین‌لئغئنئ، اؤلکه خالقلارئنا وئردیئی عذاب‌لارئ، مملکتی داغئدئیب خارابازارا چئویردیئینی گؤردؤکده، چؤخ تأثرلنیر و بویؤک قلب چئیرپئنتئلارئ ایله دئییر: «حئیف اؤلسون سنه ائ منیم گؤزل وطنیم» («مؤللانصرالدین» ۱۹۰۷ نؤمره ۵)

«مؤللانصرالدین» مجموعه‌سینده ایران اینقیلابی ایران زحمتکئش‌لری‌نین میللی آزادلئق حرکاتئ حاققئیندا ان چؤخ شئعرلر یازان فعاللئیق گؤسترن شاعیرلردن بیرینجی‌سی م.ع صابیر ایدی. هئچ تصادؤفی دئییل‌دیر کی، ع. صحت «صابیرین آثارئ بئش ایل مؤددتینده ایران مشروطه اینقیلابئیندا بیر اؤردوداندا زیبادا خیدمت ائتمیشدیر». سؤزلرینی تصادؤفی اؤلاراق دئمه‌میشدی.

«مؤللانصرالدین» مجلله‌سی جنوبی آذربایجاندا ستارخانئین میللی آزادلئیق دئموکراتیبا اوغروندا قهرمانلئیق مؤباریزه‌سی‌نی ایزله‌ییر و مؤوفقیئت‌لرینه سئوینیردی. ستارخانئین شاه اؤردوسونا چالدیغئ قلبه‌سیندن فرحله‌نن مجلله یازیردئ: «اینسان حددیندن آرتئیق بیر شئی‌یه سئوینینده چؤخ واخت دیلی توتولان کیمی اؤلار و اؤ واخت بیلمزکی، نه دئسین و نه دانئشسئین.

شاه-ئن نامرد قؤشونلارئ‌نئین باسئلماغئنئ ائشیدیب آنجاق بونو دئیه بیلدی: «یاشا ستارخان» («مؤللانصرالدین ۱۹۰۸. نؤمره ۴۰»)

۱۹۰۸- نجی ایلده م-ع صابیرین ستارخانا حصر ائدیئی شئعری ده «مؤللانصرالدین» ده درج ائدیلمیشدیر شاعیر بو مشهور شئعرینده ستارخانئین وطن‌پرورلی‌یینده و قهرمانلئغئندان آتشین محبت‌له دانئشاراق اونو شرقین میلیونلارلا ساده آدام‌لارئ‌نئین سئویملی‌سی کیمی گؤسترمیشدیر. شاعیر اؤز شئعرینی خالقئین آزادلئغئنا تبریزلی‌لرین و ستارخانئین گؤستردیئی قهرمانلئق‌لارئن شرفینه دئدیئی آلقئشلارلا بیتیریر:

آفرین تبریزیئان ائتدیز عجب عهده وفا!
دؤست و دؤشمن ال چالئیب ائیلر سیزه صد مرحبا
چؤخ یاشا، دؤولتلی ستارخان افندیم چؤخ یاشا
جنتی اعلا پئیغمبر سیزه ائیلر دوعا
چؤن بو خیدمت‌لر بؤتؤن ایسلامه‌دیر، اینسانه‌دیر
آفرینیم هیممت-ی والای-ی ستارخانه‌دیر («مؤللانصرالدین» ۱۹۰۸ نؤمره ۴۱)

ایران اینقیلابئ‌نئین ترنۆمۆنه، شاه-ئین تنقید وٓ ایفشا ائدیلمه‌سینه گۆره «مۆللانصرالدین» مجلله‌سی تئزار رئژیمی‌نین سانسۆرو طرفیندن جزالانمئیشدئ. لاکین بونا باخمایاراق، مجلله شاه-ئین فیتنه‌کار سیئاستینی ایفشا ائتمک‌ده داوام ائدیردی.

«مۆللانصرالدین» نین فعّال مۆخبیرلریندن محمدسعید اۆردوبادئ دا ایران میللی آزادلئیق حرکاتئینا چوخ بۆیۆک اهمیئت وئریردی. اۆ مجلله‌نین صحیفه‌لرینده یۆزلرله طنز شئعرلر، فیلیئه‌تۆنلار وٓ... چاپ ائتدیرمیشدی.

یۆرولماق بیلمه‌ین شاعیر طنز شئعرلرینده وٓ فیلیئه‌تۆنلارئندا مۆهومات، جهالت وٓ نادان‌لئیغئ تنقید ائتمک‌له برابر قول وٓارلئیغئ، مۆستمکله‌چی‌لیئی کسکین طنز آتشینه تودوردو. اینقیلابچئ دئموکرات. ایران اینقیلابئ‌نئین ایشتیراکچئ‌سئ بو اینقیلابا بۆیۆک رغبت بسله‌ین علی قولو «ع. ق. غمگسار» ایران خالقئ‌نئین آغئر وضعیئتینی گۆره‌رک کدرلنیر طنز شئعرلر یازاراق «مۆللانصرالدین» ده چاپ ائتیریردی:

گۆرمه‌دیم من بیر نفر ایرانلئ فریاد ائتمه‌سین
قۆربت ائلده خانئیمانئین داییمن یاد ائتمه‌سین
ظۆلمۆدن قاچمئشلار ایراندان ایرانلئ‌لار
فهله‌لیک، حامباللئیق ائتمک‌دن اۆلۆرلر بئله یاغئیر؟

یاد ویلایئت‌ده کئچیر اۆوضاوٓ احوالئ آغئیر (مۆللانصرالدین، ۱۹۰۷ نۆمره ۱۰)

مجله ۱۹۰۷- نجی ایلین ۳ - نجو نۆمره‌سینده ایران مشروطه‌سی‌نین یالانچئ ماهیئتی‌نی تنقید ائدیر، فهله وٓ زحمت‌کئش‌لری آیئیق اۆلماغا سسله‌یرک اۆنلارئ باشا سالئیر کی، ایران حۆریئتینه اۆمیدوار اۆلماسئینلار، اۆنا بئل باغلاماسئین‌لار.

زامان «مۆللانصرالدین»نین فکیرلرینی تصدیق ائتدی؛ مشروطه‌نین عۆمۆرۆ چوخ قئیسا اۆلدو. خاریجی ایمپیریالیست‌لرله ایرانئین حاکیم دایره‌لری ال- بیر اۆلوب مشروطه‌نی بۆغدولار. ایئیرمی بئش ایله یاخئین بیر مۆددتده فاصیله‌لرله چئیخان «مۆللانصرالدین» ده ایران-ین ان مۆهۆم ایجتیماعی- سیئاسی وٓ مدنی مسله‌لری عکس ائتدیریلمیش، خالقئین، اۆنون آزادلئیق حرکاتئ‌نئین بۆتۆن مرحله‌لری بارده سۆز دئمیشدیلر.

مشروطه اینقیلابی
وٓ
موٴللانصرالدین مجلله‌سی

م. کریمی



ایئیرمینجی یوٴز ایلین اوٴللرینده، ایرانئین سیئاسی داوٴرانئیشئ ـ ایستبدادین حوٴکم سوٴردوٴیوٴ ـ میللتی فیشار آلتئیندا ازیردی. یوٴخسوللوق، آجلئیق، آغئیر وٴثرگی، دوٴولت مأمورلارئ‌نئین روٴشوه آلماغئ خالقئ جانا گتیرمیشدی. ایش‌سیزلیک الیندن کندلی‌لر وٓ شهرلی‌لر دسته ـ دسته ایش دالئجا قافقاز شهرلری ـ چوٴخراق باکئیا گئدیردیلر. آنجاق اوٴیانئیش واختی چاتمئیشدیئر. میللت اوٴیانمالئ ایدی. تکجه ایران یوٴخ، بوٴتوٴن شرق اوٴلکه‌لرین اوٴیانئیش چاغئ حاضئرلانماقدا ایدی. مشروطه ایسته‌ئن‌لر تبریزدن باش قوٴزادئیلار. مشروطه‌نی تبریز باشلادئ، تبریز هیدایت ائتدی وٓ تبریز ده بیتیردی. ایرانئین بوٴتوٴن شهرلری چاخناشئیب ایستبدادا قارشئ آیاغا قالخمئیشدئ، نهایت «عین‌الدوله» ایستیعفا ائدیب وٓ «مشیرالدوله» اوٴنون یئرینده اوٴتورور. خالقئین حرکتیندن قوٴرخویا دوٴشموٴش «مظفرالدین شاه» مجبور اوٴلاراق مشروطه فرمانئنئ ایمضالاٴیئر آمما چوٴخ کئچمه‌دن اوٴلوٴر وٓ محمدعلی اوٴنون ولیعهدی تبریزدن تهرانا گلیب آتاسئ‌نئین یئرینده اوٴتورور. آنجاق آذربایجان خالقئ محمدعلی‌نی یاخشئ تانئیئیردیلار، اوٴنا گوٴره ده اٴعتیماد ائتمه‌دیلر.

بیلدیئیمیز کیمی ایرانئین بیرینجی مجلیسی یاخشئ مجلیس‌لردن اوٴلاراق، سیئاست وٓ دوٴنیا داوٴرانئیشئیندان خبرسیز اوٴلدوغو اوٴچوٴن، مشروطه‌نین وٓ اینقیلابئین قدرینی بیلمیردیلر، بئله اینانئیردیلار کی، داها اینقیلاب قورتاریب وٓ اوٴنلارئن وٴظیفه‌سی سوٴنا چاتئیدیئر. بونا گوٴره سوسوب ـ اوٴتورموشدولار. آمما محمدعلی‌شاه بو فوٴرصتدن ایستیفاده ائده‌رک مشروطه‌نی آرادان

گؤتؤرمه‌یه چالیشیر. اؤ، اتابک امین‌السلطانی ـ عزل اؤلوب اؤروپایا کؤچمؤشدؤ ـ باشدان ایرانا چاغیریب وَ صدارتی اؤنا تاپشیریر وَ آنایاسانیین ایمضالاماسیندان باش قاچیریر.

بو زامان تبریز آیاغا قالخیب بازاریَ باغلاییب، انجؤمن‌لر قوردولار. شیکایت‌لر باشلاندیَ. بئله بیر زاماندا **اتابک** تئرؤر اؤلدور. محمدعلی‌شاه مجلیسی توپا باغلادیَ. تبریزین سسینه آیریَ شهرلرده سس وئردیلر. تبریز اینقیلابین آلیشقان بیر اؤجاغیَ اؤلموشدور. ستارخان اینقیلاب بایراغینیَ قالدیریب وَ ایرانیین بؤتؤن شهرلری بو حرکته قاریشدیلار. تبریزی ساکیت ائتمک اؤچؤن قؤشونلار گؤندریلدی. تبریز مؤحاصره‌یه آلیندیَ آمما آذربایجان ایگیدلری قارشیَسیندا دایانا بیلمه‌دیر. ایرانیین دؤشؤنجه‌لی آداملاریَ تبریزین بو جسارت وَ شهامتیندن اؤرک تاپیب حرکته گلدیلر. اؤلکه‌نین باشا- باشیَ بیر پارچا اؤد اؤلموشدو. تهران-ی فتح ائتمک اؤچؤن بؤتؤن شهرلردن تهرانا ساریَ یؤلا دؤشدؤلر. شاه روس بایراغیَ آلتینا سیغینیدیَ. آنجاق محمدعلی‌شاه، مجلیس طرفیندن خلع اؤلاراق، ۱۳ یاشلی احمد میرزانی سلطنت تختینه قؤوزادیَ. ایکینجی دؤنه اؤلاراق مشروطه وَ قانونلوق ایش اؤسته گلدی، آنجاق چؤخ زامان سؤرمه‌دی وَ «رجال» عؤنوانیَ ایله بیر سیرا فؤرصت تاپانلار، اصیل ایقیلابچیَلاریَ قیراغا قؤیوب، اؤزلری ایش باشیَندا اؤتوردولار. مشروطه بؤغولوب، قهرمانلار بوجاقدا قالدیلار. مشروطه‌دن تکجه بیر آد قالدیَ.

شؤبهه یؤخدور کی مشروطه اینقیلابیَ تکجه سیاسی حرکت‌لرده یؤخ، بلکه مدنی فیکری یؤکسه‌لیشده ده اثر قؤیموشدور. مؤختلیف صینف‌لر اؤزلرینی بو دؤیؤشده سیناییب، اؤندا ایشتیراک ائدیب وَ اؤز وار قؤوه‌لرینی اؤزه چیخارمیشدیلار. هر حالدا، تاریخیمیزین بو مرحله‌سینده سیاستدن علاوه، دؤشؤنجه وَ آمال‌لاردا اؤرتاپا چیخدیَ. خالقیمیزین ادبی حیاتیندا بؤیؤک دؤنؤشلر یاراندیَ. شاعیر وَ یازیچیلار، قلمی بیر سیلاح کیمی اله آلیب دؤیؤشه چیخدیلار. سنگر مؤباریزه‌لری درگی‌لره چاتدیَ. مطبوعات اینقیلاب **اؤلایَ‌لاریلا** برابر، مؤباریز ایگیدلرین سیاسی فیکیرلرینی یاییماغا مئیدان آچدیلار. یازیچیلار یؤل گؤسترمه‌یه چالیشیب اینقیلابین معنوی رهبرلیینی بؤیؤنلاریَنا آلدیلار. نئچه ـ نئچه درگی‌لر مئیدانا گلدی. بو درگی‌لرین عؤمؤرلری آز اؤلورسادا تأثیرلری چؤخ اؤلدو. بونلارین آراسیندا «مؤللانصرالدین» مجموعه‌سی بیر پارلاق اولدوز کیمی هر یانا ایشیق ساچیر وَ اینقیلابی معنوی جهتدن ایرلی آپاریر، خالقدا وَ رهبرلرده مؤباریزه روحونو دیریلدیر.

بو زامان چؤخلو درگی‌لر مئیدانا قدم قؤیور، «مؤللانصرالدین»، **بهلول، زنبور، مرآت، آریَ، لک‌لک، طوطی، مزه‌لی، بابای امیر، تارتان ـ پارتان**، مشعل تؤرکجه دیلینده چیخیر، ایراندا فارس دیلینده‌ده نئچه ـ نئچه درگی بوراخیلیر، آنجاق هامیسی مؤللانصرالدین تأثیریندن یاخا بوراخا بیلمیرلر.

۱۰-نجی عصرین اوللرینده آذربایجان ادبیاتئ و مطبوعاتئ اینکیشافئندا، موللانصرالدین مجلله‌سی‌نین میثیل‌سیز رولو اولموشدور. بو مجلله روسیه‌نین ۱۹۰۵-نجی اینقیلابیندا، ایرانئین مشروطه حرکاتئندا، تورکیه حرکاتئندا، قئیسسا بیر سوزله دئسک بوتون شرق اولکه‌لری‌نین اینقیلابی حرکت‌لرینده گوجلو تأثیری بوراخئیب اینقیلابا یاردیم‌چئ اولموشدور. او، تئزاریزمی، ایستبدادئ، ایرتیجانئ هر پالتاردا و هر اولکه‌ده تاپدالاییردئ. بو درگی اونلارجا آذربایجانئین بؤیوک یازئچئ و شاعیری‌نین یئتیشمه‌سینه ایمکان یارتمیشدیر. **جلیل‌محمدقولوزاده، علی‌اکبر صابیر، عبدالرحیم حق‌وئردیئو، جعفرجبارلی، «غمگسار»، نریمان نریماوو، اوزئییرحاجی بیگلی، محمدسعید اوردوبادی، نعمان‌زاده، عظیم‌عظیم‌زاده، عسگرزاده، سلمان ممتاز، بایرامعلی** و باشقالارئ بو ساحه‌لرده قلم چالئیرلار. موللانصرالدین تکجه قافقاز و ایران خالقلارئنئین اویانماسئیندا یوخ بلکه بوتون شرق اولکه‌لری‌نین اویانئیشئیندا دیرلی رول اویناندئ. اورتا و یاخئین شرقده موستمله‌که ظولمونه، موطلقیئیت اوصول ایداره‌سینه، موهوماتا قارشئ کسکین ساتئیرانئین بایراقچئسئ کیمی تانئینئیردئ. او، وولقا بویو اولکه‌لرده بیر طنز- ادبی مکتب یاراتدئ. هامئیدان گوزه چارپان و دیرلی اولان، اونون دوزگون سیاسی - مدنی باخئیشئ ایدی، بوتون یازدیغئ تحلیل‌لر، سیاسی گوروشلر، زامانئین قاباقجئل دونیا گوروشو ایله اویغون اولوردو.

موللانصرالدین ایران مشروطه‌سینه یازدیغئ مقاله‌لر، فیلیه‌تونلار، چکدیئی شکیل‌لر، کاریکاتورلار، چاپ اتدیئی شئعرلر بیر زاماندا داپانمایئیب، ایندی ۱۰۰-ایل بو حادیثه‌دن کئچیرسه‌ده اثرلر هله‌ده دیری، جانلئ و تأثیر اندیجی‌دیر.

موللانصرالدین بیرینچی سایئیدا ۱۰۰۰- نوسخه‌ده، ایکینجی سایئیدا ۱۰۰۰- نوسخه و سونرا ۵۰۰۰- نوسخه‌ده چاپ اولوب یایئیلدئ. بو درگی هیندوستاندان توتوب میصره قدر اولکه‌لرده یایئیلئیب، اللرده گزیردی، مجلیس‌لرده اوخونوردو. دیرلی یازئچئلار هئیئتی طرفیندن موضولار سئچیلئیب، هر بیر عوضو بیر بوجاغئینئ آراشدیرماغا جان آتئیردئ. بوردا هامئیدان آرتئیق کاریکاتورلار اونملی رول اویناییردئ، بلکه درگی‌نین حجمی‌جه یاریسینئ شکیل‌لر توتوردو. بو ایش لازئم ایدی چونکی خالق ساوادسیزایدی شکیل‌لر اونلارئ دوشوندوره بیلیردی و بؤیوک تبلیغی اهمیئته مالیک ایدی. عظیم عظیم‌زاده بو شکیل‌لرله مشروطه دوشمن‌لرینی ایفشا اندیردی و هامئیدان آرتئیق محمدعلی شاه-ی گولونجه توتوردو، عکس اینقیلابچئ سیمالارئ آیدئن‌لاشدیرئیب، منفی قوه‌لری روسوا اندیردی و خالقئ عدالت‌سیزلیئه قارشئ عوصیانا چاغئیرئردئ. بورادا شئعر، فیله‌تون، مقاله و کاریکاتوردان علاوه، اویون، حیکایه، رومان‌دا یازئلئیردئ.

مؤللانصرالدین هامیدان آرتیق ایران مشروطه حرکاتینئ ایزله‌ییردی. هر ساییئدا مشروطه حاققینئندا بیر ـ ایکی مطلب وَ مؤوضو وار ایدی[۱]. محمد قولوزاده‌نین مقاله‌لری‌نین اوچوندن بیری ایران خالقینا وَ ایستبدادا قارشئ حصر اولموشدو. اونون یازدیقلارئ ایران یازئچئلارینئ هوسه گتریردی وَ «دهخدا» کیمی بؤیوک بیر یازئچئ اونون مقاله‌لری وَ فیله‌تونلارئ اساسیندا یازئردئ وَ گاهدان عئینی حالدا ترجومه اولوردو[۲]. نریمان نریمانوف ۵۰- دن آرتیق ایران حاققینئندا مقاله یازئب ـ خالقین حرکت‌لرینی ترغیب وَ تشویق ائدیردی. اوزئییر حاجی بیگلی‌نین مقاله‌لری ایران مؤوضوعونا چوخ توقوشوردو. هامیدان آرتیق علی اکبر صابیرین شئعرلری‌نین اوچدن بیری ایران مشروطه اولایلارینا ایلگی‌لی اولوردو.

صابیر بیر دوشونجه‌لی عالیم کیمی، شئعرلری ایله مشروطه حرکاتینا یول گؤستریردی. اتابک تئروز اولدو؛ صابیر تئروز ایله مؤخالیف اولدوغو اوچون یازئر:

قتل ائله‌دیز اتابکی، من کی بو امری دانمیرام
وار یئنه مین اتابکیز، یوخسا اممللی قانمیرام[۳]؟

صابیر بو شئعرینده خالقئ عئلمی حرکت‌لره یونلدیر. بیر اتابکی اولدورمکله، ایش بیتمیر، بلکه مینلرجه اتابکین اولدوغونو، دوشونمک گرکدیر. همین مؤوضوعا آیریجا بیر شئعرینده بئله توخونور:

گیرم اتابک اولدوده توپ وَ توفنگیز هانئ؟
بحر-ی عمیق-ی حربده کشتی- جنگی‌نیز هانئ؟

محمد علی شاه، مشروطه‌نی بوغماق اوچون، روسییالئ لیئاخوفو تهرانئین حربی حاکیمی تعیئین ائتدی. مؤللانصرالدین «ائی ایران» آدلی مقاله ایله ایرتیجاعا قارشئ چیخیب بیر ایتیهام ایدیعانامه‌سی کیمی سسلندی[۴]. سؤز یوخ کی، ایرتیجاع بو نشریه‌نین قارشینئ هر نئجه اولورسا، آلماغا چالیشمالئ ایدی. شاه دستور وئریر، مؤللانصرالدین مجلله‌سی‌نین نوسخه‌لرینی پوست‌خانا دا توقیف ائدیب یاییلماسینا قارشئ سئینئ آلسئینلار[۵]. آممما یئنه‌ده اونون بوتون سایئیلارئ مؤنتظیم بیر حالدا ایرانادا چاتیردئ. اوزللیکله آذربایجان شهرلرینده وَ تهراندا مؤللانصرالدین اللرده گزیردی وَ هامئ اونو اوخویوردو. تبریزده صابیرین شئعریندن تقلید ائده‌رک آیرئ بندلر ده یازئلیب مؤللانصرالدین شئعری عونوانئندا یاییلردئ. بو شئعرلر، میللتین شاها

۱- ناظیم آخوندوف، آذربایجان ظنر روزنامه‌لری، تبریز، ۱۳۵۸.

۱- یحیی آرین‌پور، از صبا تا نیما، جلد ۱، تهران، ۱۳۷۱.

۳- صابیر طاهیرزاده، هوپ هوپ نامه، باکئ، ۱۹۱۳.

٤- بیرینجی مأخذ، ص ۳۵.

۵- ایکینجی مأخذ ٤۵

نیسبت اولان نیفرتینی آشیکار ائدیردی و اینقیلاب‌چیلارئن شاها قارشئ جسارتینی داها آرتئیق چوخالدیردئ[۶]. عباس صحت یازیردئ: صابیرین شئعرلری ایران حاققئندا بیر موسللح اوردو کیمی ایران مشروطه‌سینه خدمت ائدیب[۷].

آریانپور دا یازیر: «صابیرین شئعرلری‌نین سیاسی دیری اوردان بیلینیرکی، شاعیر قافقازدا اولا ـ اولا تئزار سئیطره‌سینده یاشایاراق، ایران خالقئ ایله سس بیر اولوب، ایران اینقیلابئندان حیمایت ائدیردی[۸].»

صابیر جسارتله ممده‌لی شاهئ لوغازا قوئوب، اونو بیر حیله‌کار، یالانچئ جاهیل، فاسید و بوئینو یوغون تمثیل چیسی کیمی ایفشا ائدیر. هوپ- هوپ نامه‌ده ۳۰-۱۰ شئعر تکجه «ممده‌لی» عونوانئندا یازمیشدیر. بیر یئرده اونون دیلیجه سسله‌نیز:

میللت نئجه تاراج اولور اولسون نه ایشیم وار
دوشمنلره موحتاج اولور اولسون نه ایشیم وار[۹].

آیری بیر شئعرینده، ممده‌لی دیلی‌له دئییر:

شهم، تاجدارم، قوی شوکتم
ملک انحتیشامم، فلک رفعتم[۱۰].

و داها بیر شئعرینده مملکتی اوجوز قییمته حراجا قوئدوغونا سوئیله‌ییر:

چوخ اوجوز قییمته هر شئی ساتیرام
آی آلان، مملکت-ی «ری» ساتیرام[۱۱]

یئنه آیری بیر شئعرده ممده‌لی اؤز موترتجع طرفدارلارئنئ سسله‌یه‌رک اولاردان یاردیم دیله‌ییر:

موترتجئع خادیملریم، ایندی خیدمت واختی‌دیر
یاتمایئین، هوشیار اولون، ایش واختی، قئیرت واختی دیر[۱۲].
کیرلی جمعییت یاپئن، مجلیس قورون، شوورا ائدین

۶- همان.
۷- هوپ هوپ نامه، موقدمه.
۸- آریانپور، همان، ص ۵۰.
۹- هوپ هوپ نامه، ص ۱۷.
۱۰- همان، ص ۱۱۸.
۱۱- همان، ص ۱۳۶.
۱۱- همان، ص ۱۶۷.

رشت - زنجان، ایرتیجاعئن هر یئره ایجرا ائدین
هر ناسئل سا ریشه‌یی مشروطه‌نی ایمحا ائدین
هئیکل-ی منفور-ی ایستبدادیمیز انحنا ائدین
ایغتیشاشه باشلایئن هر یئرده فورصت واختیز دیر
یاتمایئن، هوشیار اولون، ایش واختیز، قئیرت واختیز دیر

بئله قولدور شاه، مملکتی اوزونوکو بیلیر و خالقیز اوز موقددراتئینیز تعیین ائتمه‌یه هئچ حقلی سانمیر:

من شاه-ی قوی شوکتم، ایران اوزومونداور
ایران اوزومون، «ری» ـ طبریستان اوزومونداور
آباد اولا، قالسا دا ویران اوزومونداور
قانون-ی اساسی نه دی، فرمان اوزومونداور
شوکت اوزومون، فخر اوزومون، شان اوزومونداور[۱۳].

گاهدان صابیر اوزونو ممده‌لی‌یه توتوب اونو هده‌له‌ییر و دئییر:

دوغرودان دا ممده‌لی، قئیرت حلال اولسون سنه!
باغ-ی شه ده ائتدییین عیشرت حلال اولسون سنه!
اهلینه شاه اولدوغون دولت حلال اولسون سنه!
وئردییین مشروطه‌یی میللت حلال اولسون سنه[۱۴]**!**

آیریز بیر شئعرینده داها کسگین بیر صورتده بئله دئییر:

قم و موحنت فزون اولدو سبب بوینو یوغون اولدو
الیف‌لر دوندو نون اولدو، سبب بوینو یوغون اولدو[۱۵].

بو شئعرلرین هامیسیندا گوزل ایتیهام‌نامه‌لر، آجیقلامالار و گولدورملی سوزلر وار دیرکی خالقدا شاها نیسبت دوشونجه، اینام و آییلیز یارادیر. بونون یانیندا مولانصرالدین مجلله‌سی‌نین بوتون کاریکاتوریستی عظیم عظیم‌زاده‌نین بو شئعرلرین مضمونو یانیندا گوزل شکیل‌لری یئر توتور. همین شکیل‌لرین تأثیری شئعرلردن آز اولمامیشدیر.

بئله‌لیکله دئییه‌بیله‌ریک مولانصرالدین مجلله‌سی ایمپیریالیزم دوورونون خالق اینقیلابیز حادیثه‌لرینه موثبت موناسیبت بسله‌یه‌رک، موستملکه اسارتی آلتیندا اولان بوتون خالقلاریز آیاغا

۱۳- همان، ص۱۱۸.
۱۴- همان، ص ۱۳۹.
۱۵- همان، ص ۱۱۵.

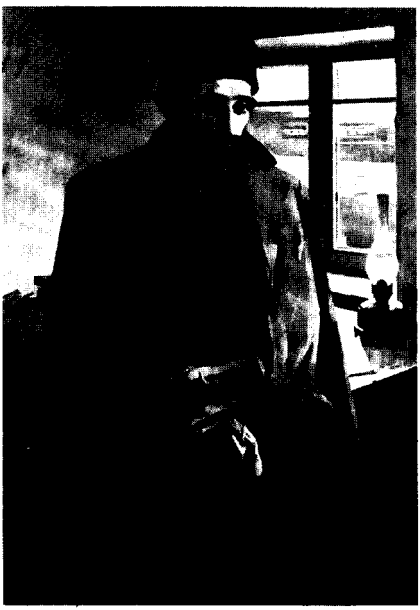
قالخیب میللی آزادلیق و ایستیقلالییت اوغروندا کی موباریزه‌سینی ده مودافیعه ائدیردی. شرق عالمی‌نین اوژانماسی، اساس سیاسی حادیثه‌لر، «موللانصرالدین» صحیفه‌لرینده مونتظیم صورتده عکس ائتدیر یلیردی و بو آرادا آذربایجان خالقی، ها بئله بوتون ایران خالقی‌نین خوشبخت‌لیئی وآزادلیغی بو مجلله‌نین اون بیلانیندا ثئر توتوردو. «ایراندا حوریئت» آدلی فیله‌تونلار آز دئییل ایدی. بو ثازی‌لاردا، اینقلابی دوغوران بیر چوخ سبب‌لر دوزگون آیدین‌لاشیردی، خالقین قارشیئا قویدوغو سیاسی مقصدلر ایضاح اولونوردو، اولکه‌نین آیری- آیری خالق عوصیان‌لاری‌نین مقصدی گوسته‌ریلیردی.

«تبریزده ایغتیشاش» آدلی بیر شکیلده گوسته‌ریلیردی کی، شهرده عوصیان قالخمیش، محمدعلی‌شاه روس کونسول‌خاناسینا پناه گتیرمیش و بیر سیرا قورخویا دوشموش مونتجئم‌لرده اینگیلیس کونسول‌خاناسی‌نین قاپیسینی دوثورلر. بئله شکیل‌لرین چوخ نظره بئله گتیریر کی، موللانصرالدین باکیدا یوخ، بلکه تبریزده چاپ اولوب، یایینلییر. دوغرودان‌دا نئچه آی تبریزده چاپ اولدو و چوخلو دا تأثیر بوراخدی. تبریزده اولان گونلر، اینقلاب حرکت‌لری گوندن گونه گئنیشله‌نیردی و موللانصرالدین بئله بیر دوورده، مونتجئم قورولرین بیر- بیر تئروز یولو ایله آرادان قالدیرماسینی آز اهمیتلی بیر ایش گورورب و اصیل قلبه‌دن اوزاق بیلیردی.

موللانصرالدین یوز ایل بوندان اونجه یایینلماغا باشلامیش، بو گون بو دیرلی مجلله‌نی ورق وورانداً، سانکی بو گونون حادیثه‌لرینی اوندا گوروروک، بو حادیثه‌لره بئله فعّال، جانلی و دوزگون یاناشما دوغرودان دا اینانیلمازدیر.

حاقلی اولاراق اینانیریق موللانصرالدین مجلله‌سی آذربایجان ادبیاتی‌نین اونملی بیر چاغینداً دونون نوقطه‌سی یارادیب و ادبیاتیمیزین اینکیشافیندا، ها بئله بوگون سیاسی- ادبی سیمالارین یئتیشمه‌سینده بوگون رول اوینایبدیر. مشروطه اینقلابینی آراشدیرمادا تبریزین حرکتی ستارخان و باقرخان رهبرلیئی ایله یاناشی موللانصرالدین مجلله‌سی‌نی‌ده بیرگه آراشدیرماق گرکدیر. بو گون دیلیمیزین و ادبیاتیمیزین گلیشمه‌سینده موللانصرالدین مجلله‌سی‌نین تأثیری دانیلمازدیر نئجه کی گونوموزون ایجتیماعی – سیاسی گئدیشینده مشروطه حرکاتینی دانماق اولماز.

سوآل وجاواب



- گؤرمه‌ا - باش اوسته، یومارام گؤزلریم.
- دینمه! - مطیعم، کسرم سؤزلریم.
- بیر سؤز ائشیتمه! - قولاغیم باغلارام.
- گؤلمه!- پکی، شام - وَ- سحر آغلارام.
- قانما!- باجارمام! منی معذور دوت.

بوئله‌جه تکلیف محالئ اونوت!

قابل ایمکانمئ اؤلور قانماماق؟!

مجمر نار ایچره اؤلوب یانماماق؟!

ائیله خموش آتش سوزانئنئ

قیل منی آسوده، هم اؤز جانئنئ.

سوال- جواب

ترجمه: احمد شفائی

- نبین!- بله، چشم، دو چشمم ندید.
- نگو!- مطیعم، بله حرفم برید.
- نشنو!- البته، شدم پاک کر
- نخند!- می‌گریم شب تا سحر.
- نفهم!- این را نتوانم دگر

دور کن این فکر محالت ز سر

«لال شوم، کور شوم، کر شوم

لیک محال است که من خر شوم[۲]»

ساز خموش آتش سوزان خود

رحم بکن برمن بر جان خود

سوال - جواب

نسیم شمال

دست مزن!- چشم- ببستم دو دست

راه مرو!- چشم، دوپایم شکست

حرف مزن!- قطع نمودم سخن

نطق مکن!- چشم ببستم دهن

هیچ نفهم!- این سخن عنوان مکن

خواهش نافهمی انسان مکن

لال شوم، کور شوم، کر شوم

لیک محال است که من خر شوم

چند روی همچو خران زیر بار!

سر زفضای بشریت بر آر!

۱- میرزه علی اکبر صابر اثر طاهر صالاح اؤغو.

۲ - این بیت از نسیم شمال است.

دۆننکی دردیمیز، بو گۆنکۆ قایغـــیمیز



میرزه جلیل: «غیرت» مطبعه‌سینده

فیروز رفاهی

آذربایجان مطبوعات عالمینده عوضسیز یئری اولان «موللانصرالدین»- ین حیاتـینداندان آرتـیق بیر عصیر کـئچدی. بو مجلله‌نین دۆنیایا گۆز آچماسیندا میرزه‌جلیل اینکیجی حیاتـینا آددیم باسیر. بلکه بو تصادوفدۆر. آمما چوخ ماراقلـی‌دیر بیر حالدیر کی،«موللانصرالدینین» دۆغولماسی ایله، میرزه‌جلیل‌ین دۆغوم گۆنۆ عئینی بیر گۆنه دۆشۆر. بونونلا یاناشی «موللانصرالدین»-ی آنماق میرزه جلیل ایله دۆغوم گۆنۆ قـئید ائتمک کیمی دیرلندیرمک اولار.

«موللانصرالدین» آذربایجان ادبی دیلینده مؤحکم بیر دامغا قۆیدو؛ ادبی دیلی خالقـی‌لاشدیردی. اینیرمینجی عصرین اوللری سیاسی جهتدن چوخ قالماقاللـی بیر دۆزر اولسا دا، مدنی جهتدن ادبی دیلین یئنی بیر دۆزرانا آددیم باسماسی ایله سجیه‌لنیر. بیر حالدا کی «فیوضات» و اونا اوخشار درگی‌لر فارس- عرب-تۆرک سایاقلـی بیر اۆسلوب ایله قاریم-قاریشیق بیر دیلده چوخ آز بیر قروپ اۆچۆن یازیردیلار، «موللانصرالدین» میصیردن، هیندوستانا قدر یاییلـیر و بۆیۆک بیر سیاسی- ایجتیماعی طنزی بیر سیلاح کیمی قاباقجیل اینسانلارا ارمغان ائدیر. او ادبی دیلی عۆمۆم گۆنله دیلینه یاخـینلاشدیریر و سونرا کی یازانلارین اۆزرینده بۆیۆک تأثیری اولور.

میرزه جلیل-ین حیاتـی، فعالیتی و باشقالارینا تأثیری حاققـیندا مین‌لرله مقاله و کیتابلار یازیلـیبدیر. میرزه جلیل حیاتـین مؤعین بیر دۆزۆزنده اونایدا کی وضعیتیندن کۆسۆلۆ اولاراق تبریزه گلیر و «موللانصرالدین»-ین سککیز نۆمره‌سینی تبریزده بوراخـیر. سایئجا چوخ آز اولان بو نۆمره‌لر بیر دۆزر یارادیر. میرزه جلیل ۳۶۰-۱ قدەر مجلله‌نی تیفلیسده، ۸ نۆمره‌نی تبریز ده و ٤۰۰ نۆمره نی باکی‌دا نشر ائدیر. میرزه جلیل-ین مدنی حیاتـی‌نین اساس قایغـیسی بو مجلله اولور. میرزه بۆیۆک اذیت و عذاب ایله «موللانصرالدین»-ی آیاق اۆسته ساخلاییر. بیز اوخوجولارین بئله عذاب و اذیتلر ایله تانـیش اولماق اۆچۆن بو حاقدا یازیلان بیر تدقیقی مقاله‌نی سیزه تقدیم ائدیریک، بلکه او گۆنلرین دردی، بیزیم بوگۆنلرده قایغـیمیزی چوخالدا و بۆیۆک اذیتلر و اۆمیدلر ایله نشر اولونان درگی و مجلله‌میزه داها یاخـینلاشاق، اونلارا یاردیمچی اولاق. بیزیم بۆیۆک مطبوعات عنعنه‌میز وار. مدنیته، دیله حۆرمت و قایغـی آنجاق اۆرتادا اولان مجلله و درگیلریمیزه گۆسترده‌بیلیمیز صمیمی قایغـیلار ایله اولچۆله بیلر.

XXXXXXXXXX

مؤللانصرالدین-ین مادی ائحتیاجئ ایله علاقه‌دار بعضی مکتوبلار

میر جلال پاشایئوف

۱۹۰۶- نجی ایلده آذربایجانئین ایلک طنز مجلله‌سی «مؤللا نصرالدین» نشره باشلادئ.

بو مجموعه نشری‌نین ایلک ایللریندن مؤرتجع و عاوام آداملارئین هؤجومونا معروض قالمئش و هر واسیطه ایله اونو قاپاتماغا چالئشمئشلار. بوندان باشقا، بیر سئرا بورژوا روزنامه و مجلله‌لرین صحیفه‌لرینده ده «مؤللانصرالدین»-ه قارشئ هؤجوملار اؤلموشدور. چؤخ چکمه‌دن قافقاز جانیشینی طرفیندن مجلله‌نین نشری داياندئریلمئش و حتّا «مؤللانصرالدین»-ین امکداشلارئندان بیر نفری تیفلیسدن سؤرگؤن ائدیلمیشدیر. لاکین بؤتؤن بونلار جلیل محمد قولوزاده‌نی قؤرخوتمامئشدئر.

«مؤللانصرالدین» مجلله‌سی خالقئین ایستک و آرزولارئنئ ایفاده ائتدیئی اؤچؤن دوستلارئ‌دا آز اؤلمامئشدئر. گئنیش کؤتله بو مجلله‌نین اطرافئنا توپلاشاراق کیم نه ایله باجارمئشسا، اونونلا دا مجلله‌نین نشرینه کؤمک ائتمیشدیر.

لاکین «مؤللانصرالدین» مجله‌سی چئخماسئ اؤچؤن مادّی جهتدن چؤخ چتینلیک چکیردی. پولسوزلوق، باهالئق، کاغئذ قئیتلئغئ مجلله‌نین نشرینی بیر قدر چتین‌لشدیریردی. حمیده خانئم جلیل محمدقولوزاده حاققئندا یازدئغئ خاطیره‌لرینده قئید ائدیر کی، «۱۹۰۶-نجی ایلده مجلله‌نین چئخارئلماسئنا ایجازه وئریلن زامان جلیل محمد قولوزاده‌نین جیبینده جمعی ۹ مانات پول وار ایمیش. فاتئق افندی ایله برابر ایکیسی بیر حامبال توتدولار کی، چاپ ماشئینئ‌نئ هرله‌سین. گئجه یارئسئ حامبالئ پول چاتماماسئ اؤزؤندن آزاد ائدیرلر، اونلار اؤزلری ماشئینئ هرله‌مه‌یه باشلاییرلار.

سحره کیمی بو جوّر اوْنلار ایشله‌ییر، ییْرغونلوق وْ یوخوسوزلوغا باخمایاراق، سحر اوْچوْن مجلله‌نی ساتیشا حاضیرلاییرلار»[1].

ج. محمدقولوزاده‌نین آرشیوْینده ساخلانیلان موْختلیف شخص‌لره یازدیغیْ مکتوبلارین اکثریتی «موْللانصرالدین» مجموعه‌سی‌نین نشری ایله علاقه داردیر. بو ایسه اوْنون نه قدر ایناد وْ ایراده ایله مجموعه‌یه باغلیْ اوْلدوغونو گوْسترییر. بو مکتوبلاریْ اوْخویارکن ادیبین عئلمه، موْعاریفه نئجه ییْوکسک قییمت وئردییینی، «موْللانصرالدین» مجموعه‌سی‌نین آردیجیل چیْخماسیْ اوْچوْن نه قدر سعیْ گوْسترديیینی، چوْخ بییْوْک زحمت وْ اذییّت‌لرله مجموعه‌نین داوْام ائتدیردییینی گوْرورْوْک.

بییْوْک ادیبین جهالته قارشیْ «موْللانصرالدین»-ین نشری اوْچوْن هانسیْ بیر عزم وْ ایراده ایله چالیْشماسینیْ آیدین تصوْوْر ائده بیلمک اوْچوْن اوْنون بیر نئچه مکتوبونو نظردن کئچیرک. «موْللانصرالدین» مجموعه‌سی‌نین نه کیمی شرایطده نشر ائدیلدییینden بحث ائدن ادیب یازیر:

«من دوْنن ایتیفّاقن حمیده‌دن بیلدیم کی، من تیفلیسدن بوراییا گلندن سوْنرا مجلله‌نی لیتوْقرافییادا تک- تک چاپ ائتدیرمیسن، نه اینکی ایکی نوْمره‌نی بیر داشدا، گوْییا ماتریال اوْلماماغیْ بونا باعیث اوْلوب. حئیف کی، منه بو احوْالاتیْ هئچ یازمییرسان. اگر بیلسه‌یدیم راضیْ اوْلمازدیم. چوْنکی بئله‌ده چاپ باها اوْتورور. بو خوْصوص دا منه موْفّصل یاز گوْروْم احوْال نه جوْردوْر وْ نه سببه مطبعه بونا راضیْ اوْلوب، گوْره-گوْره کی، بئله‌ده چوْخ تفاوْوْتو وار. بوندان سوْنرا نه قاعیده اوْزره قاباقلاردا ایدی، ائیله ده چاپ ائتدیر کی، ایکی نوْمره بیردن چاپ اوْلونسون...»[2].

بو مکتوب مجموعه‌نین گوْرکملی امکداشلاریْندان بیری اوْلان محمدعلی صدقی‌یه (۱۹۱۱-نجی ایلده) یازیْلمیْشدیر.

جلیل محمدقولوزاده‌نین یوخاریْدا کیْ مکتوبلاریْندا مجموعه‌نین طالعی، اوْنون پول حق- حئساب وْ نشری ایله علاقه‌دار چتین ایشلردن بو قدر گئنیش وْ آچیْق دانیْشماسیْ

۱- حمیده خانیم، جلیل محمدقولوزاده حاققیْندا خاطیراتیم، آذربایجان جوْمهوری‌سینین «رنسپوْبلیکا ال یازمالار فوْندو» آرشیوْ٦، نوْمره ۱۵۷ (حمیده خانیم جلیل محمد قولوزاده‌نین حیات یوْلداشیْ اوْلوب. سوْنرالار خاطیراتیم آدلیْ بیر اثرلری چاپ اوْلوندو).

۲- ج. محمدقولوزاده، مکتوب، رئسپوْبلیکا ال یازمالار فوْندو، آرشیوْ ٦، نوْمره ۱۳۳

م.ع. صدقی‌نین ده «مؤللانصرالدین» مجموعه‌سی‌نین نشری ایله سئیخ علاقه‌ده اؤلماسئ و هر ایکی مجلله‌نین قارشئسئندا چئخان مخاریج طلباتئنئ لازئمئنجا اؤده‌مک ایمکانئندان محروم اؤلمالارئ ایله علاقه‌داردئر.

یاخود اؤنون یئتنه ده م.ع. صدقی‌یه یازدئغئ باشقا بیر مکتوبوندان مؤهؤم بیر پارچانئ عئینی ایله میثال گؤسترک «... احوالات بو قرار ایله دیر. من نئجه کی، سنه یازمئشدئم تیفلیسه گلدیم کی، مجموعه‌نی چئخاردئم و چؤنکی فیکریم کئچن ایللره گئدیردی کی، هر بیر شئ بؤل، اوجوز، پرگار، من بیر قدهر مبلغ تعئین ائتمیشدیم کی، کؤهنه ساياق ایله مجموعه‌نی باشلاییب دوستلارئن کؤمه‌یی ایله یئتریدرم. آمما ایشلر اؤزگه بیر صؤرتده دیر. اؤلن، تیفلیسده کاغئذ یؤخدور، آز- چؤخ نه وارسا دا بیره- اوچ باهادئر، هابئله لیتوگرافییا خرجی یئتنه بیره-اوچ باهادئر، ایکینجی ائولر، یعنی منزیللر یئتنه بیره- اوچ باهادئر.

خؤلاصه ایشلری بئله گؤروب من مؤلاحیظه ایله دئییئم کی، اؤز گؤجوم ایله، یعنی کنار یئتردن پول کؤمک‌لییی اؤلماسا مجموعه‌نی من همیشه‌لیک ساخلایا بیلمه‌رم، یعنی یارئ یؤلدا آراسئ کسیلر، یئتنه اؤخوجولار یانئندا خجالت اؤلارام. یؤلداشئم علی قولونون مؤحاریبه سببیندن جولفادا کئ، کولک ایشلری بیر نؤع پؤزولوب و بو جهتدن بونون دا طرفیندن مادی کؤمک‌لییه اؤمیدوار اؤلا بیلمه‌دیم. ایندی عزیزیم، مطلبی باشا دؤشدؤن و گؤروسن ده کی، اگر باکئ‌دان بیزه کؤمک‌لیک اؤلماسا، بو حالدا مجموعه‌نی چئخارا بیلمه‌یه‌جئم. هله گؤتؤرک کاغئذ مسله‌سینی، دئییرلر باکئ‌دا کاغئذ وار، یاخشئ اؤلاردئ کی، سن اؤرادا کاغئذ کؤنتورلارئنا گئدیب احوالاتی بیله‌ایدین، وارسا قدرینی و قیئمتینی بیله‌ایدین و بیلندن سؤنرا بیر طرفدن منه یازایدئن و بیر طرفدن ده حالئ اؤلایدئن گؤرک سنه وئریلن پول وعده‌لرینه اینانماق اؤلار یا یؤخ. اگر پول وئرن وارسا گؤرک نه شرط ایله وئریر و نه قدهر وئریر. سن بیلیرسن کی، هر شرطله راضئ اؤلماق اؤلار، آمما ناشیرلیک ایختیاری گرک اؤز الیمیزده قالا. باکئ‌دا «مؤللانصرالدین» یازماق اؤلماز، نئجه کی، سن اؤزون ده دئییرسن و لاکین پول وئره‌نی هر نؤمرده «ناشیر» یازا بیلریک کی، اؤنون پول کؤمک‌لییی جماعته معلوم اؤلسون. ایندی سن بو بارده احوالات توت و منه ده تئز جاواب یاز، چؤنکی ایش باش توتماسا یئتنه مجبور اؤلاجاغام بیر قدهر ده مجموعه‌نی

تأخیره سالماغا، تا کی، دعوا قورتارانا کیمی. بئله ده اؤلاندا داها تیفلیسده قالا بیلمه‌یه‌جه‌یم...»[۳].

بو مکتوبدان معلوم اؤلور کی، جلیل محمدقولوزاده «مؤللانصرالدین» مجموعه‌سی‌نین نشر ائتدیریلمه‌سی ایشینده بیر چؤخ چتینلیک‌لر- کاغئذ قئیتلئغئ، باهالئق، مؤحاریبه‌نین تؤرتدیئی محرومیئت‌لر، سائیر کیمی بیر سئرا اذیئت‌لره دؤزمؤش، حتّا نئجه اؤلورسا – اؤلسون بؤرج- خرج پول توپلاماقلا مجموعه‌نی داوام ائتدیرمه‌یه چالئشمیشدیر. حتّا ج.محمدقولوزاده ناشیرلیک حقوقونون باشقاسئ‌نئین ایختیئارینا کئچمه‌سی اوغروندا دا جیددی سعیْ گؤسترمیشدیر.

یاخود باشقا بیر مکتوبوندا :

«... مجموعه‌نین۳-نجو نؤمرسیندن سنه ۳۰۰-دن آرتئیق گؤندره بیلمه‌یه‌جئیم. چؤنکی آز چاپ اؤلونوب وْ ۳۰۰- ده پؤست ایله باندرؤل ائده‌جه‌یم وْ ساتئیلان مجموعه‌نین هر بیرینه ۱۸ قپیک گؤندره بیلمه‌سن باکئ بازارئندان بیزه بیر شئیْ قالماییاجاق، چؤنکی وآللاه مجموعه قئیزئل قیئمتینه باشا گلیر، اؤ درجه‌ده هر شئیْ باهادئر. اللخؤصوص بو شکیل‌لری..»[٤].

«... سن آللاه حمیده خانئمئین چئکینی گؤندر گئری، اگر پولو آلئیب بؤرجا وئرمیش اؤلسان یئنه‌رینی دؤلدور، باریْ یانوار آیئندا اؤز بؤرجوموزو اؤزؤموز وئرک»[٥].

مکتوبلاردا «مؤللانصرالدین»-ین مخاریجی حاق- حئسابئ‌نئین محض م.ع. صدقی ایله آپاریلماسئ‌نئین سببی صدقی‌نین بیر مؤددت مجموعه‌نین بیلاواسیطه تحریریئه هئیئتینه رهبرلیک ائتمه‌سی وْ اوزون مؤددت مجموعه‌نین تشکیلاتئ مسله‌لرینی آپارماسئ ایله علاقه‌داردیر.

مکتوبلاردان آیدئن اؤلور کی، «مؤللانصرالدین» مجلله‌نین چیخاریلماسئینا معاریف‌پروَر آذربایجان قادئنئ، ادیبین صادیق حیات یؤلداشئ حمیده خانئمئین مادّی جهتدن چؤخ کؤمک‌لیئی اؤلموش وْ اؤ مجموعه‌نین داوام ائتدیریلمه‌سینه هر واسیطه ایله چالئشمیشدیر.

۳- یئنه اؤرادا، آرشیو ٦، نؤمره ۱۹۰

٤- یئنه اؤرادا، آرشیو ٦، نؤمره ۱۵۱ (بورادا ادیب رنگلی شکیلرین چاپ خرجینه تؤخونور)

۵- یئنه اؤرادا، آرشیو ٦، نؤمره ۱۳۱

ماراقلئ بوراسیدیر کی، حمیده خانیمین مجموعه‌یه مادّی جهتدن یاخیندان کؤمک ائتمه‌سینه باخمایاراق، ج.محمدقولوزاده‌نین اونا یازدیغئ مکتوبلاردا بو امکداشلیق و خوصوصی ایله پول مسله‌لری حاققیندا، دئمک اولار کی، هئچ بیر ایشاره یوخدور.

بوتون مخاریج مسله‌لری م.ع.صدقی ایله گئتدییی حالدا، مجموعه‌نین اساس مادّی آغیرلیغینئ چیینینه داشییان حیات یولداشئ حمیده خانیما مکتوبدا او، یالنیز مئهربیان بیر ار، قایغیکئش بیر آتا کیمی اونو و عاییله مسله‌لریندن بحث ائدیر. سانکئ او، دوست آراسینئ حاق-حئساب مسله‌لری‌نین یوزاجاغیندان ائحتییاط ائدرک مکتوبلاریندا قصدن پول مسله‌لرینه توخونمور. تأسوف کی، آرشیوده حمیده خانیمین جلیل محمدقولوزاده‌یه یازدیغئ مکتوبلار اولمادیغیندان بو مسله ایله بیز اطرافلئ تانیش دئییلیک.

حمیده خانیم اؤز خاطیراتیندا قئید ائدیر کی، بیر سیرا قییمتلی ماتئریاللار و مکتوبلار اثیمیز ژاندارملار طرفیندن موصادیره ائدیلرکن آپاریلمیش و ایتمیشدیر[۶].

اولا بیلسین کی، همین ماتئریاللار «موللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین نشرینده قارشییا چیخان چتینلیک‌لر حاققیندا بیزه داها آیدین و داها اطرافلئ معلومات وئره‌ردی.

ج. محمدقولوزاده باشقا بیر مکتوبوندا م.ع. صدقی‌یه یازیر:

«... گؤندردییین پوئوتستکالار کی، پولو ائیله‌سین ۳۳ مانات ۸۰ قپیک اوستونو یازیب مشهدی علسگر باغیراوون آدینا یازیب گؤندردیم. بونو من قصدن بئله ائله‌دیم کی، اوزئییر سنه کاغیذی و پوئوتستکارلاریئ یئتیرن کیمی گئت باغیراوون یانیئا و پوئوتستکالاریئ اونا وئریب اللی مانات آل، همن ساعات یئتیر محمداوا کی، عئیب‌دیر، من سندنده آرتیق اوتانیرام. اؤزون ده بیلیرسن کی، ایندی یئتر-یئتردن و چوخ یئتردن پول گؤزله‌ییریک. گلن کیمی باغیراوون پولونو وئره‌ریک کی، ائله سین ۱۴ مانات ۱۰ قپیک. البته، شئیخ‌علی اصغره منیم بو کاغیذئمیئ نیشان وئر و دئ کی، ۱۴ ماناتیئ موضایقه ائله‌مه‌سین.

۶- حمیده خانیم، ج.محمدقولوزاده حاققیندا خاطیراتیم، آرشیو ۶، نومره ۱۵۷

آچاریڭ اوزئییر ایله گؤندردیم. پوست بیلئتی مجلله اوتاغئنداکی ایشکافدا اولاجاق، پؤوئستکالاریڭ گؤندرنده بیلئتیمی‌ده گؤندر کی، سنین آدئینا یازئیم، آلئیب باغئیراوؤون بؤرجونو وئره‌سن.

مجلله گلدی، یاخشیڭ چیخئیب، راضیڭ اولدوم. سعی ائیله کی، بو آیڭ قالانلاریڭدا چیخسئین. اوزئییر ایله بو کاغئذئین ایچینده آلتیڭ مانات دا گؤندردیم... تئزلیکله سنه، البتّه، پول یئتیره‌رم. ایسماعیلا دا پول گؤندردیم»[۷].

حتّا ائله بیر واخت اولموش کی، ج.محمدقولوزاده مجلله‌نی داوام ائتدیرمک اوچون هر واسیطه‌یه ال آتمیش و نشریات یولو ایله پول الده ائتمه‌یه چالئشمیشدیر.

۱۹۱٤-نجی ایلده «مؤللانصرالدین» مجموعه‌سی‌نی تکراری نشر ائتدیرمک اوچون کاغئذ لازیم ایدی. آما کاغئذ چوخ باها اولدوغوندان چوخلو دا پول الده ائتمک ضرورتی قارشیسیا چیخدیڭ. بو ایسه چوخ چتینلیک تؤردیردی. بونا گؤره ده ادیبین تشبوثو ایله ۱۹۱٦-نجی ایلده اونون «اولولر» پیئسی تاماشایا قویولور و موعین میقدار پول الده ائدیلیر. لاکین موحاریبه دؤورو اولدوغو اوچون کاغئذ حددن آرتئق باها ایدی. بو مسله ج.محمدقولوزاده‌نی چوخ دوشوندوروردو. مطبعه، رسسام حاققیڭ دا چوخ آرتمیشدیڭ. بو مسله‌لرله علاقه‌دار اولاراق، «مؤللانصرالدین» مجموعه‌سی بیر قدر تأخیره دوشموشدور.

یوخاریدا گؤستریلن چتینلیک‌لره باخمایاراق «مؤللانصرالدین» مجموعه‌سی موعین ایللر تأخیره دوشموشسه‌ده، آمما ج.محمدقولوزاده روحدان دوشمه‌میش اونو عؤمرونون آخیرینا کیمی داوام ائتدیرمیشدیر.

م.ق. پاشایئوا
قایناق: ال یازمالار خزینه سینده، ۳-نجو جیلد، باکی، ۱۹۷۱، ص.۱۰٦

۷- ج.محمدقولوزاده، مکتوب، آرشیو ٦، نومره ۱۳۱

«مؤللانصرالدین» ادبی مکتبی وٚ کاریکاتوٚر صنتی

ایسلام آغایئوٚ

کوٚچوٚرن: فرامرز شهبازی

۲۰- نجی عصرین اوٚللرینده ایجتیماعی کسکین‌لشن ضیددییّت‌لری تکجه ادبی فیکیرده دئییل، اینجه صنتین باشقا نؤوٚلرینده ده تنقیدی رئالیست اوٚسلوبو گوٚجلندیردی. «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی نشره باشلادیغئ زامان طنز کاریکاتوٚرون دا یارانماسئ واجیب مسله کیمی قارشیدا دوردو. همین واجیب مسله‌نین حلليندە «مؤللانصرالدین»-ین مؤدیروٚ ج.محمد قولوزاده بؤیوٚک چتین‌لیک‌لرله اوٚزلشدی . خوٚصوصیله مجلله‌نئین آذربایجان ایجتیماعی موٚحیطیندن کنار یئشرده نشره باشلاماسئ وٚ میللی رسام کادرلارئ‌نئین اوٚلماماسئ چتین‌لیک‌لری داها دا آرتئیردئ . لاکین «مؤللانصرالدین» مؤدیری‌نین آختاریش‌لاری ثمره‌سیز قالمادئ . هله ۱۹۰۶ - نجی ایلین ایلک نؤمره‌لریندن «مؤللانصرالدین» ایکی پشه‌کار خاریجی رسام – «وٚ.**شمرلینق**» وٚ «آ .**روٚتر**» ، یئرلی رساملاردان **عظیم عظیم‌زاده** ، آز سونرا **خلیل** مؤسایئوٚ وٚ ا.**ایبراهیم‌وٚ**ف جلب ائدیلدی. وٚ .**شمرلینق** وٚ آ.**روٚتئر** آذربایجان خالقئ‌نئین میللی عادت عنعنه‌لرینه وٚ دیلینه بلد اوٚلمادیقلارئ اوٚچوٚن مجلله‌نین ایدییا – بدیعی مضمونونو درک ائتمکده چتین‌لیک‌لرله اوٚزلشدیلر. مجلله‌نین فعالییتی‌نین ایلک ایللرینده ج. محمد قولوزاده تکجه متن‌لرین دئییل، همده رسم‌لرین ایدییا وٚ بدیعی موٚباریزه سیماسئنئ موٚعئین‌لشدیرملی اوٚلدو.

«مؤللانصرالدین»ین متن‌لرده تبلیغ ائتدییی صینفی آیریئ – سئچکی‌لیک، اینقیلابا چاغئیرئش، میللی ایسارته نیفرت، شرق خالقلارئ‌نئین آزادلئیق موٚباریزه‌سینه رغبت ، دونیا ایمپیریالیزمی‌نین ایفشاسئ، فئوٚدال حیات طرزینین تنقیدی، قادئن آزادلئیغئنئین تبلیغی کیمی موٚعاصیر موٚضولار رسم‌لرده ده ایشیقلاندیردئ. ج.محمد قولوزاده وٚ اوٚنون قلم سیلاح داشلارئ‌نئین ایجتماعی – سییاسی مقاله‌لر، شئعر وٚ نثرده ایستیفاده ائتدیکلری بدیعی واسیطه‌لر تدریجله رسملرده ده اوٚز عکسینی تاپماغا باشلادئ.

آذربایجان صنت شوٚناسلئیغئندا ج . محمد قولوزاده نین «مؤللانصرالدین» رساملارئنا گوٚسترددیی قوٚوٚتلی تاثیر وٚ ایستیقامت باره‌ده ، دئمک اوٚلار کی ، اکثر تدقیقاتچئیلار بحث

ائتمیشلر. صنت شوناس ک. کریموو یازیر: «بو رسام‌لارین (شمرلینق و روتئر نظرده توتولور – ای.آ) اینجه صنتینه موللانصرالدین‌چیلرین، بیرینجی نؤوبده ج. محمد قولوزاده‌نین دموکراتیک ایدیئالاری رهبرلیک ائدیر و ایستیقامت وئریردی. ج. محمد قولوزاده اکثر حاللاردا شکیل‌لرین مضمونونو اؤزو وئرر ، تیپیک صورتلر و حادیثه لر سئچمکده ، اونلاری دوغرو و اینانئدیرئجئ تصوئر ائتمکده رساملارا بیلاواسیطه کؤمک ائدیردی.دیگر صنت‌شوناس **موئرسل نجف** اؤو یازیر:

«شکیل‌لرین و کاریکاتوئرلارین موئوضوسونو، تیپ‌لرین حرکتینی ج.محمد قولوزاده اؤزو (و یا اونون یاخئین امکداشلارئندان بیری) موئین ائتمیشدیر . میرزه جلیل تیفلیسده اؤلمادیغئ زامانلاردا بئله ... رساملارا اؤزونون دئدیئی کیمی، شکیل دوزلدیب گؤندریردی».

«موللانصرالدین» رساملارئنئین یارانماسئندا ۱۰ – جی عصیر اینقلابی رئالیست ادبیاتئین رولو باره‌ده کی آذربایجان صنت شوناسلارئنئین موئلاحیظه‌لری تأسوف کی، اینکیشاف ائتدیریلمه‌میشدی. حال بو کی مجلله‌نین متن‌لرینده تبلیغ ائتدیئی ایدیئالار، بعضن عئنئی بدیعی تصوئیر اوصوللارئ رسملرده اؤز عکسینی تاپمئش، نتیجه‌ده ۱۰- جی عصیر آذربایجان اینقلابئ کاریکاتوئر صنتی‌نین بدیعی – ایدیئا ایستیقامتی موئین‌لشمیشدیر. گؤلوش واسیطه‌لریندن ایستیفاده، طنز تیپیک‌لشدیرمه کیمی بدیعی واسیطه‌لر باخئیمئیندان مجلله‌نین متن‌لریله رسملری آراسئندا سئیخ باغلئلئق اؤلموشدور.

«موللانصرالدین»ده سوئز صنتی ایله رسم صنتی‌نین بیر سئیرا علاقه شکیل‌لری واردئیر کی، بونلارئ آشاغئیدا کئ شکیل ده قروپلاشدئرماق موئمکوندوئر.

۱- آیریئ – آیریئ موئشخص متن‌لرین آیریئ – آیریئ موئشخص رسملره تصوئیره چکیلمه‌سی؛

۲- مجلله‌نین متن‌لرینده ایشئیق‌لاندئیران آیریئ- آیریئ مسله‌لرین سربست رسم‌لرده اینکیشافئ؛

۳- «موللانصرالدین»-ین ایدیئا – موئوضو مسله‌لرین داخئیل اؤلان، لاکین متن‌لرده اؤز عکسینی نیسبتن آز تاپان موئوضولارئن رسم‌لرده ایشلنمه‌سی.

٤- مجلله ده مؤشخص رسملرده تصویره چکمک داها گئنیش یئر توتور. تصویرلشدیرمک متنلرده قویولان فیکیرلری عیانی‌لشدیریر، اوخوجویا داها گوجلو تأثیر گؤستریر. بئله کی ، اول مجلله‌نین متنلری یازیلیر، سونرا رساملار همین متنلر اساسیندا رسملر چکیرلر.

٥- «مؤللانصرالدین» ده کی مؤصور سجیه‌لی رسملرین اکثریتی ج.محمد قولوزاده نین و م.ع.صابیرین یارادیجیق لیغی ایله باغلیدیر.





اگر ج. محمدقولوزاده‌نین «سیزی دئییب گلمیشم ...» سوزلری ایله باشلانان فیلیه‌تون‌لاردا کؤهنه دونیانین ایجتیماعی حیاتدان تجرید اولان، عؤمرونو، گونونو درویش ناغیلی نا قولاق آسماغا، ایت بؤغوشدورماغا، قوچ دؤیوشدورمه‌یه، حامام‌لاردا یاتماغا صرف ائدن تیپ‌لرین ایجتیماعی فاجیعه‌سینه گولوروسه، رسام **شمرلینق**-ین تصویرلرینده عئینی مسله بیزی دوشوندوروور. رسام کؤهنه‌لیئین رمزی کیمی بیر دسته آدامی یاتمیش حالدا تصویر ائتمکله ج. محمد قولوزاده‌نین باشلیجا مقصدینی – یاتانلارین، ایجتیماعی حیاتدان خبرسیز اولانلارین گولونج وضیعیتینی گؤسترمیشدیر.

«مؤللانصرالدین» ده م.ع صابیر شعرینه چکیلمیش تصویرلر سیلسیله تشکیل ائدیر. صابیرین طنزلری دؤورون سیاسی – ایجتماعی مسله لری ایله سیخ باغلی اولدوغونا گؤره ج. محمد قولوزاده بو مؤوضودا « مؤللانصرالدین »ین رساملارینا تئز – تئز کاریکاتورلار چکدیریردی.

م.ع. صابیرین طنزلری هله ۱۹۰٦ نجی ایلدن « مؤللانصرالدین » رساملاری شمرلینق و روتر طرفیندن رسملرده عیانی لشدیریلیر. رساملار بؤیوک طنز شاعیرین ایده یالارینی گوتله لره چاتدیرمیلماسیندا خئیلی امک صرف ائتمیشلر.



م. ع. صابیرین « قم یئمه » ردیفلی شئعری « مؤللانصرالدین »مجله سینین ۱۹۰۶ – نجی ایلین ۹- جو نؤمره سینده درج ائدیلیب . میرزه جلیل متن ایله رسمین واحید بدیعی عاطیفی تاثیره نایئل اولماسئ اوچون مؤوفقییتلی ترتیبات ایشی آپارمیشدیر . بئله کی ، مجلله نین ایلک صحیفه سینده قیرمیزئ رنگلی زمینه ده صابیرین شئعری درج ائدیلمیش ، شئعرین آلت و اوست طرفلرینده ایسه شمرلینق-ین متنه موواَفیق چکدیئی رسم وئریلمیشدیر.

مؤدریک مؤللانصرالدین قم دریاسئنا باتمیش کندلیئه صابیرین همین درج ائدیلمیش شئعرینی اوخوماسئ معنالئ و تاثیرلی چیخمیشدیر .

«مؤللانصرالدین»نین متن‌لری اساسیندا چکیلمیش رسملر هئچ‌ده همیشه متن‌لرین مضمونو ایله اویغون گلمیردی. بعضن «مؤللانصرالدین»ین تصویرلری متنی عیانی‌لشدیرمک وظیفه‌سیندن کنارا چیخاراق بیر بدیعی اوصول کیمی متن‌لرده دئییلمه‌سی مومکون اولمایان مطلب‌لری آچیردئ.

«مؤللانصرالدین» ین ایکینجی قیسمی رسملری ، یوخاریدا قئید ائتدییمیز کیمی، اؤنون متن‌لرینده کی آیریٔ – آیریٔ مسله‌لرله عؤمومی شکیل‌ده باغلانیر . میرزه جلیل زامان کئدیکجه، واختیٔ ایله حاققیندا دانیشیلمیش، لاکین یئنه‌ده اوز اهمیتینی ساخلامیش مسله‌لردن بحث آچماق ایسترکن یئنک‌نسق‌لیکدن قاچماق اؤچؤن، مطلبی سؤز صنتی ایله دئییل، رسم صنتی ایله دئمه‌یی، مصلحت بیلیردی. مثلن، مجلله‌نین ۱۹۰۶ – نجی ایلین ۱- جی نؤمره‌سینده قؤچ دؤیؤشؤنؤ تصؤیر ائدن کاریکاتؤر ۱- جی نؤمره‌ده کی «تیفلیس، ۷ آپرئل» فیلیه‌تؤن‌داکیٔ احوالاتیٔن قرافیک دیلینده تکراری ایدی .

مجلله‌نین عئینی مسله‌لری هم متن، هم رسم‌لرده ایشئیق‌لاندیرماسیٔ اؤنون ایدییا مؤباریزه‌سی‌نین بدیعی شکیل‌لریندن بیری ایدی.

۱۰ – نجی عصیر آذربایجان رئالیست قرافیک صنتی‌نین ان یاخشیٔ نؤمونه‌لری مجلله‌نین مؤستقیل ایشله‌نیلمیش رسم اثرلرینده اؤز عکسینی تاپمیشدیر. بورادا بدیعی آختاریش لاپ چوخ گؤجلؤدؤر ، ایجتیماعی حیاتیٔن مؤختلیف مسله‌لرینی عکس ائتدیرمک باخیمیندان بو بدیعی صورتلر داها یئتگین‌دیر. تیپیک‌لشدیرمه ؤ عؤمومی‌لشدیرمه، احوال- روحییه‌نی سجییه‌لندیرمه ؤ سایر. تاثیر واسیطه‌لری همین رسملری بدیعی اثرلرله داها چوخ باغلایئیب دیٔ. مثلن، ۱۰ نجی عصیر رئالیست آذربایجان قرافیک صنتی‌نین بانیسی ع. عظیم‌زاده‌نین ایلک رسم‌لریله «مؤللانصرالدین» ین ایلک مضمونلا باغلیٔ بدیعی اثرلری آراسیندا سیخ ایدییا – بدیعی علاقه‌لر واردیر. «ع. عظیم‌زاده»نین رسم‌لری میللی آذربایجان قرافیک صنتی‌نین تشککؤلؤنؤ اؤزؤنده عکس ائتدیریردی. رسامین «میللتی – بیچاره‌نین دردینی چکمکدن اریییب چؤپه دؤندؤم ...»



(۱۹۰۶ نجی ایل ٤- جو نؤمره) آدلانان کاریکاتؤروندا ایستئمارچئ صینیفلرین زحمتکئش خالقا اؤلان لاقئیدلیئی گؤلؤش هدفینه چئوریلمیشدیر معلوم اؤلدوغو کیمی، ۱۰ عصرین اؤللرینده بورژوا جمعیتینده خالقا، وطنه لاقئیدلیک بیر بلا ایدی. یالانچئ وطن‌پروَرلیک میللت باشچئلارئنئین دیل ازبری اؤلموشدو. تصادؤفی دئییل کی، بؤیؤک خالق شاعیری م.ع.صابیر «مؤللانصرالدین» ده کی «میللت نئجه تاراج اؤلور اؤلسون، نه ایشیم وار» طنزی‌ده محض همین مسله‌یه حصر ائتمیشدیر .

«مؤللانصرالدین» دؤوَرؤن ان مؤختلیف ایجتیماعی مسله‌لرینه توخونوردو. بونا گؤره‌ده اؤزؤنؤن آز ساوادلئ اؤخوجولارئنا مؤرکب حادیثه‌لری داها یئیغجام وَ داها آیدئین شکیل‌لرده باشا سالماق اؤچؤن دایم بدیعی یؤللار آختاریردئ. مثلن، تئزار رئژیمی‌نین خالقلار آراسئندا توَره‌تدیئی میللی قئیرغئنئین «مؤللانصرالدین» طرفیندن نئجه اوستالئقلا تصوئیر وَ تنقید ائدیلمه‌سی دایمن دیققت مرکزینده اؤلموشدور.

«مؤللانصرالدین»-ین متن‌لری ایله رسم‌لرینین ایدیئا علاقه‌لری اؤنون ۱۹۰٦ -۱۹۱۱نجی ایللر ایران مشروطه حرکاتئنا حصر ائتدیئی اثرلرینده خؤصوصیله قابارئق دئیر. مثلن، «ع. غمگسار»ئن «گلدی یئنه رحیم‌خان ایرانا، بارک آللاه !» - میصراسئ ایله باشلانان طنزی («مؤللانصرالدین»، ۱۹۱۰، ن ٤۱) روَتئرین همین مؤوضودا چکدیئی کاریکاتؤر ایله سسله‌شیر.

«ع. غمگسار»ین طنزینده ایران اینقلابئ‌نئین قددار دؤشمن‌لرینده رحیم خانئین ایکی اؤزلؤ سیماسئ تصوئیر اؤلونور. اؤنون مشروطه اینقلابئ‌نئین قؤوَت‌لندیئی گؤنلرده اؤلکه‌دن قاچئیب روس تئزارا سئیئندیئغئنئ، ایرتیجا باش قالدیردیغئ گؤنلرده ایسه یئنی‌دن ایرانا قان توَکمه‌یه قایئتدیغئنئ شاعیر بئله سجیئه‌لندیریر:



گلدی یئنه رحیم خان ایرانا ، بارک آللاه!
چیخدیغ عجب ایگید تک مئیدانا، بارک آللاه !
چون گؤردوز باش پوزغونلوق اولموش بو قؤومه پیشه
ائتمیش جماعت عادت قان تؤکمه‌یه همیشه
ایشده بو ظالیم ایستر وورسون دوباره تیشه
عالم بؤتؤن بؤیانسین آل قانه، بارک آللاه!

«مؤللانصرالدین»- یئن نؤوبتی نؤمره‌سینده «غمگسار»ین تصویر انتدیئی تیپین روتئر طرفیندن چکیلمیش گئرچک صورتی واردیر. شاعیر بونو طنز دیلینده «گلدی یئنه رحیم‌خان ایرانا، بارک آللاه» میصراسیئ ایله خبر وئریر . روتئرین چکدیئی کاریکاتوردا همین تیپ یئول چامادانیئ ایله تصویر اندیلمیشدیر. «ع.غمگسار» جلاد رحیم خانین یئنی‌دن ایرانا قایئیتماسینا ایستیهزا ائدیر.

رسام ایسه شئعرده «قهرمان» کیمی تقدیم اولونان تیپی مؤطیع و عاجیز وضعییتده تصویر ائدیر. سؤل طرفده کی الین رحیم خانا «گل – گل» - دئییه ایشاره ائتدیئی، ساغ طرفده ایسه اونو مؤحکم بیر یومروغون هده‌له‌دیئی تصویر ائدیلمیشدیر. بونونلا رسام اؤلکه‌ده ایکی جبهه‌نین – ایرتیجا طرفدارلاریئ ایله مؤترقی قؤوه‌لرین اوز – اوزه دایاندیغینیئ گؤسترمک ایسته‌میشدیر.

هم متن‌ده و هم ده رسمده عئینی مؤوضونون ایشیق‌لاندیریلماسینیئ قادین آزادلیغیئ مسله‌سینه حصر اولونموش اثرلرده‌ده گؤرمک اولار. مثلن، ج.محمد قولوزاده‌نین «کئچن گونلر» «حالال»، «نیشانلیئ بیر قیز» و «قانلیئ فاجیعه » فیلیئه‌تونلاریندا قادین آزادلیغیئ مسله‌سینین مؤختلیف جهت‌لری ایشیق‌لاندیریلیر.

«مؤللانصرالدین»-ین اؤچونجو رسم‌لری میللی آذربایجان حیاتیئنین سجییه‌وی مسله‌لریندن کنارا چیخاراق بئین‌الخالق سیاسی - ایجتیماعی حادیثه‌لری ایحاطه ائدیر. بئین‌الخالق حادیثه‌لرین رسم‌لرده عکس ائتدیریلمه‌سی تصادوفی دئییلدی . طنز اوسلوبونون طلب‌لرینه مووافیق اولاراق آرتیق یئیغجاملیق یاراتماق مقصدی ایله مجلله‌نین رسملرینده شرطی ایشاره‌لردن، رمزلردن و تمثیل‌لردن گئنیش ایستیفاده ائدیلیردی.

«مؤللانصرالدین»- ده دؤنیا ایمپیریالیزمی‌نین ایفشاسیؤ مؤوضوسو اساس یئرلردن بیرینی توتور. مثلن، مجلله‌نین هله ۱۹۰۶ – نجی ایلین ایکینجی نؤمره‌سینده **شمرلینق** طرفیندن چکیلمیش بیر کاریکاتؤردا **شیر** (اینگیلیس)، **جاناوار** (فرانسا)، **آغ‌آیی** (تئزار روسیه‌سی)، **پلنگ** (آلمان) وَ **تؤلکؤنؤن** (ایسپانییا) **قوئیون** تیمثالینده وئریلمیش **مراکشی** پارچالادیغیؤ تصوئیر ائدیلمیشدیر. ایران، افغانیستان، هابئله آفریکا وَ بالکان اؤلکه‌لری اؤستؤنده اینگیلیس، آلمان، فرانسا، تئزار روسیئاسی وَ باشقا ایمپیریالیست دؤولتلر آراسیئندا گئدن چکیشمه‌لر «مؤللانصرالدین» طرفیندن ماراقلیؤ تمثیل تصوئیرلرده عکس اؤلونوردو.

«مؤللانصرالدین» ین همین رسم‌لرینده سؤز صنتی ایستیقامت وئریجی رؤلا مالیک‌دیر. بورادا «رسم آلتیؤ» وَ «رسم اؤستؤ» یازیلار دیققتی داها چوخ جلب ائدیر. مثلن، ع. عظیم‌زاده‌نین بیر کاریکاتؤروندا (۱۹۰۶ – نجی ایل ۱۱ – نجی نؤمره) تزار روسیه سی نین باش وزیری **ویتتنین** یاخیئن شرق اؤلکه‌لرینه سیلاح ساتماق سیاستی ایفشا ائدیلیر. معلومدور کی، مسله‌نین مؤستقیم شکیلده عکس ائتدیریلمه‌سینه تئزار حؤکومتی‌نین سانسؤرو یؤل وئرمزدی. وضعییتدن چیخماق اؤچؤن مجلله‌ده چیئینینده ایچی سیلاحلا دولو خورجون اؤلان بیر کیشی‌نین تصوئیری آلتیئندا «جناب وَ » سؤزلری یازیلمیشدیر. رسمین معناسیئیؤ ۱- جی صحیفه‌ده وئریلمیش تلئقئیرام آچئیر: «تبریز – قراف وئتته آوروپادان هیندیستان یؤلو ایله تهرانا گئده‌جکدیر. معلوم اؤلدوغونا گؤره ایران وزیری – درباری ایله بیر نئچه لازیملیؤ سؤزلر دانیشاجاقلار. بئله اؤلسا، میللت وَ دؤولتین سعادتی‌دیر».

آیریؤ _ آیریلیقدا «ضررسیز» گؤرؤنن تصوئیر وَ یازیؤ عؤمومی‌لیکده دریـن معنایا، کسکین ایفشا ائدیجی قؤوه‌ئه مالیک‌دیر.

رؤتئرین رسم‌لری‌نین بیرینده ۱۰- نجی عصیرین اؤللرینده آلمانئین تؤرکیئه ایله اؤلان «دؤستلوق»- وندان دانیشیلیر. رسم ده قالئین بیر مئشه‌نین قارانلیغیئندا واهیمه ایچریسینده قیشقیران اوشاق جؤنه‌لی کیشی‌نین تصوئیری گؤرؤنؤر. همین تصوئیرین یانیئندا بارماقلاریؤ ایله قولاقلاریؤ نیؤ تیخامئیش بیر آلمان عسگری‌نین شکلی‌ده وئریلمیش‌دیر. رسمین معناسیئنی قؤرخو ایچریسینده قیشقیران کیشی‌نین: «ویلهئلم! هاراداسان؟» وَ بونا جاواب اؤلاراق عسگرین: «منیم

قولاغیم کاردیر» سؤزلری آچیر. دؤرؤن مؤرکب سیاسی حادیثه‌سی‌نین ایفاشاسینا چئوریلمیش رسمین ایدیا- بدیعی معناسینی ئیتنه‌ده سؤز صنتی مؤعین‌لشدیریر.

«مؤللانصرالدین» آذربایجان کاریکاتورونون سؤنراکی ایللرده داها گؤجلو شکیل‌ده تأثیر گؤسترییر. بو دؤور ده ع. عظیم‌زاده‌نین رئالیست قرافیک صنتی اؤز فورمونو تاپیر. او، «مؤللانصرالدین»ین عنعنه‌وی ایدیالارینی بو ایللرده کامیل بیر صنتکارلیقلا عکس ائتدیریر. اونون «هوپ-هوپ نامه»نین ۱۹۱۱- ۱۹۱٤ جی ایللر نثرینه چکدیی کاریکاتورلاری بو فیکری ثوبوت ائدیر. بو دؤورده «ع. عظیم‌زاده» آذربایجان رئالیست ادبیاتی‌نین اینقلابی عنعنه‌لری‌نین آردینجا گئدرک **شمرلینق** و روتئرین کاریکاتورلاری‌نین مؤوضولارینی ئیتنی‌دن ایشله‌مه‌یه باشلایییر. «مؤللانصرالدین» رسم‌لرینده ظاهیرن تصویر ائدیلمیش تیپ‌لر و حادیثه‌لر ع. عظیم‌زاده‌نین فیرچاسی ایله جانا گلیر، نفس آلیر، ایجتیماعی مؤحیطه تأثیر گؤسترن قووه‌یه چئوریلیر.



عظیم عظیم‌زاده

۱۰- نجی عصیر آذربایجان کاریکاتور صنتی‌نین اینکیشاف یولونو «ع.عظیم‌زاده»نین یارادیجیلیغی تیمثالیندا دا گؤرمک اولار. رسامین ۱۹۰٦ — جی ایلده چکدیی «میللت-ی بیچاره‌نین دردینی چکمکدن اریییب چؤپه دؤندوم...» رسمین‌ده کی بدیعی صورتین ۱۹۱۵ — جی ایلده «صاحیب کار» آدلی ایله ئیتنی‌دن ایشله‌مه سی بونا پارلاق میثالدیر.



۲۰- نجی عصیر آذربایجان تنقیدی قرافیک صنتی نین‌نه جۏر یارانديغی نی ۏ تکميللشديينی ايران حۏکمداری محمد علی شاها حصر ائديلميش کاريکاتۏرلارين مۏقايیسه‌سينده‌ده گۏرمک مۏمکۏندۏر. «مۏللانصرالدين» ده **شمرلينق** ۏ رۏتئر محمدعلی شاها نئچه- نئچه کاريکاتۏر حصر ائتسه‌لرده، آذربايجان رساملیغیندا اۏنون ان کاميل طنز صورتينی «ع.عظيم‌زاده» (۱۹۱۵ — جی ايل، «مزه‌لی» مجله‌سی) يارانتميشديئر. البته، «ع.عظيم زاده»نين «محمدعلی شاه» اثری ايستر ايديئا، ايسترسه‌ده بديعی تصۏير اصوللاری ايله بۏيۏک صابيرين محمد علی شاها حصر ائتديئی طنز اثرلريندن قيدا آليردی.

بۏتۏن يۏخاريدا دئييلن‌لر اساسيندا دئمک اۏلار:

«مۏللانصرالدين»- نين ۱۰ — جی عصير آذربايجان رئاليست تصۏيری صنتی‌نين تشککۏللۏنده حل ائديجی رۏلو اۏلدو.

بو حادیثه اۏزۏنۏ داها مۏشخص حالدا آشاغيدا کی شکيلده گۏسترديی:

«اۏلن - «مۏللانصرالدين» تصۏيری صنتين مضمونونو مۏعيئن‌لشديردی. اۏنا مۏۏضولار وئردی ۏ ايديئا — بديعی جهتدن ايستيقامت‌لندیردی. ايجتيماعی گئرچکليئين باشلی‌جا جهت‌لرينی اۏزه چيخارماقدا اۏنا کۏمک‌ليک گۏسترديی.

ايکينجی طرفدن — تصۏيری صنتی ادبی فيکرين شئعر، نثر ۏ ايجتيماعی — سيياسی مقاله‌لر کيمی ساحه‌لری ايله آياقلاشماغا مجبور ائتدی. تصۏيری صنتين اۏسلوب جهتدن رئاليست ايستيقامت‌ده مۏعيئن‌لشمه‌سينده مۏهۏم رۏل اۏينادی.

نهايت ژورنالين عۏمومی ايديئا — بديعی مۏۏقعی‌نين يئتکين‌ليئی ۱۰- نجی عصير آذربايجان تصۏيری صنتی‌نی‌سئچيرچيليکدن، تصۏيرچی‌ليک‌دن اوزاقلاشديرئيب، اۏنو يۏکسک بديعی عۏمومی‌لشديرمه خۏصوصيت‌لری ايله زنگين‌لشديردی.

«مؤللانصرالدین چیلر»



فعال مؤللانصرالدین چیلر
سؤلدان: ع. حق وئردیئو، ریضاقولو نجف اوغو، سلمان مؤمتاز، زئینال ممداوؤوعلی قولوغمگسار»

ولی رحیم زاده

«مؤللانصرالدین»چیلر عؤمومییتله اؤنون کاریکاتؤریست و یازیچیلاریئ اؤز مدنی و مطبوعاتی فعالییتلرینده ال چکمه‌ییب «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین کسگین و آردیجیل مؤباریزه‌سینی باکیئدا نشر اؤلونان سایر طنز مجلله‌لرده، جبهه‌دن جبهه‌یه کئچه‌رک حقیقتی بیان ائدن قلم‌لری‌ایله مؤباریزه‌لرینی ایدامه وئریردیلر. «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین یؤرولماز و مؤباریز قلم صاحیب‌لری، عؤمومییتله «مؤللانصرالدین»چیلر زامانیئن بو گرگین دؤوره‌لرینده، **جلیل محمدقولوزاده، میرزاعلی اکبر صابیر، حق وئردی یئف، محمد سعید اوردوبادی اوزئییر حاجی‌بی‌اوو، غمگسار، علی راضی، عؤمرفاییق نعمان زاده، قربانعلی شریف، مشهدی حبیب زئینال اوو، علی محزون، مجیری، سلمان ممتاز، فریدون‌بهئ کؤچرلی، علی نظمی ،میرزا محمد آخوندوف** و کاریکاتؤریست عظیم عظیم‌زاده و سایر «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین امکداشلاریئ. «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی تؤقیف اؤلان دؤورلرینده مطبوعاتی فعالییت‌لرینی دایاندیرماییب آردیجیل باکیئدا نشر اؤلونان طنز روزنامه‌لرده اؤز فعالییت‌لرینه ایدامه وئریردیلر.

«مؤللانصرالدین» مجلله‌سینده و سؤنرالار طنز مجلله‌لرده«مؤللانصرالدین»چیلر اؤز اینسانی و ایجتیماعی وظیفه‌لرینده‌فعالییت‌ائتدیکده‌آیریئ-آیریئ‌تخلوص‌لرله،«لاغ لاغیئ»، «مؤللاعمی»،«جئیرجئیراما»، «موز آلان دلی»، «هردم خیئال»، «هوپ- هوپ»، «سیژیم قولو»،

«کئف‌سیز»، «خوْرتدان»، «دابانئ چاتلاق»، «جوواللاغی» وْ آیریئ- آیریئ ایمضالارلا ثمره‌لی قلم موْباریزه‌لرینی داوام ائتدیریردیلر.

بئله دوْشوْنوْرم «موْللانصرالدین» مجله‌سی‌نین توْقیف اوْلونان دوْوْره‌لرینده نشر اوْلونان طنز مجله‌لرین بیر نئچه‌لری‌نین آدئینئ چکمک اوْخوجولار اوْچوْن ماراقلئ اوْلار.

بهلول طنز مجله‌سی «بهلول داننده‌نین آدئندان ایلهام آلئیب» ۱۹۱۰- نجی ایلین مایْ آیئیندا، باکئ شهرینده ۹- نوْمره نشر اوْلدوقدان سوْنرا توْقیف اوْلونور.

زنبور طنز مجله‌سی ۱۹۰۹- نجی ایلین مارس آیئین‌دا نشره باشلاییئیب ۱۹۱۰- نجی ایلین اوْکتیابر آیئین دا توْقیف اوْلونور.

«مرآت» «ایستک» «موراد» طنز مجله‌سی ۱۹۰۹- نجی ایلین اوْرتالاریندا نشر اوْلماغا باشلاییب، اوْچ آیْ موْددتین‌ده ۱۳- نوْمره نشر اوْلدوقدان سوْنرا توْقیف اوْلونور.

«آریئ» طنز مجله‌سی ۱۹۱۰- نجی ایل دیسامبر آیئ‌نئین ۱۸- ینده ۱۹۱۱- ایلی‌نین مارس آیئ‌نئین ۱۱- ینده باکئ شهرینده نشر اوْلدوقدان سوْنرا توْقیف اوْلونور.

«کل نییئت» طنز مجله‌سی‌نین امکداش‌لاریْ «موْللانصرالدین» عنعنه‌لرینه صادیق قالمئیش طنز اوْرقان‌لاردان بیری‌دیر. «کل نییئت» مجله‌سی ۱۹۱۱ و ۱۹۱۳- نجی ایل‌لرده نشر اوْلونموش ۱۹۱۳- نجی ایلین اوْل‌لرینده توْقیف اوْلونموشدور.

«لک‌لک» طنز مجله‌سی ۱۹۱٤- نجی ایلده ایروان شهرینده نشره باشلامیشدیر. لک‌لک طنز مجله‌سی جمن ۱۱ - نوْمره نشر اوْلدوقدان سوْنرا مجله نشرینی داییاندیرمیشدیر. لک‌لک مجله‌سی «موْللانصرالدین»چیلرین فعالییئت‌لری نتیجه‌سینده نشر اوْلوب وْ «موْاللانصرالدین» یوْلونو داوام ائتدیرمیش‌دیر.

«طوطی» طنز مجله‌سی، «موْاللانصرالدین» مجله‌سی موْستثنا اوْلماقلا، آذربایجان طنز مجله‌سیندن عوْموْروْ نیسبتن اوزون اوْلانیدیر. طوطی مجله‌سی ۱۹۱٤- نجی ایلین آخیرلاریندان ۱۹۱۷- ایله قده‌ر باکئ شهرینده نشر اوْلونوردو. مجله‌ده یئنه‌ده «موْللانصرالدین»چیلرین قلم صاحیب‌لری اوْ جوْمله‌دن، **جعفر بنیادزاده، محمد سعید اوْردوبادی، سیدحسین، میربالا قدش «قارداش»، جبار عسگرزاده، علی محزون، علی**

راضی، شمعچی، عظیم عظیم‌زاده، ممتاز، علی واحد، علی نظمی، عؤمومیئتله «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین یازئچئلارئنئین گؤزه چارپار فعالیئتی اؤلموشدور. طوطی طنز مجلله‌سی ۱۹۱۵- جی ایلده ٤٥ نؤمره، ۱۹۱٦- نجی ایلده ٤٦ نؤمره ۱۹۱۷- نجی ایلین ژوییه آیئنا قدهر ۱۱- نؤمره نشر اتدیلمیش و ۱۹۱۷- نجی ایلین ژوییه آیئین‌دا مجلله‌نین نشری دایاندئرئلمئشدئر.

«بابای امیری» طنز مجلله‌سی ۱۹۱۵- نجی ایل‌لرده نشر اتدیلیر «بابای امیری» مجلله‌نی نشر ائتدیئی ادبی، ایجتیماعی مسله‌لر «مؤللانصرالدین»چیلرین فعالیئتینده کی آردئجئیل مؤوضو مؤختلیف‌لیئی دیققتی جلب اتدیر «بابای امیری» مجلله‌سینی «العباس مذنب مؤطلب‌زاده» مؤدیریئتی ایله نشر اؤلوندو. مجلله‌نین صاحیب ایمتیئازئ «العباس مذنب»ین قارداشئ «ابوالفضل مؤطلب‌زاده»ایدی. مجلله‌ده فعّال چالیشان طنز یازان «مؤللانصرالدین»چیلردن، مذنب، علی نظمی، محمد سعید اؤردوبادی، جعفر جبارلی، عباس صحت، عباس‌زاده، همت یصیر، قاسیم‌اؤف، عسگرزاده، علی واحد، امین مؤطلب‌زاده، عظیم عظیم‌زاده و باشقا «مؤللانصرالدین»چیلر مؤباریز قلم‌لرینی ایجتیماعی عدالت اوغروندا ایدامه وئره‌رک سنگردن سنگره کئچه‌رک زحمتکئش خالقلارئن ایجتیماعی و سیئاسی شوعورونو آرتئیرماق اؤچؤن مطبوعاتی مؤباریزه‌لرینه ایدامه وئریردیلر.

«مؤللانصرالدین»چیلر یؤرولماز عسگرکیمی اینسانی وظیفه‌لرینی خالق سعادتی اوغروندا باشلادئقلارئ مؤباریزه‌نی قلبه گؤنؤنه قدهر یؤرولمادان آردئجئیل ایدامه وئریب بونونلا بئله ابدی اؤلاراق آدلارئنئ تاریخئین قیزئیل صحیفه‌لرینده ثبت اتدیبلر.



«مؤللانصرالدین» مجلله‌سی «آسیئانئین اؤیانما» دؤؤروؤنؤن پارلاق آیناسئ

حسن ایلدیرئم

(۱۹۰۷- ۱۹۰۵) جی ایللر روس اینقلابی، شرق خالق‌لارئ‌نئین اؤیانماسئندا مؤهؤم رؤل اؤینادئ. اینقلابئین دالغالارئ آسیئا خالق‌لارئ. ها بئله روس ایمپیراطؤرلوغوندا یاشایان خالق‌لارئ‌نئین ایجتیماعی- ایقتیصادی و معنوی قورولوشلارئنا گؤجلؤ تأثیر بوراخدئ. ایستیعمار- ایستیبداد دؤنیاسئ‌نئین چؤرؤموش پایه‌لرینی سارسئیلتدئ! و ایجتیماعی فیکیرین بؤتؤن ساحه‌لرینده ده دؤنؤش یاراتدئ. ضیالئ‌لار، زحمتکئش کؤتله‌لری اینقیلابی- دئموکراتیک ایدیال‌لارئنئ منیمسه‌ییب و ایستیعمار و استیبدادلا مؤباریزه‌یه گیریشدیب. ایجتیماعی عدالت‌سیزلیک، مؤهومات، مدنی گئری‌لیک، معنوی آلچاقلئیق‌لارلا آمانسیز جاسئنا دؤیؤشه باشلادئلار.

بئله بیر تاریخی شرائیطده، ایجتیماعی ضیددییت‌لرین کسگین‌لشمه‌سی دؤؤرؤنده، ادبیات و اینجه صنت‌ده خلقی‌لشمه‌لی ایدی. شاعیر، یازئچئ، مؤتفکیرلره ده کؤهنه دؤنیانئین مؤرتجع قالیق‌لارئ‌نئین عئیبه‌جر سیماسئنئ ایفشا ائتمک اؤچؤن یئنی ایفاده واسیطه‌لری گرک ایدی. داها دؤغروسو خالقئین حیاتئنا حاکیم کسیلمیش جهالت، عطالت کیمی معنوی بوخوؤلارئنئ قئیرماق اؤچؤن یئنی- یئنی شیوه تاپماق لازئم‌ایدئ.

بؤیؤک مؤتفکیر، دئموکرات یازئچئ، **میرزه جلیل محمد قولوزاده**، بو وسیله‌نی، بو واسیطه‌نی کشف ائتدی: گؤلؤش! «مؤللانصرالدین»! گؤلؤشؤ! آخماق‌لارئ، قؤلوزورلولارئ، کؤت بئیین‌لری، قانمازلارئ، ظالیم آغالارئ، ویجدان‌سیز بئ‌لری قامچئ‌لاماق اؤچؤن «مؤللانصرالدین» گؤلؤشؤ لازئم ایدی. میرزه جلیل طنزی گؤجلؤ بیر بدیعی ایفاده واسیطه‌سی کیمی کشف ائتدی! «مؤللانصرالدین» آدینئ اؤزؤنه تخللؤص سئچدی! بو کشف داهیانه کشف‌ایدی.

بؤیؤک ادیبین یارادتدیغی «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی ایلک نؤمره‌سیندن تا سؤن نؤمره‌سینه‌دک (۱۹۳۱- ۱۹۰۶) عئیبجرلیک، یارامازلیق، ظؤلؤم و زؤراکارلیقلاری ایفشا ائتمک و جهالت جارچی‌لاری‌نین، عطالت بایقوش‌لاری‌نین سسینی بؤغماق اوچون گؤلؤش‌دن، مهارت‌له فایدالاندی. اونلاردان ایستیفاده‌ائتدی.

میرزه جلیل چؤخ دؤزگؤن اولاراق، یازیر: «مؤللانصرالدین»ی طبیعت اؤزو یاراتدی، زمانه اؤزو یاراتدی. بؤیؤک ادیب، یاخشی بیلیردی کی ادبی حادیثه‌لر اؤز باشینا یارانمیر اونلاری جامیعه‌نین قانونلاری‌نین ضرورتی تؤره‌دیر. «مؤللانصرالدین»نین ده یارانماسی بو قانون‌دان ایستیتنا دئییل‌دیر.

«سیزی دئییب گلمیشم ائی منیم مؤسلمان قارداشلاریم...» سؤزلری‌ایله اوخوجولارا مؤراجیعت ائدن «مؤللانصرالدین» ائله بیر واختدا گلمیشدی کی خالقین اونا چؤخ بؤیؤک ائحتیاجی واردی: بیر طرفدن دونیانی دا یئنی فیکیرلر، دئموکراتیک دؤشونجه‌لر، باش قالدیریر و ایجتیماعی عدالت، آزادلیق کیمی ایجتیماعی ایستک‌لر خالق طرفیندن ایرلی سورولوردو. دیگر طرفدن دونیانین ایستیعمارچی، مؤستبید قوه‌لری، ایستیثمارچی زلی‌لر اؤز منافئع‌لرینی قورواماق اوچون، خالق‌لار آراسیندا دؤشمن‌چیلیک تؤره‌دیر، مؤستعمیره اؤلکه‌لری‌نین واریسی تالاماق اوچون اورالاردا خوزافاتی، مؤهوماتی یاییر، خالقین معاریف‌لنمه‌سی، آیئیلماسی قارشی‌سیندا مؤختلیف مانئع‌لر تؤره‌دیردیلر. اونلارین گونو- گوندن سیمالاری دییشیلیر داها قدداراشیریدی. بئله بیر واختدا: «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی، جانلی، مزه‌لی، ساده، ماراقلی دیلی، گؤلمه‌لی شکیل‌لری، آجی گؤلؤشو، کیناییه‌سی، لاغلاغیسی، ایستیهزاسی ایله، قؤلوزورلولاری، قولدورلاری، طنز آتشینه توتوردو. اؤلدورو‌جو گؤلؤش‌لری‌ایله خالق دؤشمانلاریسی آلچالدیردی. ائله‌جه‌ده یوموشاق آتماجالاری‌ایله مؤهومات ایچینده کیری‌میش خالقی سانجیردی. بئله‌لیک‌له «مؤللانصرالدین» خالق اوره‌یینه یول تاپیر، اونلاریسن گؤزونو آچیر، پیس‌لیک‌لره قارشی نیفرت و قضب حیس‌لری آشیلاییردی و زحمت‌کئش‌لرین نؤقصانلاریسی، مزه‌لی گؤلؤش‌ایله لاغا قویوردو..

«مؤللانصرالدین» گؤله- گؤله، ایچینه آغلایا میللی حؤدودلاری آشیر و بوتون شرق عالمینه ایشیق ساچیردی!

«مؤللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین دوغولماسی و اینکیشافی‌ایله آذربایجان ادبیاتیندا، ائله‌جه‌ده یاخین شرق‌ده طنز یؤکسک زیروه‌یه قالخاراق، اؤزونون ان پارلاق دؤورونه قدم قویدو. او زامان «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین اطرافیندا توپلانان قلم صاحیب‌لری، رسام‌لار

اؤز دؤورلری‌نین ان مشهور سیمالاری‌ایدی، هره سی‌نین اؤز اؤسلوبو، ؤ یازی شیوه‌سی وارایدی. آنجاق مجلله‌نین اؤ اوستاد صنتکارلارئن دا یارادیجیلیق اینکیشافیندا، خالق ایچری‌سینده تانئینمالارئندا رؤلو اؤلموشدور. «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین اطرافیندا تانئمیش یازیچی ؤ شاعیرلردن باشقا، مین‌لرله مؤخبیر تؤپلانمیشدی. اونلار، دؤنیانئین دؤرد بوجاغیندان «مؤللانصرالدین» تحریریه‌سینه مکتوبلار گؤندریردی. بو مکتوبلار یئنی- یئنی خبرلر، تزه- تزه مؤضولار و... دؤلو ایدی. بو مکتوبلاری گؤندرن‌لر: مؤعللیم‌لر، حکیم‌لر، طلبه‌لر، عالیم‌لر، فهله‌لر، کندلی‌لر، شهر ساکین‌لری... مؤختلیف طبقه‌لره ؤ صینیف‌لره منسوب اؤلان شخص‌لرایدیلر.

میرزه جلیل-ین باشچی‌لیق ائتدیئی بو جریان دان **«مؤللانصرالدین» چیلیک** آدی ایله بؤیؤک بیر ایجتیماعی_ **ادبی مکتب** یاراندی. بو **مکتب** تکجه آذربایجاندا دئییل بلکه، ایران، تؤرکیه، اؤرتا آسیا خالق‌لاری‌نین ادبیاتیندا اؤزؤنؤن لیاقتلی داوام‌چیلار یئتیردی! بو مکتب‌ین مؤعاصیر تمثیل‌چی‌لری اؤنو لایقجه هله‌ده یاشاتماقدادیر! آکادئمیک ممدعاریف دئییرکی: «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین بئینی میرزه جلیل، اؤنون قلبی‌ایسه صابیردیر[1]. بؤیؤک عالیم چوخ دؤز دئییر.

جلیل محمد قولوزاده بؤیؤک بیر آلچاق کؤنؤللؤک‌له یازیر: **«مؤللانصرالدین** تک بیر مؤاللیفین اثری دئییل، اؤ بیر نئچه منیم عزیز ئؤلداشلاریمین قلم‌لری‌نین اثرلری‌نین مجموعه‌سیدیر. من‌ده اونلارین آنجاق آغ‌ساققال ئؤلداشی‌یام».

«مؤللانصرالدین» ادبی مکتبینه منسوب یازیچیلار، بدیعی یارادیجی‌لیق سبک‌لری اؤز، مؤضو سئچمه، تصویر ائتمه، تیپ یاراتما اؤصول‌لاری ایله باشقالارئندان فرق‌لنیردیلر. «مؤللانصرالدین» چیلر اساس مؤضولارئنی مؤعاصیر حیات حادیثه‌لری تشکیل ائدیردی. بو صنتکارلار عادی احوالات‌لار ایچیندن، حادیثه‌لری سئچنده، جامیعه‌ده هئچ بیر خاروق‌العاده کئیفیییت‌لری ایله آیریلمایان آداملارئن ایچری سیندن سئچیردیلر. اونلارئن بؤیؤک باجارئق و قابیلییت‌لری بوایدی کی، بو «کچیک» اینسانلارئن دؤنیا گؤروشونو، حیاتا مؤناسیبتی‌نی، سئوینج و نیفرت‌لرینی، حیاتداکی مؤوقعییت‌لرینی آچا- آچا، جامیعه‌نین داخیلی ضیددییت‌لرینی، ایجتیماعی برابرسیزلیئی، میللی ظؤلمو و ... ایفشا ائدیردیلر!

۱- ممدعاریف، سئچیلمیش اثرلری III جیلد عئلم نشریاتی. ۱۹۷۰ باکی.

«مؤللانصرالدین» چیلر، میللی ادبیاتدا ایشله‌نن بیر چوخ طنز نؤوعلری‌ایله یاناشئ گؤلگؤ مطبوعاتئ اوچون، اویغون اولان یئنی قالیب‌لر، نؤوعلر، اوسلوبلار، ایفاده‌لردن بؤللو- بؤللو ایستیفاده ائدیردیلر. اونلار شیفاهی ادبیاتدا گئنیش یاییلمئش و بیر اوجو خالقئین اوره‌یینده اولان **آتالار سؤزو، تاپماجا، آتماجا، ناغئیل، لطیفه، ماهنئ، بایاتئ** و... نؤوعلرینده و کلاسیک و دؤنیا ادبیاتئندا درین ایز بوراخان ایفاده اوصول‌لارئندان دا باجاریقلا بهره‌لنیردیلر. دؤنیانئین طنز اوستالارئ طرفیندن و ها بئله طنز مطبوعات‌لارئندا بؤل- بؤل درج اولونان: **فیلیه‌تون، لؤغت، تئلقئراف، پوست قوتوسو، صحنه‌جیک ائعلانلار، مکتوب‌لار مؤکالیمه‌لر، سیاحت‌نامه‌لر** و اونلارجا باشقا طنز ایفاده واسیطه‌لرینده‌ن، اوسلوب و اوصول‌لارئندان ایستیفاده ائدیردیلر.

«مؤللانصرالدین» مجله‌سی‌نین ان چوخ ایستیفاده ائتدیئی قئیرافیک طنز نؤوعلری کاریکاتؤر ایدی. کاریکاتؤر مجله‌نین دؤرد صحیفه‌سینی ایحاطه ائدیردی. بو کاریکاتؤرلار باعیث اولودولار کی، مجله‌نین مطلب‌لرینی ساوادسیزلارادا آسان وجه ایله باشا دوشسونلر. آذربایجان دیلینی بیلمه‌ین ئئرلرده کاریکاتؤرلار مجلله‌نین یاییلماسئنئین بیرینجی واسیطه‌سی ایدی. «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین کاریکاتؤرلارئ دؤنیادا چوخ شؤهرت قازانمئشدئ.اونلار آذربایجان و قونشو اولکه‌لرین کاریکاتؤر صنتی‌نین اینکیشافیندا میثیل‌سیز رول اوینامئشدئر.

«مؤللانصرالدین»ین ایستیفاده ائتدیئی بدیعی قالیب‌لردن بیر نئچه میثال:

تئلقئراف: کلکته- اینگیلیس حؤکومتی مؤسلمانلار ایله آتش‌پرست‌لر (زرتؤشتؤلر) آراسیندا فیتنه سالئیب وئوروشدورماق نقشه‌سی چکیر. لاکین بو ایش بورالاردا تئز اولدوغوندان، مقدونیئه و قافقازدان تجروبه اولونموش «دستورالعمل» گؤزله‌ییر».

آتالار سؤزو: آتئ آتئین یانیندا باغلاسان خان دؤنوب دئییر بیریسینی باغیشلا منه!

آدام یاتا- یاتا عالیم اولار.

اولمه ائششه‌ییم اولمه! یازگلر، حوریئت بیتر.

لوغت: استولوپین[1] بیزیم لوغت‌یمیزده بو سؤزون ایکی معناسئ وار. بیر: **اوستول ایپین**، ایکینجی: **اوستالیپین**. معلوم دور کی، باش وزیر آداملارئ دار آغاجیندان آسدیرارکن، اوستول و ایپ‌لازیم اولور، بونا گؤره اونا **اوستول ایپین** یعنی **اوستول- ایپ** دئمیشلر. ایکینجی معناسیا

۲- تئزار روسیه‌سی‌نین مؤرتئجع، مؤستبید، قددار باش وزیری

گلینجه: لاپئن ژاپۆنجا **دللک** دئمک‌دیر. باش وزیر دومادا سۆل پارتییالارا قارشی اۆلگۆجۆنۆ ایتی‌له‌دیئی اۆچۆن آدئنئ **اوستالاپئن** قۆیموشلار!»

فیلیه‌تۆن: «عزیزیم آمریکالئ ایندی بوئور گۆرک نه مقصد ایله دۆنیانئین اۆباشئیندان، بو باشئینا گلیب‌سن؟ منیم یقینیم‌دیرکی، سنین خیالئیندا بیر بیجلیک وار، مثلن بو مقصد ایله گلیب‌سن کی، بیچاره مۆسلمانلارئ تۆرۆلاتئیب آخیردا ایمتییاز صاحیبی اۆلاسان وْ بیزی فهله کیمی ایشله‌دیب، بیزیم اۆز الیمزله قازاندئغئمئز پولارئ دۆلدوراسان جیبینه وْ آخیردا دا **خۆراسان** قالئلارئندان، **بوخارا** دری‌لرینندن، **نخجۆوان** جنجیم‌لرینندن، **شاماخئ** شال‌لارئندان، **ایران** شیر وْ خورشیدیندن، بیر ئۆک توتوب وطنه سۆغات آپاراسان وْ گئدیب آمریکادا بیر کیتاب یازاسان وْ همین کیتابدا...»

«مۆللانصرالدین» مجلله‌سی، گۆنش کیمی اۆز اطرافئینا اۆنلارجا گۆلگۆ روزنامه وْ مجلله‌سی‌نین تۆپلامئش واۆنلارا ایشئیق ساچمئیش‌دیر. ائله‌جه، «مۆللانصرالدین»ادبی مکتبی بۆیۆک، یازیچئ، شاعیر، رسام‌لار یئتیرمیش‌دیر. اۆنلار تکجه آذربایجان دئییل بلکه‌ده یاخئین شرق‌ده، خۆصوصی ایله تۆرک دیللی خالق‌لار آراسئیندا بو مکتبی تمثیل ائدن مشهور ادبییات خادیم‌لری، سۆز اوستالارئ اۆلموشدولار کی، اۆنلار اۆزلری ده کیچیک منظومه یاراتمئشدئلار وْ «مۆللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین یارنماسئیندان ئۆز ایل کئسه‌ده،بو گۆن ده بو مکتب‌ین داوامچی‌لارئ واردیر. حتّا ایراندا، آذربایجاندا وْ... دئمک «مۆللانصرالدین» هله‌ده یاشایئیر.

تورکیئه، ایران آذربایجان، روس، انگیلیس، فرانسه وْ... عالیم‌لری «مۆللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین،تأثیری، اۆنون بۆیۆک مئعمارئ میرزه‌جلیل وْ بۆیۆک صابیر حاققئیندا اۆنلارلا کیتاب، مین‌لرله مقاله.... یازیئب‌لار. وئیازاجاق‌لار. بیز بورادا دۆنیانئین مشهور عالیم وْ سۆز اوستالارئنئین بیر نئچه‌سی‌نین «مۆللانصرالدین» حاققئیندا بعضی مۆلاحیظه‌لرینی قئیئد ائدیریک.

روس ایران شۆناسئ پۆرفئسۆر م.**س ایوان اۆو** مشروطییت حاقدا مقاله‌لری‌نین بیرینده «مۆللانصرالدین» مجلله‌سی‌نین شرق ده، خۆصوصی ایله ایران دا میللی آزادلئیق حرکاتئینا گۆستردیئی خیدمتی قییمت‌لندیره‌رک یازیر: «بو مجلله‌نین ایران حادیثه‌لری حاققئیندا چۆخ یاخشئ معلوماتی وار ایدی. اۆ همین حادیثه‌لره عکس صدا وئریردی. بو مجلله فارس دیلینده نشر ائدیلن، گۆلگۆ روزنامه و مجلله‌لر قدهر گئنیش شۆهرت قازانمئش‌دئ...»

ابوالقاسم لاهوتی: «صابیرین اثرلری اوقده‌ر ساده،روان، خلقی، عاغیلانه، قۆرخماز روح‌دادیر کی، آزادلئیق سئوَن هر بیر اینسان‌نین اۆره‌ئینه ئۆل گۆستریمیش‌دیر. بو ساحه‌ده من

اؤنون اوستالیغئینا مینّتدارام. ایرانئین دیگر طنزچی‌لری‌نین اثرلری منیم کیمی، اؤرتا آسیئانئ دؤلاشدیغئیم ایللرده،گؤردؤم کی، قطعن صابیرین تأثیریندن خاریج دئییل...

ایراندا‌کئ میللی آزادلیق اینقیلابی دؤورؤنؤن طنز شئعری‌ده صابیر یارادیجیلیغینا اؤلدوقجا مدیون دور. اثرلری میللی چرچیوه‌نی آشیب کئچه‌رک اؤز تأثیرینی آذربایجان حؤدؤدوندان چؤخ اوزاق‌لارادا یایمیش‌دیر. بونون اؤچؤن‌ده من صابیرین دوغوم گؤنؤ بایرامینئ بؤتؤن شرق امکچی‌لری‌نین بایرامئ حئساب ائدیرم.»[۳]

ناظیم حیکمت (بؤیؤک دؤنیا شاعیری) صابیر حاقدا بئله سؤیله‌ییر.: «صابیر نه تک آذربایجان‌لئین بلکه اؤرتا آسیئانئین، یاخئین شرقین ان بؤیؤک شاعیرلریندندیر. من صابیری، اؤنون اؤز آنا دیلینده اؤخویا بیلدییم اؤچؤن اؤرک‌دن سئوینیرم.... ۱۹۰۸- جی ایلین تؤرکییه‌اینقیلابئیندان اؤل و سؤنرادا صابیرین شئعرینی تؤرکییه‌ده هم ضییالئلار هم‌ده عادی خالق کؤتله‌سی محبّت و هیجانلا اؤخویورلار..... بیز صابیری سئویریک،اؤنا حدسیز محبّت و ائحتیرام بسله‌ییریک. بیز یازیچئ و شاعیرلر صابیری اؤز اوستادلاریمیزدان سانئیریق...[٤]»

تاجیک عالیمی، بؤیؤک شرق شؤناس **ای. س. بیراگینتسکی** یازیر: «مؤللانصرالدین» مجلله‌سی شرق خالق‌لاریئنئین حیاتئیندا تام بیر حادیثه ایدی. بو مجلله خالقئین منافئعی اوغروندا ایرتیجا علئیهینه مؤباریزه آپاران سیاسی مطبوعات نؤمونه‌سی ایدی.[٥]»

دؤنیا شؤهرتلی عالیم آکادئمیک پؤرفئسؤر **ی.ا. برتلس** «مؤللانصرالدین مجلله‌سی‌نین بین‌الخالق اهمیتی حاققئیندا دئمشیدیر: «مؤللانصرالدین، مجلله‌سی‌نین تأثیری چؤخ بؤیؤک اؤلموش وبو تأثیر آذربایجان‌نئین سر حددلرینی آشیب، تؤرکییه، ایران و حتّا هیندوستانا قدهر یاییلمیشدیر.[٦]»

۱- یجی عصیرین اؤللرینده، ایللر بؤیو آسیئا خالق‌لاریئنئین اؤره‌ییندە یاشایان افسانه‌وی «مؤللانصرالدین»، بؤیؤک میرزه جلیل-ین سیماسیئندا، «آسیئانئین اؤیانماسیئ» دؤولرده دؤغولدو و اؤ دؤورؤن پارلاق آیناسیئنا چئویریلدی. ایندی آرتیق، «مؤللانصرالدین» **(میرزه‌جلیل محمد قولوزاده) ۱۰۰ایل**دیر کی دؤنیانئ گزه- گزه اینسانلاریئ قفلت یوخوسوندان اؤیاتماقدادیر.

۳- آخوندؤو ناظیم. آذربایجان ساتیرا ژورنال‌لاریئ- آذربایجان عئلملر آکادئمیاسیئ باکی ۱۹٦۸.

٤- پیفون محمد، نشریه‌ی ملانصرالدین، پیک انقلاب، تهران ۱۳۵۸، انتشارات کار.

٥ - آخوندؤو ناظیم. همان اثر.

٦- ادبیّات و اینجه صنت روزنامه‌سی، ١٤ آپریل، ١٩٥٦.

باهاریٔ گؤر



آقازاده علیایی(علیا)

گل ائیٔ بؤلبؤل بیزیم ئیـثرده، باهاریٔ گؤر، باهاریٔ گؤر
دؤلان باغدا صفا ایله، گؤلؤ گؤر، گؤلعؤذاریٔ گؤر

بنؤوشه ناز ائدن ئثرده، گؤرهرسن گؤللری خندان
اؤ خندان گؤللری سئوسین، چیچکلی شاخساریٔ گؤر

اؤ سؤنبؤل زؤلفؤنؤ، هؤرجک، سؤکوته قرق اؤلار کؤکب
یاییر مؤشک-ی خؤتن هردم، بو آهوئی تاتاری گؤر

نسیمین عطرینی آلدئن، باخارسان نازلیٔ مینائه
اؤ لاله بارگاهیندا، بؤتان لالهزاریٔ گؤر

بیزیم ئثرده خزان اؤلماز، مگر بیلمیرسن ائیٔ بؤلبؤل
قزالان-ی قزل میثلی، تؤکنمز شاهکاریٔ گؤر

قفس ئؤخدور بیزیم باغدا، آزادلیقدیر محبتدیر
صفادیر هم صمیمییئت، بو وضعی آشیکاریٔ گؤر

بو باغئن بؤلبؤلؤ اؤلسان، اؤلارسان جاوئیدان ابدال
بو گؤلزاره سؤیوق باخما، مؤقددس ایفتیخاریٔ گؤر

طبیعت بی طبیب اؤلسا، باهار بطنینده گؤل سؤلسا
و یا ساغر غلط دؤلسا، فلک تک کج مداری گؤر

گؤرؤر «علیا» عدم ئؤخدور، بو گؤلشنده سیتم ئؤخدور
چیخثیر مئیخانهدن سرخوش، اؤ مستی مئیگؤساری گؤر

مارالان مارالئ

بیر عزیز دوستوملا صوحبت ائدرکن
یار گلدی قارشیمدان آرالئ گئتدی
کونلوم هارای چکیب منی سسلهین
دئدی مارالانین مارالئ گئتدی

من اونا باخمامیش او منه باخدی
باخیشئ جانیمئ یاندیردی یاخدی
کیپریین نئشتر تک باغریما تاخدی
قویدو شیکارینی یارالئ، گئتدی

گول اوزون گوزجهین چیرپیندی اورک
وفاسیز سئوگیدن دئدی گل ال چک
باشینا اورتموشدو بیر یاشیل اورپک
گوزلری سوزمهدن قارالئ گئتدی

ایسلاندئ دفتریم قان گوز یاشیمدان
سوزشسان حالیمئ سوز سیرداشیمدان
ائله چاشمیش هوشوم چیخدی باشیمدان
بیلمهدیم کیم گلدی هارالئ گئتدی

«بارز» بیر سوز دئدین آغلاتدین ائلی
اوستونه اسمهسین آیریلیق ئیلی
اورکدن داشلانان محبّت سئلی
ساراسیز گلمیشدی، سارالئ گئتدی

عباس بارز



اوستاد عباس بارز
قوجامان شاعیرمیز عومرونون ۹۰جی ۱۰ ایللیینی
یاشاییر گنج اورکلی شاعیره ساغلاملیق آرزولاییریق.

نیئه گلمه‌دین

کریم ناجی

خاطیره کندیرین سالئیب بؤینوما
دارئیسقال کؤچه‌لر چاغئیرئر منی
دئییر هاردا قالدئین
نیئه گلمه‌دین
اوزون ایللر بؤیو جان بالا دئییه
چاغئیردئیم سنی
گل ییئنه بئش مؤهره دووارلارا یاز
«من سنه عاشیقم،
سنی سئویرم»
سؤنرا گؤزله اؤنو آخشاما قده‌ر
گؤنؤن یؤرغون چاغئ
قارانلئیق چؤکمه‌میش،
هر یاندا اؤلسادا تاپیلئیب گلر
اؤنو سئویندیره‌ر
دووارا یازئلمئیش گؤزل جؤمله‌لر
عئشقین اؤره‌ییندە تزه قالسادا
یازدئیغئین جؤمله‌لر پوزولوب
گئدیب
ایندی بو دووارلار حسرتدیر سنه.
گؤزله‌ییر،
تاکی سن گله‌سن،
ییئنه یازاسان ییئنه:
«من سنه عاشیقم،
سنی سئویرم.»

یالئین مئشه‌لر

مسعود آذر

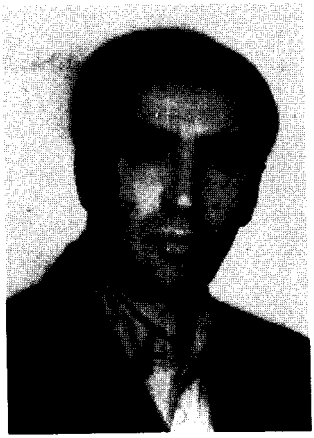
مئشه‌لر- مئشه‌لر،
قالئین مئشه‌لر
شاختالئ- قارلئ،
یالئین مئشه‌لر.
قئرؤولو ال‌لریمدن قؤر آتیر،
دؤن وؤرموش اؤره‌ییم
شؤعله چکیر،
آلؤ تپیر.
دیزه چؤکؤرم
قارشئ‌سئیندا تؤرپاغئین.
کیریمیش ال‌لریمله
ائشیرم قارئ،
دئشیرم تؤرپاغئ.
دؤداق قؤیوب
دؤن وؤرموش قارا تؤرپاغئین
اؤزؤندن اؤپؤرم.
تؤرپاغئین اؤزؤندن اؤپؤرم.
چاتلئ دؤداق‌لارئمئین حرارتی ایله
جانلانئیر حیات،
جانلانئیر کائینات.
قارا تؤرپاغئین چات‌لارئندان
نارئین- نارئین،
یاشئیل یارپاقلئ،
ساریئ خاللئ،
قئزئیل چیچکلر دیرچه‌لیر.
قئزئیل چیچکلر دیرچه‌لیر.

حیات یؤلداشیْ

سؤت گؤنؤ
گل بیر گؤزؤشک
سؤتؤ سندن
چؤره‌یی مندن!
دوزگؤنؤ
گل بیر اؤپؤشک،
دوزو سندن
چؤره‌یی مندن!
سسله‌یم: دوز چؤرک یئدییم
حیات یؤلداشیْ!

بؤیلو گئجه

گئجه آغیر،
یؤرغون گؤزلریمی
آغیر بیر یؤخو
آلیر!
تؤر آتان
قیرمیزی کپه‌نه‌یه
تؤرونو تؤخویور،
گئجه قوشودا
اؤخویور!
گئجه بؤیلودور
سحر گؤنش دؤغولور...



داوؤد خراط اهری(قارانقوش)

دیلک

قارانلیق دؤنیالاردان
جانیخانلاریْ،
نیئه گؤرمؤرسن؟
گؤنشلر حسرتیندن
داریخانلاریْ،
بلکه سئومیرسن؟!
اؤ نه سؤرغو؟
اینان مندە
داها یؤخدور قؤرخو،
گل آل قانادلاریْنا
گؤتؤر آپار منی
ایشیقلیْ دؤنیالارا دؤغرو...!

بولاق ۋ دنیز

م.ا. به‌آذین

چئوئیرن: ع. آغ گۆنئیلی

اینجه بیر بولاق، اوتانا – اوتانا ائهمالجا داغئین دۆشۆندن جۆشوب وئاهیمه‌لی باخئیشلارلا هر یانی سۆزدۆ. گۆزلری‌نین اۆنۆنده گئنیش و بۆیۆک بیر دۆنیا جیلوه‌لندی. یان- یۆوۆره‌سینی سئیر ائده‌رک یاواش- یاواش اۆز آشاغا آخدئ. هر دن بیر قۆرخوب داشلارئین دالئیندا گیزلنیر گاهدان‌دا سرت باخئیشلارئینئ سمانئین ماوی‌لیئینده گزیردیر. قۆچاقلاشدئقجا یاشایئیش گۆجلۆ اۆندا جۆشوب داشلاندئ. سئۆینجی زۆم- زۆمه ائده‌رک داغئین اته‌یئندن آخئیب گلدی. آغ، قئیۆرئملئ گئئییمینی یئرین اۆزه‌رینده چکیردی. دۆنیانئین تزه‌لیک‌لری اۆنون حئیرت‌لی گۆزۆنده پارلایئیردئ.

گۆنش، یئنی یئشتمه قئیزلار ساپاغئ، بولاغئین گۆزلرینین آیدئین آیناسئیندا اۆز – گۆزۆنۆ گۆرۆب فرحدن دۆغولان ایستی گۆلۆشۆنۆ اۆنا باغئیشلادئ یئل، للەلر ساپاغئ ائهمالجا اۆنون قئیۆرئیم ساچلارئینئ دارایاراق، «به- به نه گۆزل‌سن» دئدی.

آئ دا، اولدوزلاردا، اۆنون یۆلونا شئه سپه‌رک اۆنو، گئجه قوردوقلارئ کئف مجلیسینه چاغئیردئلار.

آل- الوان،یاشئیل بیتگی‌لر اۆمید دۆلوسو گۆزلری ایله الوان گئئییم‌لری ایله اۆنون یۆلوندا صف چکیب رقص ائدیردیلر.

خۆش آوازلئ قوشلار اۆنون مجلیسینه گلیب ان گۆزل ماهنئ‌لارئینئ اۆنون شرفینه قۆشدولار.جئئیرانلار چاپاراق تۆۆشۆیه- تۆۆشۆیه یۆلدان یئتیشیب، اۆنون سرین ۋ تراوت‌لی اۆزۆنۆ اۆپرکن، جاواانلئیق سئۆگی‌لرینی یاواشجا اۆنون قولاغئینا سۆیله‌دیلر.

نازلئ بولاق،نازلانا- نازلانا آخارکن، آخئیر ۋ بۆتۆن پیسلیک‌لرله یاخشیلئیق‌لارلا راضئ‌لاشئیردئ. هارا گئدجه‌یئینی هله اۆزۆده بیلمیردی اۆ، تکی دۆلانماقدان ۋ بیرده تاماشا انتمک‌دن حظ آلئیردئ.

اۆزگۆزل‌لیئینی هامئیدان‌ائشیدیردی. هامئ اۆنون تزه‌لیئینه ۋ تراوتینه ۋورولموشدو بولاق نئجه فیتنه اۆلدوغونو یاخشئ باشادۆشۆردۆ.هامئ‌نئین‌اۆنا ۋورغون اۆلدوغوندان سۆیئنیر دی،

هئچ کیمسه‌یه کؤنؤل وئرمیردی. بیر کیمسه‌نی‌ده اؤزؤندن اینجیتمیردی. همیشه گؤلؤشؤ زارافاتی‌ئ سؤیردی. هامئ دا اؤنون سؤزؤنه باخی‌ئردئ.

یاز ایدی وسوسه ائدیجی کؤوؤرک بیر یئل اسیردی. اؤمیدلر، آرزولار یئرین آلتی‌ئندا اکیلن توخوم‌لار کیمی باش قالدیرئیب هردن بیر ایشیق آلی‌ئب سؤنرا قارانلی‌ئغا قاپانی‌ئردیلار.

او بؤتؤن سؤزلره قولاق آساراق دانی‌ئشی‌ئب گؤلؤردؤ، آنجاق گئشت- گئده جانا سینر بیر آجی‌ئلی‌ئق حیسّ ائدیردی. آمما او آجی‌ئلی‌ئغی‌ئن سببینی بیلمک ایسته‌میردی.

او ائله بیلیردی کی، یئللین آلدادیجئ شیرین سؤزلری، گؤنشین، اولدوزون اؤپؤش‌لری اؤنون جانی‌ئندا کی، یانقی‌ئنی‌ئ سؤندؤره بیله‌جک گلنه نازلانی‌ئب هامی‌ئنی‌ئ اؤسونلایی‌ئردئ. هئچ بیر یؤلداشچی‌ئلی‌ئق‌دان چکینمیردی.

آخی‌ئردا هامی‌ئنی‌ئن ایچینده اؤزؤنؤ یالقی‌ئز گؤردؤ و اؤنون — بؤتؤن سؤزلرینندن مفتونلوقدان باشقا بیر زاد الده ائتمه‌دی.

آنجاق ائله، او اؤجؤر سئویملی و گؤزل ایدی و اؤنونلا یاشاماق هر بیر کیمسه‌نین اؤره‌ییجه ایدی.

هله‌ده دانی‌ئشی‌ئغی‌ئندان شیرین‌لیک، دؤداقلاری‌ئندان گؤلؤش آخی‌ئردئ. اؤنون پارلاق گؤزلری یؤلداشچی‌ئلی‌ئق آختاری‌ئردئ.

بیر گؤن آغاجلاری‌ئن دالی‌ئندان سرخوش بیر گؤلؤش سسی ائشیتدی. اؤز یاخی‌ئن‌لی‌ئغی‌ئندا، آلنی‌ئ پارلاق، دؤداق‌لاری‌ئندان گؤلؤش سؤزن گؤجلؤ و خی‌ئردا بیر آرخ آخی‌ئردئ.

اؤغرون- اؤغرون اونا باخی‌ئب اؤز- اؤزؤنه دئدی: «ایر او منی سئومه‌سه حیاتی‌ئم دادسیز و آجی‌ئ اؤلاجاق» سؤنرا بیر آه چکیب باشی‌ئنی‌ئ آشاغایا سالی‌ئب یؤلونا داوام ائتدی. آنجاق او اؤغرون- اؤغرون یاخی‌ئنلی‌ئغی‌ئنداکی آرخا باخی‌ئردئ.

بیردن بیره آرخی‌ئن گؤزؤ اونا ساتاشدئ اونون گؤزل‌لی‌ئیندن یاراشی‌ئغی‌ئندان آغزئ آچی‌ئلا قالی‌ئب، اوتانا- اوتانا ائهمالجا اونا سالام وئره‌رک دئدی:

- بلکه مندن قاباق سنین گؤزل‌لی‌ئینین وورغونو چؤخ اؤلوب، بلکه‌ده باشقالاری‌ئنی‌ئن سؤزؤ آلدادیجئ اؤلوبدور. آنجاق سنی اؤرکدن سئویب عزیزله‌می‌ئیب و سن باشا دؤشن دیلی ایله سنی دیندیره بیلمه‌ی‌ئیب‌دیرلر.

و سنی اؤره‌ی‌ئین‌جه عزیزلمه‌ی‌ئیب...

بو سؤزلر سئحیرلی بیر موسیقی کیمی اؤنون جانئینا سینیردی. ایلاهی بیر قؤوه اؤنلارئ بیر- بیرلرینه یاخئین‌لاشدیرئردئ. قئیچلارئ سئوگی سرخوش‌لوغوندان سوست‌لاشئیردئ. اؤتاندیغئندان کیرپیک‌لری آغئیرلاشدئ، ایستر- ایستمه‌ز اؤنلارئن دؤداقلارئ بیر- بیرینه قاؤوشدو.

اؤندان سؤنرا سؤد ایله شکر تکین بیر- بیرینه قارئشدئلار ال- اله وئره‌رک، چؤل‌لردن- منشه‌لردن کئچدی‌لر، سمایا، اولدوزلارا گؤلدؤلر. آئ دان گؤموش، گؤنش‌دن قئیزئل دیله‌دیلر. بولودلارئن دؤشؤندن سؤد امدیلر یئل ایله سئوگی ناغئیلئ سؤیله‌دیلر.

گؤل‌لره، آغاج‌لارا سئویب. سئویلمک سیرلرین اؤیرتدیلر، اؤز ماهنئ‌لارئ ایله یئر اؤزؤنؤن حئیوان‌لارئنئ سئویندیردیلر.

حیاتئین گؤزل‌لیک‌لرینه بیر- بیرلری‌نین گؤزؤ ایله باخاراق، عئشقین نئشعه‌سینه ؤ گنج‌لیئین گؤجؤنه آرخالاناراق آرزئ ئؤل‌لارئندا هر نه کی مانئع‌لر ؤ چتین‌لیک‌لر وار ایدی آیاق دان سالدئلار. اؤیونا قؤیدوقلارئ گؤجلرینی، اؤن بلکه‌ده ئؤز قاتئ‌نئ، قازانئردئلار.

گؤن به گؤن گؤجلری چؤخالئیب ؤ آغالئیق‌لارئ‌نئین ساحه‌سی گئنیش‌لنیردی.

یئرده، حئیوانلاردا، بؤتؤن بیتگی‌لرده اؤز ایستک‌لرینی اؤنلاردان دیله‌ییردیلر. ایشلک کتدیلر، صنت سئوئر شهرلی‌لر مین- مین ایستک‌لرینی مین — مین اؤمیدلرینی اؤنلارا باغلایئردئلار اؤنلار هامئ اؤچؤن سئغئناجاق ئئری اؤلوب ؤ هامئ دا اؤنلارئن امرینده‌ایدیلر. سئودیک‌لری کیمی حؤکؤم سؤرمکدن سرخوش اؤلوب قؤرره‌لنرک وارلئیق‌لارئندا کی ساغلاملئیق‌لارئ، تمیزلیک‌لری ئاواش- ئاواش سایئمامازلئیغئ ؤ دانقازلئیغا چئوریلدی.

اؤنلارئن امرینده اؤلانلارئن، قؤرخاقلئیق‌لارئ ؤ عجیزلیک‌لری اؤنلاردا کئ زؤراکئ‌لئیغئ ؤ اؤز باشئینالئیغئ چؤخالتدئ. کیمی‌سینین باشارئق‌لارئ قده‌ر اینجیدیب، کیمی سینه اؤلدوقلارئ قده‌ر محبّت ائدیردی‌لر. بعضن گؤرؤدؤن ان آز بیر اینجی‌مه‌یه گؤره کیم‌سه‌نین جانئینئ آلئیردئلار، بعضن ده ان آز حؤرمت ائده‌نین قاباغئندا آغئیلا سئغماز باغئشلار گؤستریردیلر.

آغئیزلارئ‌نئین کؤپؤیؤ،آلئین‌لارئ‌نئین قئیرئشلارئ ؤ چیرکین گؤرکملری، قؤچاق‌لارئن اؤره‌ییئی اؤزؤب اؤمید سیزلیک زهرینی اؤنلارا دادئیزدئیرئردئ.

اونلارئن طوغئیان ائدیجی دالغالارئنئین قارشئسئندا هئچ کیمسه‌یه امین – آمانلئیق یوخدور. دوستا- دوشمانا ائتدیک‌لری قضب‌لری‌نین سونو یوخدور.

زامان، ایتی، قورخماز باخئشلارئ ایله و آجئ گولوش‌لری ایله هئچ نه دئمه‌دن اونلارا باخارکن یاواش- یاواش اوتوب گئتدی. اونلار ایسه دونیانئ اوزلری‌نین‌کی ساناراق قورّه‌لنیب. آرخایئین- آرخایئین گئدیردیلر، آنجاق گئت به گئت زامانئین گوجلو جاینا‌ق‌لارئ اونلارئن طالئعینده آغئیرلئیق ائده‌رک، گنج‌لیک هیاجانلارئنئ و حیات جوشقونلوغونو اونلاردا آزالدیب وباش آلئیب گئدن جیلیز آرزئ‌لارئن حرارتینی آزالتدئ. دونه - دونه تیکرار اولونان شن‌لیک‌لر، راحات‌جاسینا الده ائتدیک‌لری قلبه‌لر اونلارئن اوره‌ینی وورووب آیاق‌لارئنئ سوسدالاراق گئتمک‌دن دایاندئرئردئ.

دونیادا اولان یاخشئلئیق‌لار، پیس‌لیک‌لر، باشقالارئنئین شن‌لیک‌لری داها، اونلارئن سئنئیب بئزیکمیش وارلئیق‌لارئنئ ماراقلاندئرا بیلمیردی.

گنج‌لیک‌ده آپاردئغئ حظلر داها اونلارا شیرین گلمیردی. کئچه‌جک‌ده اولان چالئشمالارئ داها اونلارئ روحلاندئرا بیلمیردی.

سئوگی گونشی، حیات‌لارئنئین اوفوقونده باتارکن، سانکئ بوتون دونیا معناسئنئ ایتیردی.

یورغونلوق و آغئیرلئیق‌لار یاشادئغئ گوندوزلر، قورخودا و تشویش ده کئچیردیئی گئجه‌لر تزه بیر یوک کیمی یورغون چیئین‌لرینه آغئیرلئیق ائده‌رک اونلارئن داورانئشلارئن کوتله‌دیردی.

آنجاق نه قده‌ر اوزانسادا، بیلیردیلر کی، عومرونون سونونا یاخئندئیلار و تنزلیک‌له حیات‌لارئ جوشقونلوغوندان دوشرکن، سویون اوزونده‌کی کوپوک‌لر کیمی یوخ اولاجاقلار و نهایت بیر گون، اوز قاتما- قارئشئق شیرین یوخولارئندان و سرخوش‌لوق دونیالارئندان آیئلاجاق‌لار.

آنجاق، الده ائده بیلمه‌دیک‌لری آرزئ‌لارئن اوتوسونو و آلدادئجئ اوتری شنلیک‌لر اونلارئن جاهیل و اپیریمیش اورک‌لرینی، قاباقدا کی گله‌جک قورخویا سالمئشدئ.

سونمک‌ده اولان، چئیراقلارئ، آرخادا قالمئش عومورلری‌نین کولو آلتئندان، اوز جانسیز و سون ایشئغئنئ ساچئیردئ.

دنیزین گؤرؤلتؤسؤ، اؤلؤم خبرینی اؤنلارئین قولاق‌لارئینا چاتدئیراندا، اسلاندان اؤرکن جئیران کیمی اؤنلارئیندا جانی دنیزین گؤرؤلتؤسؤندن اؤرکؤردؤ. نه قالماغا اؤرک انده بیلیردیلر، نه ده ال اؤزؤب گئده بیلیردیلر.

اؤلجه، دنیزی گؤرنده، اؤنلارا ائله گلدی کی، قضب‌لی، آج بیر دئوه مین- مین ال- آیاق‌لا اؤنلارا ساری گلیر و مین- مین آغئیزلا اؤنلارئ اودماق ایسته‌ییر. دهشتلی بیر اؤشؤتمه اؤنلارئین بؤتؤن بدن‌لرینی بؤرؤدؤ. اؤرک‌لری چئیرپئینمادان داپاندئ. سوست‌لاشئیب کئشئ قالئیب و دنیزه خییره‌لندیلر. سانکئ اؤوسون‌لانمئیشدئیلار.

یاواش- یاواش بیلدیلر کی، گؤندؤزؤن گؤلؤشؤندن آیدئین، گئجه‌نین یومواشاق یاتاغئیندان مئهریبان خیالا سئیغماز گئنیش بیر ماوی‌لیک‌ده‌دیر. اؤزلری‌نین بولانلئیق بیر دامجئ اؤلدوقلارئیندان و یئرسیز قؤرخولارئینا گؤره، اؤزلری اؤزلریندن اوتاناركن، اؤشؤموش بیر اوشاق آناسئ‌نئین قوجاغئینا سئیغئینان کیمی،اؤنلاردا دنیزین قوجاغئینا سئیغئینئیب یوخویا گئتدیلر. هر شئی، یاواش گؤنؤنؤن گؤن‌اؤرتا چاغئ‌نئین سماسئ کیمی آیدئین و دوم- دورو اؤز یئرینده ایدی.

داها نه بیر شئی گؤرؤردؤلر نه بیر زادئ انشیدیردیلر اؤنلارئین بؤتؤن وارلئیغئ دنیزین وارلئیغئینا هؤپ‌موشدو و اؤنلار دنیزین خئیردا بیر دامجئ‌لاری ایدیلار.

هله اؤسته‌لیک دنیزین ایلک اؤپؤشؤنؤن زهرلی و آجئ دادینئ‌دا اونوتموشدولار.

موتسارت قازاماتدا

ژورژ کولون
چئویرن: هاملئت قوجا
کؤچورن: حمید بخشمند

فرئن حبس‌خاناسیندا، بیر- بیریندن قورخمایانلار تئز دوستلاشیرلار. موتسارتئ ایکی آی اول منیملە کئشیکچی ائرنئست تانیش ائتمیشدی. همین واختدان موتسارت‌لا دوستلاشمیشدیم. موتسارت یئکه‌پر حئیوانا اوخشایئیردی، قوللارئ گوجلو، آغلئ ایسه کوت ایدی. گؤوده‌سی سرت، اوره‌یی کؤورک ایدی. باشئ دونوز باشئ کیمی ایری، فیکیرلری ایسه کؤرپه اوشاق فیکیرلری ایدی.

او، سامان دؤشه‌ین اوستونده اوزانیب گؤزلرینی منه زیللەییردی. دریندن خیالا دالیر، هردن سایئیقلایئیردی. من اونون دئیه‌جه‌یی سؤزلری گؤزله‌ییردیم، آممما نه دئیه‌جه‌ینی بیلمیردیم. همیشه عئینی شئی دئییر، سونرا دا کؤکسونو اوتورودو. حیس ائدیردیم کی، موتسارت کئچمیش بیر احوالاتئ گؤزلری قارشئسیندان کئچیریر، سونرا فیکیرلی- فیکیرلی همین جومله‌نی دئییر:

- هر حالدا یاخشئ ایشله‌میشدیک!

موتسارت بیر ده کؤکسونو اوتوردوکدن سونرا فیکیرلی- فیکیرلی قالخیب سامان دؤشه‌ین اوستونده اوتوردو. بونلارئن هامیسئ منه تانیش ایدی. ایندی یاخینلیق واختئ چاتمیشدئ. موتسارتین منه، سؤزلریمه ائحتیاجئ واردئ.

گؤزلریمی موتسارتین اوزونه دیکیب، سسیمه لاقئید بیر ایفاده وئریب نئچه گونden بری منی ناراحات ائدن سوآلئ وئردیم:

- موتسارت، آخئ سنه نه اوچون موتسارت دئییرلر؟

آرایا سۆکوت چۆکدۆ؛ قورتارماق بیلمه‌ین حبس‌خانا سۆکوتو. سۆیۆوق، قارانلیق، موردار بیر سۆکوت. گۆره‌سن، مۆتسارت سوآلیمدان هیرس‌لنمیر کی، یامان نیگاران ایدیم.

آخیریئ کی، اۆزۆمه باخدیئ. آمما هله سوسوردوق. بو حبس‌خانا سۆکوتو ایدی. آن آغیر جزایا اۆخشایان سۆکوت ایدی... مزار سۆکوتو.

- منه نیئه مۆتسارت دئییرلر؟

اۆ، مئهربیان باخیشلیئ اینک باشینا اۆخشایان باشینیئ یوخاریئ قالدیرمیشدیئ، ایری، عئیبه‌جر دۆداق‌لاریئنا تبسّۆم قۆنموشدو.

سۆنرا اۆ احوالاتیئ سۆیلمه‌یه باشلادیئ...

مادمازئل «پلیان»ین قانونا دۆنمۆش عادتلری واردیئ. بو عادتلرین بعضی‌لری اۆنون حیاتینا مجبورن داخیل اۆلموشدو، بعضی‌لری ایسه اۆزۆ گۆتۆرمۆشدۆ. بعضی عادت اۆزه‌ریندن، بعضی‌لری لۆغالیقدان، بعضی‌لری ایسه راحاتلیغا اۆلان ائحتیاجدان یارانمیشدیئ.

مادمازئل پلیانین ۷۳ یاشیئ واردیئ... بۆیو بالاجا، اۆز- گۆزۆ قیریش، اۆره‌یی هیکله‌لی، اۆزۆ تنها ایدی. اۆ، سحرلر اۆزۆنۆ یۆنگۆلجه سلیقه‌یه سالیر، آزاجیق بازارلیق ائدیر، بیر آز ائۆ ایشلری گۆرۆر، بیر آز دا مطبخده ایشله‌ییردی. مادمازئل پلیان ضعیف، خئیرداجا، آریق بیر آدام اۆلدوغو اۆچۆن گۆردۆیۆ ایشلر ده ائله بیل اۆزۆ بۆیونا، اۆز ایمکانلاریئنا اویغون ایدی: هر سحر یاواش- یاواش گزینه- گزینه گلیب اۆرمۆ کۆچه‌سینده‌کی بالاجا ارزاق ماغازاسیئنا چیخیردیئ. بوردا اۆزۆنۆن بالاجا سبدینه آزاجیق ارزاق آلیب یئیغیردیئ: بیر آز یاغ، بیر آز کۆفته، بیر تیکه دۆنوز اتی.

بوندان سونرا اؤ اؤزونون بالاجا منزیلینه قایـیدیردیئ. پیللـه‌کنـده خئیرداجـا لاکؤز خانیما بیر- ایکی قیسا سؤز دئییر، یاخود گـؤمروک نظـارت‌چیـسیئـنین دول قاریسیئ مادام شمل‌له آزاجیق صؤحبت ائدیردی. ساآت بیرده مادمازئل پلیـان ناهـار ائدیردی- خئیرداجا ماسائین بالاجا بیر کؤنجؤنده یؤنگؤل بیر ناهار. آخیـردا آزاجیـق قهوه لیچیردی. سونرا ایسه هر شئی دئییشیردی...

اونون خئیرداجا، داریسقال، سیخیلمیش حیاتیئ بیردن- بیره بؤیؤک بیر حیاتا، سئونیج سئلینه، اثهتیراسلا دولو، شیرین، اصل اینسان عؤمرونه چئوریلیردی. هر گؤن گـؤن‌اؤرتـادان سـونرا، سـاآت ایکـی اؤلان کیمـی مادمازئـل پلیـان اؤز پیانوسـون (رؤیالیئین) قارشیسیندا ایلـه‌شـیر، دؤز آخـشام سـاآت آلتـیدا کیمـی چـالیردیئ. دایانمادان چالیردیئ، دئیه بیلرم کی، هئچ نفسینی درمه‌یه ده دایانمیردیئ. نه چالیردیئ؟ بؤتؤن رئپئرتوآریئنی چالیردیئ. یعنی، «قاریمیش قیزین دؤعاسیئ»نـی چـالیردیئ. بلـی، تک قالدیغیئ اللی ایلدن بری مادمازئل پلیـان هـر گـؤن گـؤن‌اؤرتـادان سـونرا دؤرد ساآتت عرضینده «باداکئروسکا»نین اثرینی چالیردیئ. باشقا هئچ نه چالمازدیئ.

اونون ایفاسیئ حاققیندا رأیلر مؤختلف ایدی. یوخاریدا یاشایان بیر قـادین، مادام کلئر دئییردی کی، چؤخ پیس چالیر، مادام کارل ایـسه گؤمـان ائـدیردی کـی، چؤخ اعلا چالیر. بو فیکیرلرین هر بیری، شؤبهه یؤخ کی، شیشیردیلمیـشدی. لاکـین همیشه‌کی کیمی اصل دؤغرو فیکری کؤتله سؤیله‌ییردی. یعنـی، قونـشولاریئن گـؤر سسلی خؤرو بیلدیریردی کی، بو چالغیئ هر شئیدن اول باش آغریسیئدیر.

بونو علی‌الخصـوص شـنبه گـونلری آخـشام کیـشی‌لـر ائـوده اولانـدا (اونلاریئن ایلنجه‌سی یؤخ ایدی) حیسّ ائتمک اولوردو. بیـر ده گـؤروردون کـی، اونـلار منزیـل‌لرینـدن چیخیئـر، ال- قـونللاریئنیئ اوینادیئـب آجیقلـیئ- آجیقلـیئ

قیشقئیرئشئیر، دئییئنیرلر. اؤنلارا باخاندان آدام فیکیرلشیردی کی، فرانسئزلار موسیقی‌نی چؤخ سئومیرلر.

لاکین سؤپؤرگه آغاجلارئ ایله اؤتاقلارئن تاوانلارئنئ بیر آز دؤیجله‌دیکدن، بیر آز چئیئیر- باغئیر سالدئقدان، آه- ناله انتدیکدن سؤنرا هامئ ساکیت‌لشیردی. چؤنکی اللی بیر ایلدن بری هامئ بیلیردی کی، نه اؤلور- اؤلسون، مادمازئل پلیان ساآت ایکی‌دن آلتئیا قدر «قارئمئش قئزئن دؤعاسئ»نئ چالاجاق. هله اؤسته‌لیک هامئ قارئمئش قئزئن حیاتینا، تنهالئغینا وَ کیمسه‌سیزلیئینه ده بلد ایدی. ائله بونا گؤره ده قؤنشولارئن هیرسی تئز سؤیوئیور، اؤنا یازئقلارئ گلیر، اؤنو باشا دؤشؤردؤلر. هر گؤن گؤن‌اؤرتادان سؤنرا او، اصلینده پیانؤ چالمئیردئ: اؤز ارینه نوازیش گؤسترن قادئنلار کیمی پیانؤسونا نوازیش ائدیردی، او سئویردی... شیرین بیر ذؤوق آلئیردئ. ایندی اؤنون چالدئغئ «قارئمئش قئزئن دؤعاسئ» دئییلدی، مادمازئل پلیان، اؤز دؤعاسئ‌نئ اؤخویوردو، آخئ اؤزؤ قارئمئش قئز ایدی. او اؤلنده هامئ حئییف‌سیلندی. قؤنشولار پول توپلادئلار، نار گؤلؤندن لیرا شکیل‌لی بیر اکلیل هؤردؤردؤلر. فرانسئزلار چؤخ موسیقی‌پرست اؤلماسالار دا، سیمبولیک علامت‌لری خؤشلایئرلار.

سؤنرا ناراحتلئق، نیگارانچئلئق باشلادئ. هامئیا معلوم ایدی کی، مادمازئل پلیانئ اؤلدؤرمؤشدؤلر. خلوتی، لوئیجی کاکسیوپؤدان شؤبهه‌لنیردیلر. او هر شنبه ساآت بئش رادەلرینده دؤزه بیلمه‌ئیب پیللەکنه چئخئیر، مرئم آنانئ کؤمه‌ئه چاغئیرئر، سؤیله‌ئیردی کی، باشئ بو سسه دؤزه بیلمه‌ئیب پارتلایاجاق. اللری ایله هاوادا قارپئز فؤرماسئ دؤزه‌لدیر وَ ایتالیان لهجه‌سیله مئزئلداییردئ: «قارپئز کیمی پارتلایاجاق»، «باشئم قارپئز کیمی پارتلایاجاق!».

لاکین بو یئرسیز شۆبهه اوزون چکمه‌دی. تئزلیکله معلوم اؤلدو کی، مادموازل پلیان ساده حیات سۆرن، آز خرجله‌ین، آز ائحتیاجلئ بیر آدام اؤلدوغونا گؤره قناعت ائدیب، خئیلی پول تۆپلایئیب‌میش. دئمه‌لی اؤنو قاره‌ت مقصدیله اؤلدۆرۆبلر.

همین واختدان مۆستنطیق موفلئت «قاریمیش قیزلارین جانی‌سی» حاقدا فیکرلشمه‌یه باشلامیشدئ. همین شخصی مۆستنطیق یاخشئ تانئیمیردئ. بیر اؤنو بیلیردی کی، آدئ ژۆزه مولۆس‌دور. بیر ایلدن بری مۆستنطیق اؤنون اصل سیماسینئ آچماق ایسته‌ییردی. ژۆزه‌نی توتدولار، ایستینطاق ائتدیلر، سۆرغو- سوآلا توتدولار. هئچ نه! هئچ نه چئیخمادئ:

مایئین ۱۷-سینده ساآت ۱۸ ده مولۆس «کلئرۆن» کافه‌سینده کارت اؤینایئیرمیش. ایئیرمی نفر شاهید وار ایدی.

جینایئت ساآت آلتئ‌دان اول باش وئره بیلمزدی، چۆنکی قۆنشولار بیر سسله تصدیق ائدیردیلر کی، مادموازل پلیان همیشه‌کی کیمی ساآت ایکی‌دن ساآت آلتئ‌یا کیمی آرا وئرمه‌دن پیانۆدا چالئیب. موفلئت فیکیرلشیردی کی، آداملارئن شاهیدلیئی همیشه دقیق اؤلمور، هم ده کی، «کلئرۆن» کافه‌سی ایله مادموازل پلیانئین اؤیی آراسیندا اۆچجه آوتوبوس دایاناجاغئ، یۆل واردئ. اگر جلد اؤلسا مولۆس واخت تاپاردئ...

لاکین کلئرۆن کافه‌سی‌نین صاحیبی سۆزۆنۆن اۆستۆنده مۆحکم دورموشدو:

- مولۆس کافه‌یه ساآت بئش‌دن اول گلمیشدی.

کافه‌نین دایمی مۆشتریلری ده عئینی سۆزۆ دئییردیلر. اؤندا موفلئت محکمه حکیمی ایله توتوشمالئ اؤلدو. مئییدی تشریح ائتدیلر. گؤزله‌نیلمز نتیجه‌لر آلیندئ. مادموازل پلیانئ معده‌سینده هضم باشلامامیشدان اؤلدۆرمۆشدۆلر.

- دئمه‌لی، آخشام چاغئ، ناهاردان سۆنرا؟

– اؤلا بیلمز، – دئیه حکیم ائعتیراض ائتدی،– هئچ اؤلماسا یئددی ساآت اؤل.

– سحر یئمه‌ییندن سؤنرا!

– بئله چیخیر.

قاریمیش قیزین قؤنشولاریندا یاشایان آروادلار آراسیندا مادام کارل، داها جیددی آدام تأثیری باغیشلایه‌بیلمیردی، بو قاری‌یا اینانماق اؤلاردی. موفلئت اؤنا بیر ده قؤناق گلدی. نزاکتله مادمازئل پلیائین اوغورسوز طالئعینه حئییفسیلندییینی بیلدیردیکدن سؤنرا جیددی سسله سؤروشدو:

– یاخشی فیکیرلشین مادام... دئمه‌لی رفیقه‌نیزین مئییدی مایئین ۱۸–نده ساآت ۱۵/۳۰ دقیقه‌ده تاپیلیب.

– ائله‌دیر کی، وار. ساآت ایکی‌ده اؤنون چالغی‌سینی انشیتمه‌ینده هامی‌میز ناراحات اؤلدوق... فیکیرلشدیک کی، اؤنو هئچ سحر ده گؤرن اؤلمایب. اؤندا انؤ نظارت‌چیسی‌نین یانینا گئتدیک، سؤنرا... اؤنو تاپدیق...

مادام کارل هیچقیریب آغلادی. موفلئت یئنه سوآل وئردی:

– اؤلکی گؤن اؤنون ساآت ایکی‌دن آلتی‌یا کیمی چالدیغینا امین‌سینیزمی؟

– البتّه... آممـا... منی سفئه حئساب ائده‌جکسینیز... آمما اؤ، اؤلؤمؤن گلدییینی دویموشدو...

– سیز نییه بئله فیکیرلشیرسینیز؟

– چؤنکی... آه! اگر اؤ اؤلمه‌میش اؤلسایدی، بلکه ده من بونو دویمازدیم. ایندی فیکیرلشیرم... من سؤنرا حیسّ ائتدیم کی،... اؤ... یقین کی، تئزلیکله اؤله‌جه‌ینی دویوبموش... اؤ همیشه‌کیندن یاخشی چالیردی... اؤ، اینجه صنت آدامی ایدی، باشا دؤشؤرسؤنؤزمؤ، جناب مؤستنطیق، من اینانیرام کی، اؤ دویوبموش...

لاکین موفلئت داها اونا قولاق آسمئیردی. او قاچا- قاچا پیللەکنلری دۆشۆردۆ.

***

- بئلەلیکله من اوزۆمۆ اله وئردیم،- دئیه مۆتسارت کۆکسۆنۆ اۆتۆردۆ. موفلئت پۆلیس رۆمانلارئیندا کی کیمی سایئیق ایدی. آخشام او منی ائۆیمیزده گۆزلەییردی.

- بس سۆنرا؟

- سۆنرا من هر شئیی بۆینوما آلدئیم... ایکی ایل ایدی کی، پیئانۆدا چالماغی اویرەنیردیم. بونو مندن ژۆزه خاهیش ائتمیشدی: - تمیز ایشدیر- دئمیشدی... سن‌لیک بیر ایش یۆخدور. سنین ایشین تکجه ساآت ایکی‌دن آلتی‌یا قدر «قارئمئیش قئیزئین دۆعاسی»نی چالماقدیر، منیم تردۆد ائتدییمی گۆروب دئمیشدی: «عادی پیئانۆدا یۆخ، رۆیالدا چالاجاقسان». اۆندا من راضی‌لاشمئیشدیم...

قاری بازارلیق ائتمەیه گئدنده بیز اۆنون ائۆینه گیردیک. گیزلندیک. قاری ناهار ائدیب سالۆنا کئچدی، اۆندا... تاراق! بو ایشی ژۆزه گۆردۆ... یامان جلد ایمیش... من ایسه گۆردۆم ساآت ایکی‌دیر... کئچدیم پیئانۆنون آرخاسینا... دۆز آخشاما کیمی چالدیم...

مۆتسارت بیر ده کۆکسۆنۆ اۆتۆردۆ، سۆنرا ایسه مئیزئیلداندی:

- هر حالدا یاخشی ایشله‌میشدیک! منه مۆتسارت آدینی موفلئت وئردی.

- سن همین ساآت هر شئیی بۆینونا آلدین؟

- بس نئجه. او منی چانتام قۆلتوغومدا پیئانۆ درسیندن قاییتدیغیم واخت ائۆده یاخالادی.

او منه طرف چئویریلدی:

- نه ائده بیلردیم؟ من موسیقی‌نین دادینی اۆیرنمیشدیم.

آرامئزا سۏکوت چۏکدۏ، ایکیمیز ده فیکیرلشیردیک. ایکی ایل چالئیشاسان، صبیرله گئجه- گۏندۏز اۏیره‌نه‌سن (سۏل الین آلتیندا‌کئ دۏیمه ده قام‌مادان اثنمه‌نی اۏیرنمکده دۏستوم چۏخ اذییت چکیب‌میش) آخیرئ دا بئله...

آمما حبس‌خانادا اۏنون تسللی‌سی وارد‌ئ:

- بیلیرسنمی من نییه هر شئیی بۏینوما آلدئیم؟ چۏنکی قۏنشو کارل خالا بئله حئساب ائدیرمیش کی، قارئ چۏخ ماهیر چالغئچی ایمیش... هه! آممـا سۏنرا حیسّ ائدیب کی، من اۏندان یاخشئ چالئیرام‌میش.

بو سۏزدن سۏنرا مۏتسارت فرحدن اۏزۏ گۏلدۏ... سۏنرا خیالـلار عالمینه جوموب سامان دۏشه‌یین اۏستۏنده شیرین- شیرین مۏرگۏله‌دی. اۏ، یاواش- یاواش یۏخویا گئدیردی، آمما گۏرۏردۏم کی، بارماقلارئ سۏل یانبیزئنین اۏزه‌رینده آستا- آستا پیانۏ دیللرینی اۏینادئرمئش کیمی، ترپه‌نیر. اۏ، بئله‌جه ده آرخایین‌لئقلا، اۏزۏنده خۏش تبسّۏم، خۏش‌بخت بیـر کۏرپـه کیمـی یۏخـولادئ. آخـئ، معلـوم‌دور کـی، مۏتسارت دا اوشاق کیمی یاتئرمئش.

تاختالیۀ کؤیدن مکتوبلار



عزیز نسین

چئوئیرن: ایسماعیل شئیخلیۀ

کؤچوئرن: بابک آرش

دوستوم انششک آریئسیۀ!

ایلک یاردیم خسته‌خاناسیئنا منی موعاینه ائدن حکیم‌لر اولوموموز شوبهه‌لی حئساب ائتدیلر. منی دفن ائتمک اوچون آرایئش وئرجک حکیم طیب باجیۀسیندان دوغرودان اولو اولوب- اولمادیغیمیۀ سوئرشدو. طیب باجیۀسیۀ تلاشلا جاواب وئردی:

- من خسته‌یه باخانئین دئدیئینی دئییرم، دوکتور. او دئییرکی دوغرودان اولودور؟

حکیم عصبی‌لشدی:

من ایشیمده دقیق آدامام. اولونون حقیقتن اولو اولوب- اولمادیغیئیۀ دوروست بیلمه‌دن آرایئش وئره بیلمرم. چونکو بو زاماندا نه اولولره، نه‌ده دیریلره اینانماق اولمور. «اولموش» دئیه بورایا گلیرلر، بیزده اونلارین سوزونه اینانیئیب اولومlری حاققیئندا آرایئیش وئریریک. سونرا سوزلری‌نین اوستونده دورمایئیب یا موردەشور یوئاندا قیدیقلاریۀ گلیب اوئانئیر، یادا فییره سالان زامان گزیشیب اسنی‌یه- اسنی‌یه گوزونو آچیر، «آمان آللاه، ایشه گئجیکدیم» دئیه سیچرایئیب تابوتدان قالخیرلار.

- دوز دئییرسینیز، دوکتور- دئیه طیب باجیۀسیۀ جاواب وئردی. کئچن دفه بیر قاریۀیا اولوم کاغیذیۀ وئرمیشدینیز. سونرا آروواد دیریلدی.

- من گلی‌نین سوزونه اینانمادیم. نئجه‌ده اینانمایایدیم؟ یانیئما گلدی، دوز بیر ساعات قایتاناسیۀنئین نئجه اولدوئونو لذّت‌له دانیشدیۀ.

ائله گؤزل گلین ایدی کی اؤنون یالان دانیشماسینا آدام هئچ اینانا بیلمزدی.

آمما هرحال‌دا تقصیر ییشنه قاینانادا ایدی.

آخیر هامی اؤنو اؤلمؤش بیلیردی. اؤلؤمو حاققیندا بؤتؤن رسمی آراییشلار دؤزلمیش حاضیرلیق گؤرؤلمؤشدؤ. قؤهوم- قؤنشو باش ساغلیغینا گلمیش، آغلایان آغلامیش سیزیلدایان سیزیلدامیش‌دی. اؤسته‌لیک من‌ده اؤلمه‌ییني تصدیق ائدن آراییش وئرمیشدیم. هر شئی تامام‌لامیشدی. بیر ایکی دقیقه‌لیک ایش قالمیشدی. کؤره‌کلری گؤتؤرؤب اؤستؤنؤ تؤرپاقلایان کیمی هر شئی تاماملاناجاقدی.

باخ بئله بیر آنادا هئچ حؤققا بازلیق ائلییرلر؟ اؤلمه‌ییب نه قازاناجاقسان؟ اؤل- آخیر اؤلمه‌لی‌سن یا یؤخ!

- ائله‌دیر. آرادا سیز بی‌آبیری اؤلدونوز.

- نییه بی‌آبیری اؤلورام؟ من: «اؤنا اینانمایان اؤلوبدور» - دییه هارای سالدیم و زورلا قارینی باسدیرتدیردیم. کیمه اینانا‌جاقدیلار؟ حکیمه، یؤخسا قاری‌یا؟ هر آخماقلیق جاهیل‌لیکدن تؤره‌ییر.

آللاها شؤکؤرکی، خالقیمیز جاهیل و آوامدیر. اؤ قدهر آوامدیرلارکی، اؤلؤرلر، آممما اؤلدؤلرینی باشا دؤشمؤرلر. ائله آداملار وار کی چؤخدان اؤلوبلر. آنجاق «اؤلمه‌میشیک، یاشایاییریق» - دییه آرالیقدا فیرلانیرلار آیدین مسله‌دیر: هامی هرشئی بیله‌بیلمزه آنجاق آنلامالی‌دیلارکی حکیم «اؤلدؤر» دییبسه، دئمک هرشئی قوتاریب.

- آوام‌لیق ...

- بلی. آمما من دیریلن قاری‌یا دئدیم‌کی سنی هامی اؤلمؤش بیلیب آغلاییب سیزلادیلار، گؤز یاشی آخیتدیلار، بو قدهر اوزونتو هده‌رمی گئتسین دییرسن؟ سؤنرا بیر دفه‌ده اؤلجک‌سن اؤندا سنه کیم اینانا‌جاق، دالیئنجا کیم آغلایاجاق؟ دییه‌جک‌لر کی «اؤزؤنؤزو یؤروب آغلامایان. بو دیریلمه‌یه وردیش ائله‌ییب، بیرده دیریله‌جک»

- قاری دیریلنده نه‌اؤلدو؟

- نه اؤلاجاق؟ دؤنیا طیب ادبیاتیندا دیرلن اؤلؤلر حاققیندا اؤ قدهر حیکایه‌لر وارکی. من‌ده قاری‌نین نه اؤچؤن دیریلدییینی علمی شکیلده ایضاح ائتدیم.

بو صؤحبت‌لری باشئیمئن اؤستؤنده دایانئیب ائله‌ییردیلر. حکیم طیب باجئ‌سئندان بیر داها سؤروشدو:

– ایندی دیء گؤرؤرم، بو آدام گئرچکدنمی اؤلؤب؟

– خسته باخئیجئ‌سئ بئله دئدی:

– اؤنو بورایا چاغئیرئن.

طیب باجئ‌سئ خسته باخئیجئ‌سئنئ چاغئیردئ. حکیم منی گؤستریب اؤنو سوآل-جاوابا توتدو.

– دئییرسن کی، بو آدام اؤلؤب، ائله‌می؟

– دؤنن گئجه نؤوبتچی من دئییلدیم، دؤکتور جنابلارئ آمما قاپئ چئ «بو آدام اؤلؤبدؤر، اؤنو ییوماغا آپارئن» – دئدی. منیم بیلدییئیم آنجاق بودور.

– قاپئچئ‌نئ بورایا چاغئیرئن!

– باشا دؤشدؤم‌کی، حکیم سهوه ییؤل وئرمه‌مک اؤچؤن منیم حقیقتن اؤلؤب-اؤلمه‌دییئمی دقیق‌لشدیرمه‌یه چالئیشئیر. اؤزؤده ئوبوتلارلا. طیب باجئ‌سئ ایله ائله‌دییئی صؤحبتدن بو نتیجه‌یه گلدیم.

– من ویجدانلئ آدامام. منیم ییئریمه باشقا بیر حکیم اؤلسایدئ، اؤلؤنؤن نبضینی ییؤخلاییئیر، اؤره‌ییئی دینله‌ییردی. من بونلارلا کیفایتلنه بیلمرم. دؤنیا ایشی‌دیر، بیر انگل اؤلار، اؤنا گؤره اؤلجه‌دن اؤچ شاهید تاپئرام. باشئما گلیب.

ییئنی‌جه تجروبه‌یه گلمیشدیم. خسته خانادا نؤوبتچی اؤلدوغوم گئجه ییؤلداشلارئملا مؤحکم‌جه ایچدیم. منی خسته خانایا گتیرمیشدیلر، آمما نئجه گتیردیکلرینی ییادئما سالا بیلمیردیم. گنجلیک ایللری‌ایدی. ترس کیمی همین گئجه خسته‌لردن اؤچؤ اؤلمؤشدؤ. گلیب خبر وئردیلر کی «دؤکتور جنابلارئ، اؤچ خسته اؤلؤب». «آللاه گؤناهلارئیئندان کئچسین» دئدیم. باشقا نه‌دئییه بیلردیم؟ اؤلؤنؤن دالئینجا دانئیشمازلار. نؤوبتچی طیب باجئ‌سئ «مؤعاینه ائله‌ییب، آراییش وئرمه‌یه‌جک‌سینیزمی؟» دئدی. «هه... دوزدور مؤعاینه ائله‌مه‌لییم. آمما یامان چؤخ ایچمیشم، ییئریمدن قالخماغا هئچ تاقتیم ییؤخدور». نه‌ایسه منی زؤلا قالدیرئیلار. اؤلؤنؤن الینی الیمه آلئیب نبضینه باخدیم. گؤردؤم کی، شؤکؤر، اؤلؤنؤن نبضی یامان دؤیونور. «اؤ بیری اؤلؤنؤ گتیرین» دئدیم. بونوندا نبضی وورور. اؤچؤنجؤده ائله. هر اؤچؤنؤن‌ده نبضی ۹۰ وورووردو. «بونلار

اؤلمه‌ییب». اؤچؤده ساغدیر، آمما آغیرخسته‌دیر. تئزاؤلون بونلارین یانیئنا هر ساعاتدان بیر آسپیرین ایینه، بیردنه‌ده یؤد ایچیردین».

من سرخوش اؤلدوغومدان نه‌دئدییمی بیلمیردیم. طیب باجیئ سیئ سؤروشدو: «بلکه آسپیرین ایچیردک یودو یانلارئنا سؤرتک؟»

«یاخشیئ اؤلار» دئدیم. «یاخشیئ اؤلماز» «نییه؟» «چؤنکی آسپیرین اؤره‌یی دؤیؤنه‌دؤرؤر». «ائله‌سه آسپیرین عوضینه کینه وئرین» دئدیم. طیب باجیئسیئ «کینه اؤرک دؤیؤنه‌دؤرؤر» دئییه منه جاواب وئرمه‌دیمی؟ جین وؤردو کللەمه. «اگر بوجؤر بیلنسن گؤزؤنؤ برلدیب اؤزؤمه نییه باخیرسان، نبض ساکیت‌لشدیرجک بیر درمان بیلرسن‌سه، وئر بونلارا»- دئییه باغیردیم. «من خسته‌لننده آنام همیشه «گؤیَ زبان» وئره‌ردی، ایسته‌ییرسن اؤنلارا اؤندان وئریم» دئییه طیب باجیئسیئ جاواب وئردی، «لاپ یاخشیئ، ایسته‌ییرسن،نؤسخه یازیم، گئت آل»- دئدیم. «نؤسخه لازیم دئییل، خسته‌خانامیزدا داواخانا یؤخدور. قاچییب باققال‌دان آلارام» دئدیم وَ طیب باجیئسیئ گئتدی. یؤخو منی آپاردیئ. ائله بیل یوخو گؤرؤردوم. «یئمیرلر درمانی یئمیرلر، دؤکتور- دئییه کیم‌ایسه منی اؤیاتدیئ. کیم یئمیر» «اؤلؤلر درمانی یئمیرلر». گئدیب گؤردوم کی خسته باخیجیئسی قادین ائششه‌یه یؤنجا وئرن کیمی«گؤیَ زبان» قورو یارپاقلارئنیئ چیچک‌له بیرلیک‌ده اؤلؤلرین آغزیئنا دؤلدورماق ایسته‌ییر.

«سن بونو قایناتمامیش وئریرسن؟ من تاپشیرمیشدیم کی، قایناتدیب سویونو وئرین»- دئدیم. «طیب باجیئسیئ منه قایناتماغیئ دئمه‌ییب». «دئمییب‌سن؟ بو چیچک‌لری نئجه قایناتماق لازیمدیر، هارادادیر؟» «اؤتاغیئندا یؤخدور». منی تزه‌دن یوخو آپاردیئ. آرادان نه‌قدەر کئچدییینی بیلمدیم. یئنه بیر سس ائشیتدیم: «دؤکتور، اؤلؤلر، «گؤیَ زبان» چیچه‌ییین سویونو ایچمیرلر». سؤنرا یئنه قاریشیق سؤزلر قولاغیما گلدی. «اؤلؤلر... ایچمیرلر». من سرخوش‌ایدیم، بیر یاندان دا یوخوسوزلوق منی الدن سالمیشدیئ. «ائله‌سه ایینه وورون!» دئدیم. «نه ایینه‌سی؟» «خسته‌خانادا هانسیئ ایینه وارسا، اوندان وورون». «خسته‌خانادا سانجاقدان باشقا ایینه یؤخدور». «سن سانجاق‌لا خالاتیئنین یاخاسینیئ سانجاق‌لا»- دئدیم.

بو واخت خسته‌خانانین کاتیبی گلدی. «دؤکتور، اؤلؤلر دئییل، دیری‌دیلر». «آیَ دؤکتور، سیز نه دانیشیرسینیز، اونلار دیری دئییل. اؤچؤده جراحیَه تختی‌نین اؤستؤنده اؤلؤبدؤر» دئدی. «نه دانیشیرسان، بونلارین نبضی وورور»- دئییب اؤلؤنؤن بیری‌نین نبضی‌نی

یۆخلاماق اۆچۆن بیله‌یینی الیمه آلمادان کاتیب قاققا چکدی. «آی دۆکتور، سیز اۆلۆنۆن نبضی عۆضینه اؤز نبضی‌نیزی یۆخلایئیرسینیز». تۆف سنی، من سرخۆش اۆلدوغومدان ساغ الیمله سۆل بیله‌یئمدن یاپیشئیب اؤز نبضیمی یۆخلایئیرمیشام، باخ، ائله اۆ گۆندن تۆتۆبه ائله‌میشم. نه واخت بیر اۆلۆیه اۆلۆم کاغاذئ وئره‌سی اۆلسام، مۆطلق بیر- ایکی شاهید ده چاغئیرئرام.

حکیم‌ین چاغئیردیغئ قاپئ‌چئ گلمیشدی. منی گۆستریب سۆروشدو:

- بو، گئرچکدیمی اۆلۆبدۆ؟

- اۆلۆب به‌ییم، هم‌ده آدام کیمی.

- نه‌دن بیلیرسن؟

- نئجه نه‌دن؟ دۆز اۆتوز ایل‌دیر بو خسته‌خانادا قاپئ‌چئ‌یام.

الیمدن اۆ قدر اۆلۆ گلیب کئچیب کی اؤزۆنه باخان کیمی اۆلۆنۆن نه‌ایش گۆردۆیۆنۆ، نه قدر پول قازاندیغئنئ، نئچه آدام ساخلادیغئنئ درحال و دقیق تعیین ائده بیلرم.

- ائله‌سه، دیء گۆرۆم، بونون نه قده‌ر قازانجئ وارمیش؟

- اؤزۆنۆ اۆلدۆرسه، دۆرد یۆز لیره. (تۆرک لیره‌سی)

- نه‌دن بیلدین؟

- گۆرمۆسن‌می، دۆکتور بۆیئنو ایله بئلی بیر نازیک‌لیک‌ده دیر. ائله بیل بو ساعات قئیرئلاجاق.

- صنتی نه ایمیش؟

- صنتینی دئییه بیلمرم، آنجاق اؤنو دئییه بیلرم کی، چۆخ آغئیر پئشه‌سی وارئمیش. عائیله‌سی‌ده چۆخدور. اؤردو- اؤردوندان کئچیب، گۆزلری‌ده باتئیب. ان آزئ آلتئ اوشاق ساخلایئیرمیش.

- اؤنو هاردان بیلدین؟

- گۆرمۆرسن‌می، یازیغئین چیئین‌لری ایئیلیب. آغئیر یۆک داشئیرمیش. هم‌ده ناموس‌لو آدام اۆلوب.

- اؤنو نه‌دن بیلدین؟

- اۆلمه‌ییندن. ناموس‌لو اۆلماسایدئ اۆلمزدی، اۆ بیری عارسیزلار کیمی یاشایاردئ.

- دۆغرودور.

- هم‌ده آغئللی آدام‌ایمیش.

- دئدیکلری‌نین هامئ‌سئ‌نا ایناندیم. آمما آغئللئ اۆلدوغونو نه‌دن بیلدین؟

– بیر باخین، دؤکتور، طرفین اؤلؤسؤ نئجه‌ده تکبؤرله، معنالئ– معنالئ گؤلؤر.

– دئمک بو آدامئین گئرچکدن اؤلدؤیؤنؤ سن‌ده تصدیق ائدیرسن؟

– بلی.

– نه‌دن اؤلدؤیؤنوده بیله بیلرسن‌می؟

– بیزیم کاتیب اؤلؤمؤنؤن سببی مؤعیّن اؤلمایانلارئن آدئنئن قاباغئندا یازئر سفالت فیزیؤلؤژوسئندان اؤلدؤ. یازئر: معلوم دورکی بودا اؤندان اؤلوبدور.

– سؤیله‌دیکلرین دؤزدؤر. آمما بو آدامئین اؤلؤمؤ منه بیر آز شؤبهه‌لی گلدی. فقط نه‌ییمه لازئمدئر. اؤزؤمؤ ایشه سالا بیلمه‌رم باشئمدان ائله‌یه‌رم. گئده‌ر.

قؤرخو جانئیمئ آلدئ، عزیز ائششک‌آرئسئ، فیکیرلشدیم کی بو حکیم منی باشئندان هارایا ائدجک؟ هئچ ایسترسن‌می کی، منی ایلتیماسئ، روشوتی اؤلمایان بیر قریب کیمی ایداره‌لرده بو میزدن اؤ میزه یؤل‌لاییب گئت– گله سالسئن‌لار؟

حکیم:

– من بونو گؤندرجم، «کالبد شکافی»یه دئدی. بئله ائله‌سک، ایشی‌میزی مؤحکم توتموش اؤلارئق.

– هله بونادا شؤکؤر، «بونو اؤلو سایماق اؤلماز، یاشایا بیلر» دئییب خسته‌خانادان بایئیرا آتسا نه اؤلاردئ؟!

بئله– بئله ایش‌لر، سئوگیلی ائششک آرئسئ، گلن مکتوبوم‌دا «کالبد شکافی»ده باشئما گلنلری یازاجام.

محبّت‌له: اؤلموش ائششک



«باریشماز»موٓعللمین محکمه اوٓتاغیندا*

همت شهبازی

هر بیر اینسان طبیعت قارشیسیندا انیش- یوٓخوشلاریٔ ایزلەییب بوٓتوٓن وارلیغی‌ایلە اوٓنونلا وٓوروشوب اوٓز یاشایٔیشیٔنیٔ ایرەلییە دوٓغرو سوٓروٓبدوٓر. بو چالیٔشقانلیٔق اینساندا یاشاماق وٓ گلەجەیە نیک‌بین‌لیک یارادیٔر. طبیعی‌دیر کی، بورادا تکجه زحمت چکن وٓ هر بیر عذاب- اذییتە دوٓزن کیمسەلر یاشایٔیشیٔن بوٓتوٓن گوٓزل‌لیٔیی وٓ وارلیٔغیٔندان گوٓزل سوٓیٔیەده فایدالانا بیلرلر؛ آنجاق هر بیر زاماندا، بیر سیٔرا طبیعت وٓ جمعییٔت عامیل‌لری اینسان قارشیسیٔندا گوٓزمکلە اوٓنون یاشایٔیشیٔنیٔ وٓ گلەجەییٔنی بولاشدیٔرییٔب وٓ بٔیلەلیک له چوٓخ واختلار طبیعت اللری اینسانی بوٓغماق نییٔتیٔنده اوغورلو گوٓزه چارپیٔر؛ حال بو کی طبیعتین بوٓتوٓن کوٓبود قانونلاریٔنیٔ، اوٓز دوٓیغو وٓ دوهاسیله اوٓیغونلاشدیٔرماق هر بیر اینسانیٔن اوٓره‌ییٔنجه اوٓلاردیٔ. آنجاق بو قانونلار اوٓندان بوٓیٔون قاچیٔراراق اینتیقام آلماغا باشلایٔیٔر. باشقا طرفدن ایسه جمعییٔته ضید، بعضی اینسانلاردا بو کیمی سارسیٔدیٔجیٔ شرایٔیط ایمکان یارادیٔرلار، وٓ ائله بو شرایٔیطلر اینسانیٔن دوٓیغو وٓ قاباقجیٔل فیکیرلری‌نین اینکیشافیٔ‌نیٔن قارشیسیٔنیٔ آلیٔر یاداکی اینسانیٔن دوٓیغو، ایراده، ایدراک وٓ فیکیر سربست‌لییٔینی اوٓزوٓنوٓن قاپالیٔ وٓ فاناتیک فیکیرلری چرچیوٓه‌سینه سالاراق اوٓیغونلاشدیٔرییٔر.

«باریٔشماز» موٓعللمین «گوٓلنده هر زامان» منظوم نوٓماییٔشنامه‌سی اینسانلاریٔن، طبیعت وٓ جمعییٔتین زوٓراکیٔ‌لیٔق‌لاریٔ قارشیسیٔندا چالیٔشماقلاریٔنیٔ وٓ اوٓنلاریٔن بو چالیٔشمالار نتیجه‌سینده

---

* - یازیٔدا گلن بوٓتوٓن شعر اوٓرنک‌لری آشاغیٔداکیٔ قایناقدان‌دیر: «گوٓلنده هر زامان»، باریٔشماز، بیرینجی چاپ، نشر هما، ۱۳۸۱

اؤزؤنه لایئیق بهره گؤرمه‌مه‌دییینی، بؤیؤک دویغو وَ ایلهاملا گؤستریب‌دیر؛ آنجاق مسله بوراسیئندا دئییل، شاعیر ائله بیل کی بو مسله‌نی (اینسانلارئین بهره‌سیز تلاشیئینَ وَ تاپدالانان دویغولارئینَ) تکجه بیر دؤوره اینحاف ائتمه‌ییب، بؤتؤن عصیرلرده تکرار اولونماسیئینَ اؤنجه‌دن دؤشونؤب وَ ایضاح اولونموش کیمی حئساب ائتمک‌له، چالیئشیب شاعیر وَ رسامیئن، وَ عؤمومییئتله صنتکارئین بو کیمی عمل‌لرین قارشیسیئندا نسئجه مؤوقئع توتماسیئینَ، نسئجه کسگین سؤزؤنؤ دئمه‌ییینی گؤسترسین. بیر سؤزله شاعیر، هر بیر صنتکارئ دؤوروَنه هر زامان صادیق اولماسیئنَ آرزو ائدیر:

سؤزؤنده صادیق‌دیر رسام قارداشیم
مین اوزلؤ یاشاماق تانیئماز نه‌دیر.
آشقارسیز یاشایئیب بیر عؤمؤر،
بلی...
هؤنرین، ادبین، عیشقین، وَفانیئن
دوم- دورو گؤرسه‌دن،
آیناسیئدیر او. (ص ۱۰)

حتّا او جمعییئتده اولان رئال‌لیئغا وَ بو رئال‌لیئغین نه درجه‌ده اؤرک سارسیئدیجیئ اولدوغونون قارشیسیئندا دا اؤز یاراتدیئغئ اثری‌نین (تابلؤ) سؤییه‌سینی چؤخ آشاغئ درجه‌ده بیلیر:

سیزلر حیات وَثرن،
سیزلر یاراداں،
سیزلر بزندیریب، سیزلر بسله‌ییَن،
یاشایئیش اولوبدور مؤدئلیم منیم.
سیزلرین هؤنرین عکس ائده بیلمز،
مینلرجه رسامیئن آخسار قلمی. (ص ۱۱)

بئله‌لیکله بارئیشمازَ اؤز اینسان پروَر دؤشونجه‌سینی، دؤوروَنوَن آرزو وَ ایسته‌ییَ ایله بؤلؤشدوَروَب، اونلارلا همدرد اولماغیئنئ قطعییئت‌له ایضاح ائدیر. اونون شعری، ایستک‌لر وَ دیلک لر شعری اولماقلا، حیاتیئن رئال‌لیئغیئنئ اولدوغوندان‌دا داها یؤکسک عکس ائتدیرمه‌ییه چالیئشیر.

بارئیشمازیئن کؤبود رئالیزمی، اینسانیئن معنوی وَ اونون حیات یؤکسک لیئی‌نین کؤکلرینی درین‌لشدیریر. ایه‌ر او جمعییئت وَ اینسانیئن دردلرین وَ عذاب- اذییئت‌لرینی یؤکسک بدیعی‌لیکله گؤستریرسه، مقصدی بودورکی وارلیئق وَ حیاتیئن کؤکلرینی، جمعییئتین سارسیئلماز وَیجدانیئ اساسیئندا مؤحکم‌لندیرسین، بئله بیر حالدا اینسانلار تکجه اینسان پروَر احوال- روحییه‌ده یاشایاجاقلار. بو شرایطی گؤسترمک‌ایسه، بارئیشماز رئالیزمی‌نین اینسان، جمعییئت، حیات وَ ... مؤوضوعلارا توخونماسیئندا بدیعی ایئیدلییئنی گؤسترییر.

بو باخیمدان باریشمازین شعری‌نین وارلیغی، جمعیت و حیاتین کیملیی‌ایله قیمت‌لندیریلیر، اینسان وارلیغی‌نین کیملیینی بوتون تاریخین وارلیغینا کوچورور، و ائله بونا گوره ده، شعر، حیات گئدیشاتیندا، و حیات‌دا ائله شعر گئدیشاتیندا بیر- بیری ایله فیکیر، دویغو و معنوی حیات یاشاماغا چالیشیرلار.

ظنیمجه «گولنده زامان» پوئماسی، ایکی حیصه‌یه بولونوبدو. بیر حیصه‌سینده عوموميتله خوش‌گوذران، زنگین و دونیادا «حاتمه پای وئرن بی‌لردیلر» کی بیر بؤیوک ییغینجاق و قوناقلیق اوچون رسامدان «اورک‌لر آچان» بؤیوک بیر تابلو ایسته‌ییر. آنجاق سئچدیی تابلو رسامین «الی‌نین امه‌یی» دیر؛ بورادا «اینجه‌لیک، خیالا آداخلانارکن، روویالار، ایمکانلا باریشماقدادیر» بو تابلونو (اورادا «آغ ساچلی قاری‌نین» ناخیشی چکیلیب) رسام یارادیب و اوز امه‌یی‌ایله یاراتدیغی بو اثری ساتدیغی اوچون اوزونو دانلایير. چونکی یاراتدیغی صنتینی بئله قیمت‌لندیریر:

ائله بیل،
بیره- بیر گوزل قیزیمی،
دئولرین دئوینه
آداخلادیم من.
اثریم او یئرده،
یئتیم قیز کیمی،
بیر کونجه سئخیلیب،
قریب قالاجاق. (ص ۷)

بورادا رسام اوز معنوی اثرینی، اوز صنتینی یاراماز جاسینا ساتماسیندان کوورەلیر، و «هونرین خومار گوزونه یاراماز الیمله قوراسیخمیشام» دئییر. آنجاق صنتکار بئله بیر حالدا سوزونو بیرینه چاتدیرا بیلمه‌یین بیر حالدا نئجه انتمه‌لی‌دیر؟ شاعیر، اوز دوستو اولان رسامی بیر کونجه سئخیلیب سس‌سیز- سمیرسیز اوتورماسیندان چکیندیریر و اونو یئنی‌دن اوز صنتینی قورواماغا و یارادیجیلیغینا طرف دعوت ائدیر.

رسامین تابلوسو اونونده مجلیس قوناقلاری آغزی آچیلا قالاراق، هر بیری بیر هاوا چالیر: «اولمایا ملک‌لر اونا جان وئریب...؟!، «شاهلارین شاهی، بوکولمز بیلک‌دن اونا قان وئریب!!!». حتا مجلیسده اولان بعضی یالتاقلار (تشریفات، خاریجه، ارتشبود، ایطلاعات و ماعاریف وزیرلری و اونلارین خانیم‌لاری) یالتاقلاناراق بئله اثرین یارانماسینی شاهزادا و یا ملکه‌نین قایغیسی نتیجه‌سینده اولماسینی و وورغولایيرلار:

اولمایا گوز وورووب بؤیوک رساما،
بختیار شازادانین...

پارلاق اولدوزو؟!!
بلکه‌ده گؤزل ملکه،
باشئینا ال چکیب،
تبسّوم ائدیب. (ص ۱۱)

بو سؤزلرین عرفه‌سینده، بؤیؤک قوناقلئغا «گلین و بی» گلیر. گلین و بی کیمدیر؟ بیر «تؤلکؤ تولا» و بیر «قئیلچئق کؤپک». شاعیر بو گؤلؤنج و آلای ایشدن نهایت طنزآمیز بیر رئال‌لئغی عکس ائتدیره‌رک اؤزؤنؤن «نیفرت‌لی» طنزینی اؤرک یانغی‌سئیلا اؤخوجوسونا چاتدیرئیر. اؤلکه‌نین باشچی‌لاری او قدەر زنگین‌له‌شیبلرکی، دؤنیانئین بؤتؤن «اؤیونجاقلارینی» گؤروبلر و ایندی اؤنلارا تکجه بیر اؤیونجاق قالیب میش کیمی «کؤپک» له «تولا»نین تؤیونو توتوب گؤنلرینی خوش کئچیریرلر؛ حال بوکی اؤلکه‌ده اؤلان یؤخسوللوق (اؤرنک اؤچؤن جانلی یؤخسول قادین) و خلقین اکثر قیسمی‌نین حیات طرزی‌نین آشاغی سویه‌ده اولماسی هئچ‌ده بونلاری دؤشؤندؤرمؤر، هله اؤسته‌لیک اؤزلرینی مدنی و قاباقجئل آدامـلار کیمی آپاراراق اؤز فیکیرلرینی اؤیؤرلر. حتا اؤزلری آراسیندا بو نؤع «اؤیونجاغا» سؤکوت ایله تعجؤب ائدی‌لرده واردیر. بئله‌لیکله قوناقلار «سؤکوتون چتری آلتیندا سؤیینجی بال کیمی تامسینیرلار».

شاعیر و رسام‌دا بو مجلیسه دعوت اولونوبدور. بونلار الینده بیر صاندیقلا مجلیسه گیریب، اونلارین «تابلو» حاققیندا تعریف- توصیف‌لرینی تواضؤکارلیقلا قبول ائتمه‌یرلر. بورادا رسام و شاعیرین گؤلؤنج و آجی سؤزلری اولدوقجا کسگین و ماراقلی‌دیر:

هه... ه...ه...
سئومه‌لی قادینلار،
گؤزل خانیملار
یؤخسا،
ظن ائتمی‌سیز،
اینجیدیر هند،
آسلانیب بیرچکدن،
یاناقدان اؤپسؤن.
یؤخسا ظن ائدیرسیز،
اتک‌لر ساپاق هؤنرده گرکدیر
آپاقدان اؤپسؤن.
من کیمم،
دیل بیلمز بوپاقلار ایله

آجیلیغی گؤرسه‌دم.
سیز تک باخمیشدا،
یئریشده،
ماتم‌لر، حسرت‌لر چکم. (ص ۳۰- ۱۹)

صنتکار شاعیر بؤتؤن جسارتله اؤز آتماجا وئ ایکی طرفلی سؤزلری ایله اؤنلاریئن بو مجلیس‌لرینه وئ داها تأسؤف‌لؤسؤ، تولانیئ بزه‌ییب، اؤنا تؤیئ توتماسیئنا وئ اؤنون کناریئندا خؤشگؤزرانلیقلاریئنا گؤلؤر.

شاعیر وئ رسامین بو سؤزلری‌نین آردیندا، باریشماز مؤعللمین کؤتله وئ مظلوم اینسانلارا قارشیئداش دیئمیرلادانلاریئن «محکمه» سی باشلایئیر. اؤ بو عامی‌لری، صنتکار طرفیندن اؤز دؤورؤنده جزالانماسینی ایسته‌ییر.

پؤئمائین ایکینجی حیصه‌سی «اؤچونجو پرده» دن باشلاییر. بورادا شاعیر وئ رسام صاندیغین ایچیندن بیر دیلنچی آرواد چیخاریب مجلیسه گؤستریرلر. بئله‌لیکله باریشماز مؤعللیم ایکی ضیددییتلی صحنه‌ایله (زنگین وئ یؤخسول) رئال صحنه یاراتیب اؤز طؤقیانلیئ وئ آتشین سؤزلرینی یاغیش کیمی یاغدیریر. اؤ هر بیر صنتکاری اؤز عصری‌نین طلباتیئنا وئ اؤ دؤور اینسانلاریئن آرزو- دیلک‌لرینی، عذاب- اذییتینی، قم- کدرینی عکس ائتدیرمه‌یه چاغیریر.

باریشماز مؤعللیم دیلنچی قادینیئ صحنه‌یه گتیرمکله، رسامین تابلوسو ایله اؤز به اؤز ائدیر و تابلؤدا چکیلن آغ ساچلیئ قادینلا، جانلیئ دیلنچی قادین آراسیئندا هئچ بیر فرق اؤلونمادان مجلیسده‌کی‌لر حئیرتده قالیرلار، جانلیئ وئ جانسیزیئن بو قده‌ر اؤخشاریئغیندان تعجؤب ائدیرلر. «رسام» بورادا ایضاح ائدیرکی یاراتدیغیئ تابلو، اؤنلاریئن جمعییتده یاراتدیغیئ جانلیئ تابلؤلاردان اؤلدوقجا نئچه قات آشاغیئ سویه‌ده‌دیر. بونا گؤره ده رسام اؤزؤنو یؤخ، عکسینه گؤلؤنج وئ طنزآمیز بیر دئییم‌له اؤنلاریئ اصیل صنتکار آدلاندیریر:

میلیؤنلار بونا تای،
جانلیئ تابلؤلار،
سیزلرین سیلینمز اثرلریزدیر،
منیم وئ من‌لرین، تاریخلر بؤیو،
سوژه‌سی،
سیزلرین هؤنریزدیر.
مؤحترم رساملار، هئیکل تراشلار،
نه‌دن دیسگینیرسیز،
یاراتدیغیزدان.

خالیق،
مخلوقوندان دیسگینر مگر؟!!!
اؤلمایا گؤیلردن انیب بو قادین،
تانریلار وئوروبلار بؤیاسین،
نه‌سیز.
بؤیالار،
سیز وئوران بؤیالار دیلار.
گؤرورسوز قلمیم یاییئینمایئیبدیر.
رافاییل هؤنری اؤلسادا منده،
یئنه‌ده،
بو ایشین مایاسئ سیزسیز.
اؤزؤنؤز بیلیرسیز،
تاریخ بؤیونجا،
بئلنچی بیر ایشین،
تایاسئ سیزسیز. (ص ۵-۱۳)

بونو دئیه‌رک رسام اؤز چکدیئی تابلؤنون سینه‌سینی یاریر و مجلیسده‌کی‌لردن «وای» سسی قوپور؛ بورادان شاعیر و رسام تصویرلرین‌نین دیلی ایله باریشمازین محکمه‌سئ باشلایئیر:

وای دئدیز؟!!!
بیر وایئین شکلینه خاطیر.
گؤرؤرسؤز،
من وایئین اؤزؤن گتیردیم.
شکیله وای دئمک،
یاراماز سیزه ...
داؤینچی کیم‌دیرکی،
شهرلر ایچره
فلاکت تابلؤسون یئریده بیلسین.
فئیرچاناییز چکیبدیر سانجئ بئللره
هر داشئین دیبینده،

هر کؤل دیبینده،
یاراداں اللریز، بیر وای تیکیبدیر...
بیریاندا داياناسيب،
دیلسیز دیلنچی،
بیر ئسئرده چکیلیب،
بیر سورو قولدور. (ص ۸- ۱۶)

بو محکمه‌نین سؤنوندا، شاعیر و رسامین الرینه، بؤیونلاریئنا بیر پای اؤلاراق زنجیر باغلاییب صحنه‌دن چیخاریرلار. آنجاق شاعیر صحنه‌دن چیخاندا دئییر:

گؤلنده هر زامان ضحاکه دؤوران
رسام سؤزؤندن اوجونو توتاراق دئییر:
اؤلاندا چیینی شئیتان سجده‌گاهئ
شاعیر و رسامین سسینه، ائشیکدن، کؤتله‌لر طرفیندن سس وئریلیر:
گؤلنده هر زامان ضحاکه دؤوران
اؤلاندا چیینی شئیتان سجده‌گاهئ
گرک هر ایل توتا ائل قانلئ بایرام
ئثره دؤیؤلن قدملرین سسی گئتدیکجه اوجالاتیر و پرده سالیئیر.

باریشماز مؤعللیم بو اثرینده، قاباق‌کئ اثرلرینده اؤلدوغو کیمی، دائیشئیق دیلیندن و فؤلکلؤر نؤمونه‌لریندن و آرائیق سؤزلر و مثل‌لر اؤلدوقجا فایدالائیر. پؤئمادا دائیشئیق دیلیندن فایدالانماق مسله‌سی، ان چوخ فؤلکلؤر کؤکلؤ پؤئمالاردا (مثلن حیدر بابایا سالام) گؤرؤنؤبدؤر.

آنجاق بدیعی پؤئمالاردا (مثلن سهندیئه)، فؤلکلؤرا چوخ آز اؤستؤنلؤک وئریلیر و فؤلکلؤردان آز فایدالانیرلار. ائله بو عامیل بو کیمی بدیعی پؤئمالارئن، بدیعی قورولوشونا اساس زمینه یارادیر. چونکی فؤلکلؤر و دائیشئیق دیلینه مئیل گؤسترمک، ادبیاتین بدیعی‌لیینه ضرر گتیرن چاغدا فایدالی‌دیر. اونا گؤره بو دیلدن حدسیز- حسابسیز یارارلانماق، بدیعی دیلین قورولوشونون دیرلرینی آشاغئ سویئیه‌یه ئثندیرمه‌لیدیر؛ حال بوکی ایجتیماعی گئرچکلیکلری گؤسترمک اوچون دیلین خؤدموختارلیغئ اساس شرطلردن دیر.

باریشماز اؤز دئییم طرزی‌نین و دیل سئچیمی‌نین گئدیشاتیندا، بدیعی‌لیینی نظره آلان شاعیرلردن‌دیر، چونکو او دؤشونؤرکی، بورادا دئییم طرزی- دانیشئیق دیلینده اؤلدوغو

کیمی- تکجه ایلگی ساخلاق عؤهده‌چی‌لیئی ایله کیفایت‌لنمه‌ییر؛ بونـدان عـلاوه اوییغـون دئییم طرزی سئچیمینی‌نین ضرورتینی‌ده اؤز اؤزه‌رینه آلـیر:

بویورون سئیر ائدین،
«بو آت، بومئیدان،»
قایدادیر،
«گؤز گؤره‌ر، کؤنؤل بیه‌نر.»
قایدادیر،
«بیٔ اؤزؤ سئودییین آرار.»
«باغبان بیه‌نن اؤزؤنه یارارا!» (ص ۳)

«گؤلنده هر زامان» پؤئماسیٔنین ان اساس ایرادلارین‌دن، ایکی اوبـرازیٔن (شـاعیر ؤ رسام اوبرازلاریٔ) اوخشارلیغیٔدیر. دوغرودور شئعرده اوبراز یاراتماق، شاعیرین الینی آچیق قویـور، چـونکی اؤ بونـونلا، اؤز ایـچ ؤ دئییـش دویغـولاریٔنیٔ بـو اوبـرازلاریٔن خیـالیٔ تصویرلرینده ثابیت‌لشدیره‌رک اؤنلاری بدیعی‌لشدیریب اؤزؤنه مخصوص ائدیر. بو تمثیلـی ؤ بدیعی اوبرازلار، شاعیر فیکری‌نیٔن آچیق- آشیکار ؤ چیلخا صورتده گؤسترمه‌سینه مـانیع اولور. آنجاق بونونلا بئله باریشمازیٔن بو پؤئمادا ایکی اوبرازیٔ بیـر معنـادا ایـشلتمه‌سـیندن اؤخوجو بئله دویورکی، اؤنلاریٔن بیری‌نین اؤلماماسسیٔدا معناجا پؤئمایا ضررسیز اؤلاردیٔ. بو ایکی اوبرازیٔن اؤخشارلیغیٔ شئعرین معناسیٔنیٔ بو اوبرازلار آراسیٔندا بؤلؤشـدؤرمه‌ییب ؤ اؤنلار بیر- بیریندن باشقا معنالار داشیمایییر. بو مسله شئعرده اؤلان دویغـو ؤ تـصویرلری ؤ اؤنون آردیٔنجا مؤنتظم صورتده معنانیٔ بؤلؤشدؤره بیلمـه‌ییـر ؤ ایکـی اوبـرازدان بیـر معنـا دؤیولور. میثال اؤچؤن یوخایدار گتیریلن اؤرنک‌ده ایلک دؤرد میـصرا رسـامین، سـؤنراکیٔ ایکی میصرا ایسه شاعیرین ؤ سؤنونجو میصرا ایسه یـئنه‌ده رسامین دیلیجه دئییلیـر. آنجـاق بو تکجه کیتابیٔ اؤخویاندا دویوروق. کیتابدا خاریجده اؤلاندا ایسه اؤخوجو بو سؤزلری بیر اوبرازیٔن دیلیجه اؤلماسیٔنیٔ دویور. داها دوغروسـو، پؤئمـادا بـو ایکـی اوبـرازلار آراسـیٔندا دئییلن سؤزلرین، هانکیسیٔ طرفیندن سؤیله‌نیلمه‌سینه ایصلا دیققت یئتیرمه‌ییریک.

آنام میشۆ

اکبر صالحی(قاداش)

گۆزل طبیعتین اۆیانان چاغی
گۆنئیه قاییتدیم اۆزۆمه واردیم
اۆلدوم بئش آلتی گۆن آنام قۆناغی
بیرده بیر گۆز آچیب گۆزۆمه واردیم

ائیلمیش بئلینی دۆزه‌لتدی آنام
ۆۆقارلا دایاندی اولو سۆگیلیم
ایسته‌دیم باشئینئن آغ تۆکۆن سایام
چئیرپئندی اۆره‌ییم باغلاندی دیلیم

تبریزین گۆیۆندن چئیرتلاراق گۆنش
میشۆۆون زیروه‌سی سالام سۆیله‌دی
ساچلاری پارلادی گۆیرتی‌لرین
قۆجامان داغ منه بالام سۆیله‌دی

من دئدیم: آی آنا، دئدی: جان اۆغول
سارئلدیم دۆشۆنه آچدی قوجاغین
دئدیم اۆشۆمۆشدۆم گلدیم ایستیندیم
سۆنمه‌سین هئچ زامان سنین اۆجاغین

من ایله میشۆۆون آغلاشماسئیندان
بولودلارئین گۆزۆ یاشا دۆلوردو
گۆنش پنجه‌لی داغ آغ ساچلارینی
اورمو گۆلۆ دئیه زینه یۆلوردو

آخیتدی گۆزۆنۆن یاشئینی میشۆۆ
یۆزلرجه شلاله اۆستۆمدن آشدی
تۆکۆلدۆ اورمونون گۆلۆنه آنجاق
دۆلوب دالغالاندی دنیز ده داشدی

شبیستر، سوفیان، شئیندیوار، تسی
سو ایچدی آنامین گۆز یاشلارئیندان
ایگیدلر بسله‌دین گۆنئی‌ده میشۆۆ
سس گلدی بیر سۆرۆ قۆچ داشلارئیندان



شعر (۴)

قان قوخوسو
جان قوخوسو وار
شئعرین!
چاتلاییب آغیزلاریندا یوین
بو «قاف» یول‌لاریندا
افسانه
آت‌لار...
گوزه- گوزه یوخ
گیله- گیله
گوستررین گوزل‌لیی!
باغیرلاریٔ چاتلار...

بیر سالخیم دان یئلی

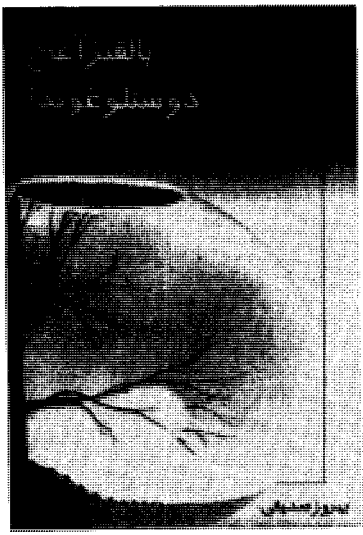
بو ایلک باهار
سون باهاریم اولا بیلر!
کور بولودلارِ آلتیندا
کونول دولوسو سئیر انده
بیلمه‌دن
تورپاغین بایراغینیٔ...
ماوی گویوموزون آلتیندا قارا تورپاق
اوزومو گوزله‌دن
ساققالیما گوله بیلر!
گوزومون ببه‌یی ایله پاپلانمادان
سوسوز سونبول‌لره
پیریل-پیریل آیٔ بارداغینیٔ...

قوزخما

اسماعیل اولکر

یازیٔ
قیش
یاشیٔ
باشیٔ قوزخوتماسین دونیائین
بو آخیرا قالمشین
تزه اولینده‌یک!
قیریق
سیئیق
توکوک
ایک!
او
اوز- اوزونه دوزه‌لمه‌یه‌جک.
اونو
بیز
دوزه‌لده‌جه‌یک.





بهروز صدیق

(...)

سنه بۆیۆن ائمیه‌جم
ائی قارانلیق
ائی قۆرخولوق
سنی سئومه‌یه‌جه‌یم
شئعرسیز کئچن
گۆنلریم کیمی.

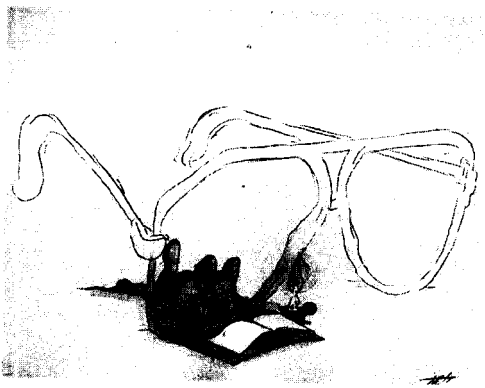
سئومک

- سئویرم من سنی
- نئجه منی سئویرسن؟
- بشیکلر اۆسته دئییلن لایلار کیمی، آنالار کیمی.
- آز دئییل می بو؟
- اۆلچۆیه سیغمایان
وطنیم کیمی!!
- وطن هارامی؟
- سۆد قۆخولو
کۆرپه‌لرین یوخوسوندان باشلایار
جئیرانیم!!

ویصال

من سئوینديم
منله بیرگه
گۆی سئویندی
سئوگی
دیندی.
و
ایندی منم
و
سنلی گۆن
و
آچیلمامیش
بیر کۆر دۆیۆن!

گؤلگؤ



ریوایت: رضا نوه‌سی

ناخوش من دئییلم.

بیر قاریْ وارایدی، قاریْنین گؤزؤنؤن آغیْ- قاراسیْ بیر نوه‌سی وار ایدی! بو اوشاق دا گؤنو – گؤن دالیْلایْیردیْ! اوشاق چؤپه دؤنمؤشدؤ. اؤردلاریْ باتیْیب، گؤزلری چوخورا دؤشمؤش، الی- آیاغیْ چیلیک کیمی اؤلموشدور. بیردن- بیره اوشاغین حالیْ قاریْشدیْ، گؤزلری آخدیْ، چنه‌سی ایْیلدی و قاریْ گؤزؤنؤن قؤراسیْنیْ تؤکه- تؤکه اوشاغین باشیْنا دؤلانیْر و یالوارْیرْیب:- «ایلاهی منیم بو عزیز نوه‌می منه چؤخ گؤرمه! اؤنا رحمین گلسین! یا ربیم منیم نوه‌می ساغالت. ایلاهی اؤنا گلن قادانیْ منیم جانیْما گتیر! اگر جانیْنیْ آلماق ایسته‌یْیرسن، اؤنون یئرینه منیم جانیْمیْ آل آیْ آللاه»! قاریْ یالوار- یاخار ائدن زامان اؤنون داناسیْ حیْطده گزیردی. نه جؤر اؤلدوکی دانا باشیْنیْ سؤخدو گؤدؤشؤن ایچینه! آنجاق دانا حیْطده اؤیان- بویانا قاچیْر و باشیْنیْ سیلکه‌له‌یْیردی، آمما گؤدؤش باشیْندان چیْخمیْردیْ. دانا گؤدؤش باشیْندا، سؤخولدو اؤین ایچینه. قاریْ باشیْنیْ قالدیْراندا عجایْیب – قرایْیب بیر هیؤزه گؤردؤ!- بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم- بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم دئیه- دئیه اؤین بوجاغیْنا سیْغیْندیْ. ائله بیلدی کی قاپیْدان گیرن عئزرایْیل‌دی! دیلی توتاز – توتماز دئدی:

- یا عئزرایْیل! وآللاه- بیللاه ناخوش من دئییلم، باخ! او اوشاق‌دیْر!

فرمانلیْ پیشیک

قؤجانیْن باشیْندان اهل- عیالی داغیْلیْیب، بیر اؤزؤ قالمیْشدیْ، بیر قاریْسی وْبیرده پیشییتی. پیشیک ایللر اؤزؤنؤ اؤنلارلا یاشامیْشدیْ. چؤخ ائمیل حیْوان ایدی! هئچ بیر قابا باشیْن سؤخمازدیْ، نه وْئرسه ایدیلر اونو یئییردی. پیشیک قاپیْ قؤنشودا یاخشیْ تانیْنمیْشدیْ. هامیْ اؤنا ائمیل پیشیک دئییردیلر، اونو چؤخ سئوْردیلر! آممـا بیـردن – بیـره نـه اؤلـدو پیـشییْن احوالـیْ

دیئیشیلدی! ائله بیل باشیئنا هاوا گلدی! یئره- گؤیه سیئغمازدیئ. گؤنؤ- گؤندن پیشیک پیس‌لشدی. داها قؤجایا گؤز وئردی ایشیق وئرمیردی! ائوده هئچ نه قؤیماق اولموردو. قؤجانیئن الیندن اتی ائله قاپئردیئ کسیله- کسیله، قاریئنیئ سوت- قاتیغیئنیئ گؤز قیئرپیئمیندا یالایئیب دیبینه چیئخیئردیئ، آمما گل، سیئچان‌لاا ائوده آت اؤینادیئردیئلار، پیشیک باشیئنا بیر سؤروؤ سیئچان یئیئغمیئشدیئ! قؤجا ایله قاریئنیئن آمانیئ کسیلمیشدی!

بیر گؤن قؤجا قاریئسیئنا دئدی کی:

- آیئ آرواد بو پیشیک- سیئچان بیزی بؤغازیئمیزا یئیئغدیئ آخیئ! گلسن بونو آزدیئراق!

- آیئ کیشی آللاها خؤش گلمز، بیر آزدا گؤزله بلکه دؤزلدی.

آخشام قاریئنیئ یؤخو آپارمیئش، پیشیک جوموب قاریئنیئن قولاغیئنیئ آغزیئنا سالار- سالماز، آرواد چیئخیئیرا- چیئغیئرا یئرینه‌ن سیئچرادیئ. قؤجا دوردو آرواديئن قولاغیئنیئ گؤجه- بالا ایله پیشییئین آغزیئندان آلدیئلار.

- آیئ کیشی سن آللاه هردان اؤلسا بو پیشییئی سحر آپار آزدیئر.

صاباح قؤجا، دان یئری آغارمامیئش یؤخودان دوردو. پیشیک انؤین بوجاغیئندا مؤرگؤله‌یئیردی تلیسی آتدیئ پیشییئین باشیئنا آغزیئنیئ برک- برک بؤغدو. آتدیئ دالیئنا اؤز قؤیدو شئیئتان دره‌سینه ساریئ، گؤن اؤرتا چاغیئ شئیئتان دره‌سی‌نین لاپ دریئن یئرینه تلیسی آتدیئ. گئری قایئتدیئ. قاش قارالاندا ائؤینه چاتدیئ، قاپئدا نه گؤرسه یاخشیئدیئ ا- هه دوز تاپدیئز- پیشیک اؤندان قاباق گلیب قاپئنیئ کسمیشدی.

- کیشی سحردن ایندییه‌جن هاردا ایدین:

- آپارمیئشدیم پیشییئی آزدیئرام.

- به‌نییه آزدیئرمادیئن؟

- آرواد بو پیشیک دئییئل بلادیئر. بیلمیرم بونون الیننه‌ن نئیله‌یئیم؟

صاباح یئنه پیشییئی آزدیئردیئ پیشیک یئنه قایئتدیئ آزدیئردیئ، قایئتدیئ .....

بیر گؤن قؤجانیئن عاغلیئنا بیر شئیئ گلدی. دوردو گئتدی بازارا بیر آز آییئن- اؤیئون آلدیئ تئز قایئتدی. تاختا- پارا بیر قوتو قایئیردیئ. قوتونون ایچینی آلدیغیئ قیئر- ساققیئزلا سووادیئ. سؤنرا بیر تهر پیشییئی باسمارلایئیب باسدیئ قوتونون ایچینه، آیاقلاریئنیئ قیئر ساققیئزلا سووادیئ! قوتونون آغزیئنیئ برک- برک میئخلادیئ. چاتدیئ انشیئشه‌یه، قاتدیئ قاباغیئنا سؤردؤ... سوردؤ... آخیئردا «گؤیئ ایرماق» چایئینا چاتدیئ. قوتونو سویا آخیئتدیئ. گؤزله‌دی قوتو گؤزدن ایتدی. سؤنرا گئری قایئتدیئ.

– آیۆ آرواد پیشییئی ائله آزدیردیم کی چرچی‌ده سۆراغئینئ گتیرمز دایۆ اؤنون قایئیتماغئ قالدئ قییامته.

سو، قوتونو آپاردئ چاتدئیردئ بیر بۆیۆک گؤله. شهرین وآلیئسئ اؤ گؤن بالئیق توتماغا چئخمئیشدئ. گلیب گؤلؤن قئیراغئیندا چادئیر قوردوواموشدور. بۆیۆک باش‌لار ایله چادئیردا اؤتوروب شیرین- شیرین دئیئیب گؤلؤر. یئئیئیب- ایچیردیلر وآلئینئین گؤزؤ گؤلدؤ. اوزون قوتویا ساتاشاندا. تئز آداملارئندان چاغئیرتدئیردئ. قوتونو توتوب اؤنون حؤضورونا گتیردیلر.

بۆیۆک باش‌لار قوتونون دؤره‌سینه توپلاشدئیلار، هره بیر شئ دئیئیردی. قوتونون آغزئینئ آچان کیمی پیشیک مؤوولدویا- مؤوولدویا باشئینی قالخئیزدئ. و گؤزلرینی وآلئینئین گؤزلرینه ریللدی. وآلئینئین اؤره‌یئینئ پیشییئین حالئینا یاندئ. اؤز توتوب میرزه‌سینه:

– اؤغلان بیر کاغئذ گؤتؤر، یاز، آس بو پیشییئین باشئینا! یازکئ «ائی پیشییئین صاحیبی اگر بوندان سؤنرا بو ایش‌لردن گؤرسن! بیل کی منن طرفسن وآلی... فیلانکس.»

فرمانی یازدئلار آسدئلار پیشییئین باشئینا و بوراخدئلار.

پیشیک گلیب ائوه چاتدئ. مؤوولدویا- مؤوولدویا کئچیب اؤتوردو ائوین یوخارئ باشئیندا!

– آرواد پیشیک گلیب، بۆیئونوندا دا بیر یازئ! باخ بورا. گؤرنه یازئیلار. اؤزؤده وآلئ اؤزؤ یازئیب. دور آرواد، دورا! نه‌یئین وارسا یئیغ یئیغئیش ائله، گئدک.

قؤجانئ و قارئ نه لازئم ایدیسه گؤتؤردؤلر! چاتدئلار اولاغا سؤردؤلر وآلئینئین سارایئینا. سارایا چاتدئلار قاپئچئ‌یا دئدیلر کی، وآلئینئین آچارلارئنئ گتیریب‌لر! قاپئچئ ایجازه وئردی! وآلئینئین قاپئسئینئ دؤیدؤلر و ایچری گیردی وآلئ‌یا باش ایدی:

– قوربان بو آچارلارئ آلئین.

– کیشی نه دانئشئرسان، نه آچار؟

– آغا منیم پیشییئیمین هله فرمانئ یؤخودو بیزه گؤز وئریردی ایشئیق وئرمیردی اؤنون الیندن تنگه گلمیشدیک. ایندی اؤ سنین فرمانئینلا ائوه قایئیدیب بوندان سؤنرا داها اؤنونلا، هئچ باشارماق اوْلماز. آلئین بو آچارلارئ وئرین صاحیبیئینا.

قؤجا آچارلارئ وآلئ‌یه وئریب بایئیرا چئخدئ....

ائششک داعوآسئ

میاندوابلی

رحمت‌لیک دوستوم دئییردی: «ایلک حاکیم» اولدوغوم زامان، کلئییره تازا محکمه قویموشدولار. امکداشئیملا و نئچه ایش آدامئ ایله محکمه‌نی ایداره ائلردیک. دئمه‌لی‌یم، منیم بو رحمتلیک دوستوم چوخ ساوادلئ، دویغولو، موطالیعه اهلی و ترتمیز گئییینن بیر آدام ایدی.

جاوانلیقدا دا باشئینئ دیک توتاردئ عیللتی‌ده بو ایدی کی، «شازدا» ایدی یعنی دده طایفاسئ قاجاریه سولاله‌لریندن ایدی.

دئییردی: «بیر گون سحر چاغئ، نظمیه ایداره‌سیندن منه بیر دوسیه گلدی. اوخویوب گوردوم ایکی نفر کندلی ائششک اوسته داعوا ائله‌ییب‌لر.

بیری موددعی ایدی کی؛ منیم ائششه‌یمی کیرایه آپاریب ناخوشلادیب، آیاقدان سالیب، ائششه‌یم اولوبدور.

. ایچری چاغیریب ماجرانئین ایضاحئینئ ایسته‌دیم!

عاریض سوزونه داوام وئریب دئدی:

- ایرئییس، نئچه گون قاباق قونشوموز آللاه قولو چال ائششه‌یی مندن کیرا ائله‌ییب آپاریب یوک داشییئیب، چوخ یوک ووروب ائششک ناخوشلایئیب اولوب. ایندی منده ائششه‌یمین پولونو ایسته‌ییرم.

- عمی! اوولن کی، ائششه‌یه یوک چاتارلاردا. ایکینجی‌سی ائششه‌یی اوزون وئریب‌سن، زورلا کی آپارمایئیب! وئرمه‌یردین. بیرده‌کی، ائششه‌یی یوک داشیئماغا آپارارلاردا اوینا‌تماغا کی یوخ!

دئدی:

- ائششه‌یین یوکونون ووزنونو ووزماغینئیشن‌دا بیر اندازه‌سی، قایدا- قانونو واردا. ائششه‌یه نه‌قده‌ر یوک ووزارلار؟

- هانسیٔ قایدا- قانون.

- بئش باتمان لاپ اوْن باتمان. - دئدی.

- ۱۵ باتمان چاتسالار نه اوْلار؟ - دئدیم.

- اوْلر.

- اوْلمز ائششه‌یین ایشی یوْک داشیئماقدیئر!

اوْزوْنوْ منه توتوب دئدی:

- جسارتدی!

- ایرئییس، سنین اوْزوْنه ۱۵ باتمانیٔ چاتسالار آپارا بیلرسن؟ سن آپارانمیئیان یئرده یازیئق ائششک نئجه آپارسیئن؟!

خوْلاصه عصبی‌لشیب قیئشقیئر- باغیئر سالدیئم!

بیر صورتجلسه ائله‌دیم کی، منه انجام وظیفه-ی حئیئنینده توْوْهین اوْلونوب.

آللاه سلامت ائله‌سین اوْ بیری دوْنیا گوْرموْش‌ده امکداشیم دا گلیب بیر آز اوْنا آجیئقلاندیٔ. منه‌ده دئدی:

دانیئشیئغیئن باجارمیئر، اوْزوْنوْ اوْنا قوْیما، اوْره‌یینه گتیرمه.

کندلی دئدی:

باشینا دوْنوْم بئساوْاد دئدییین کوْردور. سیزین آیاغیئز بیله‌نی بیئزیم باشیئمیئز بیلمز! دانیئشیئغیئمیٔ باجارمیئرام دا ! سن اوْزوْن گوْذشت ائله، بیلمه‌میشم.

من‌ده قیئسسا گلدیم، اوْزوْموْده گوْلمک توتدو. اوْنلاردا بیری- بیریله باریئشدیئلار، ائششک داعواسیٔ قورتولدو.

بیلقامئیس

هر شئی بیلن آدامئین داستانئ

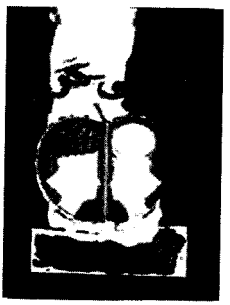
چئویرن: ای. وللی یئو
کؤچورن: ائل اوغلو



سنی آتیب گئدنلر دؤنوب یاتئنا گلسین.
قوی سنه حؤکمدارلار، شاهلار دا حئیران اولسون.
گؤرنده قهرمانلار سنینچون تئل تره‌تسین.
کئشیکچی ساخلاماسئن، سنه کمر بخش ائتسین،
گؤزل شوشه پره‌کلر، جاواهیر، آلتون وئرسین.
سنه دؤیمه سئیرغالار، هدیئه‌لر گتیرسین.
دؤولت سئل کیمی آخسئن،
باشئنا تاخیل یاغسئن.
جادوگرلر قوی سنی اؤز یئرینده‌ن گؤتورسون
تانری‌لارئن مؤلکونه عیبادته گتیرسین.
قوی سنین خاطیرینه
یئددی اؤولاد آناسی اؤز ارینی ترک ائتسین!»
گئجه اؤز یاتاغئنا تنها اوزانان زامان
ائنکیدونون ایچینه بیر آغری دؤلدو یامان
او دردینی آچاراق اؤز دوستونا سؤیله‌دی:
«گئجه یوخو گؤرموشم، عزیز دوست، ائشیت» ـ دئدی ـ
گؤیلر هارای سالئردی، نیدا قالخئردی یئردن
اونلارئن آراسئندا دایانمئیشدئم تکجه من
بیر ده بیر آدام وارئدی، توتقون ایدی اؤز ـ گؤزو
من فئرتینا قوشونا اوخشاتدئم اونو، دؤزو.
ایتی جایناغی وارئدی، قارتال کیمی قانادی

ساچئمدان یاپیشاراق گؤز آچماغا قؤیمادیئ.
اؤنو وئوردوم بوللاتیب تئز سیچرادیئ کنارا،
سؤنرا اؤ منی وئوردو، اؤ دم ساغالدیئ یارا.
سؤنرا وحشی اؤکؤز تک، یئریتیب منی یئخدیئ،
آغئر منگنه کیمی بدنیمی برک سیخدیئ.
دئدیم، منی خیلاص ائت! سن خیلاص ائده‌ممه‌دین
سن یالئیز (.....)
(.....)
اؤ منه توخاناراق، منی قوشا چئوئیردی،
قاناد تاخدیئ چیئنیمه، ادەتی قوش قانادیئ
اؤزؤمه باخدیئ، سؤنرا منی آپاردیئ.
ایرکاللاتیئن مؤلکؤنه ـ ظؤلمت ائوینه وارديئ.
گئدر- گلمزلر اؤرا، گئدن گئریئه دؤنمز،
اؤ ائوین ساکین‌لری ایشیقدان محروم‌دورلار.
کؤل ایله قیدالاتیب، توزپاقلا دولاتیرلار.
اؤنلار قوشا بنزه‌ییر،
قانادلیئ پالتار گئییر.
ایشیق اؤزؤ گؤرمؤرلر، ظؤلمتده یاشاییرلار.
جفته ؤ قاپیلاریئ توز باسار، توزپاق توتار.
منیم قدم باسدیغیم همین مئیید ائوینده،
سؤلغؤن اکلیل‌لر گؤردؤم اؤ منزیلین ایچینده،
گؤردؤم بیزیم دؤنیایا بیر واخت صاحیب اولانلار،
اؤردادیئر- اؤنلار ایدی اؤ اکلیل آپارانلار،
آنؤ ایله ائلیله اؤنلار ات قؤوورماسیئ،
سپ- سرین تولوق سویو، چؤرک آپاریئردیلار.
منیم گیرمیش اولدوغوم همین مئیید ائوینده،
بیر کاهین، بیر خیدمت‌چی، بیر جادوگر یاشاییر،
اولو تانریلاریئن دا اؤردا قوللوقچوسو وار.
اؤردا ائتانا ایله سوموکان دا یاشاییر،
یئرین ملاییکه‌سی ائرنشکیقال یاشاییر.

اؤنون دا قاباغیندا یئرین میرزه‌سی، اؤ قیز
بئلئت- سئری دیز چؤکؤب.
اؤنون اؤچؤن اؤخویور، طالئع یازیلاریندی،
اؤ باشیندا قالدیریب اؤنؤنده گؤردؤ منی.
دئدی کی، اؤ آدامی آرتیق اجل آلمیشدیر!
(سؤنرا اللی‌یه‌دک شئعر چاتیشمیر، ائنکیدو یئنه یؤخو گؤرؤر.
بو یؤخو حاققیندا صؤحبت آشاغیداکی سؤزلرله قورتاریر):
«بؤتؤن اذیئت‌لری بیز آرامیزدا بؤلدؤک،
یاددا ساخلا، اونوتما دؤستوم عمل‌لرینی!»
اؤنون دؤستو چؤخ چتین، یؤرولماز یوخو گؤرمؤش،
یؤخو گؤرنده اؤنون طاقتی ده توکنمیش.
ائنکیدو اوزانمیش‌دیر،
بیر گؤن، ایکی گؤن کئچمیش
هله ده اوزانیب
بئش گؤن، آلتی، یئددی گؤن، سککیز،
دؤققوزونجو گؤن،
اؤنونجو گؤن یئتیشدی، آغریلاری چؤخالمیش.
اؤن‌بیرینجی گؤن اؤتدؤ، اؤن‌ایکینجی گؤن گلدی،
ائنکیدو یاتاغیندان بیر آزاجیق دیکه‌لدی،
بیلقامیسی سسله‌ییب، اونا بئله سؤیله‌دی:
«گؤرؤنؤر، دؤستوم داها منه نیفرت بسله‌ییر،
اؤنونلا اوروکدا بیز بیر یئرده مصلحت‌لشدیک،
من دؤیؤشدن قؤرخاندا اؤ منه کؤمک ائتدی،
دؤیؤشده دادا یئتن دؤست ایندی هارا گئتدی؟
دؤستوم ایکیمیزی ده اؤلؤم گؤزله‌ییرمی بس؟»



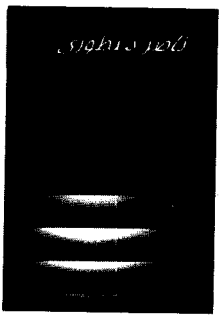
اصلی – کرم
(اثر تحقیقی)
موٴلف:
میرعلی سیدسلامت
انتشارات آشینا
۱۳۳۸٤



ائلمیزین نیسگیل قالاغی
(پورفسور زهتابی‌نین
یاشایشی و اثرلری)
یازان: م. کریمی
ناشر: موٴلف
۱۳۸٤



قره‌باغ درگذر تاریخ
(اثر تحقیقی)
صمدسردارنیا
انتشارات: ندای شمس
۱۳۸٤



آواوا
(رمان)
نوشته‌ی: ناصر منظوری
انتشارات: اندیشه نو
۱۳۸٤



دویغو چیکلری
بیرینجی جیلد
(شعرلر،منظومه‌لر،غزل‌لر)
حسن مجیدزاده
ساوالان
۱۳۸٤



بلمه
دوماهنامه ادبی
آذر و دی ماه
ویژه‌نامه‌ی
اکبر اکسیر و شعر نو.
انتشارات:پیام نور اردبیل
۱۳۸٤

ئینی کیتاب‌لارئن سیئاهیسی

ترتیب ائدن: یوسف قوسی (فرزانه)

۱- **اصلی و کرم**: میرعلی سلامت، انتشارات آشینا.

۲- **۲۷آذر ۱۳۲٤ تشکیل فرقه‌ی دموکرات آذربایجان و نقش سیدجعفر پیشه‌وری در آن** تیمسار علی‌اکبر درخشانی، انتشارات شیرین.

۳- **زندان رضاشاه محاکمات، دفاعیات و خاطرات زندان سیدجعفر پیشه‌وری** انتشارات شیرین.

٤- **سومئرنامه**، کؤچؤرن: س. صمدی، نشر اختر.

٥- **جنگ قره‌باغ**، ترجمه صمد سرداری‌نیا، نشر اختر.

٦- **زیارتین قبول اولسون**، زلیم‌خان یعقوب، کؤچؤرن، ع. علیزاده، یاز نشریاتی.

۷- **ائل سسی**، عاشیق سلجوق شهبازی، حاضیرلایان. اکبر حمیدی علیار، نشر اورال.

۸- **یاشیل یاز** (شعر توپلوسو) مظفر خداوندگار (موغان) یاز نشریاتی

۹- **اورمو گؤلو، منظومه‌سی**، حاج عبدالرحمان طیّارددده کاتیب، یاز نشریاتی.

۱۰- **همدانلئ باباطاهرین دیوانی و تورکجه** ترجمه‌سی ایله، بهرام اسدی، یاز نشریاتی.

۱۱- **بابک حماسه‌ای در تاریخ**، محمد حافظزاده، ناشر مؤلف.

۱۱- **فرهنگ فارسی- آذربایجانی** بهزاد بهزادی، نشر نخستین.

۱۳- **آپارا اوشاق شعرلری**، فریده سلیمانی، یاز نشریاتی.

۱٤- **قره‌باغ در گذر تاریخ**، صمد سردارنیا، نیما تبریز.

۱٥- **مهین بانو درمان سید جعفر پیشه‌وری**، گوینده یاز نشریاتی.

۱٦- **اوره‌ک سؤزلری «محمدبی‌ریا»** ارک نشریاتی.

۱۷- **شکیل‌گیری هویت جمعی در آذربایجان ایران**، برندا شیفر، ترجمه آیدین رحیمی، آرخاسو یایین اثوی.

۱۸- **سوز بازاری**، سلیمان نورالهی، نشر شهریار قم.

ائل دیلی و ادبیاتی

۱۸

همکاران ثابت:

بهزاد بهزادی	سرپرست تحریریه
علیرضا صرافی	مسئول بخش ادبیات شفاهی مردم
اسماعیل هادی	مسئول بخش واژه‌های محلی و لهجه‌ها
جواد دربندی	مسئول ادبیات آشیغی
محمدرضا کریمی	مسئول بخش قصه‌ها و افسانه‌ها
ائل اوغلو(صدیار وظیفه)	مسئول بخش امثال و حکم (آتالارسوزو)

ویراستار: م. رزاقی

حروف‌نگار: کاوس نصیری

صحیفه

یئرلی سؤزلر		مقصود تقی زاده هریس (نیسگیل)	۱۳۱
آتالار سؤزؤ		رضا کاظمی و...	۱۳۴
آتالار سؤزؤ		ثریا بخشی	۱۳۹
بایاتیلار(٦)		ثریا بخشی	۱۴۱
لای لای لار (۵)		ثریا بخشی	۱۴۴
آتالار سؤزؤ		محمد قاضی	۱۴۷
اینانج‌لار		رحیم غلامی لنج آبادی	۱۴۹
آذربایجان قدیم رقص‌لری(۵)	فؤلکلؤر	کمال حسن اوؤ	۱۵۱
یئتیم سئیدی(۱)		محمد رزاقی	۱۵۴
نجف داستانی(۳)		علیرضا ذیحق	۱۶۱
گؤی مونجوق		رحیم غلامی لنج آبادی	۱۶۸
صبیر داشی		اورجعلی دوزنانی	۱۷۲
قارغیش‌لار		آذر بشیرزاده	۱۷۵
اسامی محلی بعضی از داروها و ...		دکتر حسن- م. جعفرزاده	۱۷۷
محمّد شاهزاده ایله ملئیکه خانیم		محمّد عبادی قاراخانلو «آلیشیق»	۱۸۵



یئرلی سؤزلر

هریس

مقصود تقی زاده هریس (نیسگیل)

آراسر arasər زمی‌نین یاریسی تیکه‌سی. (بیر آراسر: زمی‌نین یاریسی).

آزا تزه‌یی aza təzəyi داغارا مالئین چؤلده قوروییان و یاندئیرمالئ تزه‌یی.

آزغئنتئ azğıntı اوزاق اؤلکه‌دن گلن یاد آدام.

آلاشا alaşa هر رنگه بؤیانان آدام، بین اوزلو.

آیدیش- اویدوش aydış- uyduş عجیب- قریب و خوشا گلمز آداملار.

اؤتگلچی ötgəlçi بیر نفرین اؤکوزلرین و جؤتونون مسولیتی‌نی بؤینونا آلان، اؤکوز اوتاران. (علی بیزیم اؤتگل چی‌میزدیر= یعنی اؤکوز و جؤت ایش‌لریمیز اؤنونلادیر).

اؤددک öddək اتی آجئ و دوزسوز آدام

اؤرن örən حددن آرتئق کیفیر و کثیف بیر قاب یا بیر یئر. (قاب- قاشئغئ یویان یؤخدور، ائله بیل اؤرندیر).

اؤلؤمجؤمک ölümcümək بیر ایشه حددن آرتئق ارینمک. (ایکی ایستیکان چایئ گتیرمک اوچون بو قده‌ر ده اؤلؤمجؤمک اولار؟).

اؤوْدن övdən آردئ کسیلمه‌دن، دالبادال. (یارانئ باغلاییردئق، آممیا اؤوْدن قانئ چئخئردئ).

اوْده‌مک evdəmək دن- دوشؤ یا باشقا شئیلری بیر- بیر یئردن گؤتوْرمک.

اتمل ətməl اوزونه توْک چئخمایان دوزسوز آدام.

اجنه‌ت əcənət حئیوان یا اینسان بالاسئئین لاپ آرئق و اؤلؤمجؤلو.

ارجوۆ پیشیک ərcov pişik چۆخ یئیئه‌ن، آنجاق ات- جان ائله‌مه‌یین آدام.

افلکه əfləkə پیس و آغیر وضعیئت. (چۆرکدن ساریٔ یامان افلکه‌ده‌یرلر).

اکش əkəş بۆیۆک‌لرین اداسیٔنی گتیریب، یئکه- یئکه دانیشان اوشاق.

الفیرد əlfird گۆن یا قامیشدان دۆزه‌لن بۆیۆک خورجون.

القه سیمک əlqəsimək بیر زاددان اۆتروۆ تله‌سیب ال- آیاقدان گئتمک. (قۆناقلار ناهاردان اۆتروۆ بیر ساعاتدیر القه‌سی‌یئرلر.)

الکد əlkəd باجاریق‌سیز و کۆند آدام.

امگک əmgək کۆرپه‌نین باشیٔنیٔن بۆش یئری .

انس ənəs یالنیز اۆز دئدی‌یینی توتان کۆنز آدام.

انگیللمک əngilləmək یاریب آپارماق. قۆل- قانادیٔن قیریب آزالتماق. (اۆراغیٔ گۆتۆروۆب زمی‌نی انگیللیه‌دیم گئتدی= یعنی زمی‌نین چۆخ حیصه‌سینی بیچدیم).

انه قودوش ənə quduş للش (بو آیئیٔنیٔ کیم اۆلدۆردۆ؟- انه قودوش!).

انوۆ ənov چۆخ یۆخلاماق اثرینده بۆروزا گلن بیر جۆر خسته‌لیک. (یاتمادان انوۆ باغلایئیب‌دیر).

اودوخماق uduxmag تیکه‌نی بۆیۆک گۆتۆروۆب آغزیٔ دۆلدورماق، آرتیئق هوسله خۆرک یئمک. (ائوی تیکیلن کیشی گۆر نه اودوخوب، هئچ ائله بیل تۆیوق گۆرمه‌یئیب!).

اور ur باش یا بدنده قاباران قۆرده‌لر.

اورومو قولقولا urumu qulqula بۆیۆک و گئنیش دام‌داش یا مۆلک. (کیشی‌نین آغلیٔ اۆلسایدیٔ اورومو قولقولا حیطی‌نی بوراخیب تئهرانا گئدردی؟!).

اوه‌دمک əvədəmək کۆره‌یی یئره وئریب اویان- بویانا چئوریلمک. چۆخلو آت و اۆلاق باره‌سینده ایشله‌نر.

ایریشمک irişmək دیش آغارتما، مسخره حالدا گۆلمک.

ایلقیملاماق ilqımlamaq حاجیٔ لئیلک کیمی باسا- باسا یئریمک.

ایمیریکلمک imirikləmək دن- دؤشؤ یا باشقا بو جؤر شئیلری ال ایله تپه‌جیک کیمی ائله‌ییب ایری‌لرینی سئچمک. (سئشمه‌نی ایمیریک له دیم ایری لرینی سئچدیم).

بئکؤندم bəköndəm آدامـا کؤنـد وئرمه‌یـن و راست گلمه‌یـن ایـش یـا وسیله. (بو پنجره چـؤخ بئکؤنـدم‌دیـر، یـئرینه آسماق اؤلمور).

بئکؤر bekür باشاریق‌سئیز و آوارا آدام. (حـسن یامـان بئکـوردور، قـئیفئیلئ آچانمادئ).

بـؤوَن bövən داوارئـن قؤخنومـوش قئیغئ.

بره‌دورا bərədura ایلک دفه بیچیلن اوت.

بنایـئین bənayın اوزون داش کـی، قبیری اؤرتمک و بـاش داشـئ قؤیمـاق اؤچؤن ایشله‌نر.

بؤزلامـاق bozlama اوجـا سـس‌لـه آغلامـاق. (کیـشی بیـر سـاعاتدئر بؤزلایـیر).

بولقورد bulqurd سـامان، چـی‌یـید، کپه‌ک و چؤرک خئیرداسئ ایلـه دؤزه‌لـن مال- داوار خؤره‌یی.

بؤنبؤشمک bünbüşmək سؤیوقدان کیریمک. (فا: کز کردن).

بیجیک bicik خنجر شـکلینده و اؤچ دیش‌لی فرش توخوما آلتی کی، آرغاجئ اؤنونلا یاتـئیردارلار، دفه.

بیروؤوز birovuz هئچ کیمه اویماپان و هامئ‌دان کنار گزن و قریب نظره گلن آدام. (فاطماتئین یـئزنه‌سی هئچ اؤزلرینـه یـئمیر ائله بیل بیروؤوزدور) باخ: عاریئه.

بیزئهجه bizəhcə خئیرداجا کؤزه.

آتالار سؤزو

اردبیل ده هنده وریندە

ترتیب ائدن: **رضا کاظمی**

توپلایانلار: **حسن فیضی، نوروزعلی فیضی،**
رضا کاظمی، محمود مهدوی،
کاظم نظری بقا.

-ج-

جاناوارنان قونشی اولان، چوماغینی یئره قویمامالیدی./ جاناوارلا قونشو اولان چوماغینی یئره قویمامالیدیر.

جان کیره ایله یانار. (کیره: یاخین کیمسه‌لر، آتا، آنا، آداما اورک یاندیرانلار).

جان وئرسون سئرچه‌یه وئر، قارانقوش گلیب گئدندیر./ جان وئرسن سئرچه‌یه وئر، قارانقوش گلیب گئدندیر.

جانیمی دا آلسون، گوله- گوله آل./ جانیمی دا آلسان، گوله- گوله آل.

جان ییه‌سین قازاق اولدوروب؟

جورونان آیریلانی قورت ییه‌ر./ جوروندان آیریلانی قورد یئییه‌ر.

جهنمنن گلن من، خبر وئرن بو./ جهنمدن گلن من، خبر وئرن بو.

-چ-

چاریغین تاپان دولاغین دا تاپار.

چالیممامیش اوینئی./ چالینمامیش اوینایئیر.

چالیممامیش دویونیر./ چالینمامیش دویونور.

. چایا سیچ، چئشمیئه سیچ، به سویی هاردان ایچ./ چایا سئچ، چئشمه‌یه سئچ، به سویو هاردان ایچ.

چئینه‌نن ساققیز چؤروّیه‌ر.

چکیشی شه‌ییرد وئیرار، مئیزدئنئ اوستاد آپارار./ چکیشی شاگیرد وّورار، موزدونو اوستاد آپارار.

چم آلتینان قورباغا باخئیر./ چم آلتیندان قورباغا باخئیر.

چؤخ اوّخییان چؤخ بیلمز، چؤخ گزن چؤخ بیلر./ چؤخ اوّخویان چؤخ بیلمز، چؤخ گزن چؤخ بیلر.

چؤخ بیلئیسن آز دانئیش./ چؤخ بیلیرسن آز دانئیش.

چؤخ بیلمیش شئیتان ایکی یئردن تلییه توّشر./ چؤخ بیلمیش شئیتان ایکی یئردن تله‌یه دوّشر.

چؤخ بیلمیشدیخدن بوّیی چئیخمئیر./ چؤخ بیلمیشلیکدن بوّیو چئیخمئیر.

چؤخ یاشئییان چؤخ بیلمز، چؤخ گزن چؤخ بیلر./ چؤخ یاشایان چؤخ بیلمز، چؤخ گزن چؤخ بیلر.

چؤره وئرن آژ قالماز./ چؤرک وئرن آج قالماز.

چؤره وئرنی آدام گؤزیننن تانئییار./ چؤرک وئرنی آدام گؤزوّندن تانئییار.

چؤره‌یی باشئیندا دولاندیرئیر./ چؤرییی باشئیندا دولاندیرئیر.

چؤره‌یی ده جاوانلئیخدا قازان، اینامی دا./ چؤره‌یی ده جاوانلئیقدا قازان، اینامئ دا.

چوغوندارئین دا اؤزینه گؤره داماری وار./ چوغوندورون دا اؤزوّنه گؤره داماریٔ وار.

چؤمچه‌دن داغئیلان، قازانا داغئیلار.

چئیخان قان داماردا اوّلار.

چیرکیننۆغۆن آللاهداندی، چیرکۆن نه دندی؟/ چیرکینلیئین آللاهداندی، چیرکین نه‌دن‌دی؟

-ح-

حاماما گیرن، تررەمه‌میش چئخار./ حاماما گیرن ترله‌مه‌میش چئخار.

حامامدا جامه دار اۆلاندا، منه فیته جئیرئغئین وئره‌رسن.

حایاسئینا باخ حایاسئینا، قانقانئ باسئیب تایاسئینا.

حصیردن تومان، کندیردن باغی./ حصیردن تومان، کندیردن باغئ.

حق باشی آغئیردی./ حق باشئ آغئیردئیر.

-خ-

خالخ دۆشاب آلئئ مورابیا چئخئئ، من موربیا آلدئیم دۆشاب چئخدی./ خالق دۆشاب آلئیر مورابیا چئخئیر، من مورابیا آلدئیم دۆشاب چئخدئ.

خان باغئشلئئ، نۆکرین باغری چاتدئئ./ خان باغئشلئیر، نۆکرین باغرئ چاتدایئیر.

خیّاطا دئدیلر کۆش، ایئنه‌سین یاخاسئینا ساشدی./ خیّاطا دئدیلر کۆچ، ایئنه‌سین یاخاسئینا ساچدئ.

-د-

دادانارسان شۆربئیئا، بلکه بی گۆن اۆلمئیئا./ دادانارسان شۆربایا، بلکه بیر گۆن اۆلمایا.

دار دیبینن قوتاران بیزلره سردار گلئئ./ دار دیبیندن قورتاران بیزلره سردار گلیر.

دارئ قویدا، کۆز آنباردا./ دارئ قویودا، کۆز آنباردا.

داش قایایا راست گلیب.

داش قئیزلار باغرئینا هر گئجه یالغوز یاتار./ داش قئیزلار باغرئینا هر گئجه یالقئیز یاتار.

داشی آتارسان دۆغری ایته، اۆغری ایت اۆزۆن بللندیرر./ داشیۀ آتارسان دۆغرو ایته، اۆغرو ایت اۆزۆن بللندیرر.

داغدا بالیغ اۆلماز، دنیزده کهلیه./ داغدا بالیق اۆلماز، دنیزده کهلیک.

داغ دره‌سیز اۆلماز.

داغ دومانسیز اۆلماز.

دال اته‌یمی کسیر، قاباغ اته‌یمی یامیئ./ دال اته‌یمی کسیر، قاباق اته‌یمی یاماییر.

دالیکی قاباخکینین کۆرپیسیدی./ دالیکیۀ قاباقکیئین کۆرپۆسۆدۆر.

دئدی آغیللوز کیمدی، دئدیلر قاباخداکی زنجیرلی./ دئدی آغیللیز کیمدیر، دئدیلر قاباقداکیۀ زنجیرلی.

دئدی قولاغوننان توتوب داغلاریۀ دۆلاندیررام، دئدی سن ده مننن دۆلاناجاخسان یا یۆخ./ دئدی قولاغیندان توتوب داغلاریۀ دۆلاندیرارام، دئدی سن ده منلن دۆلاناجاقسان یا یۆخ.

دئییبلر آل - وئر، دئمئییبلر آل - قاچیرت./ دئییبلر آل – وئر، دئمه‌ییبلر آل – قاچیرت.

دده‌مه بیغدا چۆره ده وئردیم، یئمه دی./ دده‌مه بوغدا چۆرک ده وئردیم، یئمه‌دی.

دده- ننه دن آرتیران قاتیر اۆلار.

درتدی یاتاغان اۆلار، قملی دئییننگن./ دردلی یاتاغان اۆلار، قملی دئییننگن.

درین قازان اۆزی تۆشر./ درین قازان اۆزۆ دۆشر.

دلی اوتاممماز، ییپه‌سی اوتانار./ دلی اوتانماز، ییپه‌سی اوتانار.

دلی‌دن دۆغری خبر./ دلی‌دن دۆغرو خبر.

دلینین‌کین یئغدئیم گلدیم، آغیللیئین‌کین چاپدئیم گلدیم.

دمیری دمیر کسر.

دنیزده باتان الین کۆپۆگه آتار.

دنیزده بالیخ سؤداسی ائلئیر./ دنیزده بالیق سؤزدهسی ائلهییر.

دلیئه حالوا، گیجه بال.

دؤز آدام اخلاغئیننان بیلینر.

دؤز ایرینی کسر.

دؤز دانیشانین یئری آجی اولار./ دؤز دانیشانین یئری آجیئ اولار.

دؤزه زاوال یؤخدی./ دؤزه زاوال یؤخدور.

دوست آراسیندا اوچ آلما وار، بی یؤل بیری بیرینده اولار، بی یؤل ایکیسی بیرینده./ دوست آراسیندا اوچ آلما وار، بیر یؤل بیری بیرینده اولار، بیر یؤل ایکیسی بیرینده.

دؤشان یاتدیخجا قاچار./ دؤشان یاتدیقجا قاچار.

دؤشمن اؤلمئیب، اؤلمز./ دؤشمن اؤلمهییب، اؤلمز.

دؤنیادا آرزیئ قویمادیئ.

دووارئین بی اؤزین اوچورتسؤن، اؤ بیری اؤزین قویئ دالداناجاغ قالسئین./ دیوارئین بیر اؤزؤن اوچورتسان، اؤ بیری اؤزؤن قویئ دالداناجاق قالسئین.

دؤه دن بؤیئک فیل ده وار./ دؤهدن بؤیؤک فیل ده وار.

دؤیولنن سؤیولن آرادا گئدر./ دؤیؤلنله سؤیؤلن آرادا گئدر.

دئرناغئیننان داریئ سئزماز./ دئرناغئیندان داریئ سئزماز.

دیلین توتئیسان، دیلجهیی دیلله نئیر./ دیلین توتورسان، دیلچهیی دیللهنیر.

دیندیر دیلین گؤر، قؤوزا قیلئین گؤر.

دئیرمان بؤغازئین بنده دلیب، بیزیم بؤغازئمیزیئ آللاه دلیب، مگر بؤش قالار.



آتالار سؤزؤ

زنجان

تؤپلایان: ثریا بخشی

- هر تؤکؤندن، بیر قیز آسلاتیب.
- هر زادئین کالئ یئتیشه‌ر، آدامئین کالئ یئتیشمه‌ز.
- هر زادئنئ باب ائله، گؤره‌ن دئسین هابئله.
- هر زامان بیر آشئغئن دؤؤرانئ‌دئر.
- هر ساققال دان بیر تؤک چکسن، کؤسایا ساققال اؤلار.
- هر ساققاللئ بابا اؤلماز.
- هر سؤزؤیه بیر چؤبان.
- هر سئفرا آچان حاتم اؤلماز.
- هر قارا قنبر اؤلماز.
- هر قازانا، بیر دامازلئق.
- هر گ...ؤن بولایان، قالایچئ اؤلماز.
- هر گؤلؤن بیر عطری وار.
- هر گؤن یاخچئ یئدین، یاخچئ گئیدین بایرامدیر.
- هر نه اکرسن، اؤنو بیچرسن.
- هر نه اؤ تؤکؤب، بو یئغئشدیرئب.
- هر نه دئیه‌رلر، هؤرنه دئیه‌رلر، چئخ یوققوشون (یوخوشون) باشئنا گؤرنه دئیه‌رلر.
- هر نه یئدین مالئن‌دیر، هر نه وئرسن آدئن‌دیر، هر نه قالسا یادئن‌دیر.
- هره بیر تؤک ساققالئندان وئرسه، کؤسا ساققالسئز قالماز.
- هر یاغان قار اؤلماز.
- هر یوققوشون ائنیشی وار.
- هر یئمیشین بیر دادی اؤلار.

– هر کس اؤز ائوینین شاهئ‌دئیر.
– هر کسن اؤز قلبین بهره‌سین ییئیه‌ر.
– هر کؤپوکلوّ سؤیا سئل دئمزلر.
– هر کؤتوّکدن کؤموّر چئخماز.
– هر کیم ییئیب فطیری، گئدر اؤدون گتیریر.
– هر کیمین بالاسئ اؤزوّنه شیرین‌دیر.
– هرنه‌دن گؤتوّره‌سن آزالار، سؤزدن گؤتوّرسن چؤخالار.
– هرنه‌ییز تازاسئ، دوستون کؤهنه‌سی.
– هره‌نین ختئری، اؤزوّنه‌دیر.
– هفته سککیز، من دؤققوز.
– هله بو تئزلیگه وئریانئ سؤیا وئرمه.
– هله تازا کؤزه، سویوق سودور.
– هله ده وار قارتئن اؤوشدورور.
– هله سویون شئرئلتئ‌سئ‌نا قولاق وئر.
– هله گؤرمه‌لی گؤنلریم وار.
– هله ییری آجاردئیر.

– هم توّربادان ییئییر، هم آخوردان.
– هم دام وئرک، هم قیز وئرک.
– همدان اوزاق، کردی یاخئین.
– هم دملی اؤلاندا قبر اوّستوّنه گئت، هم غملی اؤلاندا.
– هم مینیب، هم آغئرلئیق سالئیر.
– هم نالا دؤیوّر، هم مئخا.
– هم یاماندئیر هم یانان.
– هم یاندئیرئیر، هم قاندئیرئیر.
– هؤپ– هؤپون بالاسئ دئدی، یووامئیز قؤخور. دئدی بالام بو گ...ت کی، بیزده وار هر یئری قؤخودار.
– هؤپ– هؤپویا دئدیلر خئیر سؤیله، دئدی پؤخ– پؤخ.
– هؤرره، «بسم‌الله»ئ نئیله‌ییر.
– هوّره بیلمه‌ییر، ایت‌لری باشا سالئیر.
– هه‌دائیمدان هه‌ییم قوتاردئ، هیم دائیمدان هیمیم.
– هیس آنلاماز، هوّس آنلاماز، قولاقلارئن کس آنلاماز.

بایاتـــیلار(۶)

زنجان

توپلایان : ثریا بخشی

چاتداییب دؤشؤن داغلار
بیلینمز یاشیئن داغلار
آیریلیق سنه دؤشدؤ
آغاردیؤ باشیئن داغلار

بو داغلار اوجا داغلار
آغلارام اوجا داغلار!
منی یاردان آییئردیز
من دؤزؤم نئجه داغلار

اولدوزلار یاتماز آغلار
یاریؤ اویاتماز آغلار
یار یاردان آیریؤ دؤشسه
گئجه‌لر یاتماز آغلار

آیریلیغا داش آغلار
گؤزلریم قان یاش آغلار
یار یاردان آیریلاندا
آغلاسا یاواش آغلار

قریب یئرده داش آغلار

قلم آلتدا قاش آغلار
سئوگی‌سی گئدن قیزلار
هامیؤدان یاواش آغلار

باغبانام باغیم آغلار
قمدن یارپاغیم آغلار
دیریمه اؤزؤم آغلار
اؤلسم تؤرپاغیم آغلار

قبریمی قازان آغلار
اؤد دؤشر قازان آغلار
بیر گؤتؤرؤب بیر قویان
قبریمی قازان آغلار

اؤد یانار قازان آغلار
یازیمیؤ یازان آغلار
قریب یئرده اؤله‌نه
قبرینی قازان آغلار

گده‌لر! قورومساق‌لار!
هیس‌لی دام قوروم ساخلار

کیشی‌لیک اؤلدؤ گئتدی
سئوینین قورومساق‌لارا!

آخشام‌لارا! آیْ آخشام‌لارا! .
آخشام‌لار یانار شام‌لار
یالقیز اؤه گئده‌نلر
خؤدؤک چکر آخشام‌لار

مرجان‌لار آیْ مرجان‌لار
قیرمیز کؤینک آغ جان‌لار
قیزلار توْیا گئده‌نده
حسرت چکر اؤغلان‌لار

بولاق باشیْ توز اؤلار
دسته- دسته قیز اؤلار
ایل دسمالین گؤتؤر
من گؤتؤرسم سؤز اؤلار

یاغیش یاغار گؤل اؤلار
کروان کئچر یؤل اؤلار
گؤزؤم یاریْ گؤرنده
دیل توتولار لال اؤلار

قریب‌لیک یامان اؤلار
یئل گلر سامان اؤلار
قریب یئرده قالانئین
عؤمرؤ تئز تالان اؤلار

آتلیْلار، آیْ آتلیْلارا!
آتلیْلاریْ توتدولار
هامیْنئین آتلیْسیْ گلدی
منیم آتلیم توتدولار

ائشیکده قاراچیْلار
اؤتوروب فال آچیرلار
دئییرلر یارین گلیر
هانیْ به یالانچیْلارا!

نارینجیْ دوغرادیلار
دسمالا باغلادیلار
بو یار منیم دئییلدی
بؤینوما باغلادیلار

آرازیْ آیئیردیلار
قومونان دؤیوردولار
من سندن آیریلمازدیم
ظؤلمؤنن آیئیردیلار

داغلار دومان آرزیلار
چایلار چمن آرزیلار
منیم ده سئینئیق کؤنلؤم
سنی یامان آرزیلار

ایستیکاندا عاراق وار
گلمه اؤه قوناق وار
گتیر باشین دارایئیم

من‌ده قیزیل داراق وار
قاش گؤزون اؤینادان یار
سن کی، بئله دئییلدین
اؤلما بیر اؤیرن وار

دریادا چؤخ بالیق وار
روزی وئرن خالیق وار
جاوانلار ائولن‌مه‌یین
بو داغلارین دؤزؤ وار
دئییرلر باهالیق وار
دؤزلرینده قوزو وار
ایکی گؤیؤل بیر اؤلسا

دروییشم کشکولوم وار
کیمین اؤنا سؤزؤ وار
هر باغدا بئش گؤلؤم وار
چاغیررام یا ایلاهی!
باخچامیزدا قویو وار
سن آچان مؤشگؤلؤم وار
سرین- سرین سویو وار

بو داغدا مارالیم وار
بیر دانا یار سئومیشم
اؤخ دیمیش یارالیم وار
گؤزل حالیڭ خویو وار
نه گئجه یوخوم گلیر
نه گؤندوز قارارییم وار

باشیمدا کؤلاهیم وار
سنین تک پناهیم وار
گؤز گؤردؤ ، کؤنؤل سئودی
منیم نه گؤناهیم وار

دالان آلتدا دالان وار
دالاندا ایشر سالان وار
بوشلایین چیخیم گئدیم
گؤزؤ یؤلدا قالان وار

ایشری ایشری نادان یار

لایْ لایْ لار (۵)

ثریا بخشی

لایْ لایْ قیْزیْل قوْلباغیْم
بولاغیْم ، باخچام ، باغیْم
سن گوْلمه‌سن اینانما
بیر آن قاچا دوْداغیْم

لایْ لایْ مئیوْه‌لی باغیْم
لایْ لایْ شاماما تاغیْم
آللاهدان سوْنرا منیم
سن سن آرخام ، دایاغیْم

لایْ لایْ گمیم ، قایْیْغیْم
قیْرمیْزیْ شقایْیغیم
اوْل وطن قوْروقچوسو
گنجه گوْندوْز آیْیْغیْم

لایْ لایْ چاتمیْر داده کیم
هارایا ، فریاده کیم
دور قالادان هارایْلا
بلکه گلسین بابکیم

لایْ لایْ گوْلوْم ، چیچه‌یْیم
ائوْ ائشی‌یْیم ، دیره‌یْیم
دار گوْنوْمده اوْل‌گینان
منیم گوْجلوْ بیله‌یْیم

لایْ لایْ منیم ببه‌یْیم
بیر آرزیْم، بیر دیله‌یْیم
پیس گوْنده، پیس زاماندا
سن سن منیم کؤمه‌یْیم

لایْ لایْ دئدیم مارالیْم
سن قیْزار ، من سارالیْم
اینجه دیشلرین چیْخسیْن
گوْنده سنه نار آلیْم

لایْ لایْ دؤوْلتیم مالیْم
باشیْمدا ایپک شالیْم
سن شیرین یوْخلا من ده
یانیْندا آیْیْق قالیْم

لایْ لایْیْن یوْنجا گوْلوْم
گوْل آچیْب قوْنچا گوْلوْم

باجیسیٔ قارداشیٔنا
تۆخویور خالچا کیلیم

لایٔ لایٔنام آیٔ جانیم
آغلاما لایٔ لایٔ جانیم
سن یات گۆلۆم اۆیاقدیر
گۆزۆ آذربایجانیم

لایٔ لایٔ دوزوم دوزدانیم
لایٔ لایٔ دینیم ، ایمانیم
بالا کیمین دۆنیادا
اۆلماز عزیز گۆمانیم

لایٔ لایٔ اولدوزوم آیٔیم
لایٔ لایٔ شاماما پایٔیم
سن گئت شیرین یۆخویا
من ده ، نفسین سایٔیم

لایٔ لایٔین قوزو قوربان
قۆچ قوربان، قوزو قوربان
هر سمر بۆیۆن گۆرسم
کسه‌رم قوزو قوربان
لایٔ لایٔ تئلینه قوربان
شیرین دیلینه قوربان
مین قوزو قۆیۆون اۆلسون

سن تک گلینه قوربان

لایٔ لایٔنام بالا جان
ایکی ایگیت ، ایکی خان
سنین بۆیۆک باباندیر
ستار ایله ، باقیرخان

لایٔ لایٔ چاللام آستادان
قادان آللام آستادان
صۆبحه کیمین باشیٔندا
اۆیاق قاللام آستادان

لایٔ لایٔ آنا بالادان
دۆیماز ایمیش بالادان
رنگی سارالیب سۆلار
آیریٔ دۆشسه بالادان

لایٔ لایٔ بالام اۆباشدان
یۆخلا گلدی اۆباشدان
بو باش چکیم زحمتین
دینجیم آللام اۆ باشدان
لایٔ لایٔین قارا باغدان
دوزلودور قارا ، آغدان
چکیلمه‌سین سینه‌وه
من چکن یارا داغدان

لای لای یئرین یارپاقدان
قوندا غئین گول بوداقدان
جانئین کیمین یه لیک دور
ائلین اولان تورپاقدان

لای لایئ گلر یولدان
کیم گئدیب گلر یولدان
بالام یاتیب دورانا
آتاسئ گلر یولدان

لای لای دئدیم یاتاسان
قیزیل گوله باتاسان
من آرزیما چاتمادیم
سن آرزیوا چاتاسان

لای لای قیشیم ، قاریم سان
یازدان آلما ، ناریم سان

او دونیادا بئهیشتیم
بو دونیادا واریم سان

لای لای ائیین دایاغیم سان
آرخام سان ، دایاغیم سان
ایندی لازیم اولماسان
دار گونده دایاغیم سان

لای لای بالام باغریئ قان
بیر قوش واردیر باغریئ قان
لالادان گوزل گول یوخ
او دا باخسان باغریئ قان

لای لایئ نام خان اوغلان
بویونا قوربان اوغلان
قوچ کور اوغلو ، قوچ نبی
اوولادیئ آسلان اوغلان

لای لای دئدیم ائللردن
شیرین- شیرین دیللردن
آللاه بالامیئ ساخلا
اوزون آیلار ، ایللردن

آردیئ وار

آتالار سؤزۆ

محمد قاضی

-آنلامایانا دئسن قولونام دئیه‌ر گل آپاریئم ساتیم.

- آه چکیر قان تۆپۆرۆر.

- آیا اۆ قدر باخما کی، دۆشسۆن آیاغیئوا.

- آیۍ گۆرمۆشۆن، اولدوزا نه مینتی.

-آیاقلار گئده بیلمز کۆنۆل گئتمه‌ین ئیره.

-اردبیل بیر شهردیرهر کس اۆز وکیلی.

- ار گرک، تئز گرک، اۆزۆده جۆمه گئجه‌سی.

- اکمه‌ین ساققالئین ئۆلار.

- آللاه گۆمۆش قاپئینئ باغلاسا، قئیزئل قاپئ‌نئ آچار.

- اۆزگه باغئ اۆزۆملۆ اۆلار.

- اوشاقلئ ائوده هۆک دسته‌نی گۆیدن آسارلار.

- اوشاق وارديئر «ئۆخدور» بیلمز.

- ایت هارا قوئروغو دا اۆرا.

-ایتین حیاسیزئ قئیقاناقدان پایۍ ایسته‌ر، اۆنو دا چینی قابدا.

-ایت کۆکه‌لنده اتین ئیمزلر.

- ایشله منه اۆرگش اۆزۆنه.

- ائششه‌ئین ئاشیئندان، چرچی‌نین داشئندان باش چئیخارتماق اۆلماز.

- ائله بیل ائششه‌ئه قشۆۆ چکیر.

- ائل عاریف‌دیر تئز قانار.

- ائل قاباغئ سئل قاباغئ.

- ایتین آخساغئ دا اۆزدان قالماز.

- ایکی آدام بیر آداما قۆشون‌دور.

- باج قاچار، باجدار آلار.

- بازار چۆره‌ئی چۆخ اۆلسون بازاردا اۆلسون.

- باشئ‌نئین آغ‌ئیغئنا باخما اۆره‌ئی‌نین آغ‌ئیغئنا باخ.

- باشئ پاپاقلئ ساغ اۆلسون، قئیرمئزئ لچک قاپئ‌دادئر.

- باغ ساتئیب داغ آلئیب.

-باغبان پاخئل اۆلماسا باغ چپری نئیلر.

- باغیرساق کیمی سؤزؤ اوزادیر.
- باغیندا گؤل واریکن گؤل اؤزؤنه، باغیشندان گؤل تؤکندی کؤل اؤزؤنه.
- باغداد کیمین شهر اؤلماز، قارداش کیمین یار.
- باغ دایه یؤخ، بئلچه ایستر.
- بال چکن بارماق یالار.
- بالیٔ اؤلانین میلچه‌یی شامدان گلر.
- بنی آدام قانادلیٔ قوشدور.
- بؤرکچؤ باشآچیق گزه‌ر.
- بؤلبؤلؤ قیزیل قفسه قؤیموشلار «آه! وطن» دئمیش.
- بیر، آزدان قالار، بیر، چؤخدان.
- بیر گؤزؤ آغلایئیر بیر گؤزؤ گؤلؤر.
- بیر سوبایٔ اؤغلان، بیر میتیل یؤرغان.
- بیر قؤتور کئچی بیر سؤروؤنؤ خارابلار.
- بیر بوغدا اکمه‌سن، مین بوغدا بیچمه‌زسن.
- بیر دمیردن نال دا، اؤلار نیزه ده.
- بیر قؤرخاق بیر اؤردونو پؤزار.
- پاپاق آلتیندا اؤغلان‌لار وار.
- پاپاغیٔ تؤلکؤ دری‌سیندن، خبری یؤخ گئری‌سیندن.
- پالچیغا باتان آرابانیٔ، قؤجا اؤکؤز چیخاردار.
- پوللویا «بلی» دئیه‌رلر، پولسوزا «دلی»
- پئیغمبرین چیراغیٔ قیزدان یاتیب.
- جاندان کباب، قاندان شراب اؤلماز.
- جان وار قم وار، بی‌قم کیم وار.
- جاهیل‌ده سؤز ایتلنمز گؤنبذده قؤز.
- جاهیل‌دن قؤرخ، آسلان‌دان قؤرخما.
- جاوانلیقدا ایشله، قوجالیقدا دیشله.
- جاوانلیقدا زحمت، قوجالیقدا لذذت.
- چاریق تاپان دؤلاغین دا تاپار.
- چاریغین اسیرگه‌مه‌ین پاتاواسیندا قؤیار اؤستؤنه.
- چالیشانیٔ آج، تنبلی توخ گؤرن یؤخدور.
- چایدان کئچدی، آرخدا بؤغولدو.
- چؤمچه‌نین قدری آش داشاندا بیلینر.
- چؤمچه قویروغوندان توتان، یاغلیٔ یئرینده یئیه‌ر.

اینانج‌لار

رحیم غلامی لنج آبادی (داغچئ)- اردبیل

- اگر آیاغین آلتئ قاشئینسا کؤتک یئتیه‌جکسن.
- اگر الین ایچی قاشئینسا، الینه پول گله‌جک.
- اگر ایچمه‌لی چاتئین ایچینده بیر اوزون چایئ اؤلسا، دئیه‌رلر قوناق گلیر؛ اگر ایری اؤلسا، دئیه‌رلر قوجا کیشی‌دیر و دؤز اؤلسا، دئیه‌رلر جاوان‌دئیر.
- اگر بیر یئره گئتمک ایسته‌سن تک صبیر گلسه، دئیه‌رلر ایشیمیز راست گلمز؛ آنجاق اگر جوت صبیر گلسه، دئیه‌رلر ایش راست گلر.
- اگر قارغا قاپئدا آغاج اوستونه قونوب قارئلداسا، ائوه قوناق گله‌جک.
- اگر قاصیدک ائوه گلسه، دئیه‌رلر قوناق گلیر؛ آنجاق اگر قاصیده‌ئین اؤرتاسئندا تیز بیر شئئ اؤلسا، دئیه‌رلر کیشی‌دیر و اؤلماسا، دئیه‌رلر آروادئیر.
-اگر قاصیدک (خبرگزدیرن) گؤیده اوچوب بیردن اوستونه قونسا، دئیه‌رلر خبرگتیریب.
- اگر قولاغئن ایچی قاشئینسا، دئیه‌رلر قوناق گله‌جک. (دئیه‌رلر: قولاغئم گلیر.)
- اگرقیچئ‌اوزون هؤرومجک ائوه گلسه، دئیه‌رلر خبر گتیریب.
- اگر گؤز سه‌ئیرسه، بیر ایش قاباغا گله‌جک.
- اوشاق تزه اؤلاندا بعضن دئیه‌رلر فیلانکس دوعالیق‌دئیر؛ یانئ اؤنون ائوه گلمه‌یی‌نین اوشاغا زیانئ وار.

– اوشاق تزه اوْلاندا هر کیم ائوه گلسه گرک اوشاغئ گؤتوْرسوْنلر تا قوْناق ایچری کئچسین.

– ایلان آیئ گؤرمه‌ییجه جانئ چئخماز.

– ایلانئ اوْلدوْرنده گرک باشئنئ ازیک–ازیک ائله‌یه‌سن یوْخسا دیریلیب دالئنجا گلر. (یانئ هارایا گئتسن دالئنجا گلر).

– ایلانئ گؤرنه لعنت؛ گؤروْب اوْلدوْرمه‌یه‌نه لعنت؛ اوْلدوْروْب باسدئرماییانا لعنت.

– بوْز قورباغانئ دئییه‌رلر ایمام‌لارا سو داشئییئر.

– بیر صاغئرئین آتاسئ اوْلنده اوْ ائوده چایئ ایچمزلر. (صاغئرلئ ائوده چایئ ایچمزلر.)

– بیر ییئره گئده‌نده دئیه‌رلر صوْبح چاغئ اگر فیلانکس قاباغئمئزا چئخسا، ایشیمیز ایه‌ر. یا اگر اوْنون ترسه‌سی فیلانکس قاباغئمئزا چئخسا، اوْ گوْن آخشاما دک یاخشئ اوْلار.

– دئییه‌رلر فیلانکسین آیاغئ یوْنگوْلدوْر. (یانئ بیر ایشین باشلانئشئندا ایشین اوْستوْنه گلسه اوْ ایش تئز باشا چاتار وْ چوْخ اوزانماز؛ بر عکسی، بیر «آیاغئ آغئر آدام» بیر ایشین اوْستوْنه گلسه اوْ ایش قورتارماز وْ چوْخ اوزانار).

– دئییه‌رلر قاپئیا ایستی سو آتما یوْخسا پری‌لر بالاسئین یاندئیرارسان.

آذربایجان قدیم فولکلور رقص‌لری(۵)

کمال حسن اوغو
کوچورن: پیام سرابلی

۵- خلیل اولدوغ «رقصی»

بو دا قدیم اویونلو رقصدیر. یالنیز لئریک شهرینده یاییلمیشدیر. آرتیق یوز ایله یاخینداییرکی، ایفا اولونمور. آنجاق قوجالار ایندی ده اونون حاققیندا دانیشیرلار. «خلیل اولدوغ» رقصینی گنج‌لر و جاوان کیشی‌لر اویناییردیلار. ایشتیراکچیلاردان بیری «خلیل» یئره اوزانیب اولوغ تصویر ائدیردی. قالانلاری اونون اطرافیندا رقص ائدیردیلر. رقص ائدنلرین هر بیری «اولن» خلیلین اطرافیندا اویناياراق اونون مالیندان میراث کیمی نه گؤتوره‌جه‌یینی گؤستریردی. «واریث‌لر» موباحیثه ائدیرلر. بیری اینه‌یی یا خود اونونلا نئجه داورانماغی اویناياغا- اویناياغا گؤسترەرک اونون اینه‌یینی اوزو اوچون گؤتوره‌جه‌یینی دئییردی. او بیریسی اونونلا موباحیثه ائدیردی.

اوچونجو تصدیق ائدیردی کی، «خلیل»ین قابلاری اونا چاتیر و رقصده اوندان نئجه ایستیفاده ائتدییینی گؤسترەرک گویا اوزونه چای «سوزوب» ایچیردی. یا خود قابدا خورک بیشیریب یئییردی و س. بو، رقص‌لرخورئوقیرافیادان (رقص صنعتیندن) چوخ پانتومیم خوصوصیتی داشییئیردی. رقص ماهنی‌لی شئعرلی اولاراق خالیص رقص ریتمینه مالیک ایدی. بو ماهنی‌نین موشاییعتی ایله رقص ائدیلیردی.

سئناریو: بیر قوروپ گنج بیر نفری احاطه ائتمیشدیر. بو، شن زارافاتجیل، موختلیف اویون و ایله‌نجه‌لرین تشکیلاتچیسی‌دیر، او، مزه‌لی بایاتی‌لار اوخویور .

هامئ راضئ حالدا ال چالئر. کیمسه داپانا بیلمه‌ییب رقص ائتمه‌یه باشلاییر. گنج یؤرولوب اؤ اؤخوماقدان ایمتیناع ائدیر. اؤنو دیله توتورلار. بیری زارافاتلا اؤنو هده‌له‌ییر. دئییر کی، اگر باپاتئ دئمه‌سه اؤنو اؤلدؤره‌جک. بئله بیر دئییشمه گئدیر:

– من خلیل دئییلم کی، منی اؤلدؤره‌سن.

– خلیل اؤزؤ اؤلدؤ. سنی ایسه من اؤلدؤرؤب املاکینا صاحیب اولاجاغام.

گنج‌لردن بیری قدیم «خلیل اؤلدؤ» اؤیونو اؤیناماغئ تکلیف ائدیر. جانلانما یارانیر. آنجاق هئچ کیم خلیل اولماق ایسته‌میر.

بیرینی دیله توتورلار. اؤ اوزانیب اؤزؤنؤ اؤلؤلؤیه وئرور. هامئ دیزینه وئرارق اؤنو اؤخشاییر و اؤنون اؤچؤن «آغلاماغا» باشلاییر. خلیل ده دوروب اؤتورور و اؤزؤنؤ اؤخشاماغا باشلاییر. اؤنو تئزدن یئره اوزادیرلار. کیمین نه گؤتؤره‌جه‌یی بارده قیزغئن مؤباحثه گئدیر. بیرینجی قاچیب اوزانمیش خلیل‌ین چکمه‌لرینی چئخارتماغا باشلاییر و اینانديئرير کی اونلار اونون آیاغینا چؤخ یاخشئ اولور. خلیل هیرسله‌ییر. اونا قولاق آسمیرلار. ایکینجی اونون آرخالیغینئ سؤیوندورور خلیل آز قالیر آغلاسین. دئییرکی انصافیز اولسون سؤیوقدان اؤله‌رم. اونا دئییرلر«سس سالما سن اؤنسوز دا اؤلمؤسن». اؤچؤنجؤ خلیل‌ین بارماغیندان قیزیل اؤزؤ چئخاردیر. دؤردؤنجؤ پاپاغینئ گؤتؤرؤر. بئشینیجی بیلمیر نه گؤتؤرسؤن. «من قازان گؤتؤره‌جه‌یم» دئیه کؤنجه قاچیر. گویا قازانئ گؤتؤرؤب کنارا چکیلیر. موسیقی چالیئیر، ایسته‌نیلن موسیقی، (مثلن توراجی). لاکین اؤیونون آخیرینا کیمی عئینی موسیقی اولمالئ‌دیر. بیرینجی: آیاغیندا خلیل‌ین چکمه‌لری چئخیب رقّاص یئریشیله دایره‌وی دولانیر. رقّاص کیمی بیر ـ ایکی دفه آتیلیب هوس ایله رقص ائتمه‌یه باشلاییر. اساس حرکت‌لری آیاق حرکت‌لری‌دیر. اونونلا اینینده‌کی چکمه‌لرین مؤحکم و قشنگ اولدوغونو گؤسترمه‌یه چالیشیر. هامئ ال چالیر.

ایکینجی الینده آرخالیق اؤرتایا آتیلیر. بیرینجی چکمه‌لرله عؤمومی قوروپا طرف گئری چکیلیر. ایکینجی آرخالیقلا اؤیناییر. پارچاسینئ یؤخلاییر و تیکیلیشی‌نی نظردن کئچیریر.

کیمسه قاچیب آرخالیغی گؤتؤرؤر و اؤنو الینده ساخلایاراق گئیمک اؤچؤن رقّاصا کؤمک ائدیر.

رقّاص آرخالیغئ اینینده هامارلایاراق هر طرفه چئوریلیر. بؤتؤن ایشتیراکچی‌لارئ دؤلاییر و تزه پالتارینئ گؤسترمه‌رک رقص ائدیر. اؤچؤنجؤ رقّاص ایکینجی‌نی سئچیشدیریر. اؤنون الینده اؤزؤک وار. اؤزؤیؤ یوخاریئ قالدیراراق داییره اؤزره رقص ائدیر.سؤنرا اؤزؤیؤ بارماغینا کئچیردیب وؤقارلا روان سلیس بیر طرزده اؤیناییر. رقصده اساس حرکت‌لر ال حرکت‌لری‌دیر. بئله وضعیت‌لرده الر گاه یانلارا، گاه یوخاریئ آچیلیر.

دؤردؤنجؤ، الینده پاپاق رقصه قؤشولور. اؤ، اصل ایگیت‌دیر. پاپاغئ وؤقارلا باشینا قؤیوب ـ گویا بیغلارینئ تومارلایـیر. وؤقارلا آیاقلارینئ گؤتؤرؤب قؤیور و بیردن سؤرعتله اؤیناماغا باشلایـیر. بو زامان اؤ گاه ساغ الینی گاه دا، سؤل الینی باشینین آرخاسینا قؤیور.

بئشینجئ، اؤزؤنؤ ساخلایا بیلمیر. اؤ زاراقاتچیل‌دیر. حرکت‌لری ده گؤلمه‌لی‌دیر. الینده ایری «قازان» وار. اؤ آغیر ـ آغیر دؤوره وورور اؤتوروب یئمه‌یه یئر آختاریر. هامئ قازانئ اؤنون الیندن آلماق ایسته‌ییر. لاکین اؤ وئرمیر. نهایت صحنه‌نین قاباغیندا «قازانئ» یئره قؤیور. سئوینجله اطرافیندا رقص ائدیر. سؤنرا «قازانین» یانیندا اؤتوروب قؤللارینئ چیرمایییر. الینی «قازانا» سالیب لذتله آش یئمه‌یه باشلایـیر. دؤست‌لارئ رقص ائتمه‌یه باشلایاراق اونا قؤشولماغا و اوندان آلماغا چالیشیرلار.

لاکین اؤ وئرمیر. «اؤلؤ» کیمی اوزانمیش خلیل دؤزه بیلمیر. «منیم قازانیمی وئرین. من اؤزؤم ییئه‌جه‌یم» دئیه قیشقیریر.

«قازانی» بئشینیجی گنجدن آلاراق سئوینجله رقص ائده ـ ائده صحنه‌دن چیخیر. قالانلاری دا رقص ائده‌رک اونون دالینجا گئدیرلر. یالئیز بئشینجی یازیق بیر گؤرکه‌مله ال قولونو اؤلچه‌رک قانی‌قارا حالدا چیخیر.

بعضی مصلحت‌لر: بیرینجی حیصه‌نی سهو (؟) حرکتلری ایله، ایکینجی حیصه‌نی ایسه رقصله قورماق لازیم‌دیر. بؤتؤن اشیالار ائتؤدله (طرح‌له) گؤستریلیر. آنجاق ائله گؤسترمک لازیم‌دیر کی، ایناندیریجی اؤلسون. تکجه رقصده یؤخ. همچینین پانتؤمیم‌ده هره‌نین اؤز کاراکتری وار. موسیقی‌چی‌لر بو کاراکتره ؤ ایفا اؤلونان اوبرازا مؤوافیق گاه جؤشغون، گاه یاواش یاواش کؤمیک، گاهدا گئنیش ؤ لطیف طرزده چالیرلار. اونلار گؤرؤنمؤرلر. صحنه‌نین آراخاسیندا اوتورورلار. حادیثه‌لر فاصیله‌سیز ؤ بؤتؤن رقص‌لر حرکتله، سؤزئتلی (مضمونلو) واحید بیر تام کیمی اؤلمالی‌دیر.

خلیل دائما فعال‌دیر. او گاه اعتیراض ائتمه‌یه چالیشیر. گاه دوروب اؤز شئی‌لرینی آلماق ایسته‌ییر. گاه دا خاهیش ائدیر کی، اونلار کؤرلاماسین‌لار. اونو یئنه اوزادیرلار. او بیر مؤددت حرکت‌سیز اوزانیر. سونرا باشینی ال‌لری آراسینا آلیب ماراقلا حادیثه‌نی ایزله‌ییر. رقص واختی آتماجالار اؤلا بیله‌ر. لاکین رقص ائدن اؤزؤ آتماجا آتمیر.

یئتیم سئیدی(۲)

ناغیللئن آدی: یئتیم سئیدی (زنگان روایتی)
ناغیل اونخویان:آشیق مسلم عسگری
ناغیل یازان: محمد رزّاقی (زنگان)

یازما تاریخی:۱۳۸۳-نجو ایلین اون بیرینجی آیئتئن اون دوردو

عرض الله دیک کی، کئچن زامانلاردا تبریزده ایکی قارداش وار ایدی سئییدمحمد و سئید احمد. سئید احمدین مالئ آز ایدی و بیر اوغلو دا وار ایدی ایبراهئیم آدیندا، سئید محمدین مالئ چوخ ایدی بیر قیزئ دا وار ایدی نرگیز آدیندا. قضا وورور سئید احمد دونیادان گئدیر، ایبراهئیم یئتیم قالیر. ایبراهئیم و نرگیز اوشاقلیقدان بیر-بیرینه آداخلانمیشدیلار . ایبراهئیم، دده‌سی اولندن سونرا نرگیزدن ائلچیلیک ائلیر آمما قیز قبول ائله‌میر چونکی ایبراهئیم هم یوخسول ایدی، هم ده قیناقه‌دن بیرآز چیرکین. یوخسوللوق ایبراهئیمئ یامان سینسیدیر، آنا مذمتی ده بیر طرفدن؛ اوز قونیور بیتابانا، شهرین کناریندا بیخیلیب هوشدان گئدیر. یوخودا حضرت-ی علی(ع) بونا اوچ دنه وئرگی وئریر: اول الینی چکیر بونون اوزونه بونون اوزونون چیرکینلیینی گئدیر، گوزل اولور؛ ایکینجیسی، طبعی شئعر گلیربونا، اوچونجوسو حضرت-ی علی(ع) «گونوور رزم»این قیزئ پری خانیمئ بونا بوته وئریر. سئیدی آیئلاندان سونرا گلیر اوزه. سونرا گئدیر بیر ارمنی دن بیر ساز آلسین، بیر ماجرا اولور کی ارمنی ده مؤسلمان اولور و بونا دا بیر ساز وئریر.

یولو دوشور بازاردان. بو یاندان دا دئمه نرگیز خانیمین کنیزلریندن گلیب بازارا وسایئل آلماغا گوزو ساتاشدئ گوردو بیر جاوان الینده ساز گئدیر آنجاق سئیدیئه چوخ بنزری وار. قیز گلیب دایاندئ سئیدی‌نین قاباغیندا، سورووشدو:

- آغا! سن کیم اولاسان؟

سئیدی دئدی:

- من آشیغام.

قیز دئدی:

- آدین نه‌دیر؟

سئیدی دئدی:

– منیم آدیم سئیید ایبراهیم‌دیر.

کنیز الین چالیب الینه قاچدی. دابانا قوّوت، ترپنیب نرگیز خانیمین یانینا.

– نرگیز خانیم دئمه‌زسن سنین عمین اوغلونا آللاه بیر گوزه‌للیک وئریب دونیادا تایی تاپیلماز.

نرگیز خانیم چیخیب کولافیرنگی‌دن باخدی سئیدینی ساز الینده گوردو. قیزلارا تاپشیردی سئیدینی گتیرین منیم یانیما. قیزلار سئیدینی چاغیریب گتیردیلر نرگیز خانیمین یانینا.

سئیدی دئدی:

– عمی قیزی منلن نه سوزون وار؟

نرگیز دئدی:

–بو گوزه‌للیئی سنه هاردان پای وئردیلر؟

سئیدی دئدی:

– خوب ساتیردیلار من ده آلدیم.

ایستیر بیر آز بونو اله سالسین باشدان آچسین. نرگیز دئدی:

– بو شئی‌لر ساتدیق دئییل. بونلار آللاهین ایشی‌دیر.

سئیدی جاواب وئردی:

– سیز وارلی، بیز کاسیب بیزیم‌کی توتماز.

نرگیز دئدی:

– یوخ من سنه تابیع اولاجاغام.

سئیدی دئدی

– اولماز.

نرگیز سوروشدو:

– خوب هارا گئدیرسن.

سئیدی دئدی:

– قوربت ویلایته.

نرگیز خانیم ایستیر سئیدییه سوز اوخوسون:

باشئینا دؤندوییم اوز عمیم اوغلو گئتمه عم‌اوغلو جان، ایلن آل منی

دینلرین ایچینده ائی دینی دوغرو گئتمه عم‌اوغلو جان، ایلن آل منی

سئیدی جاواب وئریر:

اوشاق ایکن بیر مکتبه گئده‌ردیک دسمال آلیب دیده‌لریم سیله‌ردیک
یۆسقوللوغو بیزه تۆهمت ائدردیز یئری عمیم قیزیڭ آلمارام سنی

نرگیز خانیم ایستیر حربه گلسین بلکه سئیدی قۆرخا بونو آلا.

نرگیز دئییر تئلیم کیمی اسدیررم اؤز الیم‌له کبین‌نامه کسدیررم
آلماسان سن منی سنی اؤلدۆررم گئتمه عم‌اوغلو جان، ایلن آل منی

سئیدی جاواب وئریر:

سئیدی دئییر بودور سؤزۆن ازلی پاییز اولور باغلار تۆکر خزلی
من سئومیشم پری کیمین گؤزلی یئری عمیم قیزیڭ آلمارام سنی

سئیدی دئدی: اگر من یاخچیڭ اولسایدیم سن منه اول گله‌ردین؛ ایندی سن‌لن منیم ایشیم توتماز. نرگیز دئدی: منیم بو سؤزۆمه ده قولاق وئر:

نرگیز دئییر بسله‌دییم گؤلۆمۆ قۆهوم ایچره قیسا ائتمه دیلیمی
نۆلفر کیمی من قوجارام بئلیوی گئتمه عم اوغلو جان ایلن آل منی

بو سؤز سئیدی‌یه تۆخوندو آلیب بئله جاواب وئریر:

باهار اولوب ائل یاییلاغا کؤچنده ناشیڭ اوچو جئیرانلاریڭ سئچنده
دوه بوینوز چئیخاردانداً، قوملار چیچک آچاندا اوندا آللام سنی اؤز عمیم قیزیڭ

نرگیز بو سؤزلری اینانیب قیزلارا دئدی: ائی قیزلار ائشیتدیز کی، عم اوغلو بیزه نه دئدی. هر زامان بو سؤزلر قاباغا گلدی یعنی دوه بوینوز چئیخارتدیڭ و قوملار چیچک آچدیڭ منه دئییه‌رسیز.

سئیدی عمی قیزیلیندان آیریلیب ائوه گلدی. ننه‌سی گؤردو اوغلو گلیر آنجاق الینده بیر اثاث(وسیله) وار. گؤرمه‌میشدیر تانیمادیڭ، بیلمه‌دی نه‌دی. دئدی:

– اوغول او نه‌دی آلیبسان گتیریب‌سن. یئمه‌لی‌دیر ایچمه‌لی‌دیر؟

دئدی:

– ننه‌جان بونون آدینیڭ بیلمیرسن؟

دئدی:

– یۆخ.

سئیدی دئدی:

– ایلش سنه اوخویاجاغام.

ایکی‌سی ده اؤتوروب؛ سئیدی آلیر ننه‌سینه بئله اؤخویور:

جانئیم آنا گؤزوم آنا — آنا بو ساز-ی همدم‌دیر
سنه قوربان اؤزوم آنا — آنا بو ساز-ی همدم‌دیر

بؤلبؤل سئوَر باهار یازیر — گؤل اؤسته اؤخور آوازیر
آشیقلار چالار بو سازیر — آنا بو ساز-ی همدم‌دیر

سئیدی‌یم دؤشموَشم درده — منزیلیم‌دی قوَربت ائلده
قبضه‌سینده نئچه پرده — آنا بو ساز-ی همدم‌دیر

ننه‌سینین گؤزو دؤلدو، باشلادی آغلاماغا. دئدی:

– اؤغول بو سؤزوَن منی آغلاتدی. قوَربت ائل نه اوچوَن؟ بیز اؤز اؤلکه‌میزده نه یاشایئیریق گئده‌ک قوَربت ائلده نئیله‌یک.

دئدی:

– ننه بیلمیرسن بو گؤزه‌للیئی کیم وئردی منه؟

دئدی:

– یوخ. سن دئییردین ساتئین آلمیشام. دئدی سن قدیم آدام‌سان. بیلمه‌دین گؤزه‌للیئی ده به‌یه ساتئین آلارلار. بو ایش‌لر تک آللاهئین الیندن گلر. حضرت-ی علی(ع) موَبارک الیله بو گؤزه‌للیئی منه وئردی. بیر دنه ده بوته وئردی. گرک قوَربته گئدم.

ننه‌سی بونا سؤز تاپمادی. ایندی یئتیم سئیدی ایسته‌ییر سازلا سؤزله ننه‌سیندن حالال‌لیق آلسئین.

سنه قوربان اؤلوم آنا — آنا هوَمت، منه هوَمت
جانئیم آنا، گؤزوم آنا — آنا هوَمت، منه هوَمت

اؤغول ننه‌یله قوَل بوَیون، ننه‌سی جاواب وئریر:

اؤغول سن گل گئتمه‌گیلن — گئده‌رسن حق ایشن وارسئین
وطن ترکین ائتمه‌گیلن — گئده‌رسن حق ایشن وارسئین

ننه‌سی دئدی:

– هارا گئدیرسن؟

سئیدی دئدی:

قوربانام ائلین مئهرینه گئدهرم «گؤیؤر» شهرینه
دؤزهرم سؤزؤن تهرینه آنا هؤمت، منه هؤمت
ننهسی دئییر:
چؤخ چکدیم اؤغول قهرینی ییمهدیم خئیری بهرینی
گؤرمهمیش «گؤیؤر» شهرینی گئدهرسن حق ایشن وارسئین
ننهسی دئدی:
– سن اؤرانئ تاپمیرسان گل گئتمه.
سئیدی دئدی:
– یوخودا منه اؤرانئ تانیتدیردیلار.
«سئیدی»یم سؤزؤم ازلدن بؤلبؤلؤم آیریلدئ گؤلدن
گؤرمهسم سنی من بیردن آنا هؤمت، منه هؤمت
ننه بالا قؤل بؤیون آغلاشدیلار. یئتیم سئیدی ننهسیندن آیریلدئ تبریزدن یؤلا دؤشدو.
بیر منطقهده قیزلار چؤله گزمهیه چیخمیشدیلار سئیدینی گؤروب توکولدولر دؤزهسین توتدولار. دئدیلر:
– آشیق سنین باشئین بلاسئ بیزیم جانیمیزا گلسین. سئویریک بیزه بیر آز اؤخویاسان.
قیزلارین بیری تئز دئدی:
– قیزلار قویون بو اؤغلانا بیر سؤز اؤخویوم.
قیز ایستهییر او بیریسی قیزلار سئیدینی گؤز آلتئ ائلهمهسینلر قیز اؤخور:
قریب ائلدن گلن اؤغلان اؤغلان آل منی، آل منی
منی درده سالان اؤغلان اؤغلان آل منی، آل منی

باغچان اؤلسون، بارئن اؤلسون آلمان اؤلسون، نارئن اؤلسون
منم «خوردا»، یارئن اؤلسون اؤغلان آل منی، آل منی
یئتیم سئیدی ایستیر قیزلارا بیر نئچه بند سؤز اؤخوسون. قیزلار دئدیلر:
– نه اؤلار آشیق سن بیزه بیر نئچه گؤن قوناق اؤلاسان. بیز ده سنه خیدمت ائدهریک. یئتیم سئیدی جاواب وئردی:
– قیزلار من آشیغام. آشیق دا ائل نؤکریدیر. آممیا اینسانئین باشئینا بلا گتیرن آروواد خالقیدئیر. من سیزه سؤز اؤخویارام آمما آیاغئز گیر توتماسئین.

قیزلار دئدی:

– آشیق آرتیق سؤز دانیشسان کوته‌یین ده وار.

یئتیم سئیدی قیزلارا بئله دئییر:

سحر– سحر چیخیب دؤرتخانادان — نه مطلبه گلیب یؤل اوسته قیزلار

گلنه– گئده‌نه کؤلگه سالمازلار — نه‌دن راهدار اولوب یؤل اوسته قیزلار

اوزوز نؤورسته‌سیز یئمیشیز کالدیز — بو گؤزللیک سیزده نه تؤحفه حالدیز

آغیز(ئیز) زنبوردو، لب‌لریز بالدیز — قند و نبات ازیر یؤل اوسته قیزلار

سئیدی دئیه‌ر عشق اودونا یانارام — گئجه سیزیلدارام، گؤندوز یانارام

سوسوز اولوب یار لبیندن قانارام — نئجه کباب یانار کوز اوسته قیزلار

یئتیم سئیدی قیزلاردان آیریلیب یولا دوشدو بیر شهره یئتیشدی. بو شهرده اوچ قیز وار ایدی هره‌سینی بیر عئیب اوسته شهردن قوموشدولار. بونلار شهردن ائشیکده زیندگانلیق ائیلیردیلر. بو اوچ قیزین یانیندا بیر آیری قیز دا وار ایدی کی، اوز گؤیلو ایله بونلارین یانیندا قالیردی. بونلار گؤردولر بیر آشیق گلیر الینده ساز. کسدی‌لر قاباغینی. دئدیلر:

– هارا گئدیرسن؟

سئیدی دئدی:

– من آشیغام گزه‌رم هر یئرده تویا اولسا چالارام اوخویارام.

دئدیلر:

– سؤزومو یوخ آمما سن حق آشیغی‌سان یا ائله یالاندان چالیب اوخویارسان؟ سئیدی دئدی:

– من ائله چالیب اوخویارام. بیر تیکه چؤرک اسیری‌یم.

قیزلار دئدی:

– یوخ. سنین قیافه‌ن یئمیر چؤرک اسیری اولاسان. سنین هئچ خطین گلمه‌ییب اگر سن بیزیم عئیب‌لریمیزی دئیه بیلسن جانین قورتاراجاقسان؛ اگر دئمه‌سن سنی اولدوره‌جه‌یک.

یئتیم سئیدی‌یه ایلهام اولدو آلیب بو قیزلارین عئیبین دئسین:

اوشاق ایکن بیز مکتبه گئده‌ردیک — دسمالیئنان دیده‌لریم سیله‌ردیک

وکیلین اوغلویلا هنک ائده‌ردیک — سنین ده ایشینده حیلله وار حیلله

قیز چکیب سئیدی‌نین آلنیندان اؤپدو. دئدی:

– خوب! یؤلداشلاریمین دا عئیبلرین دئیه‌سن.

سئیدی آلیب بئله دئییر:

باشینا دؤندوریم ائی پری خانیم سنه قوربان اولسون بو شیرین جانیم

یومورتا اوغروسو ائی پری خانیم سنین‌ده ایشینده حیلله وار حیلله

یومورتا اوغروسونون آدی پری خانیم ایدی. سئیدی‌نین الیندن اوپوب، دئدی:

– سن حق آشیغی‌سان. چوخلو آشیقلار گلیب بوردان کئچیب‌لر آمما بیزیم عئیبیمیزی دئیه بیلمه‌ییب‌لر. ایندی یؤلداشیمیزین عئیبی نه‌دیر:

گل گؤروم، گل گؤروم نه مکانلی‌سان گؤزهرسن، گؤزهرسن دوز مکانلی‌سان

وزیرین اوغلوندان ایکی جانلی‌سان سنین ده ایشینده حیلله وار حیلله

دؤردونجو قیزین رنگی ساری سئیتقالی ایدی. دئدی:

– ائی سئیدی بونلارین هره‌سینین بیر عئیبی وار. سن گل منله توی ائله.

سئیدی دئدی:

– نه یؤغوردوق نه یاپدیق، حاضیردا کؤکه تاپدیق.

سئیدی آلیر قیزین سؤزونه جاواب وئرسین:

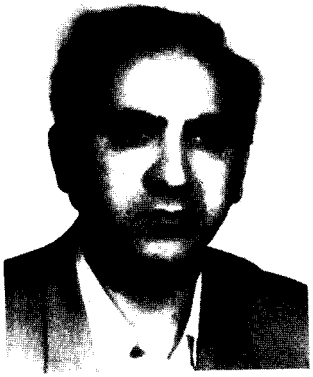
من نئینیرم سنین کیمی ساریمی من سئومه‌رم اوزگه‌لرین یاریمی

من سئومیشم آلا گؤزلو پرینی منیم ده ایشیمده حیلله وار حیلله

قیزلاردان سوروشوب کئچدی. یئتیریر پری خانیمین قلعه سینین کناریندا چمنلیک‌ده یورغونلوقدان یئیخیلیر یاتیر.

سئیدی نئجه گئدیر پری‌نی تاپیر. موللا گتیریر عقد اوخوتدورور. پری خانیمین تئلینی ایتیریر، آللاه ایسته‌سه گلن بؤلومده عرض اولونار.

نجف داستانی(۳)



علیرضا ذیحق

کئچمیش بؤلؤمؤن خؤلاصه‌سی:

ایصفهانلئ محمد سؤوداگرین اؤغلو نجف، آتاسئ رحمته گئدندن سونرا، گئدیر بئهبهانا اؤز بئشیک کسمه آداخلئ‌سئ و عمی‌سی احمد سؤوداگرین قئیزئ پریزادئ آلیر. تؤی دؤیؤندن سونرا ایستیرلر گلسین‌لر ایصفهانا؛ ییؤلدا نجف بیر تیلیسمین اثرینده بیرگؤزئرچین دؤنونا دؤشؤر چاره‌سیز اوچور گئدیر همدانا دؤشؤر. پریزاد ایستیر بو قضیئه‌نی هئچ کیم بیلمه‌سین نجفین لیباسلارئنئ گئتسیر. چؤن ایکی‌سی ده بیر آلمادان خلق اؤلموشدولار هئچ کس تانئیمیر. کاروان اهلینه دئتسیر ایکی لؤتو حمله ائله‌دی پریزادا. بیلمه‌دیم نئیله‌ییم پریزادئ دؤغرادیم. سونرا باشلاییر ییؤلا داوام اندیر. گلیر ایصفهانا نجف گیلین ائوینه. بو ییاندان رسم اؤزؤیئنن شاه عاباسئین حؤضورونا تؤحفه آپاراندا شاه عاباس اؤز وزیری‌نین قئیزئ‌نئ وئرر نجفه (حقیقتده پریزادا) پریزاد چؤن ایسته‌میر هئچ کس بیلسین، بونو آلیر آمما بو مؤشکؤل وضعییتدن چئیخماق اؤچؤن گردک‌ده باشلاییر ناماز قئیلماغا کی، آتامئین وصییتی‌دیر کی، ییددی گؤن ناماز قئیلام. هدف ده بودور کی، نجف گله، ایش دؤزه‌له:

پریزاد بوردا نامازا مشغول اؤلسون گؤرهک نجف نه ایش گؤرؤر. ائشیت‌گیلن ماجرانئ همدائین چؤلچؤلرئندن چؤبانلارئندان کی اؤیچو احمدی تاپماق اؤچؤن اؤنو ایلیم- ایلیم[1] آختارئرلار. اؤیچو احمدین اؤخوندان گؤیده اوچان آرئ دا قورتولانمازدئ. بیر کیتابئ دا وار ایدی بؤتؤن تیلیسم، سئحیر و جادو. اؤنو همیشه اؤزؤینن دؤلاندئرارداِئ. اؤیچو احمده خبر وئردیلر کی، داغدا ائله بیر اینیلتی- زارئلتئ وار کی، مال- داوارئمیز دا قؤرخودان اؤرا دؤلانمئر. اؤیچو احمد دیک به دیک[2] بلددیر هر ییئره. تیر کامانئن گؤتؤرؤب آتئ میندی و اؤ زاماندئر کی، گؤنؤن گؤن اؤرتا چاغئ و ییئتیشیب اینیلتی‌نین یاخئن‌ائیغئنا. یاخئنا گئتدیک‌جه ائله‌بیل آرئ پتک‌ده سئزئلدئر. اؤیچو احمدین تؤک‌لری بیز- بیز اؤلدو. تیر کامانئ حاضئرلادئ و سسلندی کی این‌سن، جین‌سن، بشرسن، هرنه‌سن جاواب وئر. دائیشماسان یقین بیل کی، وؤراجاغام. نجف گؤیرچین دؤنوندا اؤز دؤلاندئردئ درگاهی نؤبؤیته کی، خودایا چؤخ شؤکؤر بیر بشر سسی قولاغئما گلدی چاتدئ. نجف دانئشماغا جسارت‌لندی و دئدی:

دؤلانئنام باشئنا ائی گلن عمی ایمداد ائیله قورتار بلادن منی
آخان سئله دؤندؤ دیده‌مین نمی ایمداد ائیله قورتار جادودان منی

اؤیچو احمد باخدئ ائی داد بیداد دئیه‌سن بونون دانئشئغئندان جاواندئر. دست به دست کیتابئ چئخارتدئ. باخئیب گؤردؤ گؤیرچین دؤنونا سالئیب‌لار بیله‌سین. دوعانئین او بیری اؤزؤنه باخاندا گؤردؤ آللاهئین ایسته‌ئی اؤلسا نیجات ییؤلو وار. کامانئ دؤندەردی ساز عوضینه سینه‌سینه و نجفین جاوابئندا گؤرهک نه دئدی:

دؤلانئنام باشئنا مردانه جاوان چؤخ - چؤخ چتین بیر بلایه دؤشؤبسن

---

[1]- ایلیم-ایلیم: سین- سین، گیری-گیری.

[2]- دیک به دیک: قارئش با قارئش.

بیزه کؤمک اؤلسون اؤ شاهی مردان　　چؤخ- چؤخ چتین بیر بلایه دؤشؤبسن

بو سؤزدن سؤنرا نجفین سئزیلتیسئ بئله گلدی قولاغا:

حسرت قالدیم اولوسوما ائلیمه　　بؤلبؤل‌تکین گؤلشنیمه گؤلؤمه

جادو دئییل من دؤشموشم اؤلؤمه　　ایمداد ائیله قورتار بلادن منی

اؤؤچو احمد دئدی: «صبر ائله اؤغول کی، اینشاللاه قورتاررام سنی!»

گؤزلرین گؤرمه‌یه ایگیدیم دئییه　　یالواریب قؤیمارام دؤشه‌سن گیره

اؤخویوب بیر دوعا پؤفله‌رم گؤیه　　چؤخ- چؤخ چتین بیر بلایه دؤشؤبسن

اؤؤچو احمد، نجفین آد سانیئنئ بیلمک ایسته‌رکن قضا قده‌رینن سؤروشدو. نجف بئله آنلاتدئ:

الخاچ چیمه‌نینده، چشمه باشیئندا　　گؤزؤنده سؤرمه‌دیر وسمه قاشیئندا

نجف‌دیر آد سانیم جاوان یاشیئندا　　ایمداد ائیله قورتار بلادن منی

اؤؤچو احمد ده اؤنون قورتولاجاغینا سؤز وئریب اؤزؤنؤ بئله تانیئتدیردئ:

یئریم همداندیر احمددیر ایسمیم　　دؤزمه‌دن باشلارام جادونو سیلیم

«هل اتی» سوره‌سی سیندیرار تیلسیم　　چتین آمما بیر بلایه دؤشؤبسن

یئر گؤیؤ دومان بؤروییوب گؤیؤ گورولدارکن ایلدیرئملار شاخدئ و نجف، گؤیرچین دونوندان چیخیب اؤزلؤیونه قاییتدئ.

نجف همداندا احمده قوناق‌دیر و اونون بیر قیزئ وار خانلارخانئ آدینداً. ماجرادان خبرسیز ایدی. چیخمیشدئ شیکارا. قاییدیب، ایچری گیرجک گؤردو کی، بیریسی وار ائله بیل چؤل بیابانین وحشی‌سی. نه آداما بنزه‌ییر نه حئیوانا! بو قیلیق‌دا آدام گؤرمه‌میشدی هئچ. سسله‌نیر: «آنا بو کیم‌دیر؟» آناسی دئییر: «آللاه قوناغئ‌دیر. بو گؤن قوناق‌دیر صاباح گئده‌جک.» قیز دئییر: «بیه آدام قیت‌لیق ایدی

کی، گئدیب چؤل وحشی‌سینی قوناق گتیریب.» دئدی: «بئله‌لیئینه باخما بالام، بو چؤخ یاخشیؤ مرغوب جاوان‌دیر. بو گؤنؤ قالسئین صاباحیؤ گؤنده‌ررم گئده‌ر.»

ائشیت ماجرانیؤ کیم‌دن اوؤچو احمددن کی ال - آلتیؤ اوزونؤ وئریب سلمانیؤنئین یانئینا وؤ اوردان دا حامامچیؤنیؤ گؤروب نجفی قوئیور کالیسکایا یؤللاییئر کی، اوز- گؤزونه صفا وئره. بیر دست ده لیباس حاضیرلاییئر قوئیور قاباغینا کی، حامامدان چیخدیقدا گئیه. نجف حامامدان چیخیب اوز- گؤزونه صفا وئریر وؤ پالتارلاریؤنیؤ گئیدیکده ائله‌بیل اوؤن دؤرد گنجه‌لیک آیؤ ایدی طؤلو ائدیر. احمدله بیرلیکده ائوه قاییئدیب ائله‌شدیلر صؤحبته وحدته کی، قیزیئن گؤزؤ بیردن نجفه ساتاشدیؤ. دؤزگؤن باخاندا اوره‌ییندن کئچدی کی، قوناق دا دئسه‌ن ائله بئله اولار با! نه کی، بایاقکیؤنئین تایؤ چؤلؤن وحشی‌سی. قیزیئن بیر گؤیلؤ اولورسا دا مین گؤیؤل ایله نجفه عاشیق اولدو. ائوؤ صاحابیؤنئین وظیفه‌سی قوناغا سلام وئریب خوش گلدین دئمک‌دیر. کئچدی ایچری وؤ آتاسیؤنئین حوضوروندا نجفه سلام وئردی. سحر اولجاق قیز آناسئینیؤ گؤروب یاپیشدیؤ کی، اؤلسه‌م ده گرک من بو اوغلانا گئدم. دئدی: «سن دئمک‌له اولماز کی، قوئیؤ آتانلا دانیشئیم بلکه بیر چیخار یؤلو تاپدیق.»

اوؤچو احمدین حال- قضیئه‌دن خبری اولوب نجفی یانئینا چاغیردیؤ. دئدی: «اوغول» دئدی: «بلی» دئدی: «داری دؤنیاده تکجه بیر قیزیئم وار اونوندا گؤیلؤ سن‌ده. قیزیئمیؤ سئویرسن اگر، بو ایش بیتسین گئتسین.» نجفین اوره‌ییندن کئچدی کی، بو کیشی منی تیلیسم‌دن قورتارارکن جانیئمیؤ اونا بورجلویام. سؤزونؤ یئره سالمامالیؤیام. اوؤ دور کی، اوزوندن گلر گلمز دئدی: «قیز گلیرسه من ده آئیرام.» آخشاماجان ایش‌لر بیتیب قاضی گلیب کبین‌لرین کسدی وؤ هر ایکی سئوگی بیر- بیرلرینه چاتدیلار. بیر نئچه گؤن سونرا نجف اوز دوغلاندیردیؤ خانلارخانیئینا

کی، یاواش- یاواش چیخیب اطرافئ گزه‌رکن قلبی‌میزین قوّباریئ داغیلسین. مئهترلر ایکی آت حاضیرلاییب هره‌سی بیرینی مینیب چیخدیلار گزمه‌یه. عرب اؤز دؤه‌سینی آختاران کیمی نجف ده آتین اوزون چؤنده‌ردی[۳] الخاچ چیمه‌نینه کی بو قضا قدهر اونو اؤردا توتموشدو. نجفین اؤره‌یی درده گلیب بوّتوّن کئچمیشی گؤزوّندن کئچدی و اؤره‌یی قالدئ اؤردا کی، پریزاد نئیله‌ییر ایندی. سؤزلر کؤنلوّنده بولاق تک زینه وئریب خانلارخانیئنا گؤره‌ک نه دانیشیر:

کؤچدوّ ائللر نه‌لر گلدی اوغرونا — بایقوش تک چؤللرده قالان من اؤلدوم
بوّتوّن بزیرگان‌لار کؤچدوّ یوردونا — مجنوّن تک چؤللرده قالان من اؤلدوم

هاردا منیم آلا گؤزلوّ همدمیم — گوّن به گوّن آرتیرئ مؤحنتیم قمیم
نوح(ع) تکین دریاده قرق اؤلدوگمیم — گمی‌سی گیرداب‌دا قالان من اؤلدوم

نجف بیرگوّن قدم باسار اوّتاغا — قند ازیله‌ر دیله دیشه دؤداغا
اوتانجیمدان تریم آخار بوخاغا — ترسه سئودیم شیخ-ی صنعان من اؤلدوم

قیز شئعر اهلی ایدی ایشی سئچدی. دئدی: «یؤرولدوّق قایئیداق.» قایئیدئیرلار شهر ایچینه. همدانئ گزه‌رکن نجفین ده گؤزوّ قالیب تیجارت خانالاردا. گؤردوّ بیر قافیله گئدیر ایصفهان شهرینه. سئوینجیندن آز قالدئ روحو بدندن چیخسیئن. سؤیله‌ییر: «تاجیرباشئ بیر مکتوب وارئیم‌دئیر». گؤره‌ک بوردا نجف نه دئییر و تاجیرباشی مکتوّب‌دا نه یازئیر:

۳- دؤندردی.

گئده‌ر اؤلسان ییوردا یاریئن یاتیئنا — یاز آغ اؤستؤندن قاره بزیرگان
سؤرسا اگر یار منیم احوالیمئ — گؤنؤم گؤنؤمدندیر قاره بزیرگان
بختی‌میز اؤلمادی ازل‌دن باشدان — گؤزل اؤلان اؤلار کیرپیک‌دن قاشدان
همدانلئ احمد ییئندیریب داشدان — دؤشمؤشم ائؤیمده تؤرا بزیرگان
قاشئین کامان، کیرپیک‌لرین صدفی — آغزئین دؤردؤر دیشین اینجی صدفی
خبر آلسا دئنه گؤردؤم نجفی — بیر قولون ایتیب‌دیر آرا بزیرگان

تاجیر نامه‌نی یازئیب آغزئینئ باغلادئ و گؤنده بیر منزیل طئیی منازیل. واختیئندا گئدیر چاتیئر ایصفهانا. نجف ده فیکیرده‌دیر کی، گؤره‌سن نامه‌نین جاوابئ هاواخت گله‌جک. نجف مؤنتظیرکن مکتوب پریزادئین الینه چاتیئر. مکتوبو اؤخویارکن گؤزلر نجف‌دن‌دیر. قاصیده انعام وئریب اؤنون تکرار همدانا دؤنمه‌سینی ایسته‌رکن مکتوبو بئله یازئیر:

دؤلانانام باشیئنا آی خان عم اؤغلو — نامه ییئتیشجه‌ییین یاریئم دورما گل
سنه قوربان دئدیم بؤشیرین جانئ — نامه ییئتیشجه‌ییین یاریئم دورما گل
سن گئده‌لی اؤبالاریئم یاتمادئ — قاصید سالدیئم سؤزاقلاریئن بولمادئ
هئچ بیر زامان سنین اؤزؤن گؤلمه‌دی — نامه ییئتیشجه‌ییین یاریئم دورما گل

قاصید بؤللو انعام‌لا مکتوبو آلیب بیر نئچه گؤن سؤنرا چاتدیریر نجفه. نجف مکتوبو آلیب اؤنو اؤخوماقدادیر. خانلارخانئ آنلاییئب اؤنو گؤدؤر. نجف مکتوبو اؤخویارکن قیز دا گیزلینجه اؤنا یاخین‌لاشیب مکتوبا گؤز تیکیر. ایسته‌ییر نامه‌نی بؤکه کی، خانلارخانی ال اوزادیب نامه‌نی آلیر. نجف باخدئ دئییه‌سن ایش دؤشدؤ آشکارا. خانلارخانئ‌نئین اؤره‌ییسی آلماق اؤچؤن دئدی: «آدام آدامئ بیر بئله برکه وئرمه‌ز. سنین عئشقین حقیقی عئشق اؤلاراق سئوگینه اینانیریام. سنی سئوه‌جه‌ییمه هئچ شؤبهه ییوخدور. آنجاق منیم ده ائلیم، اولوسوم، کئچه‌جه‌ییم و دؤنه‌نیم وار.

اؤنلاریٔ خاطیرلاماق منی سئخئیر وٓ داریٔخدیریر. خانلارخانیٔ! ائیٔ ایقبالئمیٔن اولدوزو آیئ، قولاق آس سان گؤرسن نه‌لر وار اؤره‌ییمده، هئچ منی دانلامازسان!»

دؤلانـنام باشیٔنا خـانیٔ — یار یانـیٔندان گلن واردیٔ
سنه قوربان دئدیم جانیٔ — یار یانـیٔندان گلن واردیٔ
من ده بیر بزیرگان خانام — سانما ازل‌دن بیـرقوشام
بیرباجیٔم وار بیر ده آنام — گؤزوٓ یؤلدا قالان واردیٔ

ایکی سئوگی اؤزه، اؤزه، گؤزه بیره بیرلری ائله بو حالدا دردلشیرلر. اوٓ دئـییر بو قولاق آسیر بو دئـییر اوٓ قولاق آسیر. قیز دئـییر:

دؤلاننام باشیٔنا مردانه جاوان — سؤیله گؤروٓم یارئین نه مکانلیٔ‌دیر
دؤلائیم باشیٔنا من اؤلوم قوربان — سؤیله گؤروٓم یارئین نه مکانلیٔ‌دیر

نجف دئـییر:

یار ائلیندن گلدی بیزه بیرخبر — پریزاد عئشقی‌له تـوتـوشام یـانام
دؤلانـیٔم باشیٔنا قادان من آلیٔم — سنه قوربان ائل اولوسوم هم آنام

قیز دئـییر:

گؤزل‌لر یـیٔغیٔشیٔب بیزیم قصیره — حسرتیـنی چـکر بغـداد بصـیره
سئـیرانا گئدیرسن گئدک میصیره — میصیر ایندی خئیله‌ک صفاکانلیٔ‌دیر

نجف دئـییر:

بیزیم یـئرده پاییٔز اؤلار قـیٔش اؤلار — سیزین یـئرده اؤردک اؤلار قوش اؤلار
سن دانـیٔشسان منیم گؤیلوٓم خوٓش اؤلار — سنه قـوربان ائـل اولـوسوم هم آنام

قیز دئـییر:

بیر جانـیٔم وار بیر جان اوٓچوٓن بسلییم — طوطی قومری تکین خوٓش صدفلی‌یم
آدیٔم خانلارخانیٔ قـیٔلمان اهلی‌یم — یـوٓخسا پریزادیٔن خوٓش نیـشانلیٔ‌دیر

نجف سۏن سۏزۏنۏ بئله دئییر:

یقین سن نجفین دین ایمانئسان میصیر ایستانبولون شیرین جانئسان
سئۏیب سئۏمەلی باشئمئین تاجئسان سنه قوربان ائل اولوسوم هم آنام

نجفله خانلارخانئ ایصفهانا گئتمەیه قرارلئ اۏلورلار ۏ اۏۏچو احمددن ایجازه آلماق اۏچۏن حۏضورونا چاتئرلار. خانلارخانئ گۏرەک نه قئیئق آتاسئندان ایجازه آلئر:

دۏلانئنام باشئنا آتا ایذین وئر قالماقال یاتا
یئتەسن ایمانا کانا بیر ایلتیماسه گلمیشم
داغلارئن قارئ تۏکۏلدۏ باغرئمئین باشئ سۏکۏلدۏ
الیف قددیم دال بۏکۏلدۏ الیمده عصا گلمیشم
اریسین داغلارئن قارئ داغئلسئین گۏیلۏن قۏبارئ
سنه قوربان قئیزئن جانئ بیر ایلتیماسه گلمیشم

اۏۏچو احمد حال ـ قضییەنی آرتئیق سۏروشارکن گۏردۏ قئیزئ ایله نجف ایصفهانا گئتمک ایستەییرلر. دئدی: «دۏزدۏر کی، هله جئهیز ایشینه باخمامئیشام ۏ جئهیزسیز سنی یۏلا سامالئیام. آمما گئدن قورو یئرده قالماياجاق کی، قدیمدن دئییبلر «گلین قدمی ائله چۏبان دەیەنەیی ایله». اوغرونوز خۏش، یۏلونوز آچئیق!» خانلارخانئینان نجف گۏز یاشلارئ ایچره وئیدالاشارکن «بیر داها گۏرۏشمک اۏزەره» دئیەرکن اۏز قۏیدولار ایصفهانا طرف.

گلن بۏلۏمده اۏخویاجاقسئز کی، نه جۏر نجفنن خانلارخانئ گلیرلر ایصفهاندا پریزادئ تاپئرلار ۏ نجف، داستانئن سۏنوندا اۏز اۏج آروادینئ باشئنا یئیئنیر.

گؤیْ مونجوق

روایت ائدن: **پاپور میرزایی**
یازان: **رحیم غلامی لنج آبادی-اردبیل**

گؤنلرین بیر گؤنونده کندلرین بیری‌سینده بیر ناخئیرچیْ وار ایدی. ناخئیرچیْ هر گؤن آشئریْ کندین ناخئری‌نیْ بایئیرا آپاریئب وْ اوْتاریردیْ. سانکی ناخئیرچی‌نئین آرواديْ دؤققوز آیدان سونرا ئئریکله‌دی. ناخئیرچی‌نئین آرواديْ تکجه اینک اتینه ئئریک‌له‌ییردی. دئمه‌لی ناخئیرچی‌نئین دونیا مالئندان بیر شئیی ئوخ ایدی وْ فقط ناخئریْ اوْتاریب حاق آلئیردیْ.

ناخئیرچیْ آرواديْن ایسته‌ییه‌نه بیر آزجا فیکیره گئدیب وْ انششه‌ییْن باشی‌نیْ کسیب جیئه‌ریندن آرواديْنا گتیردی. آرواديْ انششه‌ییْن جیئه‌رینی ئئدی وْ دؤققوز آیْ، دؤققوز گؤن، دؤققوز ساعات، دؤققوز ثانیئه‌دن سونرا بیر اوْغلان دؤغدو. بو اوْغلانئین بدنی آدام آمما قولاق‌لاریْ انششک قولاغئینا اوْخشادیْ.

اوْن ایکی ایل اوشاغیْ انوده ساخلادیْ‌لار. یانیْ اوشاغیْ آبئرلاریْنا گؤره قوْیمادیْ‌لار چؤله چئیخسئین. گؤنلرین بیر گؤنو اوشاق دا آتاسئیلا گئتدی. گؤن اوْرتا واختی‌ئیدیْ کی، ناخئیرچیْ سوسوزدو وْ اوْغلونا دئدی «گئت گؤر اوْبادان سو آلا بیلرسن».

اوْغلان اوْبا صاحیبی‌نی چاغئیراندا بیر سیننی کئچمیش قاریْ‌نئین قاپیْنا چئیخدیْ. قاریْدان سو ایسته‌دی. قاریْ کئچیب اوْباپا بیر بارداق الینده قاپئیتدیْ. بارداغیْ اوْغلانا وئریب دئدی «اوْغول! بوردان اوزاقلاشاندان سونرا بارداغئین آغزینیْ آچارسان».

اوْغلان اوْبادان ایراق اوْلاندان سونرا بارداغئین آغزینیْ آچدیْ. بارداغئین آغزینیْ آچاندا بارداقدان بیر ایلان چئیخدیْ. اوْغلان قوْرخوب دالیْ چکیلدی. ایلان دئدی «قوْرخما! اگر منی ایلانلاریْن شاهیْ‌نئین یانیْنا آپارسان، هر نه ایسته‌سن وئره‌ر». اوْغلان

دئدی «نییه، نه اوچون؟» ایلان دئدی «چونکی من ایلان‌لارین شاهی‌نین قیزی‌یام، آمما یادیندا ساخلاگینان کی، بیز اوزا چاتاندا ایلانلار بیزیم دؤزه‌میزه پؤهره وئره‌جک‌لر. سن اوندان قورخمایاجاقسان. چونکی اونلار منیم ایستیقبالیما گلیرلر. اوندان سونرا آتام سنه دئیه‌جک «مندن نه ایسته‌ییرسن ایسته». اوندا دئیه‌رسن «شاهین ساغلیغینی ایسته‌یرم». بو سوزو اوچ دفه سندن سوروشاجاق. هردفه سوروشدو سن دئیه‌رسن «شاهین ساغلیغینی ایسته‌یرم». آخیرین دفه شاه بیر ده سنه دئیه‌جک «مندن نه ایسته‌یرسن ایسته». اوندا دئیه‌رسن «دیلینین آلتیندا کی گؤی مونجوغو ایسته‌یرم».

ایلان اوغلانا یولو گؤستریب یولا دوشدولر. گئتدیلر گئتدیلر تا ایلانلارین شاهی‌نین یوردونا یئتیشنده هر یاندان ایلانلار پؤهره‌لندی. ایلانلار بونلاری شاهین یانینا آپاردی‌لار. شاه دئدی «اوغول! مندن نه ایسته‌یرسن ایسته» اوغلان دئدی «شاهین ساغلیغی‌نی ایسته‌یرم» اوچ دفه سوروشاندان سونرا اوغلان شاهدان گؤی مونجوغو ایسته‌دی. شاه تیتره‌دی، دئدی «منی یامان گونه سالدین». شاه ایسته‌دی کی، گؤی مونجوغو وئرمه‌سین، شاهین قیزی آجیقلاندی. دئدی «به سن نه جور آتاسان؟ بو منی نجات وئریب. سن اونون ایسته‌دیینی‌نی وئرمیرسن؟» شاه علاجسیز قالیب گؤی مونجوغو وئردی. دئدی «اوغول! گؤی مونجوقدان هر نه ایسته‌سن اولمالیدیر».

اوغلان ایکی روکت ناماز قیلیب دئدی «حضرت-ی سولئیمان عشقینه منیم قولاق‌لاریم آدام قولاغی اولسون و بوللوردان بوردا بیر عیمارت تیکیلسین». حضرت-ی سولئیمان عشقینه اوغلانین قولاقلاری دوزه‌لیب، بیر ده بوللوردان بیر عیمارت تیکیلدی. اوغلان بیردن آجلیغی دویغولاندی. ایکی روکت ناماز قیلیب، دئدی «حضرت-ی سولئیمان عشقینه بیر دنه آتیم، بیر دست تزه پالتاریم و بیر بوشقاب خوره‌ییم اولسون». حضرت-ی سولئیمان عشقینه بونلاریین هامیسی اوغلانین الینه چاتدی و خوره‌یی یئییب، پالتاری گئییب و آتی مینیب، آتاسی ائوینه یوللاندی. آتا-آناسی اوغلانی اولدوزده قویموشدولار. اوغلان ایچری گیررکن اوغلانی تانیمادی‌لار.

اوغلان باشینا گلنی آتا- آناسینا سویله‌دی و قولاغی‌نین بئییندن گئتمه‌یینی آتا- آناسینا ایناندیردی. اوغلان آتاسینا دئدی «داها صاباحدان ناخیرا گئتمه‌یه‌جکسن». آتاسی مال یئیه‌لرینه دئدی «داها من صاباحدان بیر کسین مالینی اوتارمایاجاغام». اوغلان

آتاسینا دئدی «آتا! شاهئین قیزئین من اوچون ائلچیلیک ائتگینن». آتاسی دئدی «اوغول! شاه قیزئنئ سنه وئرمز. آغئر اوتور باتمان گل». اوغلان آتاسئنئ راضئ ائدیب، دئدی «قوی‌رخما! سن قیزئن ائلچیلیئی‌نه گئتگینن».

صوبح آلاتوی‌رانلیقدان اوغلانئن آتاسئ ائلچی داشئیئن باشئنا چیخیب و داشئ بیر- بیرینه چیرپدئ. شاها خبر آپاردیلار کی، «ناخیرچئ ائلچیلیئه گلیب». شاه دئدی «قوی‌ون گلسین». شاه ناخیرچیئا دئدی «اگر سنین اوغلون منیم قیزئمئ ایسته‌ییر گرک مین دنه دوه گتیره‌سن و دوه‌نین مینی ده بیر رنگده اولا. هر دوه‌نین ده بئلینده اون ایکی چووال قیزئل اولسون».

ناخیرچئ ائوه قاییدیب، شاهلا دانیشماغئن اوغلونا سؤیله‌دی. اوغلان آتاسئنا دئدی «آتا! شاهئین ایسته‌دیک‌لری هامیسئ صوبح چاغئ قاپیدا حاضیر اولاجاق». اوغلان ایکی روکت ناماز قیلیب دئدی «حضرت-ی سولئیمان عشقینه مین دنه دوه، هر دوه‌نین بئلینده اون ایکی چووال قیزئل اولسون». حضرت-ی سولئیمان عشقینه اوغلانئن ایسته‌ییی‌نین هامیسئ حاضیر اولدو. ناخیرچئ صوبح آلاتوی‌رانلیقدان دوه‌لرین اوزه‌سارئنئ چکیب شاهئین قاپیسئنا آپاردئ. شاه تعجوب‌لنیب آمما بیر سؤز دئیه بیلمه‌دی. ناچار قیزئ ناخیرچئ‌ئین اوغلونا وئردی.

بیر موددتدن سونرا شاهئین قیزئ اوغلانئن سیررینی آنلادئ و گوی مونجوغو گئجه یاتاندان سونرا اوغلاندان اوغورلادئ. قیز آرزئ ائله‌دی کی، دنیزین اورتاسیندا بیر ائوی و لایق بیر کیشی‌سی اولسون. اوغلان آییلیب گوردو نه آروواد وار، نه هئچ زاد. الینی بورنونا آپاریب گوردو گوی مونجوغو دا یوخدور ایکی الی اولدو بیر باشئ دئدی «ائویم یئخیلدئ، بئچارا اولدوم، تامام ثروتیم الیمدن گئتدی». بیر پیشیئی بیر ایتی وار ایدی اونلاری گوتوروب گوی مونجوغو تاپماغا یوللاندئ. گئدیب گئدیب بیر دنیزه یئتیشدی. دنیزین اورتاسیندا بیر عیمارت گوردو. اوز-اوزونه دئدی «بو عیمارت حئکمت‌سیز اولا بیلمز. دئمکله گوی مونجوق بو عیمارته‌دیر». اوغلان گوردو دنیزه گئده بیلمه‌یه‌جک. نااومید اولدو. پیشیک دئدی «نییه یاس توتوبسان. ایندی ایت ایله من گئدیب گوی مونجوغو گتیررم».

پیشیک ایتین بئلینه مینیب دنیزیندن اوزه- اوزه عیمارته چاتدیلار. آستا- آستا عیمارتین ایچینه کئچدیلر.عیمارتین ایچینه کئچنده گؤردولر شاهئین قیزیلا بیر دئوْ یوخلایئیب‌دیر. پیشیک گؤیْ مونجوغو قیزیئن باشیندان گؤتوروب قاچدیلار. دنیزین اورتاسیندا ایت دئدی «مونجوغو منه گؤستر گؤروم نئجه مونجوقدور». پیشیک دئدی «دنیزین او تایئیندا گؤسترەرم». ایت دئدی «یوْخ! گؤسترمه‌سن سنی سویا آتاجاغام». پیشیک مونجوغو گوسترنده مونجوق الیندن زورْوب دنیزه دوْشدو. اوغلان یئنه ده نااومید اولدو. بیر- بیر توْرچولاریئن توْر آتماغینیْ گوْدوْردو. بیر گوْن توْرچولاریئن بیری‌نین توْروندا بیر قیرمیزیْ بالیق ائشیئه چیخدیْ و توْرچو بالیغین قارنیْنیْ جیراندا گؤیْ مونجوق گؤرسندی. اوغلان توْرچویا دئدی «مندن نه ایسته‌ییرسن ایسته. آنجاق او مونجوغو وئر منه». توْرچو دئدی «یوْخ! بیر دنه قیزیم وار. بو مونجوغو قیزیما آپاراجاغام» یئنه ده اوغلان علاج‌سیز قالادیْ.

یئنه ده پیشیک دئدی «قوْرخماگینان من مونجوغو گتیررم. پیشیک آستا- آستا توْرچونون اوْینین ایچینه کئچیب، گؤیْ مونجوغو توْرچونون قیزیْنین الینده گؤردو. پیشیک تئزجه آتلاتیب قیزین اوزون -گؤزون دیددی. قیز الین آپاریب اوزونه آغلادیْ. آغلایارکن مونجوق الیندن دوْشدو. پیشیک تئزجه مونجوغو گؤتوروب قاچاراق اوغلانا یئتیردی. اوغلان پادشاها خبر آپاریب دئدی کی، «قیزیئن باشقا کیشینن اوْینایئیر» پادشاه قیزیْنیْ اوْلدوروب شاهلیغینیْ اوغلانا وئردی.

صبیر داشئ

توپلایان: اورجعلی دوزنانی

بیری وار ایدی، بیری یوخ ایدی. بیر کیشی وار ایدی بیر آروادا. بو آروادئین تکجه بیر قیزلارئ وار ایدی. بو قیزئین آدئ سیتاره ایدی. سیتاره یئکه‌لیب ارلیک یاشئینا چاتار. بیر گون سیتاره گئدیب کندلری‌نین قیراغئندا آخان چای‌دا پالتار یویاندا، بیر قارا قارقا گلیب، بیر ایئده آغاجئ‌نئین بوداغئنا قونوب دئیه‌ر: «سیتاره بختی قارا! سن بیر اولدوزه قیسمتسن». سیتاره بو سوزو ائشیدیب آغلایا- آغلایا ائولرینه گلر. آتا- آناسئنا قارقانئین سوزونو دئیه‌ر. سیتاره‌نین آتا- آناسئ بو سوزون دوغرو اولماسئندان قورخوب بیر آز چورک یاپئیب بیر آز یئمک- ایچمک گوتورووب کندلریندن چیخئیب گئدرلر.

چوخ گئدرلر، آز گئدرلر دره- تپه دوز گئدرلر. بیر قالانئین قاپئسئنا چاتارلار. قالانئین یانئندا دینجه‌لیب داغارجیغلارئنئ آچیب یئمک یئیه‌رلر. سیتاره‌نین آناسئ سیتاره‌نین آتاسئنا دئیه‌ر: «او کندده قالسایدیق، گوزوموزون آغئ- قاراسئ بو قیزئمیز دا اولدوزه قیسمت اولاردئ». سیتاره‌نین آناسئ دا بو سفردن راضئ اولدو.

دینجه‌لیب ناهار یئدیکدن سونرا، قالانئین قاپئسئنئ دویدولر. آتا دویدو کیمسه قاپئنئ آچمادئ، آنا دویدو، کیمسه قاپئنئ آچمادئ. سیتاره دویندە، قاپئ بیردن آچیلدئ. سیتاره تک باشئنا قالانئین ایچری‌سینه گیرجک، قاپئ باغلاندئ. آتا- آنا نه قدەر قاپئنئ دویدولر، قاپئ آچیلمادئ. قاپئنئ ازمک ایسته‌دیلر، قاپئ دمیردن اولدوغوندان ازیلمه‌دی. سونرا، «قیسمت بئله ایمیش»- دئییب آتا- آنا اومودسوز قالیئیب کندلرینه قایئتدیلار.

سیتاره قالانئین ایچینه گیریب آغلایا- آغلایا قالادا اولان بیر اوتاغا گیردی. بو اوتاق چوخ گوزل قالئ- گبه‌لرله دوشنمیش بیر اوتاق ایدی. اوتاغئین پنجره‌سی ائشیه باخیردئ. اوتاغئین اورتاسئندا بیر تاخت اوستونده بیر گوزل گنج اوغلان یوخویا گئتمیش کیمی اولموشدو. اونون باشئنئین اوسته بیر کاغئذ دا

یازیلمیشدیئ: «هر قیز قیرخ سوره قورآندان اوخویوب، اوغلانین سینه‌سینده‌کی قیرخ میلی چکسه، اوغلان دیریلیب اونو آلاجاق».

سیتاره بو اوتاقدا هر جور یئمه‌یی گوروب یئییب ایچدی. گونده بیر سوره اوخویوب اوغلانین دوشوندن بیر میل چکدی. اوتوز دوققوز گون اوتوز دققوز سوره اوخویوب، اوغلانین کوکسوندن اوتوز دوققوز میل چکدی. قیرخینجی گون، سیتاره پنجردن ائشی‌یه باخاندا، قالانین یانیندا بیر قاراچی قیزی گوردو. گنج قیزا یازیقلیغی گلدی. «بو یئکه قیز پیس کیشی‌لرین الینه کئچمه‌سین»- دئیه قیزین الیندن یاپیشیب پنجردن اوز اوتاغینا سالدی. سیتاره اونا یئمک- ایچمک وئریب دئدی: «آی قیزا آللاه قارداشینی ساخلاسین، بیر آز من یاتیرام، باشیما باخ. سیرکه‌سین دوشور». سیتاره باشینی یئره قویوب قاراچی قیزی سیتاره‌نین باشینا باخماقدا اولدو.

بیر آزدان سونرا، سیتاره یوخویا گئتدی. قاراچی قیزی. کاغیذی اوخویوب دوروب سون سوره‌نی اوخودو. اوغلان آسقیریب آییخدی. دیریلجک، باشی‌نین اوسته قاراچی قیزی‌نی گوردو. اوز- اوزونه دئدی: «قیسمتیمه باخ! گوزنه چیرکین قیزلا ائولنمه‌لی‌یم».

اوغلان قاراچی قیزا دئدی: «قیسمت بئله گلمیش. ایندی من سن ایله ائولنمه‌لی‌یم». سیتاره‌نی ده یوخلامیش گوروب اوغلان سوروشدو: «بو یاتان کیم‌دیر». قاراچی قیز دئدی: «بو دا کنیزیم‌دیر». اوغلان سیتاره‌نین گوزللی‌یی‌نی بیه‌نیب اوز- اوزونه دئدی: «کاش منیم قیسمتیم بو گوزل قیز اولایدی».

اولو اوغلان دیریلدیکدن سونرا، قالانین قاپیسی آچیلمیشدی. صاباح اوغلان قاراچی قیزا دئدی: «گئدیرم بازارا. پار- پالتار آلارام. سنله توی ائدیب ائولنم». سیتاره‌یه ده دئدی: «سن ده نه ایسته‌سن، بازاردان سنین اوچون آلاجاغام». سیتاره دئدی: «منه بیر صبیر داشی‌یلا بیر بیچاق آل گتیر».

اوغلان بازار گئدیب قاراچی قیزا گلین پالتاری، قیزیل بیلرزیک، قیزیل بویونباغ، قیزیل سیرقا، قیزیل اوزوک آلیب، بیر بویوک بوغچا باغلادی. بیر دوکانا

دا گئدیب بیر صبیرداشئ‌ئیلا بیر بئیچاق ایسته‌دی. یاشلئ آغ ساققال دؤکانچئ سؤروشدو: «دؤزؤم داشئین اؤزؤنه آلئیرسان یا باشقاسئینا؟». اؤغلان دئدی: یؤخ، ائؤیمیزده بیر کنیز وار. اؤ تاپشئریب. دؤکانچئ دئدی: «صبیرداشئ آلانئین دردی اؤلار. دردینی داشا دئییب اؤزؤنو اؤلدورهر. سن بو داشئ آپاردیقدان سؤنرا، گئت اؤ کنیزی گؤدگیلن. اؤ بیر خلوت یئره گئدیب دردینی داشا دئیه‌جک، اؤنا یاخچئ قؤلاق آس، بئیچاغئ قارنئینا چالاندا توت الیندن آل».

اؤغلان بازاردان قایئدیب آلدیغئ پار- پالتارئ قاراچئ قئیزا وئریب صبیرداشئ‌ئیلا بیچاغئ دا سیتاره‌یه وئردی. اؤغلان سیتاره‌نی گؤدؤردؤ. سیتاره بیر خلوت اؤتاغا گئدیب صبیر داشئ‌نئ قاباغئینا قویدو. اؤغلان قولاق آسدیغئین سیتاره بیلمه‌دن، سیتاره باشلادئ باشئینا گلن داستانئ صبیر داشئ‌نا دئدی. هر بؤلؤمؤن دئدیکجه داشا دئییردی: «سن ده صبیر. من ده صبیر». داستانئ دئییب اؤ یئره چاتدئ کی، قاراچئ قئیزئ گلیب سؤن میلی اؤغلانئین دؤشؤندن چکیب اؤغلان دا اؤنونلا ائولنمک ایسته‌دی. داستان بورا یئتیشنده سیتاره دئدی: «داهئ منیم اؤلمه‌یئم قالماغئمدان یئی‌دیر». «ایندی اؤزؤمؤ اؤلدؤروم» دئدیکده، تئز اؤغلان ایچری گیریب سیتاره‌نین قؤلوندان توتوب بیچاغئ الیندن آلدئ. اؤغلان اؤنا دئدی: «داستانئ ائشیتدیم. ایندی من سنینم، سن منیم، اؤزگه خیال ائلمه. کیمسه بیزی بیر-بیریمیزدن آیئیرا بیلمز». قاراچئ قئیزئ‌نئ دا انعام وئریب ائشیگه اؤتؤردؤرلر. اؤغلان ائل-تایفاسئینئ باشئینا یئیغئیب یئددی گؤن یئددی گئجه تؤی وؤردولار. اؤغلان سیتاره‌یله ائولەنیب شاد یاشادئلار.

سؤن



قارغیش‌لار

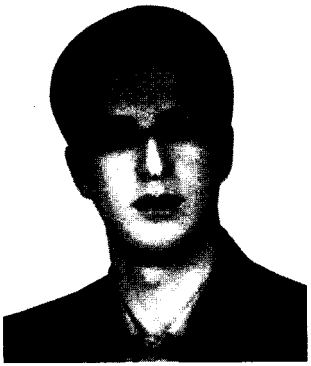
اردبیل ؤ هنده‌ؤرینده

توپلایان: آذر بشیرزاده
AzarBashirzade@Yahoo.com

۱ـ آرالیقدا قالاسان.
(یئرسیز- یوواسیز قالاسان.)
۲ـ آللاه قاباغینا قویسون.
(گؤردوگوزون ایش، آچدیغین فیرئیلداق اؤز باشینا دا گلسین.)
۳ـ الـلرین چؤروسؤن.
٤ـ الین خمیر اولسون، قارئین آج.
٥ـ الین خئینا گؤرمه‌سین، چیئنین پرده.
(اوغـلان‌لارا دئییلـر؛ ناکـام اؤلـه‌سـن آنلامیندا.)
٦ـ اؤلاددان یاریماپاسان.
(اوشاق‌لاریندان خئیر گؤرمه‌یه‌سن.)
۷ـ باشئین آغاریرنجاق، گؤزؤن آغارسین.
(قوجالمامیش اؤله‌سن.)
۸ـ بؤیونا خام ایپ توتوم.
(کفن‌لمک آنلامیندا.)
۹ـ تپن‌دن کؤل اله‌نسین
(پیس گؤنه قالاسان.)
۱۰ـ توخ قارنینا هئچ الینی باسمایاسان.
(همیشه آج قالاسان.)
۱۱ـ تیغاغین داغیلسین.
(اؤز ائشی‌ینین داغیلسین.)
۲۱ـ چؤخ ایشله‌یه‌سن، آز یئیه‌سن.
۱۳ـ چؤرک آتلیَ اولسون، سن پیّادا.
(چؤره‌ییـن داشدان چیخسین؛ چتین‌لیک‌له دؤلاناسان.)
۱٤ـ هـئچ «اوخـای» دئییـب، دینجه‌لمه‌یه‌سن.
(همیشه زحمتده اولاسان.)
۱٥-هـئچ اوزون گؤلـوب عئینـین آچیلماسین.
(خوش گؤن گؤرمه‌یه‌سن.)
۱٦ـ دالیندان کسیب، قاباغینا یاماپاسان.
(یؤخـسوللوقلا ال بـه یاخـا اولاسـان؛ چتـین‌لیک‌لـرین، دردلـرین الینـده آوارا قالاسان.)

۱۷ـ دالئن هارای اوْلسون، قاباغئن قویو.
(نه گئدیش یوْلون اوْلسون، نه قاییدیش.)
۱۸ـ دوْبردین داغئلسئن.
(ائوْ ائشی‌ئین، دودمانئن، یئددی آرخان داغئلسئن.)
۱۹ـ سو اوْزوْنه گوْله‌سن.
(خوْش گوْنوْنه پئشمان اوْلاسان.)
۲۰ـ سنی آغلار قالاسان.
۱۲ـ شلین آغئر اوْلسون، قارنئن بوْش.
(یوْکوْن آغئر اوْلسون، قارنئن بوْش.)
۲۲ـ قاباغئندا بوْرج اوْلسون.
۳۲ـ قاباغئندا چوْرک بوْرجو اوْلسون.
۴۲ـ قاباغئندان دورو سو آخماسئن.
(همیشه کوْرلوقدا اوْلاسان.)
۵۲ـ قارا بخت اوْلاسان.
(قئیزلارا دئییلر؛ ار ائوْینده خئیر گؤرمه‌یه‌سن.)
۶۲ـ قارا پرده اوْلاسان.
(قئیزلارا، گلین‌لره دئییلر؛ ارین اوْلسوْن آنلامئندا.)
۷۲ـ قارا پرده، قارا دوواق اوْلاسان.
(قئیزلارا، گلین‌لره دئییلر؛ اری‌نین اوْلوْمونه یاس ساخلایاسان.)
۸۲ـ قارا گئیینیب، گؤی بوْرونه‌سن.
(عزیزلری‌نین بیری اوْلسوْن.)
۹۲ـ قارا یاپالئق اوْلاسان.

(قئیزلارا، گلین‌لره دئییلر؛ اری‌نین یاسئنا باتاسان.)
۳۰ـ قارئن اوْدلا دوْلسون.
۳۱ـ قیفئلئن دوْیوْنه دوْشسوْن، آچارئن داما.
(ایش‌لرینی ئیر به ئیر ائله‌یه بیلمه‌یه‌سن.)
۲۳ـ گئت، بیر داش دا دالئنجا.
(گئدیب، هئچ واخت دا قاییتمایاسان.)
۳۳ـ گئت قاییت اوْلاسان.
(قئیزلارا، گلین‌لره دئییلر؛ ار ائوْینه گئدیب، بوْشانماق یوْخسا ارین اوْلوْموْندن دوْلایئ ئیئنی‌دن آتا ائوْینه قاییتماق آنلامئندا.)
۳۴ـ گوْلر اوْزوْن اوْلماسئن.
۳۵ـ مالئن مور اوْلسون.
(مالئن کوْرلاتیب، قورتارسئن.)
۳۶ـ اوْزوْن گوْلوْب، قاباغئن آچئلماسئن.
۳۷ـ اوْجاغئن کوْر اوْلسون.
(اوشاغئن اوْلماسئن؛ سوْن‌سوز قالاسان.)
۳۸ـ اوْغول! اوشاقدان چکه‌سن.
(ائوْلادئن ناخلف چئخسئن.)
۳۹ـ ایت پیشیک اوْزوْنه حسرت قالاسان.
(ایت پیشیک‌سیز، حئیوان‌سیز، کیمسه‌سیز، یالقئز قالاسان.)
۴۰ـ یوْکوْن آغئر اوْلسون، جیبین بوْش.



اسامی محلی بعضی از داروها و بیماریهای دامی و درمانهای سنتی منطقهٔ آذرشهر

دکتر حسن- م. جعفرزاده

مقدمه:

یکی از مسائل اشتغال به کار دامپزشکی برای فارغ التحصیلان رشته های دامپزشکی در اوایل کار، وجود اصطلاحات محلی برای بعضی از بیماریها، داروها و اصطلاحات دامپزشکی می‌باشد. تحصیل در محیطی آکادمیک و کار در محیطی سنتی که در تحصیل تمامی اصطلاحات به صورت علمی و در محل کار و در برخورد با صاحبان دام و روستائیان مواجهه با اصطلاحات محلی و بومی بعضاً مسبب آن است که دامپزشک نتواند به نحو احسن با دامدار ارتباط برقرار کند، چرا که به زعم دامدار اصطلاحات رایج توسط روستائیان یک نام علمی و شناخته شده است. در کشور پهناوری مثل ایران با وجود زبانهای مختلف اگر دامپزشکی با چنین اصطلاحاتی مواجه گردد و از طرفی به زبان محلی ناوارد باشد مشکلات دو چندان خواهد شد. مسئلهٔ دیگر، به کار بستن درمانهای سنتی توسط بعضی از صاحبان دام می باشد. صاحب دام بعد از اعمال درمانهای سنتی، چون عاجز می ماند در مرحله آخر به دامپزشک مراجعه نموده و اکثراً درمانهای سنتی به کار گرفته را پنهان می سازند، در چنین وضعیتی اگر دامپزشک از درمانهای سنتی موجود در منطقه آگاهی داشته باشد، بعضاً از علائم موجود بر روی دام یا از طریق زیرکی در مرحله اخذ

تاریخچهٔ بیماری از دامدار می تواند به درمان اعمال شده بر روی دام آگاه شده و در درمان، موارد موجود را مدنظر قرار دهد و البته این یک طرف قضیه است. بعضی از درمانهای سنتی مثل درمان یا به عبارت بهتر پیشگیری که بر روی بیماری "پلوروپنومونی بزان" اعمال می شود، یک عمل علمی به شمار می‌رود که همان واکسیناسیون است. امروزه بر کسی پوشیده نیست که طب سنتی به خصوص شاخه گیاه درمانی به صورت آکادمیک در علم طب مطالعه می شود. این شاخه از علم طب روند تکاملی خویش را در بطن مردم طی کرده است و جزو فلکولور به شمار می رود. در چنین مواقعی برخی از این قبیل درمانها در جایی که به دارو دسترسی نیست به کار گرفته می شود و بعضی نیز در نوبه خود زمینه اکتشافات جدید بوده اند.

در این مقاله سعی شده است که:

۱- اصطلاحات محلی و بومی را در برخورد با دامداران و دامپزشکان بومی جمع آوری نماید.

۲- در این مقاله سعی شده است اصطلاحات ترکی را در حد متعارف در حیطهٔ کار دامپزشک و با ترجمهٔ فارسی برای کسانی که زبان آنها ترکی نیست، انتقال دهد.

۳- این مقاله قصد تأیید و یا رد انواع درمانهای سنتی و بومی منطقه را ندارد و صرفا" محض اطلاع رسانی ارائه شده است.

٤- اصطلاحات ارائه شده و درمانهای ذکر شده در برخورد با دامداران و دامپزشکان منطقهٔ آذرشهر (آذربایجان شرقی) جمع آوری شده است. این اصطلاحات در مواردی شهر به شهر حتی روستا به روستا فرق دارد. اما می‌توان اظهار نظر کرد که اصطلاحات و حتی درمانهای سنتی کم و بیش در آذربایجان به یک شکل هستند.

درمانهای سنتی رایج در منطقه‌ی آذرشهر

نوع مادهٔ درمانی و روش استفادهٔ آن	در بیماری
خوراندن خاک کهنهٔ دیوارهای خشتی به حیوان	چسبندگی زالو به گلو
ریختن نفت برروی زخم	زخم باز شده اکتینومایکوز
مالیدن روغن ماشین روی پوست جرب دار	کچلی
مالیدن روغن ماشین (گریس) برروی پستان	ورم پستان
تزریق نفت سفید به صورت زیر جلدی	اورام مفاصل
ریخت شیر یا دوغ به چشم	آگالاکسی
ریخت الکل به دماغ	در چسبندگی زالو به گلو یا بینی
ریختن الکل به مفاصل درگیر و مشت و مال دادن با کاه	آرتریت
خوراند روغن سوختهٔ موتور یا مالیدن آن به اطراف بینی	نفخ
خوراند سماق یا زاج سفید	تب برفکی/ F.M.D
دود دادن اسپند	تب برفکی/ F.M.D
بستن کیسهٔ خاکستر داغ یا کاهی که در آب جوش داغ شده به پشت حیوان	سرما خوردگی
داغ زدن کپل یا پشت حیوان	تخته بند
خوراندن شکر یا شربت (آب و شکر)	تخته بند
خوراندن شکر یا شیرینی	جفت ماندگی
با سنگ پا محل مورد نظر را مالش می دهند تا خراش ایجاد شود، سپس دارویی متشکل از	کچلی

(روغن سوختهٔ موتور+ نمک + گوگرد) بـه محـل می مالند	
چئیتماق (چند برش دادن)	مارگزیدگی
سوزاندن کلیتوریس در گاو ماده	جهت نگه داشتن جنین
قاتـیق قویماغیٔ (کاچی ماست) متـشکل از آرد و ماست را به موضع چرکی می مالند	آبسه
روغن اکتیول	آبسه
بستن لنگه کفش به انتهای جفت	جفت ماندگی
مالیدن "ارمنی گیلی" (نوعی خاک سرخ رنگ) بـه پستان	جهت رفع تب و ورم پستان
علف ککیره (گل گندم) + انششک تزگی (مـدفوع خشک شد الاغ) + داروی وارستان	گنهٔ زنبور عسل
آلوده کردن تکه نخ یا پارچه بـه ترشـحات قفـسهٔ سینهٔ حیوان مبتلا و خشک کـردن آن و رد کـردن آن از غضروف گوش بز سالم (مایه کوبی)	در پلوروپنومونی بزان

نام محلی بعضی از داروها

نام محلی دارو	ترجمهٔ تحت اللفظی	آوانگاری ترکی	نام علمی دارو
لیل وثریم- نیل وثریم	-----	Lilverim-Nilverim	لوامیزول
قاتـیق داوا	داروی ماست	Qatıq dava	آلبند ازول
تراماٹیس	-----	Tramays	اکسی تتراسایکیلین

کاتوزال هندی	Qan iynəsi	آمپول خون	قان ایینه سی
لینکو اسپکتین	Ag iynə Ag Tramays	آمپول یا ترمایسین سفید	آغ ایینه- آغ تراماٰیس
اکسی تتراسایکلین	Qərə qulaq	سیاه گوش	قره قولاق
اکسی تتراسایکلن	kechi davasi	داروی بز	کئچی داواسئ
نیکلوزومایید	Kədu həbbi	قرص کدو	کدو حبیی
واکسن آگالاکسی	Yel boz Iynəsi	آمپول باد خاکستری	یئل بوز ایینه‌سی
داروهای ضد انگل خارجی (مکتومیل و ...)	Hamam davasi	داروی حمام	حامام داواسئ
سولفادیمیدین	Ishal davasi	داروی اسهال	ایسهال داواسئ
آلبندازول	Ag dava	داروی سفید	آغ داوا
رافوکساناید	Kəpənək davasi	داروی پروانه	کپنک داواسئ
لوامیزول	Qızıl qurd davası	داروی کرم طلایی	قیزیئل قورد داواسئ
لوامیزول	Beş qoyun Tozu	گرد پنج گوسفند	بئش قوْیون توْزو
آلبندازول	qara qord həbbi	قرص کرم سیاه	قارا قورد حبیی
سالینومایس	qan ishal davasi	داروی اسهال خونی	قان ایسهال داواسئ
دام کرم	Yelin davası	داروی پستان	یئلین داواسئ
کر م فنیل بوتازون	Qiç agrımaq	داروی درد پا	قیچ آغریماق

داواسئ		davası	
ایشلتمک داواسئ	ضد یبوست	ishlətmək davası	پودر سولفات منیزیم
ایسهال شربتی	شربت اسهال	ishal sharbati	شربت سولفادیمیدین
ایت حببی	قرص سگی	it həbbi	پرازی کوانتل (درونسیت)
فیسقیرماق	پاشیدنی	Fısqirmaq	انواع اسپری
قیزمیزئ داوا	داروی قرمز	Qırmızı dava	گلیسیرین یده
شوّل داواسئ	داروی اسهال	şol davasi	E+Sel (کاتوزال)
گوّداش	-----	Güdash	کات کبود

نام محلی بعضی از بیمارهای

نام محلی	ترجمهٔ تحت الفظی	آوانگاری ترکی	نام علمی
گنه وورماق	گنه زدن	Gənə vurmaq	تیلریوز
سارئلئیق	زردی	Sarılıq	تیلریوز
قیزدیرماق	تب دار شدن	Qızdırmaq	پیروپلاسموز
دباغ	-----	Dəbag	تب برفکی (F.M.D)
جیئهر ازمه	له شدگی جگر	Ciyər əzmə	قانقاریا
یئل بوّز	باد خاکستری	Yel boz	آگالاکسی
شیرنه(شیرنک)	-----	Şirnək	کچلی

قیچ آغرییماق	پا درد	qıç agrımaq	ریکتز
قودوز	درنده	Quduz	هاری
صورات فیری یا کوتووو	فر صورت پا تورم	Surat firi	اکتیومایکوز
چره‌تمه		Çərətmə	شاربن
قان ایشه‌مک	خونروی	qan ishəmək	شاربن
اؤدوّ شیشمک	ورم کیسهٔ صفرا	Ödü shishmək	آنتروتوکسمی
دالاق	طحال	Dalaq	نفخ
دلیجه	دیوانه مانند	Dəlicə	آنتروتوکسمی
چیچک- گوّل	گل	Çiçək-gül	آبله/ POX
توّک یئمک	مو خوردن	Tük yemək	پیکا خواری



محمّد شاهزاده
ایله
ملئیکه خانـیم

محمّد عبادی قاراخانلو «آلیشئیق»

ناغیل یازان: محمّد عبادی قاراخانلو «آلیشئیق»

ناغیل سؤیله‌ین: آشئیق بایرام دره‌چیچکلی- ۸۳ یاشلی

ناوار وئرن: عزت عزتی قارانقوشلو

شاه ایسمایئیلئین مشهور آشئیق داستانی‌نا اساسن شـاه ایـسمایئیل اوچ گـؤزلی آلیب اؤز یوردونا قایئیتمیشدیر. اونلار «گؤل‌عوذار خانـیم»، «رمـل‌دار پـری» و «عربـی زنگی» اولموشلار. آنجاق داسـتانا اساسـن شـاه ایـسمایئیلئین او بیـری خانیملارئیـندان اؤولادئ اولمایئیب تکجه عربی زنگی‌دن «محمّد شاهزاده» آدیندا بیر اوغلو اولموشدور. هله محمّد شاهزاده اوشاق ایدی کی، شاهئ یاتاغیندا ایلان وئروب دونیـادان کؤچـدو. بئله لیکله مملکتین شاهلیق ایختیارئ عربی زنگی‌یه وئریلدی. عربی زنگی اوغلو محمّد شاهزاده‌یه یاخشئ میرزه‌لر توتوب درس اوخوتدوردو، سونرا پهلـوانلارئن یانیـنـدا اونـا دؤیوش مشقی اؤیرتدیردی. محمّد شاهزاده بـو ایـشلری اؤیرنیـب قورتارانـدان سـونرا آناسئ عربی زنگی شادلیق مجلیسی قوروب، بیر آشئیق چاغیردئ. آشـیق او مجلـیس‌ده بیر محبّت داستانئ صؤحبت ائله‌دی.

مجلیس باشا چاتـیب محمّد شاهزاده گئتدی اؤز یاتاغیندا یاتسین. آنجـاق آلله تعالادان آرزو ائله‌دی کی، ائی کاش او آشئیق دئین داستانئن قهرمانئ کیمی منـیم ده بیـر

سئوگیلیم اوْلایدئ دالئینجا گئدیب آلیب گتیره‌یدیم. سوْنرا محمّد شاهزاده باشئین آتیب یاتدئ.

گئجه‌نین بیر یاریسئ یوخودا گؤردوْ باشئ‌ئین اوْستوْنده الینده باده بیر دروْیش دایانیب.

- اوْغول! محمّد آل بو باده‌نی ایچ.
- آغا! بو نه باده‌سی‌دیر؟
- اوْغول بو سئوگی‌لری بیر- بیرینه چاتدئیران باده‌دیر.

محمّد شاهزاده آلیب باده‌نی ایچدی.

- آغا! اوْره‌یئم اوْد توتوب یانیر، منه بیر تسللی.
- اوْغول! باخ بو ایکی بارماغئمئین آراسئندان گؤر نه گؤروْرسن؟
- آغا! بیر شهر گؤروْرم، اوْ شهرده بیر قصر گؤروْرم، اوْ قصرین کولا فرنگی‌سینده بیر گؤزل قیز گؤروْرم.
- اوْغول! اوْرا «سمرقند شهری»دیر. اوْ قیز سمرقندین شاهی «قئیس پادشاه»ئین قیزئ «ملئیکه خانئیم»دیر. اوْنو سنه گؤسترده‌ییم تکین سنی ده اوْنا گؤستردیم گئت زحمت چک مورادئینا چات.

محمّد شاهزاده بیرده باخدئ گؤردوْ دروْیش قئیب اوْلوب.

سحر صوْبح آناسئ، عربی زنگی، گلدی محمّدی اوْیاتماغا، گؤردوْ آغزئ اوْسته دوْشوْب یئره آغزئندان کؤپوْک قالخیر، ساچلارئن یوْلاراق باشلادئ آغلاییب قیشقیرماغا. نه قده‌ر حکیم گتیردیلر محمّدین دردیندن باش تاپان اوْلمادئ. آخیردا بیر چوْخ بیلمیش ایپک قارئ تاپدیلار قارئ گلیب محمّدین آغزئ‌ئین کؤپوْیوْندن دادیب دئدی: «هئچ قوْرخمایئین بونون باشینا گلن منیم اوْغلومون باشینا گلسین. آغاسئ بونا سئوگی باده‌سی وئریب بیر هفته‌دن سوْنرا بو آییلیب سئوگی‌سی‌نین

دالیئنجا گئتمه‌لی اولاجاق. باجارساز قوْیماییْن گئتسین. آشیقدان زاددان گتیرین یاْئیندا چالسیْن اوْخوسون بلکه بو هاوا بونون باشیْندان چیْخسیْن.»

محمّد شاهزاده بیر هفته‌دن سوْنرا یوخودان آییْلیْب دئدی: «آنا من سیْزگیلیمین دالیئنجا گئتمه‌لی‌یم». آلدی گوره ک شعرلر نئجه دئدی:

جانیم آنا، گوْزوْم آنا — ایذنی کرم ائیله گئدیم.
سنه قوربان اوْزوْم آنا — ایذنی کرم ائیله گئدیم.

آلدیْ آناسیْ:

جانیم بالا، گوْزوْم بالا — ایذنی وئرمرم گئده‌سن
من چکرم آهیْ بالا — ایذنی وئرمرم گئده‌سن

آلدیْ محمّد شاهزاده:

جیگر اولدو هزار پارا — حسرت قوْیما منی یاْرا
گوْل قیسمت اولماسیْن خارا — ایذنی کرم ائیله گئدیم

آلدیْ آناسیْ:

سن قولاق وئر بو صوْحبته — تاب گتیرمزسن موْحنته
گئدیب دوْشرسن قوْربته — ایذنی وئرمرم گئده‌سن

آلدیْ محمّد شاهزاده:

«محمّدم» گلدیم جانا — یاْندیْ باغریْم دوْندوْ قانا
آند وئریرم یاْرادانا — ایذنی کرم ائیله گئدیم

آلدیْ آناسیْ:

«عرب زنگی»نین سوْزلری — سینه‌مده یاْغیْ کوْزلری
داها گوْزله‌مه بیزلری — ایذنی وئریرم گئده سن

چوْن عربی زنگی‌نین اوْز باشیْنا دا بو ایشلر گلمیشدی، بیلیردی کی، محمّدی ساخلاماق اولماز اوْدور کی، اوْنا گئتمک ایجازه‌سین وئردی.

محمّد شاهزاده آتاسی‌نئین «قمردای»ئین مینیب للەسین ده گؤتۆروب یۆلا دۆشدۆلر. بیر قدەر گئدندن سۆنرا گؤردۆلر یۆلون قئیراغئندا بیر بزیرگان، قفلەسی ایله دۆشوب دینجلمکدەدیر. آلدئ گؤرەک محمّد شاهزاده نه دئدی:

باشئنا دؤندۆیۆم بریزگان باشئ — بو یۆللار دا سمرقنده گئدیرمی؟
آیاغئنا دیمەسین یۆللارئن داشئ — بو یۆللار دا سمرقنده گئدیرمی؟

آلدئ بزیرگان:

قۆجا بابان آلسئن سنین قادانئ، — بو یۆللار دا سمرقندین یۆلودور.
دانیش بیر ده من ائشیدیم صدانئ — بو یۆللار دا سمرقندین یۆلودور.

بزیرگان دئدی:«اۆغول! ایندی سمرقند ده اون دۆققوز (۱۹) مملکتین پادشاهئ قۆشونو ایلا داوا ائتمکدەدیر. اۆنلارئن هامئسئ اۆرانئن شاهئ‌نئین قئیزئ ملئیکه خانیمئ ایستەییرلر ملئیکه خانیم دئیب «وئوروشون هر هانسئز مئیداندا قالسا اۆنا گئدەجەیم». اۆغول! سنین اۆرا گئتمەیین مصلحت دئییل».

آلدئ محمّد شاهزاده:

بیر آه چکیب من کؤکسۆمۆ اۆتۆررم — اینشا الله کی، مطلبیمه یئتیررم
بو مئیدانـدا من ده جیدا گؤتۆررم — بو یۆللار دا سمرقنده گئدیرمی؟

آلدئ بزیرگان باشئ:

قۆجا بابا سۆزلریندن راضئ‌دئیر — بیر دیء اۆ چکدی‌ئین کیمین نازئ‌دئیر
سۆیله سمرقنده کیمین قئیزئ‌دئیر — بو یۆللار دا سمرقندین یۆلودور.

آلدئ محمّد شاهزاده:

سحرین صۆبحۆنۆن دان اولدوزودور — گؤزلری جئیران‌دئیر اۆزۆ قوزودور
سمرقند ده قئیس شاهئین قئیزئ‌دئیر — بو یۆللاردا سمرقنده گئدیرمی؟

آلدئ بزیرگان باشئ:

سن کی، یۆخسان مین خیالا دالئبدئیر — هئیوا تکین سارالئبدئیر، سۆلوبدور

دؤرد بیر یاتئن قوشون- لشکر آلیبدیر بو یـوللـلار دا سمرقـندین یولودور

بونلار بزیرگان باشیندان یولو سورۇشوب آیریلاندا بزیرگان باشئ دئدی:

بو یول «قارا دئو» مکانئ‌تین یاتئندان کئچیر. اونلار ایکـی قارداشـدیرلار. بیـری «آغ دئو» بیری «قارا دئو»، اونلار آدام یـئـیه‌ندیرلر. اولمایا کی، یولدان چیخیـب سـولا- ساغا دؤنه‌سیز. بونلار حلال- هیمّت ائله‌ییب یولا دؤشدولر.

بیر قده‌ر یول گئتمیشدیلر قاباقلارینا بیر جئیران چیخدئ محمّد شاهزاده اوخـو قویـوب کامانئن چیللـه‌سی‌نه جئیرانئن قیچیندان ووردو. جئیران یئره یـئیخیلدئ. قاچدئ جئیرانئ توتسون جئیران قالخیب قاچیب گئدیب بیـر قـده‌ر آرالـئدا یـئـنه یـئـیخیلدئ. محمّـد شاهزاده دؤشدو جئیرانئن دالینجا. جئیران گئتدی چیخدئ بیر داغـئن باشـینا. محمّـد ده جئیرانئن دالینجا چیخدئ داغا. سن دئمه بو جئیران قارا دئوین تیلیسم جئیرانئ ایمـیش. گؤردو بیر قارا دومان گلدی محمّد شاهزاده‌نی بؤروییـوب اؤزو ایلـه آپـاردئ. بـو قـارا دومان همن قارا دئو ایدی. اونو آپاریب اؤز ساراییـنا. آناسئ «عیفریتـه»یه دئـدی: «بـو گؤن یاخشئ بیر بنی آدم شیکار ائله‌میشم. اونو قـیزارت قارداشیم آغ دئوی ده چاغیریم یـئـیه‌ک. آناسئ دئدی: «بو گؤن حالیم یوخدور. اونو اؤتور بیزیم بو مئیوه‌لی باغا بیر آز دا کؤکه‌لسین. بیر هفته‌دن سونرا کسیب یـئـیه‌ریک.

سیزه دئییم لـله‌دن. لـله ها گؤزله‌دی گؤردو محمّد شاهزادن خبر اولمـادئ. چـاره‌سـیز قالیب قمر دایئ دا گؤتوروب قاییـتدئ دربارا. ائله او زامان عربی زنگی کولا فرنگـی‌دن باخیردئ گؤردو محمّد شاهزاده‌نین آتین لـله چکیب گتیریر. آلدئ گؤرک نه دئدی:

باشیـنا من دؤنوم گول اوزلو لـله لـله سؤیله گؤروم محمّدیم نئجه اولدو؟

سنین هئچ بیر آرزون گلمه‌سین اله لـله سؤیله گؤروم محمّدیم نئجه اولدو؟

آلدئ لـله

باشیـنا دؤندوییوم گول اوزلو خـائیم اوره‌ییمه فلک دیـدی نئـیله‌ییم

بیر سروانئ قفله‌سی ایله اوچوردوم من یازیغئ ملول قویدو نئـیله‌ییم

آلدئ عربی زنگی:

گؤردۆیۆم‌مؤحنت‌دیر؛چکدی‌یئم‌ظۆلۆم کۆر اۆلسون گؤزلریم لال اۆلسون دیلیم

گـۆل اۆزلـۆ بـالادان اۆزۆلـدۆ الـیم لـله‌سۆیله گؤرۆم محمّدیم نئجه اۆلدو؟

آلدئ لـله:

شیکار اۆچۆن قـئیزئل قوشو گؤتۆردۆم گـؤتـۆرۆبـن بیـر مکانا ئـئتیردیم

دئـــۆلـــر مـکانئـندا اۆنـو ایـتـیـردیـم منیم کؤنلۆم قارا گئـیدی نئیله‌یئم

آلدئ عربی زنگی:

«عربی زنگـــی»یئم گلمیشم جانا ائشیـت بـاش ایئمـرم سولطانا خانا

شیکایئت ائیله‌رم قادیر سوبحانا لـله‌سؤیله‌گؤرۆم‌محمّدیم‌نئجه‌اۆلدو

آلدئ لـله:

«لـله»یئم دۆشمۆشم بلایا، اۆدا اۆره‌یـیم سیـزلایـار دۆشنده یادا

مـحمّد عؤمرۆنۆ وئریبدیر بادا اۆ الیف قددیمی ایدی نئیله‌یئم

بونلار بورادا قالماقدا اۆلسونلار سیزه دئییم محمّد شاهزاده دن.

عزیز اۆخوجولار گلن نۆمره‌ده اۆخویارسیز کی، محمّد شاهزاده نه جۆر قارا دئوی اۆلدۆرۆر و گتدیر ملئیکه خانیمئ آلیر.

فرهنگ فارسی آذربایجانی

بهای روی جلد:۱۳۵۰۰ تومان

بهای فروش با تخفیف مخصوص تا ۱۵ خرداد ۱۳۸۵

سفارش مستقیم۱۱/۵۰۰ تومان کتابفروش‌ها ۱۲/۵۰۰ تومان

یادآوری

سفارش دهندگان مستقیم مبلغ ۱۱/۵۰۰ تومان به حساب: تهران- بانک ملت شعبه سرو (کد۶۵۸۲۱) به حساب جاری ۱۳۰۳/۰ بنام بهزاد بهزادی حواله فرموده و شماره فیش بانکی و آدرس خود را بوسیله تلفن پست، فاکس و پست الکترونیکی به نشانی فصلنامه آذری اطلاع دهند تا کتاب برای آنها ارسال گردد.

خوانندگان محترم فصلنامه آذری

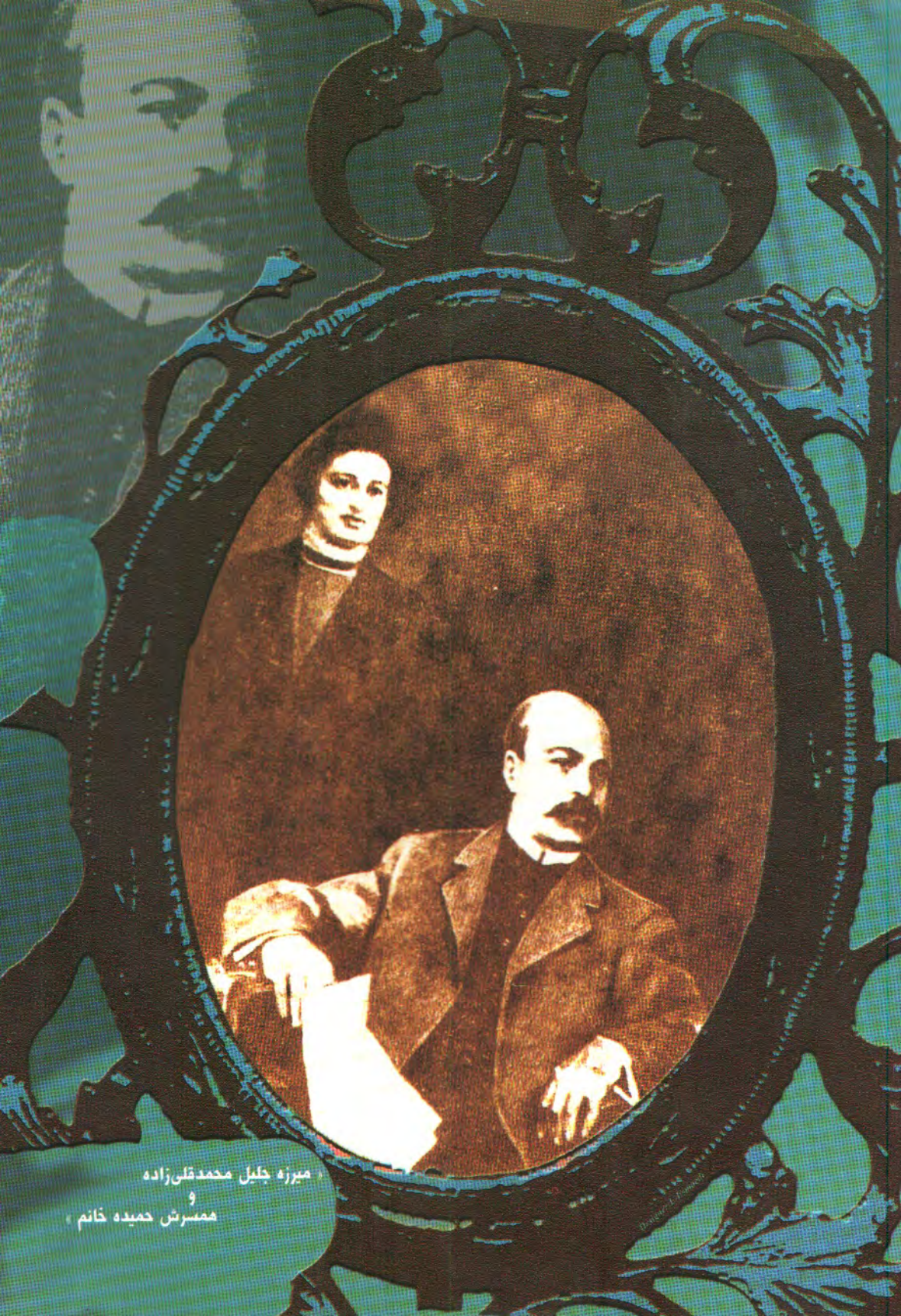
با توجه به همکاری و همیاری شما در ادامه انتشار مجله و با در نظر گرفتن هزینه‌های جاری بهای فروش مجله را در سال **۱۳۸۵** (از شماره ۱۱) بشرح زیر باطلاع می‌رساند.

تکفروشی ۱۵/۰۰۰ ریال

اشتراک سالیانه ۵۵/۰۰۰ ریال

اشتراک سالیانه (خارج از کشور) ۳۵ دلار

داوطلبان اشتراک با واریز مبلغ بالا به حساب بانکی فصلنامه و اطلاع تلفنی نشانی خود به دفتر فصلنامه، بدون هرگونه تشریفات دیگر،آبونه گردند. مجله به نشانی مشترک ارسال خواهد شد.



« میرزه جلیل محمدقلی‌زاده
و
همسرش حمیده خانم »